

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال سیزدهم

شماره پنجاه

بهار ۱۴۰۳

شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲



فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: کیومرث ایراندوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای تحریریه بین‌المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): ایزدی، محمد سعید؛ پژوهان، موسی؛ ثابت تیموری، مرگان؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ خانی، سعید؛ خلیجی، محمد علی؛ درویش، بهروز؛ زمانی، بهادر؛ سجادزاده، حسن؛ عزیزی، محمد مهدی؛ لطفی، صدیقه؛ مدیری، آتوسا؛ یوسفی، زاهد.

تلفن: ۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه آرا: جواد ده ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با درجه علمی-پژوهشی منتشر می‌شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RICEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می‌شود.

مطالعات شرکت

فهرست

- بررسی تاثیر حیات پذیری فضاهای سکونتی قشر کم درآمد بر توانمندسازی ساکنان آن
نمونه مورد مطالعه: چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز | زهرا شاهی حق، مینو قره بگلو، حامد بییتی
۳
- جستاری در مطالعات «خاطره‌ی مکان» در پژوهش‌های فارسی زبان (مروری بر سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۱)
نینا فصلانی، آزاده آقالطیفی، مرجان السادات نعمتی مهر، حمید ندیمی
۱۹
- تحلیل و ارزیابی مصوبات (دوره پنجم) شورای اسلامی شهر تهران
ارسطو یاری حصار، علی دشتی
۳۳
- جایگاه خدمات اکوسیستم در برنامه‌های توسعه شهری اراک: واقعیت‌ها و ضرورت‌ها
نجمه سادات مصطفوی، پروین پرتوی، زهرا اسدالهی
۴۷
- سنجش تاب‌آوری شهری در برابر مخاطره سیل با استفاده از شاخص‌های ترکیبی
نمونه مورد مطالعه: شهر خرم‌آباد | یعقوب ابدالی، حسین حاتمی نژاد، سعید زنگنه شهرکی، احمد پوراحمد، محمد سلمانی
۶۱
- تحلیل جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در شهر بجنورد
محمدرضا ضمیری، مهین نسترن، محمود قلعه نویی
۷۷

بررسی تاثیر حیات‌پذیری فضاهای سکونتی قشر کم‌درآمد بر توانمندسازی ساکنان آن

نمونه مورد مطالعه: چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز

زهرا شاهی حق - دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
مینو قره بگلو - استاد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
حامد بی‌تی - دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۴ خرداد ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۸ مرداد ۱۴۰۲

چکیده

مسکن یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، راه‌حل اقشار کم‌درآمد جامعه به مسئله مسکن بوده و به تدریج منجر به معضلات گوناگونی شده و این سکونتگاه‌ها را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. البته رهیافت‌های مختلفی برای حل این معضل ارائه شده که توانمندسازی یکی از به‌روزترین و کارآمدترین آنهاست؛ مهم‌ترین محور آن هم کسب قدرت کنترل و تسلط بر نیروهای تأثیرگذار بر حیات انسانی است. بنابراین هدف پژوهش بررسی رابطه حیات‌پذیری فضاهای سکونتی قشر کم‌درآمد با توانمندسازی ساکنان آن بوده و در پی پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل بیشترین تأثیر را بر حیات‌پذیری فضاهای سکونتی و توانمندسازی ساکنان آن دارد؟ و هر یک از این عوامل چگونه بر شکل‌گیری رابطه بین این دو در صورت وجود، اثر می‌گذارند؟ براساس ادبیات موجود الگویی از مؤثرترین ابعاد و معیارها برای حیات‌پذیری فضاهای سکونتی و توانمندی ساکنان آن استخراج گردید. به منظور ارزیابی الگوی نظری، چهار محله مسکونی در چهار پهنه حاشیه‌نشین شهر تبریز (محلات سیلاب، ابوذر، زمزم و آخماقیه) انتخاب و با روش پرسشنامه در بستر مطالعات میدانی اقدام به بررسی شد. شیوه پژوهش پایه‌ای این پژوهش، همبستگی است که با تبیین الگوی معادله‌های ساختاری، حیات‌پذیری به‌عنوان متغیر مستقل و توانمندسازی به‌عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس با اعمال هر سنجه و جایگاه هر یک از متغیرهای الگوی نظری تعیین شد. یافته‌های پژوهش بر اهمیت ابعاد حیات‌پذیری فضاهای سکونتی در توانمندسازی ساکنان آن دلالت دارد و نشان می‌دهد، توانمندسازی ساکنان در راستای تحقق معیارهای حیات‌پذیری فضاهای سکونتی قرار دارند. همچنین مؤثرترین بعد در حیات‌پذیری فضاهای سکونتی بعد ادراکی-معنایی و مؤثرترین بعد در توانمندسازی ساکنان، بعد روانی (شناختی) است؛ که معیارهای ادراکی-معنایی حیات‌پذیری بیشترین تأثیر را بر توانمندی روانی ساکنان دارد. در پهنه‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز، پهنه شمالی نسبت به سایر پهنه‌ها از حیات‌پذیری و توانمندسازی پایینی برخوردار بوده و نیازمند توجه ویژه است.

واژگان کلیدی: مسکن، سکونتگاه‌های غیررسمی، توانمندسازی، حیات‌پذیری، تبریز.

نکات برجسته

- هر عاملی که سبب حیات‌پذیری فضاهای سکونتی شود، توانمندی ساکنان آن را نیز افزایش می‌دهد.
- مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بعد به منظور توانمندسازی ساکنان، مؤلفه‌های بعد ادراکی-معنایی حیات‌پذیری (حس تعلق، امنیت، اعتقادات مذهبی و روش زندگی) است.
- به منظور توانمندسازی اقتصادی، معیارهای مادی حیات‌پذیری بیشترین تأثیر را دارند؛ همچنین معیارهای عملکردی-فعالیتی حیات‌پذیری دو بعد از توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی و معیارهای ادراکی-معنایی حیات‌پذیری بیشتر توانمندی روانی ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.
- پهنه شمالی در میان سایر پهنه‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز، به‌علت پایین‌ترین میزان حیات‌پذیری، دارای کمترین میزان تحقق مؤلفه‌های توانمندسازی است که باید به آن توجه ویژه شود.

۱. مقدمه

تعالی هر جامعه در گرو رفع نیازهای اولیه افراد آن است و مسکن به عنوان یک سرپناه از اساسی ترین نیازهای انسان به شمار می رود. در تمامی جوامع، تنوع درآمد در بین افراد اجتناب ناپذیر بوده و طبیعتاً افراد با درآمد مناسب قادر به تأمین نیازهای مختلف خود هستند، اما اقشار کم درآمد قادر به رفع نیازهای اساسی خود از جمله تأمین مسکن، نخواهند بود (Nikzad, 2017). در حال حاضر حدود یک میلیارد نفر از مردم جهان در سکونتگاه های غیررسمی زندگی می کنند که دارای ضریب تراکم نسبتاً بالا، پیاده محور و فاقد زیرساخت های لازم هستند. اسکان های غیررسمی به مثابه یکی از چهره های بارز فقر شهری، درون یا مجاور شهرها به شکلی خودرو، فاقد مجوزهای ساختمانی و برنامه رسمی شهرسازی شکل می گیرند. مهم ترین دلیل شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی ناتوانی افراد در دستیابی به مسکن در بازار رسمی است که موجب می شود، مردم سرپناه خود را در چارچوب های غیررسمی تدارک ببینند (Rezaei & Zargham, 2021). از این رو برنامه ریزی برای حمایت از این گروه، پیش نیاز برقراری عدالت اجتماعی و لازمه شکل گیری یک جامعه مترقی و متوازن است (Nikzad, 2017). به همین دلیل در سطح جهانی، به ویژه در کشورهای جهان سوم، رهیافت های مختلفی برای حل مسئله سکونتگاه های غیررسمی ارائه شده است. از پذیرش این سکونتگاه ها تا طرد آنها در ساختارهای شهری دو طیف برخورد با سکونتگاه های غیررسمی بوده است. اما امروزه توانمندسازی، بهترین راهبردی است که می تواند با حفظ اصل کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، به رشد توانمندی ها و ارتقای سطح زندگی ساکنان منجر گردد (sahmpoor & maroofnezhad, 1400). این راهبرد دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی داند، بلکه برای مقابله با مسائل این گونه سکونتگاه ها، می بایست رویکرد توانمندسازی را درپیش گرفت (Saeedi Rezvani, 2012). توانمندسازی فرایند قدرت بخشیدن به افراد است تا حس اعتماد به نفس خویش را تقویت نمایند و بر احساس ناتوانی خود چیره شوند که منجر به بسیج انگیزه های درونی افراد خواهد شد (Whetten & Cameron, 2000). این رویکرد به دنبال تقویت ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی این سکونتگاه ها به صورت جامع است. در ایران نیز از سال ۱۳۸۰ رویکرد توانمندسازی مورد توجه قرار گرفت (Khalajati et al., 2021)؛ اما مسئله ای که حائز اهمیت است، آنست که طرح های بالادستی و توانمندسازی محلات حاشیه نشین شهری، به توفیق مناسبی دست نیافته اند (Motaghd & Sajadzadeh, 2022). یکی از علل آن این است که ریشه های اسکان غیررسمی در سطوح خرد، میانی و کلان قابل رصد است، پس باید راهبردهای مدیریت مسئله هم در سطوح مختلف دیده شود. رویکرد توانمندسازی در سطوح کلان و میانی با نقدهایی همراه است. اما این رویکرد در صورت اجرای کامل، در سطح خرد مقصد قابل اجراست. مقصود از این بخش، راهبردها و راهکارهایی است که به طور مشخص در ارتباط با خود سکونتگاه های غیررسمی و ساکنان آنها تعریف و عملیاتی می شود و خود ساکنان در آن نقش دارند. رویکرد توانمندسازی ساکنان این سکونتگاه ها، متأخرترین و منطقی ترین رویکرد اتخاذ شده در این سطح است (Eskandarian & Firouzabadi, 2020).

از علل دیگر عدم توفیق مناسب توجه نداشتن به کیفیات محیطی و نیازهای ساکنان است (Motaghd & Sajadzadeh, 2022). با توجه به این که حیات در بستر محیط رخ می دهد، حیات پذیری به دنبال مسئله پیوند مسکن با حیات انسان و نیازهای او از طریق توجه به کیفیت محیطی در فضاهای سکونتی به کار گرفته می شود (Hashempour & sami, 2019). بنابراین فرضیه پژوهش بر وجود رابطه معنادار بین حیات پذیری سکونتگاه های حاشیه ای تبریز و توانمندسازی ساکنان آن استوار است؛ و در پی پاسخ به این پرسش هاست که کدام عوامل بیشترین تأثیر را بر حیات پذیری فضاهای سکونتی و توانمندسازی ساکنان آن دارد؟ و هر یک از این عوامل چگونه بر شکل گیری رابطه بین این دو در صورت وجود اثر می گذارند؟

براین اساس ابتدا با مرور ادبیات موجود، ابعاد و مؤلفه های مختلف حیات پذیری و توانمندسازی تبیین می گردد. سپس در بخش روش پژوهش، ابزار و نحوه آزمون الگوی نظری در چند محله از سکونتگاه های غیررسمی شهر تبریز و روش تحلیل داده ها تشریح می گردد. با تحلیل داده ها به کمک روش الگوسازی معادلات ساختاری، یافته ها استخراج و براساس آن نتیجه پژوهش حاصل می شود.

۲. مبانی نظری

در کشور ایران، همراه با سایر کشورهای در حال توسعه جهان شاهد گسترش شهرنشینی و متعاقب آن ظهور سکونتگاه های غیررسمی بوده ایم. مهم ترین اثر و بدترین پیامد ناگوار آن مهاجرت عظیم به شهرها، شکل گیری و پیدایش بحران حاشیه نشینی است که این مناطق با مشکلات بنیادین از قبیل فقر، بیسوادی، سطح پایین آگاهی، بیکاری، سکونت و اشتغال غیررسمی دست به گریبانند (Nakamura, 2016). در حال حاضر با توجه به آمار موجود در حدود هشت میلیون نفر در ایران در این سکونتگاه ها زندگی می کنند که از دهه ۷۰ به بعد با گسترش ابعاد آن نه تنها سکونتگاه های غیررسمی، بلکه مناطق دیگر را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد (javadi et al., 2023). چرا که رشد سریع جمعیت بر سکونتگاه های غیررسمی تأثیر می گذارد، به ویژه زمانی که فقدان مسکن و زیرساخت مناسب برای ساکنان وجود داشته باشد (Baye et al., 2020). مشکل سکونتگاه های غیررسمی را می توان با توانمندکردن افراد محلی کاهش داد؛ که به معنای تقسیم مسئولیت و قدرت به رده های مختلف اجتماعی است (shaterian & Kavyani Salma, 2017, p. 63).

این پژوهش از دو مفهوم و متغیر حیات پذیری و توانمندسازی تشکیل شده است که هر یک به طور مجزا، موضوع پژوهش های متعدد بوده اند. رویکرد توانمندسازی یا اقتدار بخشی به ساکنان متأخرترین و منطقی ترین رویکرد اتخاذ شده در ارتباط با خود سکونتگاه های غیررسمی و ساکنان آنها که می تواند با حفظ اصل کرامت انسانی و عدالت اجتماعی، به رشد توانمندی ها و ارتقای سطح زندگی ساکنان منجر گردد (Eskandarian & Firouzabadi, 2020; sahmpoor & maroofnezhad, 1400).

داداشپور و همکاران دریافته اند که بین سطح توانمندی ساکنان و میزان تمایل آنها برای مشارکت در بهسازی و بالابردن کیفیت کالبدی- محیطی رابطه معناداری وجود دارد (Dadashpour et al., 2012).

۲.۱. توانمندسازی

توانمندسازی^۱ راهبردی است که در پی ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای توانمند نمودن آنها، برای حل مشکلات با اندیشه و منابع خود آنهاست (Hashempour et al., 2022, p. 67). توانمندسازی، زمینه‌سازی برای ارتقای شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به‌کارگیری ظرفیت‌های انسانی موجود است؛ بنابراین راهبرد توانمندسازی به منظور تقلیل نابرابری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، تأکید زیادی بر منشأ اولیه شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها به وسیله ساکنان آنها و یا به عبارتی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در ساکنان این سکونتگاه‌ها که منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های یاد شده می‌شود (alVán & Juanita, 2020: 35). از این رو توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق بررسی منشأ اولیه ساکنان آنها سبب شناسایی قابلیت‌ها و نقاط قوت ساکنان این سکونتگاه‌ها در راستای توانمندی آن گردیده و موجب ایجاد قابلیت در ساکنان این نوع سکونتگاه‌ها برای مشارکت فعال و آگاهانه در تأمین رفاه فردی و اجتماعی و در نهایت بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در راستای توانمندسازی سکونتگاه‌های گفته شده می‌شود (javadi et al., 2023).

نظریه توانمندسازی سارا لانگه^۲ بیان می‌کند که پاسخگویی به نیازهای اساسی از نخستین حقوق افراد است و باید هر فرد بتواند از همه استعداد و توانایی خود بهره‌برد. پنج مرحله این چارچوب عبارتند از: الف) رفاه؛ توجه به رفاه مادی و محدودیت‌ها و کمبودهای اولیه، ب) دسترسی؛ طرح مسئله نابرابری در دسترسی به منابع، ج) آگاهی؛ حساس شدن به مسائل و دلایل بروز آنها، د) مشارکت؛ فراهم شدن زمینه حضور فعال و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه و مشارکت در تصمیم‌گیری (ه) کنترل؛ یافتن قدرت تصمیم‌گیری و ارائه عالی‌ترین راه‌حل و تسلط بر اجرای آن (Keshavarz Shekari & Azarkeshb, 2017; Tajeddin & Ramadi, 2014).

از نظر نلی استرام کویست^۳ نیز توانمندسازی مفهومی اجتماعی-سیاسی بوده که از اجزای اقتصادی، سیاسی، شناختی و روانی تشکیل شده است (Stromquist, 1999). دیوید فیترومن^۴ توانمندسازی را فرآیندی متشکل از پنج سطح مطرح می‌کند که این سطوح عبارتند از: الف) آموزش؛ توانمندی‌های افراد از طریق آموزش شکوفا می‌شوند و توانایی و خوداتکایی افراد ارتقا می‌یابد، ب) تسهیل‌گری؛ تلاش برای انتقال ابزار تصمیم‌گیری، ابتکار عمل و خلاقیت به گروه‌های در حاشیه که فعالیت اعضای گروه به شکلی قابل توجه ادامه یابد، ج) حمایت؛ شامل ایجاد یکپارچگی اجتماعی، صمیمیت، تعلق، ایجاد فرصت و امکانات و فراهم کردن شرایطی برای کمک مادی، اطلاعاتی، عاطفی است، د) آشکارسازی؛ شامل اقدامات و برنامه‌هایی می‌شود که باعث ایجاد انگیزه و آگاه‌سازی در میان افراد برای همکاری با عوامل دیگر می‌شود (ه) آزادسازی؛ رهاشدن از نقش‌های جالفانده که باعث دست‌یافتن به فرصت‌های نو، مشاهده منابع موجود در چشم‌اندازی روشن و بازتعریف نقش‌ها و هویت‌های جدید برای افراد توسط

همچنین یک ارتباط دوسویه بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی وجود دارد و هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندی را نیز افزایش می‌دهد (Masoud & Haghverdian, 2012; Sargolzaee, 2017). به‌علاوه حیدری و همکاران محرکه اجتماعی را شرط انکارناپذیر هم‌پیوندی مردم-فضا و توانمندسازی محله‌های غیررسمی زنجان می‌دانند (heydari, 2020). هاشم‌پور و همکاران دریافتند سکونتگاه‌های غیررسمی، حامل ظرفیت‌های اجتماعی-مشارکتی معینی هستند و توانمندسازی ساکنان از طریق دارایی‌های محلی به توسعه اثربخش در کالبد این بافت‌ها نیز منتهی شده است. سرمایه اجتماعی با طیف گسترده‌ای از دارایی‌های نهفته در آن، مؤلفه‌ای تأثیرگذار بوده که در ابعاد عینی ناظر بر بالابردن سطح کیفیت زندگی عمومی شده است. تحقق این مهم مستلزم کاهش نابرابری‌ها از طریق سرمایه‌گذاری در قابلیت‌ها و دارایی‌های بالقوه اقشار فقیر و جلب اعتماد آنها، خلق سازوکاری نهادی برای فراگیری و مشارکت و سازمان‌های قوی آنهاست (Hashempour et al., 2022). جواد و همکاران، توانمندسازی بومی سکونتگاه‌های غیررسمی را شامل شش چرخه می‌دانند که بنیادی‌ترین چرخه "حکمرمایی" بوده و سایر چرخه‌ها به ترتیب اولویت مشارکت و اعتماد، فرهنگ و اجتماع، هویت، ادراک محیط و سرزندگی هستند. در این شش معیار بنیادی‌ترین آن "حکمرمایی" بوده، اما سایر معیارها به ترتیب مشارکت و اعتماد، فرهنگ و اجتماع (مسئولیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی درون‌زا)، هویت، ادراک محیط (امنیت، آسایش، تعلق و خوانایی) و سرزندگی (بسترسازی برای ارتقای شرایط محیطی و ایجاد فضای باز برای تقویت سرمایه اجتماعی) بسیار تأثیرگذارند (javadi et al., 2023). سرزندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی که در آن دولت‌ها نسبتاً غایب و منابع کمیاب هستند، اهمیت کلیدی دارد (Fransen et al., 2023).

در ارتباط با مفهوم حیات‌پذیری، در پژوهشی با رویکرد اسلامی به شناسایی ابعاد و ویژگی‌های حیات و سرزندگی در محله اسلامی پرداخته‌اند (Muzaffar et al., 2017). هاشم‌پور و سامی، توجه به کیفیت محیطی به منظور نیازهای حیات انسان را در حیات‌پذیری مجتمع‌های مسکونی مؤثر می‌دانند که دربرگیرنده مؤلفه‌های مادی و ادراکی است (Hashempour & sami, 2019). مظفر و همکاران در ارتباط با ابعاد حیات پایدار، از میان چهار بعد حیات پایدار، بعد اجتماعی را دارای بیشترین اهمیت در سرزندگی و حیات محله می‌دانند. بعد از آن بعد معنایی، در مرحله سوم بعد زیست محیطی و سپس بعد اقتصادی در حیات‌پذیری محله نقش دارند (Mozafar et al., 2019). براساس پیشینه پژوهش در رابطه با توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق مشارکت و بهسازی، حمایت و همیاری اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سیاست‌دارایی بر مبنای توسعه اجتماعات محلی، مطالعاتی در محلات مختلف انجام گرفته و در مورد حیات، مطالعات صورت گرفته بیشتر به بخش‌های نظری و تقسیم آن به بخش‌های گوناگون بوده است. اما در خصوص توانمندسازی از طریق حیات‌پذیری این محلات، تاکنون مطالعه‌ای صورت نگرفته است که همه ابعاد توانمندسازی را شامل شود. پژوهش حاضر نخستین قدم در جهت بررسی ارتباط دو مفهوم توانمندسازی و حیات‌پذیری در پهنه‌های غیررسمی شهر تبریز است.

1 empowerment

2 Longwe Sara H

3 Nelly Stromquist

4 Fetterman, David

خودشان می‌گردد (Fataee et al., 2014).

از نظر آمارتیا سن^۱، از سویی درآمد، ابزاری مهم در دستیابی به توانمندی است و از سوی دیگر، افزایش توانمندی در زمینه‌های غیردرآمدی، باعث افزایش درآمد می‌شود؛ که علاوه بر افزایش درآمدی، دیگر فاکتورهای کمی و کیفی در زمینه توانمندی ارتقا می‌یابد. در حالی که در مورد نخست نقش ابزاری درآمد مشروط است. پس نمی‌توان افزایش درآمد را همسان با ارتقای سطح توانمندی افراد تلقی کرد. توانمندی هر فرد عبارتست از: «توانایی و فرصت انتخاب بین ترکیب‌های گوناگون از عملکردها» (Sen, 1999). توانمندی در این تعریف، دسترسی داشتن به سطوح بالایی از امکانات و برخورداری‌ها نیست؛ در بهره‌مندی از حق آزادی، انتخاب بین عملکردهای زندگی است که در نهایت شیوه مناسب زندگی از نگرش فرد را نشان می‌دهد.

نایلا کبیر در تعریف توانمندی از سه‌گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» استفاده می‌کند. «منابع» به وجودآورنده شرایطی اند که انتخاب تحت تأثیر آنها رخ می‌دهد. «عاملیت» نمایانگر اصلی و کانون فرآیند‌گزینش است و بالاخره «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند که ابعاد سه‌گانه توانمندی در نظریه کبیر با یکدیگر روابطی متقابل دارند و تغییر در هر یک از آنها می‌تواند هدایتگر تغییرات در ابعاد دیگر باشد (Kermani et al., 2012).

توماس و ولتهوس توانمندی را مفهومی چندبعدی دانسته و آن را به عنوان فرآیند انگیزش درونی تعریف کرده‌اند که شامل چهار احساس درونی است: ۱- معنادار بودن؛ یعنی این که فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با معنا و ارزشمند تلقی کند، ۲- شایستگی؛ اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارهاست، ۳- مؤثر بودن؛ عبارتست از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را داراست، ۴- حق انتخاب؛ در حالی که شایستگی یک مهارت فردی خود تعیینی یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌هاست (Khalaji et al., 2021) و (Bednar et al., 2006) ۵-

اعتماد (Whetten & Cameron, 2011).

هویت الیور با تأکید بر توانمندسازی جامعه بیان می‌کند که جوامع می‌توانند سازماندهی بیشتری نسبت به افراد به تنهایی داشته باشند و حتی پروژه‌های توانمندسازی فردی باید جامعه، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها را در نظر بگیرند (Hoyt-oliver, 2020).

همان‌طور که مشاهده می‌شود پژوهشگران یادشده به ابعاد مختلفی از مفهوم توانمندسازی اشاره نموده‌اند که قراردادن این ابعاد در کنار یکدیگر می‌تواند به شناسایی بهتر این مفهوم از زوایای مختلف کمک کند. برخی از اندیشمندان این حوزه به جنبه‌های روان‌شناختی توانمندسازی تأکید دارند و مواردی از جمله احساس شایستگی، احساس مؤثر بودن و احساس آزادی عمل را جزو مؤلفه‌های اصلی مفهوم توانمندسازی به شمار می‌آورند. این درحالیست که بعد اجتماعی توانمندسازی در نظریات بسیاری از اندیشمندان توانمندسازی مانند سارا لانگه، نایلا کبیر و استرام کویست، هویت الیور به شدت مورد توجه قرار گرفته و عناصری مانند آگاهی بخشی، تعامل و مشارکت اجتماعی جزو مؤلفه‌های مهم توانمندسازی قلمداد شده‌اند. به عبارت بهتر، در این نظریه‌ها بر آگاه‌سازی و نیز قدرت پیوندها، تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی در توانمند ساختن افراد تأکید شده است. از سوی دیگر وجود عناصری مانند رفاه و دسترسی (لانگه)، منابع و داشته‌ها کبیر (۱۳۸۹) توانایی اقتصادی (Stromquist, 1999)، در بین مؤلفه‌های مربوط به توانمندسازی به تعبیری حاکی از این واقعیت است که بعد اقتصادی همواره از اهمیت وافری در بحث توانمندسازی برخوردار است.

بنابراین پس از بررسی نظریات و رویکردهای مطرح‌شده در رابطه با مفهوم توانمندسازی، این مفهوم شامل سه بعد اصلی توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روانی است. در یک جمع‌بندی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هر کدام از سه بعد اقتصادی، اجتماعی و روانی، از ادبیات موضوع استخراج شده و در نمودار شماره ۱ عنوان شده است.

1 Sen, Amartya Kumar

2 Thomas & Velthouse

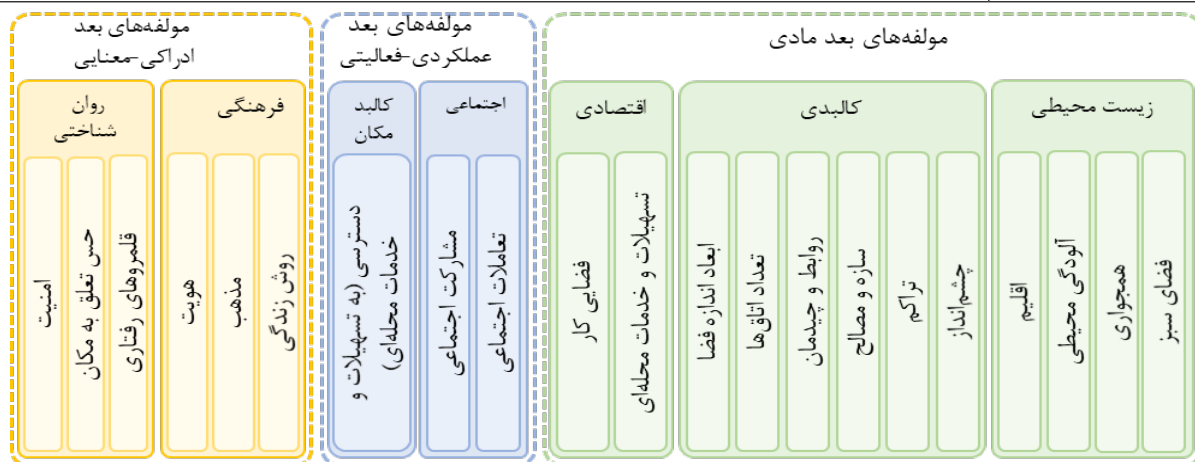


نمودار شماره ۱: توانمندسازی (Hashempour et al., 2022, p. 72) و (jahani Dolatabad & jahani Dolatabad, 2018, p. 119) و (Savari et al., 2023)

در فضاهای مسکونی است (Hashempour & sami, 2019). الکساندر معماری را مهم‌ترین سرچشمه حیات و روح انسان معرفی می‌کند (Alexander, 1979, pp. 104-105). به منظور بقای حیات در فضاهای سکونتی نیاز به سرزندگی است (Javidmehr & Hashempour, 2019). سخن گفتن از سرزندگی ساکنان، سخن گفتن از ارتقا و احیای کیفیت محل زندگی آنان است و لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آن مرتبط می‌شود. پایداری بناها و محله‌های شهری زمانی محقق می‌شود که اجزای این محله‌ها متناسب با یکدیگر و در پاسخ به نیازهای ساکنان بوده و به رابطه منطقی و مطلوب انسان و محیط بینجامد (Muzaffar et al., 2017, p. 28). در مطالعات مختلف مؤلفه‌هایی برای تحقق آن عنوان شده که به شرح جدول زیر است. با توجه به مطالعات صورت گرفته پیشین در راستای هدف پژوهش و ارتباط آن با ابعاد توانمندسازی مؤلفه‌های حیات‌پذیری در سه بعد مادی، عملکردی-فعالیتی و ادراکی-معنایی دسته‌بندی شده است که نمودار شماره ۲ ابعاد و مؤلفه‌های حیات‌پذیری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های حیات‌پذیری و سرزندگی

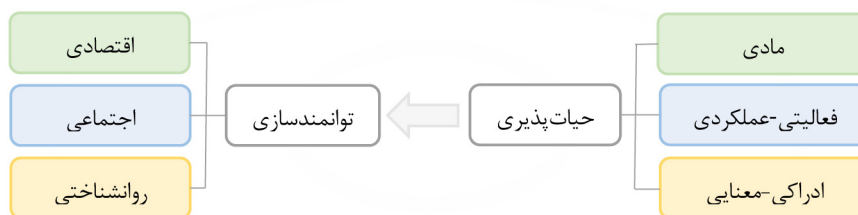
مطالعات	مؤلفه‌ها
(Javidmehr & Hashempour, 2019)	تنوع کاربری، حس تعلق به مکان، حضورپذیری، الگوبرداری از طبیعت، محیط سازگار، همجواری و خوانایی، تعادل، نظم و تناسب، امنیت، آسایش و رفاه.
(Hashempour & sami, 2019)	عوامل کالبدی (تعداد اتاق و مساحت فضاها، نوع مصالح ساختمانی، تراکم ساختمان‌ها، گونه‌شناسی بلوک‌ها، دسترسی به تسهیلات و خدمات محله‌ای و حمل و نقل عمومی) زیست‌محیطی (اقلیم، همجواری، طبیعت و آلودگی محیطی) عوامل فرهنگی (مذهب، هویت، روش زندگی) عوامل روانی (امنیت، حس مکان، قلمروهای رفتاری) عوامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی (مشارکت و پیوند همسایگی).
(Sabonchi leylabadi et al., 2020)	شاخص‌های عینی: ابعاد کلی واحد، چیدمان فضا، طراحی نما و زیبایی، نورگیری، تهویه و کوران، تراکم، فضای ارتباطی و مشترک، نحوه دسترسی سواره و پیاده، طراحی فضای سبز/ شاخص‌های ذهنی: حس امنیت، حس تعلق به مکان، روابط اجتماعی افراد.
(khalkhali & Ayvazian, 2020)	جنبه‌های کالبدی (فضای سبز، دسترسی‌ها، فضای جمعی، ویژگی‌های کیفی و کمی واحدهای مسکونی)، جنبه‌های انسانی (تعاملات اجتماعی و همسایگی)، جنبه‌های عملکردی (خدمات تجاری-رفاهی و امکانات) و زمینه‌ای (بهداشت و نگهداری).
(Safari Sheikh Ali Kalayeh & Torabi, 2022)	الگوی کالبدی (نظام فرم کالبدی و منظر، روشنایی، دلبستگی به مکان، جذابیت بصری و خاطره‌انگیزی، دسترسی‌ها و امنیت) الگوی رفتاری (نظام کاربری و فعالیت، حرکت و دسترسی و حس تعلق به مکان).
(sahmpoor & maroofnezhad, 1400)	کالبدی (عمر و مصالح و تراکم ساختمانی)، اجتماعی (انسجام، مشارکت و امنیت اجتماعی)، اقتصادی (درآمد و هزینه و مالکیت)، زیستی (بهداشت محیطی).
(Elsawy et al., 2019)	ایمنی، تعامل اجتماعی، حمل‌ونقل، دسترسی و نزدیکی به خدمات و امکانات، ویژگی‌های فیزیکی-محیطی (چشم‌انداز، پوشش گیاهی و آلودگی‌های محیطی).
(Liu et al., 2022)	فرم و آرایش ساختمان، دسترسی به شبکه خیابانی و حمل‌ونقل، خدمات و امکانات محله‌ای (فرهنگی و عمومی)، چشم‌انداز، روابط اجتماعی، درآمد، امنیت.
(PakOz & ISik, 2022)	تراکم، تنوع، تعامل اجتماعی، نفوذپذیری، امنیت، حمل و نقل عمومی، امکانات رفاهی و محله‌ای، فضای سبز، گونه‌شناسی ساختمان، هویت و اصالت.
(Li et al., 2022)	ویژگی‌های محله، فرم و عملکرد شهری، منظر، مکان و پیکربندی خیابان/ تراکم جمعیت، فضای باز، نسبت پیاده‌رو، چراغ‌های خیابان، تراکم مراکز خرید و اوقات فراغت، یکپارچگی و نزدیکی به حمل و نقل.



نمودار شماره ۲: ابعاد و مؤلفه‌های حیات‌پذیری

می‌دهند. در ادامه دو مدل و الگوی ساختاری پژوهش طبق این چارچوب به دست آمده‌اند.

با توجه به هدف پژوهش (ارتباط دو متغیر حیات‌پذیری و توانمندسازی)، در بخش نظری پژوهش سه بعد اصلی و مؤلفه‌های هریک از متغیرها به دست آمد که چارچوب مفهومی پژوهش را شکل



نمودار ۳: چارچوب مفهومی پژوهش

شهید، عباسی و از شرق به میدان ولی امر ختم می‌شود. خصوصیت این پهنه، ساخت‌وساز در شیب بسیار زیاد و مسیل‌ها، نفوذپذیری بسیار ضعیف و وجود خط گسل زلزله است.

۲. پهنه حاشیه‌نشین شمال غربی (محل پارک بزرگ تبریز):

این پهنه یکی از پهنه‌های جدید اسکان غیررسمی تبریز است که از خصوصیات آن می‌توان به ساخت‌وساز در اراضی کشاورزی و آلودگی‌های ناشی از توأم شدن آب‌های زیرزمینی با فاضلاب واحدهای مسکونی و رهاشدنشان در اراضی کشاورزی اطراف اشاره کرد.

۳. پهنه حاشیه‌نشین جنوبی (حاشیه شمالی کنارگذر جنوبی-انتهای خیابان‌های مارالان، حافظ، طالقانی و لاله): ساکنان آن، با وجود سکونت در اراضی ناهموار و شیب‌دار، به علت مجاورت با محلات نوساز و مجتمع‌های آپارتمانی جدید (کوی دانشگاه، میرداماد و شهرک‌های مسکونی انتهایی لاله و رسالت)، از امکانات شهری بیشتر برخوردارند.

۴. پهنه حاشیه‌نشین جنوب غربی: روستاهای آخماقیا و رواسان در جنوب غربی تبریز و روبه روی کارخانجات تراکتورسازی، پالایشگاه و ... قرار دارد. از خصوصیت آن، بافت روستایی، معابر بسیار تنگ و پریپیچ، تراکم بالا و به‌ویژه مسائل اجتماعی زیاد است.

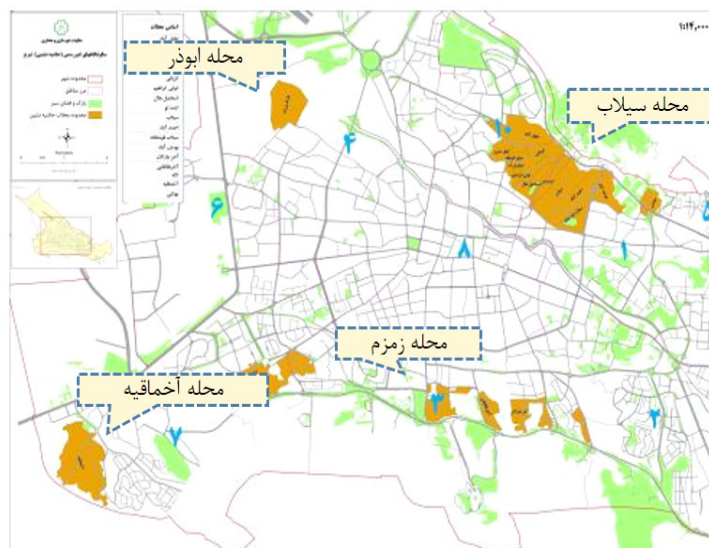
۳. روش پژوهش

اگرچه ماهیت این پژوهش، کیفی است، اما به دلیل استخراج معیارهای خاص قابل اندازه‌گیری و کمی شدن، تلفیقی از راهبردهای کمی و کیفی در قالب شیوه همبستگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معیارهای حیات‌پذیری فضای سکونت، متغیر مستقل و توانمندسازی ساکنان، متغیر وابسته است. در این بخش ابتدا جامعه آماری و ابزار و نحوه جمع‌آوری اطلاعات معرفی، سپس به نحوه جمع‌آوری داده‌ها و شیوه تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

۳.۱. نمونه مورد مطالعه و جامعه آماری

تبریز یکی از کلانشهرهای درگیر با مسئله حاشیه‌نشینی است که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری‌ها در زمینه شهرنشینی است (Zangiabadi & Mobaraki, 2012, p. 68). نقشه تهیه شده از سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز (تصویر شماره ۱) در چهار پهنه قابل شناسایی است (مهندسیین مشاور معماری و شهرسازی زیستا، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

۱. پهنه حاشیه‌نشین شمالی: وسیع‌ترین پهنه حاشیه‌نشینی تبریز که از شمال به محدوده شهر تبریز، از جنوب به خیابان‌های مفتوح، سرباز



تصویر شماره ۱: نقشه تهیه شده از سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز (منبع: سایت شهرداری تبریز <http://tshs.tabriz.ir>) و محلات مورد مطالعه

آیا عامل‌های مشاهده شده درستی ساختار نهفته فرضیه را اندازه‌گیری می‌نمایند. سپس از الگوسازی معادله‌های ساختاری برای ارزیابی الگوی فرضی استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده برای محاسبه «الگوسازی معادله ساختاری» در این پژوهش نرم‌افزار Amos Ver 23 است که ترکیبی از تحلیل مسیر، الگوسازی علی با متغیرهای پنهان و رگرسیون‌های چندگانه را مورد استفاده قرار می‌دهد. برای ارزیابی با نرم‌افزار ابتدا آماده‌سازی داده‌ها به کمک برنامه اس.پی.اس.اس (نگارش ۲۳) صورت و سپس تدوین، تشخیص، برآورد، آزمون، اصلاح و اعتبارسنجی نهایی الگوهای نظری انجام گرفت.

۳.۴. اعتبار و روایی

نخستین آزمون روایی تحلیلی عاملی، آزمون کی.ام.او یا سطح معناداری بارتلت است. زمانی که مقدار کی.ام.او بزرگتر از $0/6$ باشد، به راحتی می‌توان تحلیل عاملی نمود. هرچه این مقدار بیشتر باشد، مناسب و کفایت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود؛ در این پژوهش این ضریب $0/797$ است. برای تأیید اعتبار نتایج از شاخص‌های برازش مناسب الگو شامل نیکویی برازش^۱، نیکویی برازش اصلاح شده^۲، شاخص برازش تطبیقی^۳، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۴ و مجذورخی استفاده شده است. الگوی از برازش مناسب برخوردار است که نسبت مجذورخی آن به درجه آزادی کمتر از 3 باشد، مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد کمتر از $0/08$ و مقدار نیکویی برازش و نیکویی برازش اصلاح شده بیشتر از 60 درصد باشد. در این الگو شاخص نیکویی برازش $0/802$ ، شاخص برازش اصلاح شده $0/743$ ، شاخص برازش تطبیقی $0/754$ ، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد $0/093$ ، مجذورخی بر درجه آزادی $2/28^5$ است. در این مطالعه، تمامی الگوهای اندازه‌گیری از برازش قابل قبولی برخوردار است.

برای سنجش تجربی نتایج بخش نظری، این یافته‌ها با استفاده از الگوی علی یا «الگوی معادله ساختاری» مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله نخست قبل از ارزیابی الگوی فرضی، از الگوی تحلیلی عامل تأییدی برای اندازه‌گیری برازندگی عامل‌های نهفته الگوی نظری، اجرا گردید. به منظور رسیدن به الگوی برانزده، غربالگری صورت گرفت و سنجه‌هایی که متناقض با برازش مجموعه بودند، حذف گردیدند. بارهای عاملی سنجه‌های اندازه‌گیری در بخش حیات عامل نهفته مادی از $0/369$ تا $0/792$ ، عملکردی فعالیتی از $0/517$ تا $0/55$ ، ادراکی معنایی از $0/487$ تا $0/679$ و در بخش توانمندسازی عامل نهفته اقتصادی از $0/535$ تا $0/57$ ، اجتماعی از $0/543$ تا $0/726$ و روانی (شناختی) از $0/319$ تا $0/731$ گسترده‌اند.

در مرحله غربالگری الگوی تحلیلی عامل تأییدی برای دستیابی به الگوی بهینه سنجه مشارکت Q6 حذف گردید (سنجه‌هایی که بارعاملی آنها کمتر از $0/3$ هستند، به دلیل تأثیر نامحسوس آنها در اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شده تا یک محله سکونت‌ی که مورد ارجاع‌تر، شناس‌تر و دارای مشکلات بیشتر است، از هریک از پهنه‌ها انتخاب شود که عبارتند از: محله سیلاب از پهنه شمالی، محله ابودر از پهنه شمال غربی، محله زمزم از پهنه جنوبی و محله آخماقیه از پهنه جنوب غربی.

به منظور تعیین حجم جامعه آماری، ابتدا پیش‌آزمون به‌عنوان پایلوت بین 35 نفر از ساکنان محلات انتخابی انجام گرفت و مقدار آلفای کرونباخ $0/744$ محاسبه شد. حجم نمونه هم با استفاده از فرمول $n > 50 + 8m$ (حجم نمونه و m تعداد متغیرها) تعداد 146 نفر به دست آمد؛ به این ترتیب حجم نمونه آماری 150 در نظر گرفته شد.

۳.۲. ابزار و نحوه جمع‌آوری اطلاعات

نحوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت پرسشنامه‌ای است که 150 پرسشنامه برحسب وسعت محلات هدف، طبق جدول شماره ۷ بینشان تقسیم شد و با توجه به وسعت و جمعیت بالا در پهنه شمالی، بیشترین تعداد پرسشنامه به محله سیلاب اختصاص داده شده است؛ سایر پهنه‌ها به علت محسوس نبودن تفاوت در وسعت‌شان تعداد پرسشنامه‌ها یکسان است.

جدول شماره ۲: میزان تقسیم پرسشنامه‌ها در هریک از محلات

محلات	سیلاب	کوی زمزم	آخماقیه	ابودر	جمع
تعداد	۵۱	۳۳	۳۳	۳۳	۱۵۰
درصد	۳۴	۲۲	۲۲	۲۲	۱۰۰

سئوالات پرسشنامه در قالب طیف لیکرت و در سه بخش تنظیم شدند. بخش نخست شامل مشخصات آماری پرسش‌شوندگان، بخش دوم و سوم هریک متشکل از 12 سؤال که به ترتیب سه بعد حیات و توانمندسازی را پوشش می‌دهند. به منظور اعتبار و اطمینان از نتایج و برطرف کردن ابهام پرسش‌شوندگان، آزمون به صورت حضوری و توسط نگارنده با هریک از ساکنان محله صورت گرفت.

۳.۳. شیوه تحلیل

به منظور ارزیابی نهایی الگوی عملیاتی تحقیق و تعیین رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته به صورت همزمان از روش چند متغیره الگوسازی معادله‌های ساختاری استفاده شده است که به صورتی ترکیبی از تحلیل عاملی و تحلیل مسیر بهره می‌گیرد. مزیت اصلی استفاده از روش الگوسازی معادله‌های ساختاری در این تحقیق، ارزیابی همزمان روابط چندگانه و روابط وابستگی آنها، تحلیل روابط وابستگی در متغیرهای پنهان و بهبود برآورد آماری با در نظر گرفتن خطای اندازه‌گیری است (Sadeghpour & Moradi, 2010). در مراحل ارزیابی الگوسازی معادله‌های ساختاری ضمن بررسی میزان انطباق داده‌ها و الگوی تحقیق به منظور مناسب بودن برازش معناداری روابط در الگوی برازش یافته‌ها آزمون می‌شود. بر این مبنا از تحلیل عامل تأییدی و الگوسازی معادله‌های ساختاری برای ارزیابی الگوی تحقیق استفاده شده است. ابتدا از تحلیل عامل تأییدی برای ارزیابی برازندگی الگوهای اندازه‌گیری عامل‌های نهفته استفاده شده و بررسی شد که

1 Goodness of Fit Index(GFI)

2 Adjustment Goodness of Fit Index

3 Comparative Fit Index(CFI)

4 Root mean square error of approximation

5 X^2

متغیر پنهان غربال می‌شوند). سپس الگوی برازش شده در الگوسازی معادله‌های ساختاری برای ارزیابی الگوی عملیاتی استفاده شد. مطابق معادله ساختاری^[1] حیات‌پذیری با سه معیار مادی، عملکردی -

فعالیتی و ادراکی-معنایی و توانمندسازی با سه معیار اقتصادی، اجتماعی و روانی ارزیابی شد که در جدول شماره ۳ بارعاملی و سطح معناداری هریک ارائه شده است.

جدول شماره ۳: بارعاملی و سطح معناداری معیارهای ارزیابی حیات‌پذیری و توانمندسازی در فضاهای سکوتی

گروه	بارعاملی	سطح معناداری	سنجه	بارعاملی
حیات‌پذیری	مادی	F1	0,53	<0,0001
	ادراکی-معنایی	F3	1,08	0,004
	اقتصادی	F4	0,764	0,127
	اجتماعی	F5	0,85	0,350
	روانی (شناختی)	F6	1,01	0,002
	عوامل اقتصادی	Q1	0,56	
	عوامل کالبدی	Q2	0,59	
	عوامل زیست‌محیطی	Q3	0,79	
	دسترسی و ارتباط	Q4	0,56	
	اجتماع‌پذیری	Q5	0,37	
توانمندسازی	روش زندگی	Q7	0,54	
	تعلق به مکان	Q8	0,52	
	مذهب	Q9	0,49	
	امنیت	Q10	0,68	
	میزان درآمد و توانمندی مالی	Q11	0,50	
	تسهیلات بانکی و وام‌ها	Q12	0,58	
	مشارکت اجتماعی	Q13	0,52	
	آگاهی اجتماعی	Q14	0,58	
	تعامل اجتماعی	Q15	0,73	
	احساس شایستگی و مؤثر بودن	Q16	0,54	
احساس معنادار بودن	Q17	0,65		
احساس اعتماد	Q18	0,32		
	Q19	0,74		
	Q20	0,56		

سطح معنی داری 0,05 است.

که مؤلفه‌های حس تعلق به مکان و امنیت به ترتیب از مؤثرترین معیارهای حیات‌پذیری فضای سکوتی هستند؛ سپس مؤلفه‌های دو بعد عملکردی-فعالیتی و مادی تأثیرگذارند. مؤثرترین بعد توانمندسازی ساکنان، بعد روانی (شناختی) است که مؤلفه‌های احساس معنادار بودن و احساس اعتماد به ترتیب از مؤثرترین معیارهای توانمندی هستند؛ که با یافته‌های پژوهش‌های (Kordnaji & Bakhshizadeh, 2021; Mehrohasani et al., 2015) هم‌راستاست و بیان می‌کند که توانمندسازی روانشناختی افراد اثر معناداری بر توانمندسازی ساختاری آنها دارد و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در پروژه‌های توانمندسازی، باید به حوزه‌هایی مانند افزایش اعتماد به نفس، تغییر باورها و دیدگاه‌های برخی ساکنان، سرمایه اجتماعی و تفکر انتقادی نیز توجه بیشتری داشته باشند. بعد از بُعد روانی، معیارهای بعد اجتماعی بر توانمندی ساکنان مؤثرند که یافته‌های برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد هر عاملی که سبب سرمایه اجتماعی شود، توانمندی را افزایش می‌دهد و سکونتگاه‌های غیررسمی از پتانسیل بالا در زمینه همکاری و تعاون برخوردارند (Masoud & Haghverdian, 2012)، (heydari et al., 2020) و (khorasani Moghadam et al., 2018)؛ به طوری که افزایش سرمایه اجتماعی بالا در بین شهروندان وسیله‌ای برای توسعه و افزایش ابعاد ساختاری شهر اعم از اقتصاد و اجتماع است (safaralizadeh et al., 2022). بعد از بُعد اجتماعی، مؤلفه‌های بعد اقتصادی بر توانمندسازی مؤثرند. در تحقیق (Zanganeh et al., 2019) بیان شده است که از بین شاخص‌های واگذاری اختیارات و مشارکت، شاخص امنیت و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر را در رویکرد توانمندسازی دارند. این نشان می‌دهد برای توانمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی اولویت نخست مؤلفه‌های بُعد روانی است؛

۴. بحث و یافته‌ها

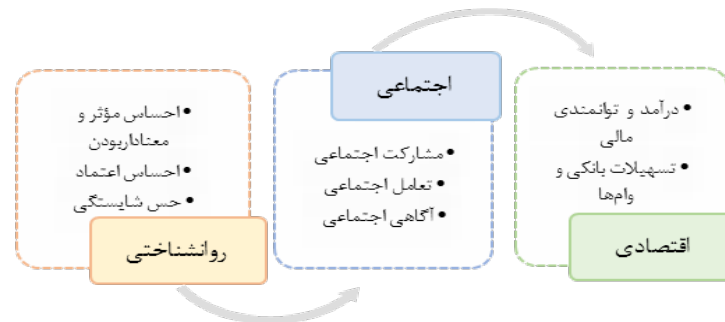
یافته‌های پژوهش به چهار بخش تقسیم می‌شوند. بخش نخست ارتباط بین دو متغیر توانمندسازی و حیات‌پذیری را نشان می‌دهد، بخش دوم مؤثرترین بعد و مؤلفه‌های متغیرهای حیات‌پذیری و توانمندسازی و بخش سوم تأثیر هریک از ابعاد حیات‌پذیری بر توانمندسازی را توضیح می‌دهد؛ این یافته‌ها از بررسی دو الگوی ساختاری پژوهش حاصل می‌شوند. در بخش چهارم، چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز از لحاظ حیات‌پذیری سکونتگاه‌ها و توانمندی ساکنان از طریق بررسی نتایج به صورت تعداد (درصد) و میان (دامنه چارگی) با استفاده از روش آماری کای اسکوئر تست مقایسه می‌شوند.

در بخش نخست الگوی ساختاری^[1] نشان می‌دهد، بین دو متغیر توانمندسازی و حیات (با بارعاملی 0,97) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که فرضیه پژوهش را اثبات می‌کند. در واقع توانمندسازی در راستای تحقق حیات قرار دارد و با افزایش حیات در فضاهای سکوتی، توانمندسازی ساکنان آن افزایش می‌یابد. این یافته تا حدودی هم‌راستا با پژوهش (javadi et al., 2023) است که شش مؤلفه اصلی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی را حکمروایی، مشارکت و اعتماد، فرهنگ و اجتماع، هویت، ادراک محیط و سرزندگی معرفی کرده‌اند. در واقع این بخش پژوهش، ضمن این که از دستاوردهای سایر محققان در زمینه‌های مختلف بهره گرفته، موضوعی تلفیقی و تاحدی می‌توان گفت منحصر به فرد را برگزیده است که به شکل دقیق نمی‌توان نتایج آن را با تحقیقات قبلی مقایسه کرد.

در بخش دوم، یافته‌ها نشان می‌دهند مؤثرترین بعد در حیات‌پذیری بعد ادراکی-معنایی است که این یافته در انطباق با پژوهش (Hashempour & sami, 2019) می‌تواند مهر تأییدی بر این ادعا باشد

دهند (Fraser et al., 2005) و به توانمندی اقتصادی و مالی دست یابند. در نمودار شماره ۴ این ارتباط گویاتر نشان داده شده است. بخش سوم یافته‌ها به بررسی تأثیر هر یک از ابعاد حیات‌پذیری بر ابعاد توانمندسازی مربوط است. جدول شماره ۴ بارهای عاملی معادله ساختاری^[2] آن را بیان می‌کند.

چراکه افراد، زمانی که در خود به نوعی احساس مؤثر و معنادار بودن و اعتماد می‌رسند، توانمندی در سایر ابعاد رخ می‌دهد و می‌توانند با افراد تعامل و روابط اجتماعی داشته باشند. روابط اجتماعی حس تعلق را ارائه می‌دهد و ساکنان محلی را قادر می‌سازد تا محیط زندگی و کار خود را در چارچوب ساختار مادی، نهادی و فرهنگی یک جامعه توسعه



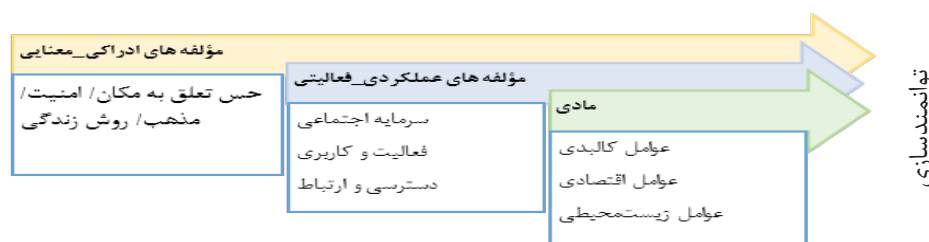
نمودار شماره ۴: ارتباط ابعاد توانمندسازی

جدول شماره ۴: بار عاملی و تأثیر هر یک از ابعاد حیات‌پذیری بر توانمندسازی

ابعاد حیات‌پذیری	ابعاد توانمندسازی	بار عاملی
مادی F1	اقتصادی F4	۰,۳۹
	اجتماعی F5	۰,۱۲
	روانی (شناختی) F6	۰,۱۳
عملکردی-فعالیتی F2	اقتصادی F4	۰,۵۵
	اجتماعی F5	۰,۳۳
	روانی (شناختی) F6	۰,۱۳
ادراکی-معنایی F3	اقتصادی F4	۰,۱۷
	اجتماعی F5	0.74
	روانی (شناختی) F6	1.02

ساکنان می‌شود، آگاهی، تعامل و مشارکت اجتماعی ساکنان بالا رفته و این همکاری و تعاون ساکنان می‌تواند در توانمندی اقتصادی آنان تأثیرگذار باشد. همچنین معیارهای ادراکی-معنایی بیشتر توانمندی روانی (شناختی) ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع اگر فضا به‌گونه‌ای طراحی شود که باعث افزایش حس تعلق افراد به محل زندگی و امنیت آنها شود و به اعتقادات و روش زندگی ساکنان توجه نماید، باعث افزایش احساس مؤثر و معنادار بودن، اعتماد و شایستگی فرد در آن محیط می‌شود. به علاوه اگر توانمندسازی را به صورت یک متغیر (بدون تقسیم آن به ابعاد مختلف) در نظر بگیریم، ابعاد و مؤلفه‌های ادراکی و معنایی حیات‌پذیری مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بعد در جهت توانمندسازی ساکنان و سپس دو بعد عملکردی-فعالیتی و مادی به ترتیب از سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار است.

این جدول و معادله ساختاری^[2] نشان می‌دهد هر یک از ابعاد و معیارهای حیات‌پذیری صرفاً بر یک بعد از توانمندسازی تأثیر نمی‌گذارند و بر همه ابعاد آن مؤثرند. اما با مقایسه بارعاملی آنها می‌توان دریافت هر یک از این ابعاد و معیارهای حیات‌پذیری فضاهای سکونت‌ی یک یا دو بعد توانمندسازی را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ به طوری که معیارهای مادی (عوامل کالبدی، اقتصادی و زیست‌محیطی) حیات‌پذیری بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی اقتصادی دارند. برای مثال در صورت اجازه دادن ابعاد خانه و ویژگی‌های کالبدی آن و اختصاص دادن فضایی به محل کار و اشتغال، درآمد افراد بالا می‌رود. همچنین معیارهای عملکردی-فعالیتی حیات‌پذیری بر دو بعد اقتصادی و اجتماعی توانمندسازی به ترتیب بیشترین تأثیر را دارد و این نشان می‌دهد در صورت دسترسی مناسب به تسهیلات و خدمات محله‌ای و فضاهایی که باعث گردهم آمدن و تعامل هرچه بیشتر



نمودار شماره ۵: میزان تأثیر ابعاد حیات‌پذیری فضا بر توانمندسازی ساکنان

چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز یکسان (بازه ۳,۳۳-۳,۶۶) است. یعنی در همه پهنه‌ها دسترسی نزدیک به حمل و نقل عمومی، خدمات اشتغال، کاربری آموزشی، بهداشتی، ورزشی و فراغتی، میزان مشارکت و اجتماع پذیری ساکنان این مناطق، تفاوت چندانی با هم ندارند و به یک میزان با مشکل روبه‌رو هستند.

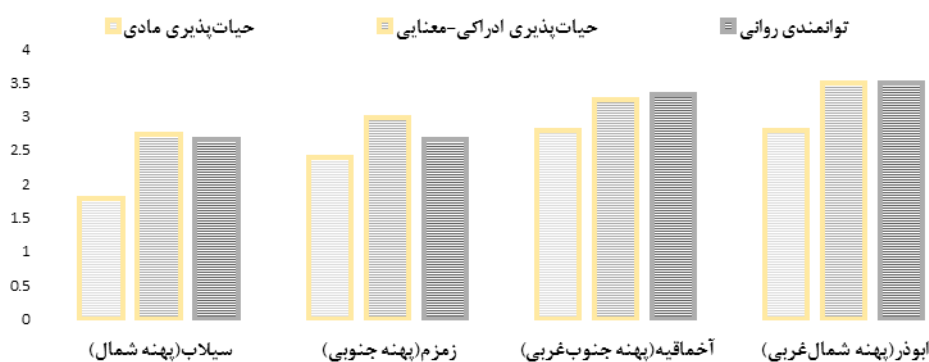
در بخش چهارم یافته‌ها برای مقایسه چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز، نتایج به صورت تعداد (درصد) و میانه (دامنه چارکی) با استفاده از روش آماری کای اسکوئر تست^۱ (و در صورت لزوم) آزمون فیشر^۲ و آزمون کروسکال والیس^۳ در جدول زیر گزارش شد. این جدول نشان می‌دهد، میزان تحقق مؤلفه‌های بعد عملکردی-فعالیتی حیات‌پذیری در هر

جدول شماره ۵: مقایسه ابعاد و معیارهای توانمندسازی به تفکیک محلات و پهنه‌ها

ابعاد	پهنه‌ها			
	پهنه شمالی، سیلاب	پهنه جنوبی، زمزم	پهنه جنوب غربی، آخماقیه	پهنه شمال غربی، ابوذر
حیات‌پذیری	مادی	۲,۴۰ (۲,۹۰-۲)	۲,۸۰ (۳,۲۰-۲,۵۰)	۲,۸۰ (۳,۴۰-۲,۲۰)
	عملکردی-فعالیتی	۳,۳۳ (۴-۳)	۳,۲۳ (۳,۸۳-۲,۶۶)	۳,۶۶ (۳-۴)
	ادراکی-معنایی	۲,۷۵ (۲,۲۵-۳,۵۰)	۳ (۲,۲۵-۴)	۳,۵۰ (۲,۷۵-۴,۱۲۵)
توانمندسازی	اقتصادی	۲ (۱-۲,۵۰)	۱,۵۰ (۱-۲,۲۵)	۱,۵۰ (۱-۲,۵۰)
	اجتماعی	۲,۲۳ (۱,۶۶-۳)	۲,۲۳ (۱,۳۳-۲,۳۳)	۲,۶۶ (۱,۶۶-۳,۳۳)
	روانی (شناختی)	۲,۶۶ (۲,۳۳-۳,۶۶)	۲,۶۶ (۲-۳,۵۰)	۳,۵۰ (۲,۳۳-۴)

غیررسمی شمال شهر دارای سابقه طولانی‌تر از سایر پهنه‌هاست و به طبع دارای مشکلات پیچیده‌تری است. همچنین با توجه به جدول بالا میزان توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی در هر چهار پهنه یکسان (اعداد هر چهار پهنه در بازه یکسان) است؛ چراکه همه افراد ساکن در این پهنه‌ها از نظر اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند. بنابراین تفاوت در توانمندی ساکنان پهنه‌ها به علت تفاوت مؤلفه‌های بعد روانی توانمندسازی است و برای مقایسه میزان توانمندی ساکنان پهنه‌های مختلف باید معیارهای توانمندسازی روانی (شناختی) مورد بررسی قرار گیرد. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، کمترین میزان توانمندسازی در پهنه شمالی و بیشترین آن در پهنه جنوبی نسبت به سایر پهنه‌ها قرار دارد.

بنابراین تفاوت در حیات‌پذیری پهنه‌ها به علت تفاوت در مؤلفه‌های دو بعد مادی و ادراکی-معنایی است؛ برای مقایسه حیات‌پذیری پهنه‌ها، این دو بعد در نمودار شماره ۶ بررسی شده‌اند. مطابق جدول بالا پهنه شمالی (محله سیلاب) به علت تحقق پایین معیارهای مادی (از جمله شرایط نامناسب کالبدی و زیست محیطی همچون تراکم بسیار بالا، مسیرهای نامناسب و تنگ، سازه و مصالح نامناسب و نبود فضای سبز) و ادراکی-معنایی (از جمله پایین بودن حس تعلق و مسئولیت ساکنان نسبت به محل زندگی‌شان و امنیت در این محله)، نسبت به سایر پهنه‌ها دارای حیات‌پذیری کمتری است و پهنه شمال غربی (محله ابوذر) نسبت به سایر پهنه‌ها از حیات‌پذیری بالایی برخوردار است که با نتایج پژوهش (Maleki et al., 2017) تقریباً همسو است؛ چراکه سازمان یابی سکونتگاه‌ها در کلانشهر تبریز نشان می‌دهد که پهنه‌های



نمودار شماره ۶: مقایسه حیات‌پذیری و توانمندسازی محلات و پهنه‌ها

و با توجه به تأثیرگذاری میزان حیات‌پذیری فضاها بر توانمندسازی افراد، می‌توان دید که هر میزان حیات‌پذیری محلات افزایش، توانمندسازی ساکنان آن نیز ارتقا می‌یابد.

برای مقایسه بهتر میزان حیات‌پذیری فضاهای سکونتی غیررسمی و توانمندسازی ساکنان آن اطلاعات به صورت نمودار شماره ۶ آورده شده که نشان می‌دهد، پهنه‌های شمالی، جنوبی، جنوب غربی و شمال غربی به ترتیب از کمترین تا بیشترین میزان حیات‌پذیری را دارند

3 kruskal-wallis test

1 Chi-square test

2 Fisher exact test

۵. نتیجه گیری

هدف پژوهش بررسی تأثیر حیات‌پذیری فضاهای سکونتی قشر کم‌درآمد بر توانمندسازی ساکنان آنست که نتایج تحقیق نشان می‌دهد به سبب معناداری ابعاد حیات‌پذیری با ابعاد توانمندسازی، هر عاملی که سبب حیات‌پذیری فضاهای سکونتی شود، توانمندی ساکنان آن را نیز افزایش می‌دهد. در باب پاسخ به سؤال نخست پژوهش، مؤثرترین بعد در حیات‌پذیری فضاهای سکونتی، بعد ادراکی-معنایی است که با توجه به تحقق مؤلفه‌های تعلق به مکان، امنیت بیشترین تأثیر را در حیات‌پذیری فضاهای سکونتی دارند. همچنین مؤثرترین بعد در توانمندسازی ساکنان، بعد روانی است. اولویت قرارگرفتن مؤلفه‌های بعد روانی نشان می‌دهد که این بعد شرط موقوم (سازنده) ابعاد اجتماعی و اقتصادی است و تا زمانی که انسان از لحاظ روانی به احساس مؤثر و معنادار بودن، حس اعتماد و شایستگی نرسد در سایر ابعاد، توانمندسازی رخ نخواهد داد. به‌علاوه مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بعد در جهت توانمندسازی ساکنان هم، مؤلفه‌های بعد ادراکی-معنایی حیات‌پذیری است؛ چرا که در واقع محیط زندگی هرکس واجد عواملی است که در چگونگی فعالیت‌های او تأثیر می‌گذارد و رفتار شخص تنها ناشی از نیازها و انگیزه‌های درونی او نیست بلکه محیط زندگی او و این که او چگونه آن را می‌بیند نیز در این رفتار مؤثر است و بی‌توجهی به ظرفیت‌های حیات‌پذیری به خصوص مؤلفه‌های بعد ادراکی-معنایی، در تمهیدات برنامه‌ریزی و مداخله در این نواحی، ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی ساکنان را با مشکلات

جدی روبه‌رو خواهد کرد. از این‌رو در همه پهنه‌های حاشیه‌نشین برای توانمندی روانی ساکنان که بیشترین تأثیر را بر توانمندی ساکنان دارد باید راهکارهایی برای تحقق و تقویت حس تعلق، امنیت و توجه به اعتقادات مذهبی و روش زندگی ساکنان اتخاذ شود.

در باب پاسخ به سؤال دوم پژوهش نتایج نشان می‌دهد، درجهت توانمندسازی اقتصادی، معیارهای مادی حیات‌پذیری بیشترین تأثیر را دارند؛ همچنین معیارهای عملکردی-فعالیتی حیات‌پذیری دو بعد از توانمندسازی (توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی به ترتیب) و معیارهای ادراکی-معنایی بیشتر توانمندی روانی ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند که در نمودار زیر نحوه این ارتباط گویاتر است.

مقایسه پهنه‌های حاشیه‌نشین شهر تبریز نشان می‌دهد، پهنه‌های شمالی، جنوبی، جنوب غربی و شمال غربی به ترتیب از کمترین تا بیشترین میزان حیات‌پذیری را دارند. با توجه به یکسان بودن شرایط مؤلفه‌های بعد عملکردی-فعالیتی، تفاوت در حیات‌پذیری محلات به علت تفاوت در مؤلفه‌های ابعاد مادی و ادراکی-معنایی محلات است. پهنه شمالی، به علت پایین‌ترین میزان حیات‌پذیری دارای کمترین میزان تحقق مؤلفه مادی و ادراکی-معنایی حیات‌پذیری و توانمندسازی به خصوص توانمندی روانی ساکنان است که برنامه‌ریزان و طراحان باید به این پهنه و مشکلات موجود آن از طریق بهبود و ارتقای مؤلفه‌های بعد ادراکی-معنایی محیط برای افزایش اعتماد به نفس، تغییر باورها و دیدگاه‌های برخی ساکنان و سرمایه اجتماعی توجه ویژه کنند.



نمودار شماره ۶: جمع‌بندی نتایج پژوهش

۶. تقدیر و تشکر

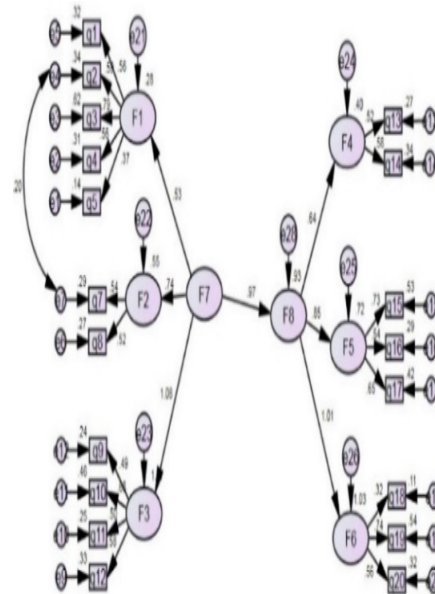
این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان "پنجره‌ای رو به سکونتگاه ابدی؛ طراحی فضای سکونتی برای اقشار کم‌درآمد

در شهرک اندیشه تبریز با رویکرد توانمندسازی حیات ساکنان" به راهنمایی دکتر قره‌بگلو، مشاوره دکتر بیٹی و با حمایت شرکت بازآفرینی شهری ایران با شماره قرارداد ۱۶۹۹۷ استخراج شده است.

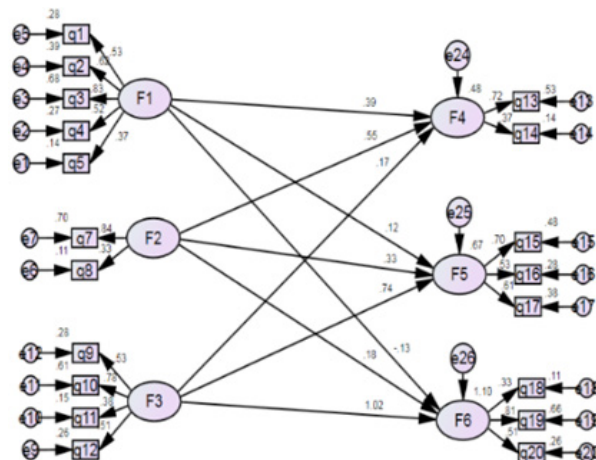
References:

- Alexander, C. (1979). *The Timeless Way of Building*. Oxford University Press. <https://books.google.com/books?id=H6CE9h1bO8sC>
- Baye, F., Wegayehu, F., & Mulugeta, S. (2020). Drivers of informal settlements at the peri-urban areas of Woldia: Assessment on the demographic and socio-economic trigger factors. *Land Use Policy*, 95, 104573. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104573>
- Bednar, R. L., Wells, M. G., & Peterson, S. R. (2006). *Self-esteem: Paradoxes and Innovations in Clinical Theory and Practice*. American Psychological Association. <https://books.google.com/books?id=1ZOflKAAACAAJ>
- Dadashpour, H., Hosseinabady, S., & Pourtahery, M. (2012). Analysis of the Role of Enablement of Residents in Physical-Environmental Improvements of Informal Settlements, Case Study: East Kale Eydgah, Sabzevar City. *Journal of Geography and Planning*, 16(41), 95-127. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_43_423dcd65ebf6187855474cbe6a81a7a4.pdf [in persian]
- Darabi, H. (2005). Explaining the spatial consequences of construction activities in the light of public participation in the case of rural settlements in Kashan district. Tarbiat Modares University. [in persian]
- Elsaywy, A. A., Ayad, H. M., & Saadallah, D. (2019). Assessing livability of residential streets – Case study: El-Attarin, Alexandria, Egypt. *Alexandria Engineering Journal*, 58(2), 745-755. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.aej.2019.06.005>
- Eskandarian, G., & Firouzabadi, S. A. (2020). Analyzing the Role of Empowerment Approach in Dealing with Informal Settlement from Experts' Perspectives. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 4(11), 57-86. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.51284.1200> [in persian]
- Fataee, M., Seyyedi, F., Fataee, P., & Kiani Harchegani, E. (2014). Effects of Empowerment Programs Based on the Community-Based Approach on Increasing Social Capital Among Khorramabad Residents [Research]. *Quarterly Journal of Social Work*, 3(2), 3-11. <http://socialworkmag.ir/article-1-25-fa.html> [in persian]
- Franssen, J., Hati, B., Nyumba, R., & van Tuijl, E. (2023). Community vitality and frugal practices in informal settlements in Nairobi: Towards a typology.

^[1] نمودار معادله ساختاری ارتباط حیات‌پذیری فضای سکونت با توانمندی ساکنان



^[2] نمودار معادله ساختاری تاثیر ابعاد حیات‌پذیری بر توانمندی ساکنان



- Cities, 134, 104179. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.104179>
- Hashempour, P., & sami, z. (2019). Environmental quality affecting the livability of residential complexes(Case study: residential complex of Emam town, Shahid Chamran and Asemame Tabriz). *Motaleate Shahri*, 8(30), 55-68. <https://doi.org/10.34785/j011.2019.969> [in persian]
 - Hashempour, R., Seyfaei, M., & Salehi, N. (2022). Social empowerment in informal urban settlements based on assets. *Journal of Engineering & Construction Management*, 7(1), 66-74. https://www.jecm.ir/article_156404_3e8317c085ba874f32cdf2563c4e67ce.pdf [in persian]
 - heydari, M., barzegar, s., & Ahadnejad, M. (2020). Empowering Informal Neighborhoods with People-Space Interconnection Approach (Case Study: Zanjan Informal Settlements). *Strategic Studies of public policy*, 9(33), 102-127. https://sspp.iranjournals.ir/article_43216_fd2b80ab2f87c4b1a47347e12ba5fc36.pdf [in persian]
 - jahani Dolatabad, E., & jahani Dolatabad, R. (2018). Solutions for Empowering Low Income Groups Relying on Domestic Jobs. *Social Development & Welfare Planning*, 9(36), 104-140. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2018.9598> [in persian]
 - Javadi Amoli, A. (2010). A call to life. *pasdareeslam*, 23(343). [in persian]
 - javadi, m., Jahanbin, N., Heidari, A., & Seifabad, O. K. (2023). Developing the Conceptual Model of Local Empowering of Informal Settlements Using Fundamental Point of View. *Urban Environmental Planning and Development*, 10(3), 105-118. <https://doi.org/10.30495/juepd.2023.1960913.1089> [in persian]
 - Javidmehr, M., & Hashempour, P. (2019). The Influence of Geometry on the Vitality of Architecture, Case Study: Cultural Centers. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(25), 13-26. https://www.armanshahrjournal.com/article_85043_423f8af188b804edf09faf27929f04ef.pdf [in persian]
 - Kermani, M., Mazlum khorasani, M., behravan, H., & Noghani, M. (2012). Factors affecting the ability of female heads of the studied household: women working in Kausar centers of Tehran municipality in 2012. *Iranian Journal of Sociology*, 14(3), 116-148. http://www.jsi-isa.ir/article_21070_5cbb29f520d73c4d51e0e638c8793b19.pdf [in persian]
 - Keshavarz Shekari, A., & Azarkeshb, A. (2017). Criticism and Restructuration of Sara Longwe's Theory on the Indices of Women Breadwinners' Empowerment. *Journal of Islam and Social Sciences*, 8(16), 5-35. <https://doi.org/10.30471/soci.2017.1319> [in persian]
 - Khalaji, a., khosravi, m. a., & Amini, M. (2021). The role of empowerment on increasing social participation in marginalized areas after the Islamic Revolution (Case study: Pakdasht city). *The Islamic Revolution Approach*, 15(56), 3-26. https://www.rahyaftjournal.ir/article_143622_951467a9be9c179ebe16d4824555e021.pdf [in persian]
 - khalkhali, s. z., & Ayvazian, S. (2020). Investigating the Influential Factors on the Residential Satisfaction of Residents; Case study: Elahieh Residential Complex (Asatid). *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 13(32), 67-80. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.120055> [in persian]
 - khorasani Moghadam, S., Mozaffar, F., & Hosseini, S. B. (2018). Social Capital Indicators Affecting Resident's Satisfaction in Informal Settlements (Case: Farahzad-Tehran, North Farahzad). *Social Capital Management*, 5(2), 233-261. <https://doi.org/10.22059/jscm.2018.255954.1585> [in persian]
 - Kordnajib, A., & Bakhshizadeh, A. R. (2015). Investigate the Impact of Psychological Empowerment on Structural Empowerment of Employees (Case Study: Saipa Company). *Organizational Behavior Studies Quarterly*, 4(3), 97-120. [in persian]
 - Li, X., Li, Y., Jia, T., Zhou, L., & Hijazi, I. H. (2022). The six dimensions of built environment on urban vitality: Fusion evidence from multi-source data. *Cities*, 121, 103482. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103482>
 - Liu, H., Gou, P., & Xiong, J. (2022). Vital triangle: A new concept to evaluate urban vitality. *Computers, Environment and Urban Systems*, 98, 101886. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2022.101886>
 - Maleki, S., Amanpoor, S., & Zadvali Khajeh, S. (2017). Organization of space and spreading of informal settlement in Tabriz metropolitan. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 5(1), 87-104. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2017.63065> [in persian]
 - Masoud, M., & Haghverdian, F. (2012). The Role of Social Capital on empowerment of the informal settlements (case study: around of Eynak neighborhood

- in Rasht city). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 7(18), 128 - 140. [in persian]
- Mehrolhasani, M. H., Yazdi-Feyzabadi, V., & Ghasemi, S. (2021). Community empowerment for health promotion in slums areas: A narrative review with emphasis on challenges and interventions. *J Educ Health Promot*, 10, 263. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_1628_20
 - Motaghd, M., & Sajadzadeh, H. (2022). Residents' Evaluation of the Plan to Empower Informal Settlements in Terms of Environmental Quality: A Case Study on Khezh Neighborhood in Hamedan City. *Urban Structure and Function Studies*, 9(30), 255-279. <https://doi.org/10.22080/usfs.2021.3522> [in persian]
 - Mozafar, F., Noghrehkar, A., Hamzehnezhad, M., & Moeinmehr, S. (2019). Prioritizing sustainability strategies in the neighborhood with the Islamic approach [Research]. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, 7(2), 69-86. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1174-fa.html> [in persian]
 - Muzaffar, F., Noghrehkar, A., Hamzenejad, M., & Moeen Mehr, S. (2017). Semantics of life and vitality in Islamic teachings and investigating its impact in the neighborhood. *JRIA*, 5(1), 18-31. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-692-fa.html> [in persian]
 - Nikzad, A. (2017). Estimated need for housing for low-income groups in the next 25 years. *Urban Management*(48), 315-326. <https://ensani.ir/file/download/article/65be4ae13b918-10065-1402-668.pdf> [in persian]
 - Paköz, M. Z., & Işık, M. (2022). Rethinking urban density, vitality and healthy environment in the post-pandemic city: The case of Istanbul. *Cities*, 124, 103598. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103598>
 - Rezaei, M. R., & Zargham, M. (2021). Assess the security role of land occupation in organizing informal settlements case study of district Eskan of Yazd. *Urban Environmental Planning and Development*, 1(2), 21 - 34. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/juep/Article/686832?jid=686832> [in persian]
 - Sabonchi leylabadi, M., Aminzadeh goharrizi, B., & Shahcheraghi, A. (2020). The Role of architectural design in enhancing the life quality in residential complexes of Iranian new towns (Case Study: Andisheh, Pardis, Parand) [Research]. *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 9(33), 157-171. <https://doi.org/10.29252/haftthesar.9.33.157> [in persian]
 - Sadeghpour, B., & Moradi, V. (2010). Statistical analysis with SPSS and AMOS software. In. Mazandaran University. [in persian]
 - Saeedi Rezvani, N., Ansari, M. H., & Tohidi, V. (2012). Investigating and presenting community-oriented empowerment strategies with emphasis on people's participation in organizing and empowering worn-out structures and informal settlements (case examples of Shiraz, Kermanshah and Sanandaj). *Haft Shahr*(41), 6-22. [in persian]
 - safaralizadeh, e., akbari, m., boostan ahmadi, v., & mousavi, c. (2022). Investigating the Indices of Social Capital and its Relationship with Sustainable Urban Development [Research]. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 22(66), 105-123. <https://doi.org/10.52547/jgs.22.66.105> [in persian]
 - Safari Sheikh Ali Kalayeh, B., & Torabi, Z. (2022). Investigation of physical factors in Baharestan Square in the vitality of Tehran citizens. *Islamic Art Studies*, 19(47), 319-327. <https://doi.org/10.22034/ias.2021.300922.1699> [in persian]
 - sahm poor, h., & maroofnezhad, a. (1400). Analysis of the Level of Satisfaction Residents of Informal Settlements Using the Codas Model (Case study: City Of Port Imam Khomeini). *Journal of Geography, Urban and Regional Studies*, 40(10), 21-40. <http://sanad.iau.ir/fa/Article/979020> [in persian]
 - Sargolzaee Javan, T., & Hadyani, Z. (2017). Investigating the Feasibility of Empowering the Informal Settlements Quarters by Increasing the Social Capital (Case Study: Shir-Abad Quarter of Zahedan) [orginal]. *Social Welfare*, 16(63), 185-214. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2724-en.html> [in persian]
 - Savari, M., Eskandari Damaneh, H., & Eskandari Damaneh, H. (2023). The effect of social capital in mitigating drought impacts and improving livability of Iranian rural households. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 89, 103630. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2023.103630>
 - Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford University Press. <https://books.google.com/books?id=NQs75PEa618C>
 - shaterian, m., & Kayani Salma, S. (2017). Investigation and Comparing Dimensions of Empowerment among Urban Neighborhoods (Case Study: Mashhad Backyard Neighborhood & Taher and Mansour Neighborhood of Kashan). *Journal of Urban Social*

- Geography, 3(4), 63-86. <https://doi.org/10.22103/juas.2017.1780> [in persian]
- Stromquist, N. P. (1999). The theoretical and practical bases for empowerment. Women, education, and empowerment: Pathways towards autonomy, 13-22.
 - Tajeddin, M. B., & Ramadi Valla, L. (2014). National media and the empowerment of women-headed household (case study: women-headed household of Tehran- 18 region). Women's Strategic Studies, 17(65), 119-161. https://www.jwss.ir/article_12229_7e80ac007ecd4558cbb856adc4749b17.pdf [in persian]
 - Whetten, D. A., & Cameron, K. S. (2011). Developing Management Skills. Prentice Hall/Pearson. <https://books.google.com/books?id=L3QjQgAACAAJ>
 - Zanganeh, M., Safai, M. J., & Samiei, M. (2019). Exploring the approach of empowering to organize informal settlements (case example: Shahrtebat Heydariyeh). Geography, 17(62), 191-205. [in persian]
 - Zangiabadi, A., & Mobaraki, O. (2012). An Analysis of Effective Factors in Creation of Slums in Tabriz City and their consequences (Case study: Ahmadabad, koyebeshti, khalilabad). Geography and Environmental Planning, 23(1), 67-80. https://gep.ui.ac.ir/article_18531_d6d43d07265ff5a7c9c6c3c638f1e1d1.pdf [in persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

شاهی حق، زهرا؛ قره بگلو، مینو؛ بیٹی، حامد (۱۴۰۳)، بررسی تاثیر حیات پذیری فضاهاى سکونتی قشر کم درآمد بر توانمندسازی ساکنان آن؛ نمونه مورد مطالعه: چهار پهنه غیررسمی شهر تبریز، مطالعات شهری، 13 (50)، 18-3. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62804>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



جستاری در مطالعات «خاطره‌ی مکان» در پژوهش‌های فارسی زبان (مروری بر سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۱)

نینا قصلانی - پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
 آزاده آقالطیفی^۲ - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی؛ تهران، ایران.
 مرجان السادات نعمتی مهر - دانشیار گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.
 حمید ندیمی - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۰۴ مهر ۱۴۰۲

چکیده

معماری و شهرسازی با محیط ارتباط دارند. محیط، ظرف تجربیات فردی و جمعی افراد است و خاطره را شکل می‌دهد. مطالعات خاطره یک زمینه تحقیقاتی رو به رشد است که بر روی طیف وسیعی از رشته‌ها از قبیل علوم اجتماعی، علوم انسانی، مطالعات منظر و معماری و شهرسازی تمرکز دارد. پژوهش‌هایی در ایران و جهان در رابطه با خاطره در محیط‌های انسان‌ساخت صورت پذیرفته و هریک از دیدگاهی متفاوت به موضوع نگریسته‌اند. مقاله حاضر با هدف تحلیل و تفسیر آنچه تاکنون در ایران منتشر شده و نیز برای پیشگیری از تکرار در این زمینه و یافتن شکاف‌های تحقیقاتی موجود، به بررسی کیفیت مطالعات انجام شده، پرداخته است. این پژوهش به مرور نظام‌مند مطالعات پیشین پرداخته و تعداد ۳۸ مقاله و چهار رساله دکتری که خاطره موضوع اصلی آنها بوده، بر اساس شکل پریزما (موارد ترجیحی در گزارش مقالات) انتخاب و بررسی شده و با مطالعه ساختار و محتوای آنها به ترسیم چشم‌انداز کنونی پژوهش‌های با موضوع خاطره، دست یافته‌است. نتایج بیانگر حجم روزافزون مطالعات خاطره با محوریت خاطره جمعی است. تکرار محتوایی پژوهش‌های خاطره، توجه بسیار اندک به کاربران ویژه محیط مانند کودک، سالمند و...، تمرکز تعداد زیادی از مطالعات بر شهر تهران، عدم بررسی خاطره در دوره‌های سنی مختلف انسان و عدم توجه به خاطره فردی افراد از مکان‌های ویژه مانند مکان‌های کودکی، از جمله مشکلات مطالعات در این زمینه هستند. از جمله مقوله‌های پرتکرار ترکیب شده با خاطره می‌توان به هویت، تعلق مکانی، دلبستگی مکان و احیا و بازسازی اشاره کرد. همچنین بیشترین تعداد مطالعات به خاطره در فضاهای شهری و میدان‌های شهری پرداخته است.

واژگان کلیدی:

خاطره، خاطره جمعی، مکان خاطره، مرور نظام‌مند.

نکات برجسته

- دسته‌بندی منظمی از مطالعات فارسی زبان حوزه خاطره مکان و تحلیل ساختار و محتوای آنها با استفاده از مرور نظام‌مند ارائه شده‌است.
- شکاف‌های تحقیقاتی در مطالعات خاطره مکان برای مطالعات آینده برجسته شده‌اند.
- کلیدواژه‌های مرتبط با خاطره مکان و مقوله‌های پرتکرار مشخص شده‌اند.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری (در حال انجام) نویسنده اول، به راهنمایی اساتید سرکار خانم دکتر آقالطیفی و جناب آقای دکتر حمید ندیمی و مشاوره خانم دکتر مرجان السادات نعمتی مهرمی باشد.

۲ نویسنده مسئول مقاله: A-Aghalatif@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

خاطره به مثابه چیزی از گذشته که در امروز به یادآورده می‌شود، در مطالعات انسان‌شناسی یکی از عناصر کلیدی هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی و تداوم خاطره برای فرد امری حیاتی برای شخص بودن وی دانسته می‌شود (Kenny, 1999). خاطره، به یادآوردن وقایع و رویدادهای تجربه شده به وسیله فرد از طریق به یادآوردن افراد، اشیا، مکان‌ها و تجربیات و با استفاده از سازوکارهای تداعی معانی است که به صورت واضح مارا به یک مکان و منظر مشخص سوق می‌دهد (Bachelard, 1964; Casey, 2009; Mayor, 2010; Merriam-Webster's Collegiate Dictionary, 2003; Nora, 1989). رمز بقا و عامل ایجاد وحدت و هویت انسانی است. زمان و مکان، بهانه تجدید خاطرات واقعه‌ای است که به ذهن سپرده شده‌است؛ این معنا به تربیت و آموزشی خاص نیازمند نیست و معماری و مکان، شهروندان را با خاطرات پیوند می‌دهد (Kalami et al., 2021). یکی از اهداف مهم معماران، باید خلق رابطه‌ای مناسب بین انسان و کالبد یا محیط اطرافشان باشد. هر انسانی نیازمند تعامل معنادار با محیط است و اگر این تعامل شکل نگیرد، هدف غایی یعنی ایجاد محیط خاطره‌انگیز حاصل نمی‌شود. انسان با محیط در مقیاس کلی ارتباط برقرار نمی‌کند، بلکه در قالب اجزای کوچک‌تر یعنی مکان‌ها مرتبط می‌شود (Aghalatif, 2012).

پژوهش‌هایی در ایران و جهان در رابطه با خاطره در محیط‌های انسان ساخت صورت پذیرفته و هریک از دیدگاهی متفاوت به موضوع نگریسته‌اند. مقاله حاضر با هدف تحلیل و تفسیر آنچه تاکنون در ایران منتشر شده و نیز برای پیشگیری از تکرار در این زمینه و یافتن شکاف‌های تحقیقاتی موجود، به بررسی مطالعات انجام شده، پرداخته است.

سؤال‌هایی که در این تحقیق برای پاسخگویی دنبال می‌شود، شامل موارد زیر است:

- سیر انتشار و تحول پژوهش‌های علمی در حوزه خاطره مکان در ایران به لحاظ ساختار و محتوا چگونه بوده‌است؟
- در پژوهش‌ها به چه میزان و چگونه به خاطره کودکی افراد از محیط‌های ساخته شده پرداخته شده‌است؟

۲. مبانی نظری: تعاریف مفاهیم مرتبط با خاطره

۲.۱. حافظه

از نظر لغوی معنای واژه حافظه در لغت نامه دهخدا، مترادف حفظه، خاطر، ذهن، قوه ذاکره، یادآوری و استعداد ذهن برای نگهداری گذشته و بازشناسی آن تعریف شده‌است (Dehkhoda, 2002). در لغت نامه آکسفورد واژه memory قدرت انباشت اطلاعات در ذهن خودآگاه و توانایی به یادآوردن آنها به صورت ارادی تعریف شده‌است (Stevenson, 2010). رادونسکی memory را به عنوان مهم‌ترین جنبه اندیشه انسانی دارای سه تعریف عنوان می‌کند: مکانی که اطلاعات در آن نگهداری می‌شوند، چیزی که تجربه را نگهداری می‌کند و فرآیند ذهنی برای دستیابی، ذخیره و بازیابی اطلاعات (Radvansky, 2021). در پژوهش‌ها دو واژه خاطره و حافظه را با معادل انگلیسی memory به کار می‌برند و به نظر می‌رسد تفاوت این دو واژه باید دقیق شود. این تعاریف با

مفهوم خاطره تفاوت دارند. اینگونه می‌توان گفت که خاطره بخشی از عملکرد حافظه است. در واقع حافظه بلند مدت در فضای معماری است که به عنوان ارتباطی میان گذشته و حال، منجر به یاد و خاطره در مکان می‌شود. هر خاطره‌ای دو مرجع زمان و مکان را با خود حمل می‌کند. مرجع مکانی خاطره، موجب ماندگاری خاطره در حافظه بلند مدت افراد به واسطه بستر خاطره می‌گردد و همچنین، ماندگاری بستر خاطره در حافظه بلندمدت مخاطب، به واسطه عوامل دیگر متشکل خاطره مانند اشیا، رویدادها، افراد و... نیز اتفاق می‌افتد. هر دوی این امور موجب تعدد در یادآوری خاطره می‌شوند. حال اگر مفاهیم جاری در بستر نو، بستر خاطرات پیشین را به طور ضمنی پررنگ نماید، این عمل یادآوری خاطرات را قوت می‌بخشد و در پی آن معنمندی بستر نو، به واسطه قوت یادآوری خاطرات، بهتر شکل می‌گیرد. این کنش در بالاترین حد خود، به تداعی معانی در مکان نو منجر می‌شود و می‌تواند به تراکم خاطره، دلتنگی و در پی آن به بروز حس نوستالژیا در مکان بینجامد (Abna et al., 2021). از سوی دیگری از عناصری که انسان با آن تعریف می‌شود، حافظه است. شهر نیز دارای حافظه است. اگر شهری فاقد حافظه تاریخی باشد نمی‌توان گفت دارای هویت است. حافظه تاریخی شهر یعنی این که شهر دارای خاطره است و تعریف می‌کند که در این مکان چه اتفاقی افتاده است. علاوه بر حافظه، شهر باید خاطره داشته باشد. پس همان طور که انسان با خاطره تعریف می‌شود شهر نیز با خاطره تعریف می‌شود (Habibi, 2004).

۲.۲. خاطره فردی و جمعی

به عقیده هالبواکس خاطره فردی، خاطره از چیزهایی است که شخص خود، در طول زندگی تجربه کرده و می‌تواند به خاطر بیاورد. اما خاطره جمعی، اصطلاحی که برای نخستین بار به وسیله وی ابداع شد، دامنه این خاطرات را به جهانی که از تجربه شخصی تجاوز می‌کند، گسترش می‌دهد (Halbwachs, 1980). خاطره جمعی، حافظه مشترک و ساخته شده اجتماعی گروهی از مردم را در مقابل حافظه فردی توصیف می‌کند. مطالعه کلاسیک به وسیله هالبواکس نشان داد که خاطره جمعی یک مفهوم پویاست: همان طور که جمع‌ها تغییر می‌کنند، خاطره آنها نیز به عنوان بیان هویت گروهی تغییر می‌کند (Prashizky & Remennick, 2018). با کشف بزرگ موریس هالبواکس بود که رابطه بین خاطره فردی، اجتماعی شدن و ارتباطات مطرح شد. به زعم وی، این خاطره است که افراد را قادر می‌سازد در گروه‌ها و اجتماعات زندگی کنند و از طریق زندگی در گروه‌ها و جوامع است که افراد قادر به ساختن خاطره (های) خود هستند (Halbwachs, 1992). هالبواکس بر ماهیت اجتماعی خاطره تأکید دارد زیرا خاطره دارای محتوای اجتماعی است؛ اغلب خاطرات یک فرد، در حضور دیگران و در محل زندگی جمعی شکل گرفته‌اند. همچنین برای به یادآوردن خاطرات از نقاط مرجع زمانی و مکانی استفاده می‌شود که جنبه اجتماعی دارد (Paez et al., 2013). بنابراین خاطره جمعی را خاطره اجتماعی نیز می‌نامند. این امر به وسیله آسمن نیز تأیید شد و تأکید کرد که اگرچه این افراد هستند که به یاد می‌آورند، اما این گروه‌ها هستند که از طریق برپایی بناهای یادبود یا با توسعه تکنیک‌های فرهنگی که یا از شکوفایی حافظه یا ترویج فراموشی آن حمایت می‌کنند، برای خود خاطره می‌سازند

(Assmann, 2011).

خاطره جمعی خاطره وقایع و رویدادهای تجربه شده به وسیله فرد در چارچوبی اجتماعی و در تعاملی دوسویه میان فرد و گروه از طریق به یادآوردن افراد، اشیا، مکان ها و تجربیات و با استفاده از سازوکارهای تداعی معانی است. به عبارت دیگر خاطره جمعی به معنای خاطرات مشترک میان گروه‌ها و جوامع است (Lewicka, 2008).

۲.۳. نوستالژیا

بیشتر فعالیت‌ها و کاربری زمین در یک شهر بخشی از تجربه فضایی انسان را نشان می‌دهد. با گذشت زمان، این ارتباط بین مردم و کاربری زمین به پدیده‌ای احساسی به نام «دلتنگی برای مکان» یا نوستالژیا تبدیل می‌شود. این پدیده بیانگر ابعاد روانی، اجتماعی، ارتباطی و فضایی است (Alshamari, 2022). احساس نوستالژیا به تعلقاتی درگذشته انسان می‌پردازد که در زمان حال هم می‌تواند جریان داشته باشند و تفکر به آنها دلتنگی شیرین را نسبت به از دست رفته‌ها، در دل افراد ایجاد می‌نماید (Abna et al., 2021). نوستالژیا، یک احساس غم‌انگیز همراه با شادی به اشیا، اشخاص و موقعیت‌های گذشته است که آرزومندی عاطفی، احساس گرمی نسبت به موقعیتی در گذشته و دلتنگی شدید برای زادگاه از جنبه‌های اصلی چپستی این پدیده است (Dickinson & Erben, 2006). این مفهوم به عنوان یک گفتمان مادی و عاطفی، خاطره، مکان و تجربه را پیوند می‌زند (Hodge, 2011).

۲.۴. خاطره‌انگیزی^۲

خاطره‌انگیزی کیفیتی برای فراخوانی و یادآوری ارزشمند تعریف می‌شود (Merriam-Webster's Collegiate Dictionary, 2003). عناصر خاطره‌انگیز، عناصری هستند که می‌توانند با قرارگیری در ذهن، هم باعث ایجاد خاطره و هم حس تعلق گردند. منحصر به فرد بودن و شاخص بودن باعث می‌شود که تصاویر سریع در ذهن باقی بمانند و این عناصر باعث می‌شوند که آن فضا دارای هویت مکانی شاخصی شود (Rossi, 1984). تحقق‌پذیری معمارانه خاطره‌انگیزی به واسطه وجوهی فراتر از کمیات و کیفیات معمول در معماری شناخته می‌شود و از این طریق در ذهن افراد می‌ماند (Ewing et al., 2013). همچنین خاطره‌انگیزی فضاهای شهری یکی از شاخصه‌های کیفی محیط است (Hasani mianroudi et al., 2018).

۲.۵. مکان خاطره^۲

همان طور که گفته شد، خاطره برای هالبواکس بازسازی گذشته با استفاده از داده‌های گرفته شده از زمان حال است. اما برای این که چیزی غیر از یک فانتزی باشد، باید در جایی اتفاق افتاده باشد. اگر کسی آن مکان را تصور نکند، توصیف این رویداد بسیار دشوار خواهد بود (Halbwachs, 1980). برای انسان‌ها نسبت به مکان‌هایی که رفت‌وآمد دارند، به‌گونه‌ای تعلق خاطر ایجاد می‌شود و بودن در آن معانی چندگانه‌ای را شامل هویت، احساس و هیجان در فرد

به وجود می‌آورد. چنین مکان‌هایی که ارزش‌ها و معانی مختلفی در افراد به وجود می‌آورند، مکان خاطره نامیده شده است. مکان خاطره‌ها گذشته را به خاطر ما می‌آورند (Hall et al., 2003; Nora, 1989). اهمیت اصلی ارتباط بین خاطرات و مکان‌های ماست. زیرا درحالی‌که حافظه ما ممکن است اختراع ناب باشد، اما اگر بتوان آن را دقیقاً در مکانی قرار داد و به یادگار گذاشت، خود مکان واقعی است. برعکس، خاطره‌ای که فاقد محلی‌سازی است، خطر عدم تأیید صحت و در نتیجه گم شدن را دارد (Truc, 2011). مکان‌سازی به حفظ شهرها به‌عنوان مکان‌های معنادار خاطرات زیست‌شده کمک می‌کند و برخی از محققان تمایل دارند تا بر این تمرکز کنند که چگونه روابط متقابل مکان، هویت‌های مختلف و حافظه به فرآیندهای معنا‌سازی که در مکان خاطره رخ می‌دهد، کمک می‌کنند (Mowla, 2004).

۳. روش تحقیق

از آنجا که هدف این پژوهش شناسایی، نمایه کردن منابع حوزه پژوهش و جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها، تحلیل و تفسیر آنچه تاکنون در ایران منتشر شده و نیز یافتن شکاف‌های تحقیقاتی موجود است، تلاش شده تا برای جمع‌آوری اطلاعات و غربالگری مستندات از فهرست بیانیه پریزما استفاده شود. پریزما عبارت است از دستورالعملی به منظور شفاف و علمی سازی گزارش نویسندگان مقالات مروری. این بیانیه چک‌لیستی را با ۲۷ گزینه ارائه می‌دهد. در این روش از «شکل پریزما» برای به تصویر کشیدن مراحل مختلف بررسی متون و داده‌ها استفاده می‌شود. این شکل اطلاعات در مورد تعداد مستندات مشخص شده در پایگاه‌های جست‌وجو، تعداد مطالعاتی که وارد و یا حذف شده‌اند و همچنین اطلاعات مربوط به دلایل کنار گذاشته شدن آنها را مشخص می‌کند (Liberati et al., 2009; PRISMA_2020_checklist, 2020).

مطابق با نمودار شماره ۱، فرآیند پژوهش با طرح سؤال آغاز شده و انتخاب نمونه مورد مطالعه بر مبنای جست‌وجوی اینترنتی واژه‌های مرتبط با موضوع (خاطره و خاطره مکان) در پایگاه‌های داده علمی-تخصصی مگیران، SID و گنج-ایرانداک بدون محدودیت زمانی صورت‌گرفته و منابع به دست آمده مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ بوده‌اند. در این مرحله در سایت مگیران ۲۰۶ مقاله، در سایت SID، ۱۰۱ مقاله و در سامانه گنج تعداد ۱۶ رساله دکتری در حوزه معماری و شهرسازی به دست آمد. در مرحله بعد تعدادی مقاله بر اساس عنوان، چکیده یا محتوای نامرتب حذف شدند. در نهایت مقالات انتخابی از نشریات علمی پژوهشی برگزیده شدند که در پرتال نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری حائز رتبه ارزیابی (الف تا د) بوده‌اند (جدول شماره ۱). در رابطه با پایان‌نامه‌ها، پس از بررسی عنوان و چکیده و حذف عناوین نامرتب، چهار مورد برای بررسی نهایی برگزیده شدند. در مرحله بعد جدولی به منظور استخراج و دسته‌بندی اطلاعات هر مقاله به ترتیب سال انتشار طراحی شده (جدول شماره ۲) و پس از استخراج داده‌ها، تحلیل و تفسیر یافته‌ها به روش کدگذاری و قراردادن مطالب در گروه‌های مشابه صورت گرفت. بدین صورت نگارندگان توانسته‌اند به تفسیر و توصیف جنبه‌هایی از پدیده مورد مطالعه و در نتیجه به شناخت جامعی دست یابند.

- 1 Nostalgia
- 2 Memorability
- 3 Place-memory



نمودار شماره ۱: فرآیند انجام پژوهش

جدول شماره ۱: لیست پژوهش های منتخب برای بررسی (به ترتیب: مقالات، پایان نامه های دکتری و ارشد) ←

کد	مقاله	کد	مقاله
۱	فدایی نژاد، س.، و کرم پور، ک. (۱۳۸۵). بررسی سیر تحولات بافت و تأثیر آن بر خاطره زبانی از بافت های کهن (نمونه موردی محله عودلاجان تهران). باغ نظر، ۳(۶)، ۸۲-۱۰۰.	۲	شعله، م. (۱۳۸۵). دروازه های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر، ریشه یابی رشته های خاطره ای. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۷، ۱۷-۲۶.
۳	پورجعفر، م صادقی، ع یوسفی، ز. (۲۰۰۹). بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۸(۱۲۵)، ۲-۱۷.	۴	میرمقتدایی، م. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۷.
۵	اهری، ز. (۱۳۹۰). شهر، جشن، خاطره تأملی در نسبت فضاها و جشن های شهری در دوران صفویان و قاجاریان. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳(۴۷)، ۵-۱۶.	۶	اسمعیلیان، س.، و رنجبر، ا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مؤلفه های موثر بر شکل گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری نمونه موردی: تهران، میدان تجریش، میدان بهارستان و میدانچه تئاتر شهر. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۱۱)، ۱۸۱-۱۹۴.
۷	سلطانی، ع.، زرگری مرندی، ا.، و نامداریان، احمدعلی. (۱۳۹۲). شکل گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری نمونه موردی محور شهید چمران شیراز. مسکن و محیط روستا، ۱۴(۳۲)، ۸۷-۹۸.	۸	آزاد، ز.، و پرتویی، پ. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه میدانی تهران در حفظ و ارتقای خاطره جمعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان). مطالعات شهری، ۴(۴)، ۶۹-۸۰.
۹	کومله، س.، و علمباز، س. (۱۳۹۲). نقش خاطره جمعی در باززنده سازی بافت های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۸(شماره ۴)، ۷۰-۷۹.	۱۰	حبیبی، س.، و سید برنجی، س. (۱۳۹۲). رابطه بین خاطره انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری: نمونه موردی: میدان شهرداری رشت. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۹(۱۷)، ۳۲۹-۳۴۲.
۱۱	مدیری، آ.، و اشرفی زنجانی، آ. (۱۳۹۳). باززنده سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی و... با تکیه بر هویت مکان. مسکن و محیط روستا، ۱۴(۴۵)، ۴۵-۶۲.	۱۲	فلاحی، ع.، و اصلانی، ف. (۱۳۹۴). بازسازی محله ی بازارپس از زلزله ی سال ۱۳۸۲ بم با رویکرد خاطره ی جمعی. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۲۰(۴)، ۴۵-۵۸.
۱۳	توکلیان فردوسی، س.، اسماعیل پور، ن.، و نقصان محمدی، م. (۱۳۹۴). بازطراحی بازار مبتنی بر قابلیت شکل گیری و ثبت خاطره جمعی: نمونه موردی: بازار خان شهر یزد. باغ نظر، ۱۳(۳۹)، ۴۵-۵۶.	۱۴	آقابابایی، ا.، ژیان پور، م. (۱۳۹۵). گلزار شهدا به مثابه ی مکان-خاطره. مطالعات ملی، ۱۷(۱۷)، ۵۳-۶۸.
۱۵	مومنی، ف.، فرجودی کوهنجانی، ا.، حسنی، م.، و سلیمی، ک. (۱۳۹۵). طراحی فضای شهری خودمانی با تأکید بر خاطره انگیزی در گذر تاریخی گلچینان یزد. مدیریت شهری، ۱۵(۴۴)، ۴۸۱-۴۹۸.	۱۶	میانرودی، ن.، ماجدی، ز.، زآبادی، سعیده، ز.، و زیاری، و یوسفعلی. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازبانی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه شناسی. باغ نظر، ۱۴(۵۶)، ۱۷-۳۲.
۱۷	ترکاشوند، ع.، جهانبخش، ح.، و کریمی نژاد، م. (۱۳۹۶). بازشناسی مؤلفه های تأثیرگذار بر شکل گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل های تاریخی. معماری و شهرسازی ایران، ۱۳(۵)، ۱۴-۱۳.	۱۸	یزدی، م.، و امین زاده، ب. (۱۳۹۶). ارزیابی طرح میدان امام حسین (ع) تهران با تأکید بر یادآورهای شهری. هویت شهر، ۱۱(۴)، ۴۵-۵۶.
۱۹	عدالت، ط.، پژواک، ف. بررسی عوامل تأثیرگذار در تبدیل فضای اجتماعی به المان و نشانه شهری از منظر هویت و خاطره جمعی در شهر شیراز: نمونه موردی: ارگ کریم خانی و دروازه قرآن. مدیریت شهری، ۱۳۹۶، ۱۶(۴۹): ۷۷-۹۷.	۲۰	راداحمدی، م.، و مظفر، ف. (۱۳۹۷). جای نام: مکان ناملموس خاطره (تبیین رویکردی کل نگر به خوانش نام آثار معماری تاریخی در حفاظت معماری نظر به مقایسه تحلیلی کاراکتر نام و مکان). نشریه علمی مرمت و معماری ایران، ۸(۱۶)، ۱۹-۱۲۴.

← ادامه جدول شماره ۱: لیست پژوهش‌های منتخب برای بررسی (به ترتیب: مقالات، پایان‌نامه‌های دکتری و ارشد)

کد	مقاله	کد	مقاله
۲۱	مقدس، ن. س. و یگانه، م. (۱۳۹۷). تبیین رابطه خاطره انگیزی بزرگراه‌های سبز درون شهری با طرح‌واره‌های ذهنی مکانی-اجتماعی ناظرین (مطالعه موردی: بزرگراه‌های مدرس، چمران و حقانی در کلا شهر تهران). هویت شهر، ۱۳(۳۷)، ۷۳-۸۶.	۲۲	عنانپاد، م.، غلامعلی‌زاده، ح.، و اسدی ملک‌جهان، ف. (۱۳۹۸). سنجش نقش خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی ساغرپسازان رشت. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۲(۲۷)، ۱۳۱-۱۴۴.
۲۳	حسینی میانرودی، ن.، ماجدی، ح.، سعیده زرآبادی، ز.، و زیاری، ی. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی میزان خاطره‌انگیزی فضاهای شهری با استفاده از الگوهای نشانه‌شناختی، مورد مطالعاتی: میدان‌های آزادی و حسن آباد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲۹(۲۴۱)، ۲۵۵-۲۶۱.	۲۴	غانی، م.، و رازقی، ع. (۱۳۹۸). تأثیرشناسی مداخلات شهری بر خاطرات جمعی جامعه بومی در بازار تاریخی مشهد. نامه معماری و شهرسازی، ۲۶(۱۲)، ۴۹-۶۶.
۲۵	لطفاتی، ز.، و انصاری، ح. (۱۳۹۸). تبیین مدلی در شناسایی و تقویت عوامل تأثیرگذار بر حس مکان و خاطره جمعی (نمونه موردی: حاشیه رودخانه درز) (علمی پژوهشی). مطالعات معماری ایران، ۸(۱۵)، ۶۵-۸۹.	۲۶	جعفری، ر.، ملک، ن. و ندیمی، ح. (۱۳۹۸). درباره نوستالژیا و معماری: تبیین وجوه معماری نوستالژیک با بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای. صفه، ۲۹(۳)، ۵-۱۹.
۲۷	عابد دوست، ح. (۱۳۹۹). تحلیلی نوستالژیک و آیکونیک از کارکرد المان‌های شهری رشت. دانش شهرسازی، ۴(۲)، ۱۹-۴۱.	۲۸	گلرخ، ش.، و باقری، م. (۱۳۹۹). فضای عمومی یادمانی، تجسم کدام خاطره جمعی؟ مطالعه میدان امام علی (ع) اصفهان در تجربه کسبه محلی. صفه، ۳۰(۹۱)، ۶۷-۸۲.
۲۹	حاتمی گلزاری، ا.؛ میرزا کوچک خوشنویس، ا.؛ بایزیدی، ق.؛ حبیبی، ف. (۱۳۹۹). بررسی کیفی ماندگاری معماری مجموعه‌ی بازار تبریز از منظر پدیدارشناسی. نشریه علمی اندیشه معماری، ۴(۷)، ۱۷۲-۱۸۸.	۳۰	خیرالسادات، ا.، داودی رکن‌آبادی، ا.، پیراوی ونک، م. (۱۳۹۹). ارائه نگرشی نوین بر بازخوانی مفهوم خاطره و جایگاه آن در ارزیابی کیفی عملکرد فضاهای جمعی (مورد مطالعه: دانشکده هنر و معماری یزد). فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۲)، ۴۹۱-۵۰۶.
۳۱	سلطانی، م. (۱۳۹۹). بازتاب مفهوم خاطره جمعی در تاریخ‌نگاری معماری فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی؛ ۵(۲)، ۱-۱۵.	۳۲	ابنا، ح.، آیت‌اللهی، س.، و ایران‌منش، م. (۱۳۹۹). معماری و نوستالژیا، پیوستگی بر یادآوری مفاهیم عاطفی معطوف به گذشته در فضای معماری (مطالعه موردی: خانه سنتی شکوهی در شهر یزد). معماری اقلیم گرم و خشک، ۸(۱۲)، ۶۳-۸۲.
۳۳	دانشپور، س.، علی‌الحسابی، م.، و حسینی کومله، م. (۱۴۰۰). چارچوبی روش‌شناختی در شناسایی مسائل واجد ارزش پژوهش پیرامون «خاطره جمعی» در شهر ایرانی با اتخاذ رویکرد مسئله-محور. نامه معماری و شهرسازی، ۱۴(۳۳)، ۵۷-۷۷.	۳۴	صیاد، ع. (۱۴۰۰). بازنامه‌ی خاطره شهری به مثابه تصاویر عکاسانه سوررئالیستی در کتاب دوران کودکی در برلین حوالی ۱۹۰۰، باغ نظر، ۱۸(۱۰۰)، ۳۱-۴۰.
۳۵	پورمحمد، ش.، شجاعی، س. ع.، کلانتری خلیل‌آباد، ح.، و تقوایی، م. (۱۴۰۰). کاربست تأثیر شناختی «شاخص خاطره» بر ارتقای حس تعلق ساکنان محلات جدید و قدیم شهر شیراز. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۱(۴۱)، ۷۳-۸۴.	۳۶	اکبری، م.، بهبهانی، ر.، و ایرانی بهبهانی، ه. (۱۴۰۰). تفسیر معماری خانه‌های درون‌گرای ایرانی بر مبنای منظر ذهنی در روایت زندگی (با تأکید بر رستاخیز خاطره و تئوری مویبوس). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۰(۴۹)، ۱۴۱-۱۶۰.
۳۷	حافظی، س.، و سیمونی، پ. (۱۴۰۰). تأثیر طراحی فضا بر رفتار و ادراک کودک: بررسی تناسب میان تعامل و خاطره در کودکان با نوع طراحی پلان و طراحی با امکانات دیجیتال، آرمان شهر، ۳۶، ۱۵-۲۸.	۳۸	حسینی کومله، م.، علی‌الحسابی، م.، و دانشپور، س. ع. (۱۴۰۱). چارچوبی نظری در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم خاطره جمعی در مرکز تاریخی تهران. معماری و شهرسازی ایران.
۳۹	یزدی، م. (۱۳۹۵). تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم خاطرات جمعی در مکان‌های شهری، رساله دکتری، استاد راهنما: بهنام زاده، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا - دانشکده شهرسازی، ۴۶ بده.	۴۰	سامه، آ. (۱۳۹۹). تبیین تحقق‌پذیری معمارانه خاطره‌انگیزی یادمان‌های شهری به‌واسطه بازنامه‌ی‌های ذهنی-فضایی، رساله دکتری، استاد راهنما: آرمین بهرامیان و محسن فیضی، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده معماری و شهرسازی.
۴۱	حسینی کومله، م. (۱۴۰۰). چارچوبی نظری در تعیین آستانه بهینه دگرگونی، پیوستگی و پایایی مفهوم خاطره جمعی در مرکز تاریخی تهران، رساله دکتری، استاد راهنما: سیدعبدالهادی دانشپور و مهرا ن علی‌الحسابی، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی.	۴۲	ابنا، ح. (۱۴۰۱). معماری و نوستالژی، جستجوی مفاهیم عاطفی در نسبت با یادآوری عوامل حسی و معنایی فضای معماری. رساله دکتری، استاد راهنما: محمدحسین آیت‌اللهی، استاد مشاور: محمد ایران‌منش، دانشگاه یزد، دانشکده هنر و معماری.

جدول شماره ۲: نمونه‌ای از اطلاعات دسته‌بندی شده مقالات منتخب بررسی شده در پژوهش

کلیدواژه‌گان	نمونه	نتایج و یافته‌ها	اهداف و سوالات	نوع	نویسندگان	نشریه	سال	عنوان مقاله
خاطره جمعی فضاهای شهری اصفهان تهران صفویان قاجاریان	تهران و اصفهان	باکم رنگ شدن نقش جشن‌ها در حیات جمعی شهری و ازدست‌رفتن تدریجی فضای مناسب و تعریف شده برای مشارکت مردم در آنها، یکی از محمل‌های اصلی ایجاد خاطر جمعی از حیات شهری حذف می‌شود و شهر در ذهن ساکنانش رنگ می‌بازد.	هدف: بررسی تحول شکل و کارکردهای فضاهای شهری از دوران صفویان به قاجار براساس اسناد تصویری موجود از فضاهای شهری، خیابان‌ها و میدان‌ها و اتکا به نوشته‌های موجود از دوران صفوی و قاجار	مقاله مستقل	زهرا اهری	هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی	۱۳۹۰	شهر، جشن، خاطره تأملی در نسبت فضاهای و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان

۴. یافته ها

در این بخش ساختار و محتوای مقالات مورد بررسی قرار گرفته اند.

۴.۱. بررسی ساختار مقالات

منابع از دیدگاه زمان و فراوانی، نمونه های موردی، پراستنادترین منابع بررسی شده اند.

۴.۱.۱. مطالعه نشریات در واحد زمان و فراوانی مقاله

در این پژوهش ۳۸ مقاله انتخاب و بررسی شده اند. از این تعداد، سه مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی، شش مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد، هشت مقاله برگرفته از رساله دکتری، یک مقاله مستخرج از دروس دکتری شهرسازی اسلامی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز و مابقی مقاله های مستقل بوده اند (جدول شماره ۳). بررسی ها نشان می دهد سه نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، معماری شهرسازی هنرهای زیبا و باغ نظر به ترتیب بالاترین سهم را در چاپ مقالات مرتبط با خاطره داشته اند.

۴.۱.۲. نمونه موردی مورد مطالعه در مقالات و پایان نامه های داخل کشور

بررسی ها نشان می دهد که از تعداد ۴۲ منبع مورد بررسی ۳۷ مورد دارای نمونه موردی و تنها پنج مورد فاقد آن بوده اند؛ این نکته حاکی از تمایل پژوهشگران یا سیاست نشریات برای چاپ نتایج پژوهش های

کاربردی است. بیشترین تعداد پژوهش ها در مقیاس فضای (عمومی) شهری (شش مورد) و پس از آن، میدان (پنج مورد) و سپس خانه و بافت تاریخی (چهار مورد) است؛ مابقی فضاها به ترتیب شامل محله و دروازه (هرکدام سه مورد)، دانشکده، یادمان و بازار (هرکدام دو مورد) و حاشیه رودخانه، گلزار شهدا و بنای تاریخی (هرکدام یک مورد) است (نمودار شماره ۲). مابقی پژوهش ها، یک مورد به روستا و دو مورد به طور خاص شهر را بررسی کرده اند. در مقیاس شهر، موضوع خاطره در یک مطالعه تطبیقی، دو دوره تاریخی را در دو شهر تهران و شیراز مورد تحلیل و بررسی قرار داده و در مقالاتی دیگر شهرهای اصفهان، یزد، بجنورد، رشت و ... و همچنین روستای هورامان در استان کردستان بررسی شده اند.

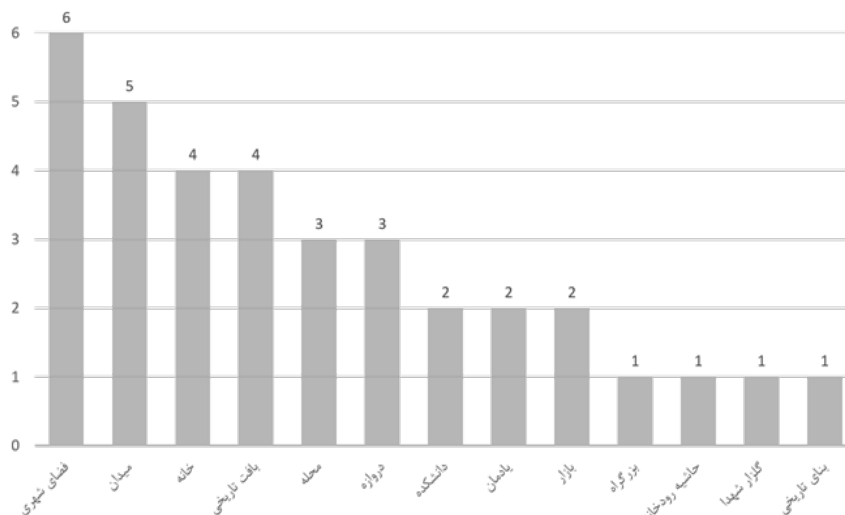
گستره جغرافیایی نمونه ها نیز حاکی از آن است که بیشترین فراوانی مطالعات پژوهشی نمونه محور در شهر تهران با تفاوت قابل توجهی نسبت به سایر شهرها دیده می شود و سپس برخی شهرهای بزرگ مانند رشت، یزد و شیراز، بیشترین فراوانی را دارند.

۴.۲. مطالعه محتوای پژوهش

بر اساس دسته بندی اطلاعات هر پژوهش و کدگذاری آنها که بیشتر بر مبنای عنوان، کلیدواژگان، سوال و هدف پژوهش و نتایج به دست آمده اند، جهت گیری پژوهش های مرتبط، موضوعات و اهداف کار شده مرتبط با موضوع خاطره مشخص شده و محتواهای آنها در نمودار ۳ طبقه بندی شده اند.

جدول شماره ۳: تعداد مقالات انتخابی در هر یک از نشریات مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ارزیابی شده در پرتال نشریات علمی

عنوان نشریه	صاحب امتیاز	رتبه ارزیابی نشریه (سال ۱۴۰۰)	تعداد
۱ هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی	پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران	ب	۵
۲ معماری و شهرسازی آرمان شهر	شرکت مهندسین مشاور آرمان شهر	ب	۵
۳ باغ نظر	مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر	الف	۴
۴ مسکن و محیط روستا	پژوهشکده سوانح طبیعی	ج	۳
۵ هویت شهر	دانشگاه آزاد اسلامی	ب	۲
۶ مطالعات شهری	دانشگاه کردستان	ب	۲
۷ معماری و شهرسازی ایران	انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران	ب	۲
۸ نامه معماری و شهرسازی	دانشگاه هنر	ب	۲
۹ صفا	دانشگاه شهید بهشتی	ب	۲
۱۰ مدیریت شهری	پژوهشکده مطالعات شهری و روستایی	د	۲
۱۱ پژوهش های معماری اسلامی	دانشگاه علم و صنعت با امتیاز قطب علمی معماری اسلامی	ب	۱
۱۲ مرمت و معماری ایران	دانشگاه هنر اصفهان	ب	۱
۱۳ اندیشه معماری	دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)	ب	۱
۱۴ مطالعات معماری ایران	دانشگاه کاشان	ب	۱
۱۵ معماری اقلیم گرم و خشک	دانشگاه یزد	ب	۱
۱۶ مطالعات ملی	مؤسسه مطالعات ملی	ب	۱
۱۷ دانش شهرسازی	دانشگاه گیلان	ب	۱
۱۸ فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی	دانشگاه هنر اسلامی تبریز	ب	۱
۲۰ نگرش های نو در جغرافیای انسانی	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تابعه گرمسار	ب	۱
جمع			۳۸



نمودار شماره ۲: نمودار فراوانی گونه های نمونه موردی در پژوهش های منتخب



نمودار شماره ۳: موضوعات و اهداف کارشده مرتبط با موضوع خاطره

شده است. در سایر مطالعات، تعدادی مؤلفه انتخاب و در بستر مورد نظر بر مبنای سایر متغیرها، بررسی شده است.

۴.۲.۲. روش های تحقیق مرتبط با موضوع خاطره

روش تحقیق و ابزارهای مورد استفاده در روند پژوهش های بررسی شده در نمودار شماره ۴ ارائه شده است. با توجه به این مهم که اکثریت پژوهش های خاطره، مربوط به خاطره جمعی بوده و بسیاری از آنها در بافت های تاریخی انجام شده و یا موضوع تاریخ را در بطن خود داشته اند، روش تحقیق تفسیری تاریخی روشی مرسوم در بررسی های از این دست است. روش تحقیق مرسوم دیگر در این دست از مطالعات، پیمایشی و اکتشافی است؛ خاطره مکان از این لحاظ که با فرد و مکان همراه است، نیازمند کاوش عمیق بوده و این هدف با بهره گیری از ابزارهایی از قبیل مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه میسر خواهد شد. دو رویکرد متفاوت که در پژوهش ها دیده شدند، پدیدارشناسانه (۲۹، ۱۸)، ۳۸ و ۴۲) و نظریه داده بنیاد (۱۲، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۰) بودند که با استفاده از همان ابزارهای اشاره شده به تحلیل موضوع پرداخته اند. در

۴.۲.۱. تعیین محوریت موضوعی محتوای پژوهش ها

جدول شماره ۴ طبقه بندی محتوایی پژوهش های منتخب دو محتوای کلی را در آنها نشان می دهد؛ در دسته ای صرفاً به خود موضوع خاطره و به طور خاص، شکل گیری یا ثبت و یا تداوم آن پرداخته اند. این واژگان در برخی پژوهش ها به صورت های مختلفی استفاده شده است؛ به عنوان مثال در مقاله شماره (۱) از واژه امتداد تاریخی، مقاله شماره (۲) رشته های خاطره ای و در مقاله شماره (۲۵) از تازه شدن یاد استفاده شده است که اشاره به تداوم خاطره جمعی دارد. بیشترین تعداد مقالات تداوم خاطره جمعی، بعد از آن شکل گیری و کمترین تعداد به ثبت خاطره پرداخته اند. در پایان نامه های بررسی شده این مفاهیم در قالب واژگان دگرگونی، پیوستگی و پایایی مورد بررسی قرار گرفته اند. دسته ای دیگر از مقالات نسبت خاطره با سایر موضوعات دیده شده است؛ در برخی از آنها خاطره، متغیر وابسته بوده و در تعدادی دیگر متغیر مستقل.

مؤلفه های مؤثر بر ثبت و شکل گیری و یادآوری خاطره در برخی مطالعات ارائه شده و در قالب جدول شماره ۵ جمع آوری و دسته بندی

جدول شماره ۴: طبقه بندی محتوایی پژوهش های منتخب مرتبط با خاطره (شماره منبع) بر مبنای دسته بندی جدول شماره ۱)

مفاهیم مرتبط		زیرمقاله	مقاله	
معیارهای سنجش (۴)، حضورپذیری (۱۲)، (۱۴)، (۱۵)، ایجاد (۵)، عوامل مؤثر (۶)، (۸)، (۱۳)، (۱۶)، (۱۷)، (۲۳)، (۳۰)، (۳۹)		ثابت و شکل گیری	خاطره جمعی	خاطره
حضورپذیری (۱۲)		امتداد و ضخامت تاریخی (۱)، رشته های خاطره ای (۲)، معیارهای سنجش (۴)، عوامل مؤثر (۶)، (۸)، (۱۸) یادآوری خاطره (۲۶) (نوستالژی)، (۳۹)، مانایی خاطره (۷)، تازه شدن یاد (۲۵)، ماندگاری (۲۹)، تقویت یادآوری (۳۲)،		
خاطره ای فعالیت در ذهن کودک (۳۷)		ثابت و شکل گیری	خاطره	نسبت خاطره با سایر موضوعات
بازنمایی خاطرات کودکی (۳۴)		تداوم و انتقال	فردی	
هویت مکان کاراکنتر نام و مکان مداخلات شهری حس مکان ویژگی های کالبدی	المان و ایجاد هویت و خاطره پذیری (۱۹)، رابطه کاراکنتر نام و مکان با خاطره (۲۰)، مداخلات شهری و خاطره جمعی (۲۴)، حس مکان و خاطره انگیزی (۲۵)، المان شهری و حس نوستالژی (۲۷)، تاثیر نوع پلان بر خاطره کودکی (۳۷)، مفاهیم دگرگونی، پیوستگی و پایایی و تاثیر بر خاطره جمعی (۳۸)، بازنمایی ذهنی و تحقق خاطره انگیزی (۴۰)	خاطره، متغیر وابسته		
باززنده سازی و احیای بافت هویت مکان بازسازی فضای شهری خودمانی کیفیت فضایی حس تعلق مشارکت اجتماعی	ویژگی های کالبدی و خاطره زدایی (۱)، خاطره و فرهنگ بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنها (۷)، خاطره جمعی و باززنده سازی بافت (۹)، خاطره و مشارکت اجتماعی بر بازآفرینی هویت شهری (۱۰)، خاطره جمعی در بازسازی پس از بلایای طبیعی (۱۱)، خاطره جمعی و بازسازی محله (۱۲)، خاطره انگیزی فضای شهری خودمانی (۱۵)، خاطره و احیای خانه (۲۲)، بعد سیاسی مفهوم خاطره (۲۸)، نسبت خاطره جمعی با حوزه های مطالعات معماری (۳۱)، مسایل واجد ارزش تحقیق در مورد خاطره جمعی (۳۳)، خاطره و حس مکان (۳۵)، خاطره و خوانش فضای معماری (۳۶)،	خاطره، متغیر مستقل		
کودک (۳۴) (۳۷)		کاربر ویژه		

جدول شماره ۵: مولفه های مؤثر بر شکل گیری و یادآوری خاطره در شهر، فضاهای شهری و تک بناها (شماره منبع) ها بر مبنای دسته بندی جدول شماره ۱) ←

نمونه	مؤلفه های مؤثر بر ثبت و شکل گیری و انتقال خاطره مکان در شهر			
	امکان ثبت و انتقال خاطره و تاریخ شهر	امکان شکل گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی		
شهر تهران	ثبت و تداوم سکونت در شهر (مهاجرت و جابجایی جمعیت در حوزه های درون شهری و برون شهری تعلق به مکان جایگاه شهر در ادبیات و سینما بناهای تاریخی و محلات شهر یادمان های شهری، نام ها و اسامی	امینت اجتماعی و محیطی تنوع قومی طبقات اجتماعی مهم ترین وقایع تاریخی شهر برگزاری مراسم و آیین های ملی، مذهبی و باستانی انواع فضاهای عمومی و باتوق ها در مقیاس شهر و محله ها		
نمونه	مؤلفه های مؤثر بر شکل گیری و ثبت خاطره مکان در تک بنا و فضاهای شهری (در هر پژوهش مورد مطالعه)			
	احساسی- ادراکی و معنایی	زمانی	آسایشی- تفریحی	فعالیتی- عملکردی
فضای آموزشی (دانشکده) (۳۰)	تأکید بر عناصر خاطره ساز عوامل ذهن آشنا تجلی عناصر زنده توجه به انعطاف پذیری	گذشت زمان سیر تطور تاریخی سابقه و زمان سکونت در مکان	(امنیت و آسایش) حذف نگاه های ناخواسته وجود فضای دنج و خودساخته دسترسی های غیرمستقیم به حریم فضا تأکید بر مرز بندی و عرصه بندی قابلیت تنظیم میزان محصوریت فضا	توجه به فعالیت و عملکرد هر مکان و قابلیت آن برای پوشش عملکردی جدید کاربرد نمادها و نشانه های معماری سرزمینی و متناسب با عملکرد
	حس تعلق هویت مشترک حس مالکیت			
	احساسی	مکانی		اجتماعی
بازار (۱۳)	حس هویت (دل بستگی) حس شهرگرایی (امنیت) حس تحرک پذیری (سرزندگی)	بستر کالبدی دعوت کنندگی - لبه، نشانه، گره و مسیر تصویرات (تصویر موجود در اذهان)		مراسم و آیین های ملی و مذهبی تماشا و نظاره (برای شهروندان، نه کسبه)

← ادامه جدول شماره: مولفه های مؤثر بر شکل گیری و یادآوری خاطره در شهر، فضاهای شهری و تک بناها (شماره منبع) ها بر مبنای دسته بندی جدول شماره ۱)

نمونه	مولفه های مؤثر بر ثبت و شکل گیری و انتقال خاطره مکان در شهر					
	معنا	کالبد	فعالیت			
فضای شهری (پیرامون پل تاریخی) (۱۷)	جاذبه ها، خوانایی، نمادها و نشانه ها ارزش ها، آداب و رسوم و اعتقادات مناسبات فرهنگی	بستر طبیعی توجه به رودخانه، افزایش فضای سبز بستر انسان ساخت میلان شهری، فرم های ساختمانی، نفوذ پذیری، صدا و بو	اجباری (ضروری حیاتی) اجتماعی دیدار با همسایگان و آشنایان برگزاری مراسم و جشن ها انتخابی (تفریحی) (تماشای مردم)			
میدان (۶)	هویت و حس تعلق هم خوانی تصویر ذهنی افراد با وضع موجود مکان تداوم تاریخی ادراکات فضا در بستر زمان تداعی معانی تاریخچه تاریخی خاص آن مکان و نام مکان	بستر طبیعی توپوگرافی محدوده - نشانه های طبیعی - عناصر سبز - عناصر طبیعی مؤثر در شکل بافت - دیده های ویژه - شرایط اقلیمی بستر انسان ساخت منظر شهری - بافت - عناصر نشانه ای - نقاط مکث بستر انسان ساخت و تأکید - روانی حرکت پیاده	فعالیت فرهنگی فعالیت سیاسی فعالیت مذهبی فعالیت اجتماعی فعالیت روزمره زندگی فعالیت تفریحی			
	الگوهای نشانه شناختی					
میدان (۱۶)	زمان دوره های توسعه - فرآیند شکل گیری - سیر تطور تاریخی معنای فضا دل بستگی مکانی - حس تعلق - هویت میزان غنای حسی - میزان احساس مسئولیت در برابر فضا	ویژگی های فردی ارزش ها و نگرش ها - نوع و قدمت حضور - تصورات ذهنی کیفیت دید و منظر میزان انسجام و پیوستگی لبه ها - چشم اندازها و کیفیت کریدورها تعامل ذهنی با محیط میزان و وضوح نشانه ها و علائم - خوانایی - میزان محصوریت فضا - میزان القا حس مقیاس انسانی، مرکزیت و مکث	رمزگان اجتماعی رمزگان منطقی تعاملات اجتماعی تعاون و مشارکت رویدادهای خاطره ساز گروه های حاضر در بافت (تنوع جنسیتی، ترکیب گروه های سنی)			
	مولفه های مؤثر بر یادآوری خاطره مکان در تک بنا و فضاهای شهری (نوستالژیا) (در هر پژوهش مورد مطالعه)					
میدان (۱۸)	معنا بازگویی خاطرات در قالب معنایی اسامی مکان ها آثار ادبی و هنری الواح تاریخی، کتیبه ها، دیوار نوشته ها و ...	فرم بازگویی خاطرات در قالب فرمی آثار معماری و شهری المان خاطره انگیز و اشارات آشنا نشانه هایی از عناصر خاطره ای تخریب شده و خواناسازی آنها	فعالیت بازگویی خاطرات در قالب فعالیت مراسم، مناسبت ها، آیین ها با ریشه های ملی، باستانی و مذهبی			
	روح بی زمان و پایایی	عناصر گذشته	احساس آشنایی	در محضر طبیعت	خیال انگیزی	خلوت یا هم بودن
فضای آموزشی (دانشکده) (۲۶)	دوام کالبدی احساس پناه ریشه داشتن ارتباط با کهن بی زمانی	مصلح اجزای معمارانه گذشته	سادگی اجزای آشنا تداوم مطلوب احساس مصلح معانی تداعی شده محیط تشابه در اپیزودهای رفتاری	نور در فضا ارتباط بی واسطه با طبیعت آب و خاک و آسمان رایحه فضا و طبیعت نظرگاه و فضای باز	اشراف گسترده دید رنگ ابهام	آزادی انتخاب جمع پذیری تعاملات عاطفی خلوت داشتن سرزندگی نشاط و تنوع

در میان مقالات تنها یک پژوهش از روشی متفاوت پیروی کرده است: خوانش میان متنی خاطرات با بهره گیری از دانش روایت شناسی؛ در این پژوهش تفسیر فضای ذهنی معماری با خوانش روایت زندگی در خانه های درون گرای ایرانی صورت گرفته است. راهبرد کیفی پژوهش مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی و فراخوانی ذهن و عین، به کشف شیوه های اندیشه در عرصه معرفت بشری می پردازد (۳۶).

هر دو این رویکردها برای تحلیل و دسته بندی داده ها از کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) استفاده شده است. در ابزارهای تحلیلی که در چند مقاله تکرار شده اند، تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار لیزرل به چشم می خورد. طی این روش، محقق به آزمون فرضیاتی مربوط به یک ساختار عاملی خاص اقدام می کند و به دنبال تهیه مدلی است که فرض می شود داده های تجربی را بر پایه چند پارامتر نسبتاً آندک، توصیف، تبیین یا توجیه می کند (Hasani Mianroodi et al., 2019).

شماره منبع	ابزار	روش تحقیق و رویکرد
(۵) (۲) (۱)	اسناد تصویری، نقشه‌های تاریخی و مرور متون	تفسیری-تاریخی
(۱۸)	مرور متون و منابع و اسناد تصویری و مصاحبه	
(۳۴) (۳۱) (۲۰) (۱۹) (۱۱) (۳)	مرور متون و منابع و اسناد تصویری	توصیفی-تحلیلی
(۲۷) (۶)	مرور متون و منابع، برداشت میدانی، تحلیل وضع موجود و مصاحبه	
(۴۱) (۳۵) (۳۲) (۳۵) (۲۱) (۱۷) (۱۵) (۱۳) (۷)	مشاهده و پرسشنامه	
(۲۴) (۱۴)	مصاحبه	
(۳۹) (۲۲)	پرسشنامه و تصویربرداری	مورد پژوهی
(۳۷)	شبیه‌سازی موقعیت، مصاحبه و پرسشنامه	
(۴۰) (۳۰) (۲۸) (۲۶) (۱۲)	مصاحبه، مشاهده و نوشتار	با اتکا به نظریه داده بنیاد ^{۱۱}
(۲۹)	مردم‌نگاری	رویکرد پدیدارشناسانه
(۴۲) (۳۸)	مصاحبه	بررسی تطبیقی
(۸)	مشاهده و مصاحبه	فراترکیب
(۳۳)	مرور متون و منابع	روایت‌شناسی
(۲۶)	مرور متون و منابع و مصاحبه	مطالعه اکتشافی
(۴)	نقد و تحلیل مطالعات موجود	
(۲۳) (۱۶) (۱۰)	پرسشنامه، مقایسه تحلیلی	

نمودار شماره ۴: روش تحقیق و ابزارهای مورد استفاده در روند پژوهش‌های بررسی شده

۵. تفسیر یافته‌ها

پژوهش حاضر در گستره مطالعات حوزه خاطره مکان، به سیر انتشار و تحول پژوهش‌های علمی در حوزه خاطره مکان در ایران به لحاظ ساختار و محتوا پرداخته است. موضوع مورد توجه در مطالعات، جمعی یا فردی بودن خاطره است. در اکثریت پژوهش‌ها، خاطره جمعی مدنظر بوده‌اند، خاطره‌ای که مشترک بین مردم یک منطقه یا شهر بوده و از بعد فردی خارج شده است. در برخی از مقالات، برای مثال در مقاله کد شماره ۱ که با هدف یافتن راهکاری مناسب در جهت حفظ و تداوم خاطره‌های شهری در محله و افزودن بر ضخامت تاریخی انجام شده و همچنین مقاله کد شماره ۶ که در پی پاسخ به سؤال انباشت خاطره و فرهنگ چگونه بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنها اثر می‌گذارد؟ است، گرچه به طور خاص به خاطره جمعی اشاره نشده، مراد پژوهشگر "خاطره جمعی" بوده است. به نظر می‌رسد که خاطره فردی تنها در دو مقاله مورد بررسی قرار گرفته و البته بدون اشاره مستقیم و صرفاً با پرداختن به کاربر کودک. به نظر می‌رسد این بخش از مطالعات نوآوری و دقت بیشتری را می‌طلبد. در رابطه با خاطره مکان، شکل‌گیری و ثبت خاطره و انتقال، تداوم و یادآوری آن دو مقوله متفاوت هستند که بر اساس نمونه موردی پژوهش که شهری یا روستا باشد یا یک تک بنا و یا فضای شهری هریک شامل مؤلفه‌هایی هستند. به طور کل این مؤلفه‌ها را می‌توان در سه دسته کلی، مکانی، اجتماعی و احساسی دسته‌بندی کرد (جدول شماره ۵). مؤلفه‌های مکانی در ارتباط با کالبد و کاربرد مکان و ویژگی‌های مرتبط، مؤلفه‌های اجتماعی در رابطه با فعالیت‌ها و رویدادهایی است که موجب ارتباط و تعامل بیشتر افراد با یکدیگر و با محیط را فراهم می‌کند و مؤلفه‌های احساسی موضوعات مرتبط با معنا و همچنین احساسی که افراد با آن در آن محیط خاص درگیر می‌شوند، مانند: هویت، حس تعلق و ... را شامل می‌شوند که مرتبط با دوره زمانی است که افراد در آن محیط خاص ساکن بوده و یا با آن ارتباط عمیق داشته‌اند. همچنین هریک از

کاربری‌ها بر مبنای ویژگی‌های خاص خود دارای اشتراکات و افتراقاتی در زیرمؤلفه‌ها با یکدیگر هستند به عنوان مثال در مؤلفه مکانی، موضوع بستر طبیعی ممکن است در یک کاربری مانند فضای شهری اطراف پل تاریخی بیشتر از سایر کاربری‌ها حائز اهمیت باشد. کاربری‌ها با یکدیگر نیاز و اوجد تفاوت‌هایی هستند. در کاربری بازار و در دو پژوهش متفاوت در دو بستر مختلف زیرمؤلفه‌ها گرچه در کلیات تشابهاتی دارند اما در جزئیات متفاوتند.

در این میان پرداختن برخی مقاله‌ها به موضوعات جدید و متفاوت‌تر، شایسته توجه است. برای مثال مقاله کد شماره ۱۵، خاطره‌انگیزی و خودمانی بودن فضا در یک گذر تاریخی را مورد بررسی قرار داده و اینگونه بیان می‌کند فضای خودمانی فضایی است که فرد ساکن محله در آن احساس تعلق می‌کند، فضا را از آن خود دانسته و خود را نیز جزئی از فضا می‌داند. چنانچه انسان در فضا احساس راحتی و تعلق داشته باشد، حضور وی در فضا پررنگ‌تر شده و زمینه خاطره‌سازی برای وی فراهم می‌شود (Momeni et al., 2016).

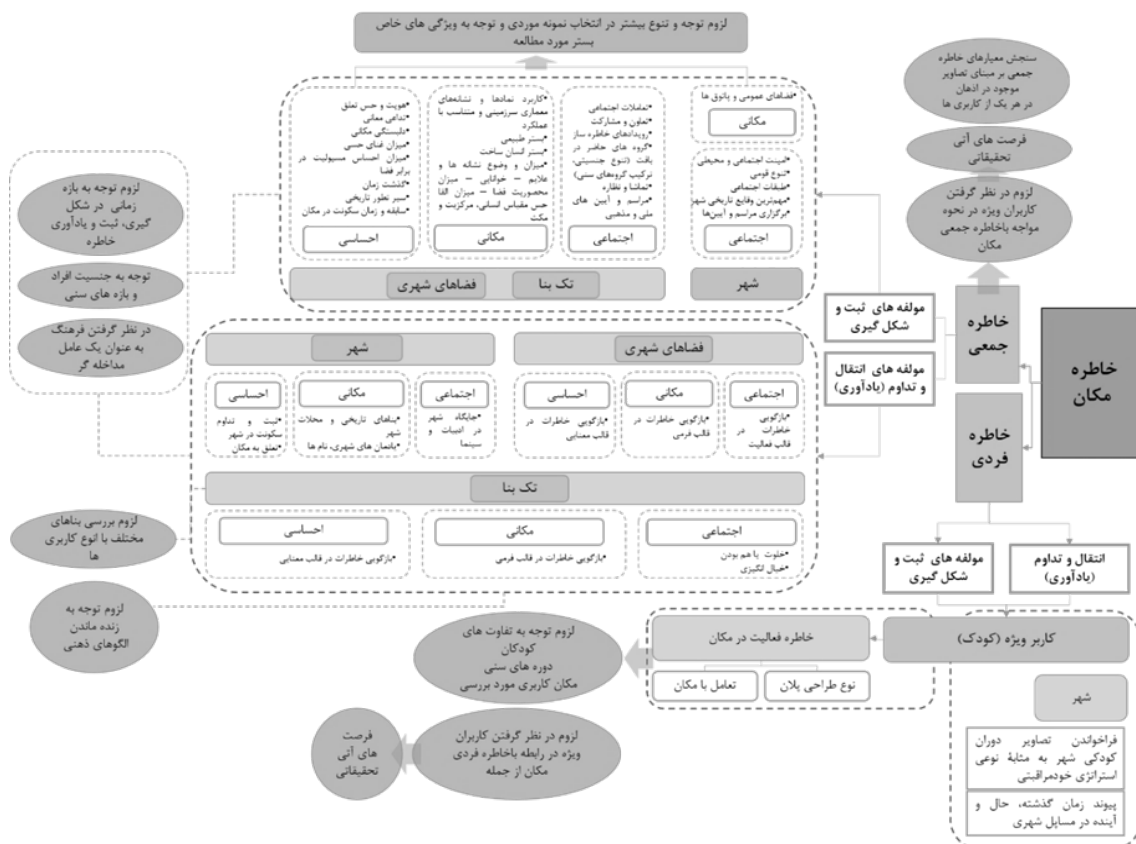
به زعم هالبواکس و بویر، اجتماع پذیر بودن یک فضا از عوامل تأثیرگذار بر خاطره جمعی است. از نتایج اجتماع‌پذیری و جمع شدن مردم، ارتباط چهره به چهره است (Halbwachs, 1980). پیش‌زمینه این مسئله، قابلیت آن فضا برای حضور افراد در کنار یکدیگر است که به نظر می‌رسد که این مهم بایستی یکی از موارد مهم قابل بررسی در پژوهش‌های مرتبط با خاطره باشد. یعنی در واقع شرط اولیه برای خاطره‌انگیز شدن یک فضا حضورپذیری آن است. این مقوله تنها در یکی از مقالات (کد ۱۲) اشاره شده است.

موضوع خاطره در رابطه با خانه در تعداد معدودی از مقالات دیده می‌شود که مرتبط با کودکی افراد نیز نبوده است.

در رابطه با کاربران ویژه تنها دو مقاله (کد شماره ۳۴ و ۳۷) موضوع خاطره کودک را مطرح کرده‌اند. مقاله کد شماره ۳۷، به بررسی تناسب میان تعامل و خاطره در کودکان با نوع طراحی پلان و طراحی با امکانات

فرهنگی و ذهنی کودکان تحت تأثیر نامطلوب قرار می‌گیرد؛ زیرا این مکان‌ها تنها مکان‌هایی هستند که کودکان در آنها قرار دارند، می‌توانند به غیر از خانه و مدرسه خود بازی و معاشرت کنند (Gehl, 2011). بر همین اساس اهمیت وجود محیط‌هایی که به گونه‌ای سازنده، کودکان را مخاطب قرار داده و آنان را در محیط درگیر کند، می‌تواند به عنوان ضرورتی برای معماران و شهرسازان در راستای هرچه سرزنده‌تر ساختن بخش‌های مختلف محیط مسکونی که بخش قابل توجهی از خاطرات کودکی افراد در این محیط شکل می‌گیرد، بیان شود. مقاله کد شماره ۲۲ با یک پژوهش میدانی توانسته است تاحدودی چگونگی بهره‌گیری از خاطرات جمعی شهروندان را در راستای احیای بافت‌های قدیمی با ارزش در محله قدیمی ساغریسازان رشت نشان دهد. برخی از این راهکارها و تمهیدات، استفاده از خاطره جمعی در احیای بافت با ارزش با به‌کارگیری مشارکت شهروندان و دریافت نقشه‌های شناختی آنها نسبت به مکان، حفاظت از آیین‌ها و برگزاری نمایش‌های آیینی خاطره‌انگیز همچون تعزیه در مکان‌های مذهبی و ... هستند. این پژوهش بر بافت مسکونی خارج متمرکز است. مقاله کد شماره ۲۵، تلاشی در جهت گره‌گشایی از معضل بیگانگی روانی برخی مکان‌های معاصر، از طریق تازه شدن یاد است؛ نوعی از یاد که بار عاطفی مثبت آن برای انسان بالاست. مهم‌ترین مقوله‌ای که موجب تقویت یادآوری مکان می‌گردد، زنده ماندن الگوهای ذهنی در آن است. نمودار شماره ۵ به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش و به عنوان چشم‌اندازی از پژوهش‌های موجود پیرامون مقوله خاطره مکان و ارائه شکاف‌های تحقیقاتی حوزه پژوهش ارائه شده است.

دیجیتال پرداخته و به این نتیجه رسیده است که میان طراحی پلان تقسیم شده با هر دو متغیر رفتارهای اجتماعی کودک و خاطره فضا در ذهن کودک همبستگی مثبت وجود دارد. میان محیط با امکانات دیجیتال با رفتارهای اجتماعی کودک و خاطره فضا در ذهن وی نیز چنین همبستگی مثبتی دیده می‌شود (Hafezi & Simoni, 2021). در پژوهش دیگر پژوهشگر به خوانشی متفاوت از کتاب دوران کودکی در برلین حوالی ۱۹۰۰ می‌پردازد. این کتاب روایت تجربیات و خاطرات دوران کودکی والتر بنیامین از زندگی در برلین مدرن در سال‌های انتهایی قرن نوزدهم و سال‌های ابتدایی قرن بیستم است. بنیامین، به منظور یافتن راهکاری مناسب برای بازنمایی خاطرات دوران کودکی‌اش از تجربه کلانشهری، از ظرفیت‌های تکنولوژی‌های بازتولیدی مدرن، همچون سینما و عکاسی، بهره می‌گیرد و در نهایت این نتیجه را مطرح می‌کند که تصاویر عکاسانه-متنی بنیامین از تجربه و خاطره کلانشهری نه تنها در رابطه با گذشته بلکه در پیوند با زمان حال و آینده معنا پیدا می‌کنند. تصاویر بی‌صدا و سوررئالیستی او از خاطرات دوران گذشته برلین، در مواجهه با تبلیغات پرشکوهِ و نویدهای فریبنده حزب نازی، پژواک و معنای خود را پدید می‌آورند. موضوع دیگر، رابطه سن افراد و موضوع خاطره است؛ با توجه به این که احساسات مثبت و منفی نسبت به یک محیط از سنین بسیار پایین شروع می‌شود، تغییرات فیزیکی که در محیط‌های مسکونی مشاهده می‌کنیم نه تنها بر رفتار فضایی کودکان بلکه بر رشد روانی آنها نیز تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، گل بیان می‌کند که وقتی فضاهای عمومی، نیازها، انتظارات و خواسته‌های کودکان را نادیده می‌گیرند و در نتیجه صرفاً توسط بزرگسالان برای بزرگسالان طراحی می‌شوند، رشد اجتماعی،



نمودار شماره ۵: دیگرام مفهومی مفاهیم و مقولات مرتبط با خاطره مکان در پژوهش‌های منتخب

۶. نتیجه‌گیری

حجم زیاد و روزافزون مطالعات در زمینه‌های مختلف نیاز به تلخیص و تفسیر آنها و نیز تشخیص حوزه‌های پژوهشی پرتکرار و نیز یافتن شکاف‌های پژوهشی به منظور یافتن موضوعات جدید برای پژوهش‌های آینده از دلایلی هستند که ضرورت واکاوی در پژوهش‌های انجام شده پیشین را مشخص می‌کند. پژوهش پیش رو با مروری نظام‌مند به این مهم در پژوهش‌های فارسی زبان به موضوع خاطره مکان پرداخته است.

تعداد و حجم نسبتاً اندک پژوهش‌های موجود در این زمینه، حاکی از جوان و کم‌عمق بودن موضوع و تمرکز کم پژوهشگران بر آن بوده است. موضوع خاطره جزو مواردی است که هنوز به حد اشباع در هیچ یک از زمینه‌های مورد بحث نرسیده و می‌تواند از فرصت‌های آتی علاقمندان برای پژوهش برشمرده شود.

در ادامه به اهم موضوعات مورد بحث پیرامون مطالعات خاطره مکان در حوزه معماری و شهرسازی که می‌توانند پیشنهادهاتی برای پژوهش‌های آینده باشند، اشاره می‌گردد:

- مهمترین عاملی که موجبات تقویت یادآوری در مکان می‌گردد، زنده ماندن الگوهای ذهنی است که در پژوهش‌ها بسیار کم بدان پرداخته شده است.

- موضوعات ترکیب شده با موضوع خاطره در برخی مقوله‌ها چون احیا و بازسازی در بافت‌های کهن و تاریخی، هویت، تعلق و دلبستگی به مکان و مانند آنها دارای تکرار است. اهمیت یافتن موضوعات مرتبط با هویت و راهکاری که برخی پژوهشگران در رجوع به گذشته ارائه می‌دهند و روند رو به رشد مطالعات خاطره نشان از اهمیت یافتن این موضوع دارد. بنابراین جایگاه خاطره مکان در مباحث معماری و شهرسازی، در فضاهای بیرونی و درونی، در طرح‌های توسعه شهری و در موضوعات احیا و بازسازی بافت‌های کهن و همچنین ساخت بافت‌های جدید نیز موضوعاتی هستند که می‌توانند مورد توجه قرار گیرند.

- در مطالعات این حوزه، توجه به کاربران ویژه (کودکان و سالمندان)، سن، جنسیت، موقعیت‌ها، ویژگی‌های افراد و توجه به مکان‌های ویژه از جمله مکان‌های به یادماندنی کودکی کم بوده و می‌تواند موضوع جالب توجهی هم در زمینه ثبت و شکل‌گیری خاطره و هم تداوم و یادآوری آن در پژوهش‌های آتی علاقمندان باشد.

- امکانات در دسترس حال حاضر و امکان ثبت و ضبط وقایع و ویژگی‌های خاص مکان‌ها، پتانسیل مناسبی را برای بررسی این موضوع در رابطه با یادآوری خاطرات مکان‌ها در اختیار پژوهشگران قرار خواهد داد.

- مقالات علمی پژوهشی کاربردی که به بررسی نمونه موردی پرداخته‌اند، تعداد قابل توجه‌تری را به خود نسبت داده‌اند؛ که در این میان فضاهای عمومی شهری و به طور خاص میدان‌های شهری بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. در میان شهرهای مورد بررسی، تهران، بیشترین تعداد را در بر گرفته و برخی شهرهای دیگر از قبیل مشهد، شیراز، اصفهان و یزد نیز در میان نمونه‌ها دیده می‌شود؛ اما جای سایر شهرها در بررسی‌های مرتبط با خاطره خالی است. همچنین در میان نمونه‌های میدانی بررسی شده تکرار برخی از آنها از

جمله میدان تجریش تهران قابل توجه است.

- بررسی مبانی نظری مقالات منتخب، واژگانی مرتبط با خاطره به چشم می‌خورد که لزوم ارائه تعریف دقیق از آنها بر نویسندگان نشان داد و این مهم در بخش ابتدایی مقاله مورد بررسی قرار گرفت. برخی واژگان دیگر نیز در همراهی با موضوع خاطره عیان شده‌اند، از جمله، ضخامت تاریخی، یادآوری، رشته‌های خاطره‌ای، نوستالژیا و مانند آنها که پرداختن به هریک از آنها می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد.

- در رابطه با روش‌های تحقیق مرتبط با خاطره، با توجه به این که خاطره یک موضوع انتزاعی بوده و با تجربه فرد در ارتباط با محیط مرتبط است، ارتباط مستقیم با محیط و افراد می‌تواند به استخراج داده‌های مرتبط کمک کند. بنابراین روش‌هایی از قبیل مشاهده، حضور در محیط، تصویربرداری، مصاحبه عمیق و پرسشنامه که امکان درگیری بیشتر با ذهن افراد را مهیا می‌کنند، روش‌های مناسبی هستند.

- پژوهش‌های قیاسی تطبیقی، علل یابی و امکان‌سنجی از فرصت‌های پژوهش‌های آتی برای محققان در حوزه خاطره مکان خواهد بود.

اعلام عدم تعارض منافع:

“نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است”.

References:

- Abna, H., Ayatollahi, S. M. H., & Iranmanesh, M. (2021). Nostalgia and Architecture, a Survey of Past Emotional Concepts in the Architectural Space, with a Case Study of the “Shokoohi” Traditional House of Yazd. *Journal of Architecture in hot and dry climate*, 8(12), 63-82. <https://doi.org/10.29252/ahdc.2021.14266.1373>. [in Persian]
- Aghalatif, A. (2012). Man and house; Explaining the pattern of interaction between man and contemporary house in Iran University of Tehran].
- Alshamari, H. A. (2022). Employing nostalgia to reuse obsolete open public spaces. *Journal of Urban Planning and Development*, 148(4), 05022036. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000867](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000867). [in Persian]
- Assmann, J. (2011). Communicative and cultural memory. In *Cultural memories: The geographical point of view* (pp. 15-27). Springer.
- Bachelard, G. (1964). *The poetics of space*. Penguin.
- Casey, E. S. (2009). *Remembering: A phenomenological study*. Indiana University Press.
- Dehkhoda, A. (2002). *Dehkhoda dictionary compact disc*. University of Tehran publication.
- Dickinson, H., & Erben, M. (2006). Nostalgia and autobiography: The past in the present. *Auto/biography*, 14(3), 223. <https://doi.org/10.1191/0967550706ab048oa>
- Ewing, R. H., Clemente, O., Neckerman, K. M., Purciel-Hill, M., Quinn, J. W., & Rundle, A. (2013). *Measuring urban design: Metrics for livable places* (Vol. 200). Island Press Washington, DC.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings*.
- Habibi, M. (2004). *City without memory, city without identity*. New Cities. [in Persian]
- Hafezi, S., & Simoni, P. (2021). An Analysis of children’s Interaction and Memory in correlation with Plan Design and Digital Space. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 14(36), 15-28. <https://doi.org/10.22034/AAUD.2021.232573.2219>. [in Persian]
- Halbwachs, M. (1980). *The Collective Memory*. Harper & Row Colophon Books.
- Halbwachs, M. (1992). *On collective memory*. University of Chicago press.
- Hall, J. R., Neitz, M. J., & Battani, M. (2003). *Sociology on culture*. Psychology Press.
- Hasani Mianroodi, N., Majedi, H., Saideh Zarabadi, Z. S., & Ziari, Y. (2019). A Comparative Study of the Memorability Level of Urban Spaces Using Semiotic Patterns; Case Studies: Azadi and Hasanabad Squares. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 12(29), 241-255. <https://doi.org/10.22034/AAUD.2020.103363>. [in Persian]
- Hasani mianroudi, N., Majedi, H., Saeide Zarabadi, Z. S., & Ziari, Y. (2018). Exploring Concept of Collective Memory and its Retrieval in Urban Areas with Semiotic Approach (Case study: Hasan-Abad square). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 14(56), 17-32. http://www.bagh-sj.com/article_56136_72fc0865663d0ba09c8355c91b9a45e5.pdf. [in Persian]
- Hodge, C. J. (2011). A new model for memory work: nostalgic discourse at a historic home. *International Journal of Heritage Studies*, 17(2), 116-135. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/13527258.2011.541065>
- Kalami, M., Bagheri, M., & Hashemi, M. (2021). *Architecture and memory, forty narratives of the memory of the place-maker and the place of the memory-make*. publication of University of Zanjan.
- Kenny, M. G. (1999). A place for memory: The interface between individual and collective history. *Comparative studies in society and history*, 41(3), 420-437. <https://doi.org/https://doi.org/10.1017/S0010417599002248>
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209-231. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2008.02.001>
- Liberati, A., Altman, D. G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., Clarke, M., Devereaux, P. J., Kleijnen, J., & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate health care interventions: explanation and elaboration. *Annals of internal medicine*, 151(4), W-65-W-94. <https://doi.org/https://doi.org/10.7326/0003-4819-151-4-200908180-00136>
- Mayor, M. (2010). *Longman dictionary of contemporary English*. Pearson Education India.
- Merriam-Webster’s Collegiate Dictionary, E. (2003). Merriam-Webster.
- Momeni, F., Farjoudi, A., Mozghan, H., & Korosh,

- S. (2016). Intimate urban space designed with an emphasis on memorable anthology of Yazd in History [Research]. *Urban Management*, 15(44), 481-498. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-1200-fa.html>. [in Persian]
- Mowla, Q. A. (2004). Memory association in place making: understanding an urban space. *Memory*, 9(52-54).
 - Nora, P. (1989). Between memory and history: Les lieux de mémoire. *representations*, 7-24. <https://doi.org/https://doi.org/10.2307/2928520>
 - Paez, D., Basabe, N., & Gonzalez, J. L. (2013). Social processes and collective memory: A cross-cultural approach to remembering political events. In *Collective memory of political events* (pp. 147-174). Psychology Press.
 - Prashizky, A., & Remennick, L. (2018). Celebrating memory and belonging: Young Russian Israelis claim their unique place in Tel-Aviv's urban space. *Journal of Contemporary Ethnography*, 47(3), 336-366. <https://doi.org/https://doi.org/10.1177/0891241616649235>
 - PRISMA_2020_checklist. (2020). http://prisma-statement.org/documents/PRISMA_2020_checklist.pdf
 - Radvansky, G. A. (2021). *Human memory*. Routledge.
 - Rossi, A. (1984). *The architecture of the city*. MIT press.
 - Stevenson, A. (2010). *Oxford dictionary of English*. Oxford University Press, USA.
 - Truc, G. (2011). Memory of places and places of memory: for a Halbwachsian socio-ethnography of collective memory. *International Social Science Journal*, 62. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/j.1468-2451.2011.01800.x>

نحوه ارجاع به مقاله:

قصلانی، نینا، آقالطیفی، آزاده، نعمتی مهر، مرجان السادات و ندیمی، حمید (۱۴۰۲)، جستاری در مطالعات "خاطره‌ی مکان" در پژوهش‌های فارسی زبان (مروری بر سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۱)، *مطالعات شهری*، 13 (50)، 19-32. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.139037.4924.19-32>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل و ارزیابی مصوبات (دوره پنجم) شورای اسلامی شهر تهران

ارسطویاری حصار^۱ - دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
علی دشتی - استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۴ آبان ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۶ فروردین ۱۴۰۲

چکیده

شوراهای اسلامی و شهرداری ها ارکان اصلی اداره شهرها را در ایران تشکیل می دهند. اهمیت و جایگاه شورای اسلامی شهرها به عنوان نهاد سیاستگذار در قوانین فرادست باعث شده تا این شوراهای بر فرایندها و عملکرد مدیریت شهری تأثیرات قابل توجهی داشته باشند و به عبارتی عملکرد مدیریت شهری تابعی از تصمیمات و سیاست های مصوب این نهاد باشد. بنابراین ضروریست به منظور آسیب شناسی عملکرد و تدوین راهبردهای رفع آسیب، این نهاد مورد ارزیابی قرار بگیرد. طبیعتاً مؤثرترین ابزار ارزیابی عملکرد شوراهای مصوبات آنها تشکیل می دهند. بر این اساس هدف این تحقیق ارزیابی مصوبات شورای اسلامی شهر تهران در دوره پنجم و تحلیل کمی و کیفی محتوای آنهاست. این تحقیق از نوع تحقیق های تحلیل محتواست. داده های مورد نیاز در این تحقیق به روش های میدانی و اسنادی گردآوری شده است. مهمترین مرجع داده های مورد نیاز را سامانه جامع مصوبات شورای اسلامی شهر تهران تشکیل می دهد. جامعه آماری این تحقیق را تمامی مصوبات شورای دوره پنجم شهر تهران تشکیل می دهد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که شورای اسلامی دوره پنجم شهر تهران اگرچه به لحاظ شاخص های کمی موفقیت و رشد قابل ملاحظه ای را به دست آورده اما بررسی محتوای مصوبات نشان از عدم توفیق این شورا در انجام مأموریت های محوله در قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی است. بخش عمده ای از عملکرد این دوره از شورا را مصوباتی تشکیل می دهند که عملاً تأثیر چندانی بر افزایش کیفیت زیست شهری نداشته و فاصله قابل توجهی بین نیازهای شهروندان و محتوای مصوبات شورای شهر تهران وجود دارد. همچنین تمرکز اصلی مصوبات شورا بر موضوعات شهرداری بیشتر از مسائل و موضوعات شهری بوده است. بر این اساس راهکارهای پیشنهادی عبارتند از: تمرکز شورا بر روی موضوعات نظارتی تا قانون گذاری، فاصله گیری از موضوعات سطحی و تئوریک و پرداختن به متصورات اصلی شهر تهران و ارزیابی میزان عملیاتی شدن مصوبات قبلی شورا.

واژگان کلیدی: مصوبات، شورای شهر تهران، شهرداری تهران، طرح، لایحه.

نکات برجسته

- بخش زیادی از زمان شورای پنجم به مسائل داخلی شهرداری اختصاص یافته و تعداد مصوباتی که به مسائل شهری و شهروندان و مسائل و مشکلات جاری شهر تهران می پردازد، بسیار اندک است. یعنی شهروندان و شهر در اولویت این دوره از شورا نبوده اند.
- در مصوبات شورای شهر تهران که به مسائل شهری پرداخته، اساساً موضوع جدیدی مطرح نشده و موضوعات به جا مانده از سایر دوره های قبل بررسی شده است.
- کمیسیون های تخصصی شورای شهر تهران، با ضعف بینشی و دانشی روبه رو هستند و این موضوع را می توان از فقدان موضوعات نوآورانه و عدم پرداختن به مسائل روز جهان در شهر تهران و نیز عدم توجه به ابرمسائل و ابرچالش های شهر تهران درک کرد.

۱ این مقاله برگرفته از پروژه پژوهشی با عنوان "ارزیابی مصوبات دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران" است که توسط مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران انجام گرفته است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: A-yari@uma.ac.ir

۱. مقدمه

در میان حدود ۳۵ هزار شورای مختلف (روستا، شهر، بخش، شهرستان، استان و شورای عالی استان) شورای اسلامی شهر تهران به لحاظ اجتماعی و سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد و این اهمیت تا جایی پیش می‌رود که از آن به عنوان پیشانی شوراهای نام برده شده و عملکرد آن به صورت الگو و سرمشقی برای دیگر شوراهای تبدیل شده است. این نهاد در طول بیش از دو دهه گذشته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (Nikpoor et al., 2016)؛ به طوری که در دور نخست خود پس از دو سال فعالیت به دلایل مختلف منحل شد. حال با گذشت نزدیک به دو دهه از عمر شوراهای و کسب تجربیات تلخ و شیرین، این نهاد نوپا آرام آرام در مسیر خود گام برداشته و جایگاه خود را از میان مسائل مختلف موجود در کشور پیدا می‌کند. در طول این سال‌ها این نهاد مردمی همواره تلاش کرده تا به نمایندگی از شهروندان تهران و به رغم چالش‌های فراوان، مسائل مختلف شهر تهران را در حوزه‌ها و ابعاد مختلف مورد بررسی و نظارت قرار دهد.

برابر بررسی‌های اولیه در طول پنج دوره گذشته، شورای اسلامی شهر تهران لوایح و طرح‌های زیادی را مورد بررسی قرار داده و مصوبات زیادی داشته است. در طول دوره‌های اول تا چهارم، شورای اسلامی شهر تهران مجموعاً دو هزار و ۴۱۴ مصوبه به تصویب رسانده و به طور متوسط در طول این چهار دوره، هر سال ۱۴۲ مصوبه توسط اعضای شورای اسلامی تهران مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب رسیده است. این روند در دوره بعدی نیز ادامه داشته و مطابق داده‌های در دسترس در دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران، تعداد ۸۷۸ مصوبه در مجموع طی ۳۱۵ جلسه مورد تصویب اعضا قرار گرفته است. بررسی و تصویب طرح‌ها و لوایح مورد اشاره مطابق و براساس قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی شهر بوده است؛ قانونی که چارچوب تصویرگیری و فعالیت‌های این نهاد را در بخش‌های مختلف مشخص و تعیین نموده است. در فصل سوم این قانون از ماده ۶۸ تا ۷۸ به صورت مشخص وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی تعیین شده؛ بنابراین طبیعی است که مبنای مشخصی نیز برای ارزیابی کمیت و کیفیت مصوبات و فعلیت‌های این نهادها وجود دارد.

ضرورت انجام این پژوهش از ابعاد مختلفی قابل طرح و بررسی است. شورای اسلامی شهر تهران اگرچه نهادی ناظر است و خود مسئول ارزیابی عملکرد شهرداری و نظارت بر فعالیت‌های آن است اما به واسطه گستردگی و حساسیت جایگاه نمایندگی آن، خود نیز باید مورد ارزیابی قرار بگیرد. هم‌چنین کاوش و ارزیابی تجارب دوره‌های گذشته می‌تواند زمینه‌های بهره‌گیری از تجارب آنها را برای دوره‌های آتی فراهم نماید. علاوه بر آن، به منظور تحلیل رویکردها و رویه‌های شهرداری و امکان‌پذیر ساختن مقایسه ادوار مختلف با هم و نیز مقایسه فعالیت‌ها و عملکرد ادوار مختلف مدیریت شهری، تحلیل و ارزیابی مصوبات نهاد شورای شهر ضروری است. کمیت بررسی سوابق مطالعاتی از جنس موضوع این پژوهش نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی با عنوان ارزیابی مصوبات شورای اسلامی شهر تهران از دوره نخست تا دوره چهارم توسط مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران برای نخستین بار از زمان تصویرگیری ارزیابی جامع پیرامون مصوبات شورای اسلامی شهر تهران صورت گرفت و نقاط ضعف و قوت

شوراهای اول تا چهارم مورد بررسی قرار گرفته و هم‌چنین از طریق تحلیل مصوبات شامل طرح‌ها و لوایح مختلف، نگاه‌ها، رویکردها و دیدگاه‌های شوراهای ادوار چهارگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. نتایج این پروژه مطالعاتی کمک می‌کند تا در ادامه راه، پیشنهاد‌های اصلاحی برای رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت ارائه شود. حال پس از اتمام دوره پنجم و آغاز دوره ششم شورای اسلامی شهر تهران به منظور درک جامعی از نگاه‌ها و رویکردهای شورای پنجم و نیز با هدف ارزیابی عملکرد این دوره ضروریست تا مصوبات و عملکرد این دوره مورد ارزیابی و بررسی همه‌جانبه قرار بگیرد تا ضمن آسیب‌شناسی، تجارب حاصله از نحوه برخورد این دوره با مسائل مختلف شهر تهران مورد واکاوی قرار گرفته و با استفاده از آن راهکارها و پیشنهادها لازم برای اداره بهتر امور شهر تهران احصا شده و در اختیار مدیریت شهری قرار بگیرد. براین اساس، در این بررسی تلاش می‌شود تا به اتخاذ رویکردی منسجم و روش‌شناسی علمی، ارزیابی جامع پیرامون عملکرد و مصوبات شورای اسلامی شهر تهران در دوره پنجم انجام گردد. بنابراین در مجموع و به طور خلاصه می‌توان اهداف کلی انجام این پژوهش را به شرح زیر برشمرد:

- ۱) ارزیابی کمی و کیفی مصوبات شورای اسلامی شهر تهران در دوره پنجم،
- ۲) تحلیل و تطبیق مصوبات شورای اسلامی شهر تهران با قانون تشکیلات وظایف و اختیارات شوراهای
- ۳) تحلیل میزان انطباق مصوبات دوره پنجم با اولویت‌ها و مسائل کلیدی شهر تهران و دغدغه‌های شهروندان.

۲. مبانی نظری

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و تصویرگیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری (schawab et al., 2000, 18) در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرنشینی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد (Mandanipour, 1996, 121). توسعه شهرها، افزایش جمعیت، تنوع خواسته‌ها (Robert, 2004: 47) و محدودیت‌ها، برنامه‌ریزان و مدیران شهری را با مسائل و متصورات شهری پیچیده‌تری روبه‌رو ساخته است (Sarraf, 2004: 4). به دلیل گسترش ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل (Aliakbari, 2001: 39)، جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این میان توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها بیش از پیش به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (Mandanipour, 1996, 121)؛ آنجا که جامعه محلی مسائل را به صورت مستقیم لمس می‌نماید و با آنها روبه‌رو می‌گردد.

در مدیریت محلی که بر اساس مشارکت واقعی شهروندان است (Tavasoli, 2004: 229)، برنامه‌ریزی به وسیله مردم نه برای مردم آرمان اصلی است (Mosavi et al. 2013) و شوراهای اسلامی شهری نیز به عنوان نمایندگان مردم با تدوین مصوبات خویش مصداق برنامه‌ریزی توسط مردم را عملیاتی کرده‌اند. طی دو دهه گذشته به دلیل عدم پاسخگویی برنامه‌های متمرکز (از بالا به پایین)، نهادها و

و تعداد تکرار عبارت شورا و مشارکت نشان از جایگاه خاص این نهاد در ارکان تصمیم‌گیری است اما تأخیر زمانی در تصویر‌گیری این نهاد و تعارضات متعدد فعالیت و اقدام در حوزه مورد مأموریت با دستگاه‌های دولتی و نهادهای متعدد نشان دهنده تعارض بین بسترهای قانونی و واقعیت‌های میدانی است. نکته قابل توجه دیگر عرصه‌های ورود و دخالت شوراهای شهری است؛ مطابق بندهای متعدد قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای و نیز قانون اساسی، شوراهای دارای دو کارویژه اصلی مقررات‌گذاری و نظارت بر امور شهر هستند. اما عدم تحقق قانون مدیریت یکپارچه شهری و نیز عدم تحقق بندهای متعدد قانون برنامه‌های توسعه (ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم، ماده ۱۳۷ و ۱۷۳ قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه) نیز باعث شده تا عرصه‌های مورد بررسی شوراهای حوزه شهرداری محدود بماند.

۳. روش پژوهش

این تحقیق در ردیف تحقیقات توصیفی بازمینه توسعه‌ای طبقه‌بندی می‌گردد که با رویکرد ارزیابانه به تحلیل مصوبات شورای اسلامی شهر تهران می‌پردازد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با روش اسنادی-کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. برای گردآوری این داده‌ها از منابعی چون اداره مصوبات شورای اسلامی شهر تهران و سامانه جامع مصوبات شورا استفاده شده است. با توجه به این که بسیاری از اطلاعات موجود در سامانه مصوبات دارای ایرادات و نواقص است، برای رفع ایرادات از روش انطباق تک به تک برای هر مصوبه استفاده شده و اطلاعات مفقوده استخراج شده‌اند. همچنین با توجه به ماهیت موضوع تحقیق که نقد و ارزیابی محتوای مصوبات شورای اسلامی شهر تهران در دوره پنجم است، از روش تحلیل محتوا برای این ارزیابی بهره‌گرفته شده است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کمی و کیفی به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته می‌شود. روش و تکنیک‌های آمار توصیفی، مهمترین ابزارهای آماری تحلیل مصوبات در این پژوهش به شمار می‌رود. استخراج و کدگذاری مصوبات در این پژوهش در محیط SPSS انجام شده است. همچنین ابزار اصلی مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش، نرم‌افزار اکسل از زیرمجموعه‌های نرم‌افزار آفیس است. قلمرو سازمانی این پژوهش مشتمل بر شورای اسلامی شهر تهران و کمیسیون‌های تخصصی آن در دوره پنجم است. کمیسیون‌های شورای اسلامی شهر تهران در دوره پنجم عبارتند از: کمیسیون فرهنگی و اجتماعی، کمیسیون برنامه و بودجه، کمیسیون نظارت و حقوقی، کمیسیون شهرسازی و معماری، کمیسیون عمران و حمل و نقل و کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری. محدوده زمانی تحقیق مشتمل بر سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ منطبق بر دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران است. در این تحقیق واحد تحقیق مشتمل بر تمامی لوايح و طرح‌هایی است که در قالب مصوبات توسط شورای اسلامی شهر تهران تصویب و به شهرداری یا سایر نهادهای ذی‌ربط ابلاغ شده است.

قلمروی مکانی این تحقیق مشتمل بر شهر تهران (مطابق محدوده مصوب طرح جامع شهر تهران در سال ۱۳۸۶) تشکیل می‌دهد. این

سازمان‌هایی که در مدیریت شهری سهیم بوده‌اند، به ترویج دیدگاه مشارکتی و به برنامه‌ریزی غیر متمرکز (از پایین به بالا) (Nouroozi, 2008: 32) توجه داشته‌اند و توانمندسازی جوامع انسانی را دنبال می‌کنند (Ahadnezhad, 2013: 67). در این راستا اجتماعات محلی با هدف تأمین رفاه اجتماعی سبب شده تا برنامه‌ریزان و مدیران شهری از رویکرد تجویزی به مشارکتی، از تأکید بر نتیجه بر تمرکز بر فرایند، از وابستگی به منابع موجود به ظرفیت‌سازی و از راه حل‌های دولت محور به شیوه‌های حل مسئله با تأکید بر ابتکارات جامعه مدنی و مشارکت روی آورند (Hajipour, 2006: 38). به عبارتی مشارکت مورد توجه بسیاری قرار گرفته (lombard, 2013, 138) و مصوبات شوراهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار شده‌اند.

در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران، شوراهای شهری به عنوان بالاترین مرجع مدیریت شهری (Sarraf, 1980: 26) در کنار شهرداری مسئول مستقیم نظارت، کنترل و هدایت توسعه‌ای فضایی شهرهاست و نقش مهمی در انتظام و ساماندهی فضایی شهرها و تأمین خدمات مورد نیاز شهروندان بر عهده دارد (Razavian, 2002: 68). آنچه که در این میان قابل توجه است، گستردگی شهر و پیچیدگی و تنوع نیازها (Michael, 2007) و خواست‌های شهروندان (Saninezhad, 2002: 20) و مسائل و متصویرات مختلف فراروی محلات شهری از یک سو و محدودیت‌های فراروی شهرداری در حوزه تشکیلاتی، اختیارات، توان فنی و ابزار کافی برای ایفای نقش خدمات رسانی، برنامه‌ریزی، کنترل و هدایت توسعه فضایی محله‌های شهر تهران از سوی دیگر است (Cochrane, 2008: 6). موضوعی که اهداف و آرمان‌های توسعه پایدار را با چالش روبه‌رو می‌نماید (Gao et al., 2020, 3) و شوراهای با ساختار سازمانی خود و نیز با تصویر‌گیری کمیسیون‌های مختلف به دنبال ایجاد قانون‌گذاری و نظارت‌های لازم در بخش‌های مختلف حیات شهری و شهروندان هستند.

تمامی وظایف، کارکردها و نقش‌های اعضای شورا ناشی از جایگاه و موضعی است که آنها به عنوان اعضای منتخب مردمی واجد آن هستند که در نهایت آنها را در برابر هر آنچه در شهرداری اتفاق می‌افتد، مسئول می‌سازد (stewart, 2006). این همان دلیلی است که به شورا به عنوان یک هیأت جمعی مشروعیت لازم را برای سیاستگذاری در بخش بزرگی از ابعاد زندگی شهری - که در قانون درج شده است - می‌بخشد (Barron et al, 1991). کارکردهای اصلی شوراهای می‌توانند تدوین اهداف بلند، تنظیم اهداف سالانه، پاسخ به تقاضاهای رأی‌دهندگان، خدمت‌دهی به رأی‌دهندگان، شناسایی و برخورد با مسائل واقعی شهری، بررسی و تصویب بودجه، بازنگری اثربخشی برنامه‌ها، ارزیابی عملکرد نیروهای اجرایی و موارد مشابه دانست (Svara, 1990). لندری برای شوراهای شهر پنج کارکرد اصلی در نظر می‌گیرد که اگر به درستی انجام شود، می‌توانند اثربخشی حکومت شهری را تضمین کنند. این پنج کارکرد عبارتند از: تدوین اهداف کلان و خرد، تدوین راهبرد برای تحقق این اهداف کلان و خرد، ایفای جدی نقش نظارت و ارزیابی سیستم حکومت شهری به عنوان یک مقام منتخب، تثبیت و درونی‌کردن یک سیستم مشارکتی (Landry, 1997). همچنین بررسی جایگاه نهاد شورا در اسناد و قوانین فرادست همچون قانون اساسی کشور و اختصاص یک فصل (فصل چهارم) و هفت اصل (اصل یکصد تا یکصد و ششم)

لوايح تشكيل مي دهند و اين به سادگي به معنای صرف وقت بالایی از جلسات رسمی و کمیسیون های شورا به لوايح و موضوعات ارسالی از سوی شهرداری است. در چنین شرایطی قاعدتاً زمان قابل توجهی برای تفکر و بررسی و پیشنهاد طرح های اصلاحی و توسعه ای توسط اعضای شورا باقی نخواهد ماند.

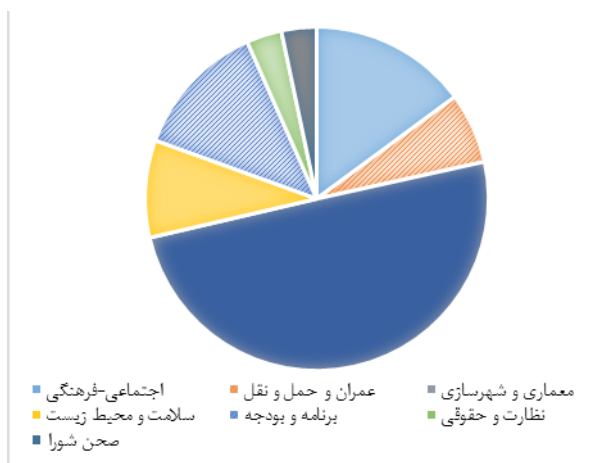
۴.۲. تحلیل مصوبات بر اساس کمیسیون های تخصصی

در طول دوره پنجم شورای شهر تهران، کمیسیون معماری و شهرسازی با تعداد ۵۳۴ مصوبه (۵۰ درصد کل مصوبات) عنوان پرکارترین کمیسیون را به خود اختصاص داده و کمیسیون نظارت و حقوقی نیز با ۲۹ مصوبه (تنها سه درصد از کل مصوبات) عنوان کم کارترین کمیسیون را به خود اختصاص داده است. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱: تعداد مصوبات شورای اسلامی شهر تهران به تفکیک کمیسیون های تخصصی

موضوع	اجتماعی-فرهنگی	عمران و حمل و نقل	معماری و شهرسازی	سلامت و محیط زیست	برنامه و بودجه	نظارت و حقوقی	صحن شورا	کل
تعداد	۱۳۰	۵۸	۴۳۵	۸۰	۱۱۲	۲۹	۲۹	۸۷۸
درصد	۱۴٫۸	۶٫۶	۴۹٫۵	۹٫۱	۱۲٫۸	۳٫۳	۳٫۳	۱۰۰٫۰

مصوبه (نه درصد از کل مصوبات) و بالاخره کمیسیون عمران و حمل و نقل نیز دارای ۵۸ مصوبه (شش درصد) است (جدول شماره ۲) و تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: درصد مصوبات به تفکیک کمیسیون های تخصصی

شده قرار دارد و کمیسیون های سلامت و برنامه و بودجه در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. کمیسیون عمران و حمل و نقل و نظارت و حقوقی در دوره پنجم به ترتیب تنها ۱۱ و ۱۴ طرح (معادل نه درصد از کل طرح های تصویب شده) را در صحن شورا به تصویب رسانیده و از این منظر کم کارترین کمیسیون های شورا بوده اند (جدول شماره ۳).

نمودار زیر تعداد طرح ها را به تفکیک کمیسیون ها نمایش می دهد.

جدول شماره ۳: تعداد طرح های مصوب به تفکیک کمیسیون های تخصصی

نوع مصوبه	موضوع	اجتماعی-فرهنگی	عمران و حمل و نقل	معماری و شهرسازی	سلامت و محیط زیست	برنامه و بودجه	نظارت و حقوقی	صحن شورا
طرح	تعداد	۱۱۰	۱۱	۵۴	۲۸	۲۹	۱۴	۲۹
	درصد	۴۰٫۳	۴٫۰	۱۹٫۸	۹٫۹	۱۰٫۳	۵٫۱	۱۰٫۶

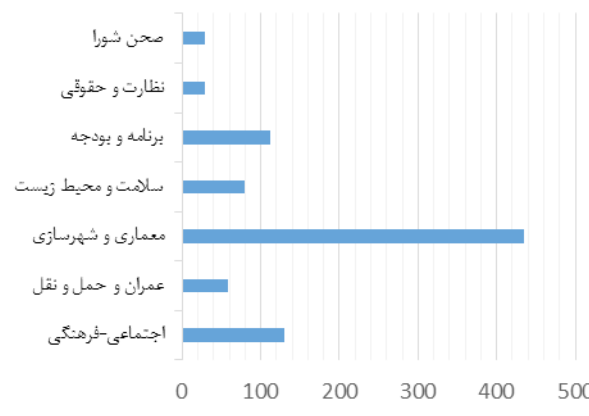
محدوده در وضعیت موجود دارای جمعیتی معادل هشت میلیون و ۶۹۴ هزار نفر است که در پهنه ای با وسعت ۷۳۰ کیلومتر مربع گسترده شده است. این قلمرو، محدوده ای است که شورای شهر تهران آن را پایش کرده و حسب وظایف و کارکردهای خود مصوبات موضوعی و موضوعی مختلفی را درباره آن مورد بررسی و به تصویب می رساند.

۴. بحث و تجزیه و تحلیل یافته ها

۴.۱. تحلیل مصوبات بر اساس نوع (طرح و لایحه)

از مجموع مصوبات شورای پنجم شهر تهران، ۶۸٫۱ درصد را لوايح و تنها ۳٫۱ درصد را طرح ها تشكيل مي دهند. به عبارتی در طول این دوره از شورا، تعداد ۶۰۱ لایحه و ۲۷۶ طرح مورد بررسی و تصویب قرار گرفته است. در واقع بیش از دوسوم مصوبات شورای شهر تهران را

در طی دوره پنجم، کمیسیون فرهنگی و اجتماعی دارای ۱۳۰ مصوبه است و در رتبه دوم از نظر کمیت مصوبات و عملکرد قرار گرفته است. کمیسیون برنامه و بودجه دارای ۱۱۲ مصوبه (۱۲ درصد کل مصوبات)، کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری دارای تعداد ۸۰



جدول شماره ۲: تعداد مصوبات به تفکیک کمیسیون های تخصصی

۴.۳. تحلیل مصوبات شورای پنجم بر اساس نوع و کمیسیون تخصصی

۴.۳.۱. طرح های تصویب شده

از مجموع کل طرح های مصوب (۲۷۳ طرح)، تعداد ۱۱۰ طرح به تنهایی به کمیسیون فرهنگی و اجتماعی اختصاص دارد که این تعداد ۴۰ درصد از کل طرح های مصوب شورا را تشکیل می دهد. کمیسیون معماری و شهرسازی با تعداد ۵۴ طرح مصوب در رتبه دوم طرح های تصویب

۴,۳,۲. لوایح تصویب شده

از مجموع تعداد ۶۰۱ لایحه تصویب شده در شورای پنجم، تعداد ۳۸۱ مصوبه به کمیسیون شهرسازی و معماری اختصاص دارد. کمیسیون برنامه و بودجه با ۸۴ لایحه و کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری با ۵۳ لایحه مصوب پس از کمیسیون شهرسازی در

رتبه های بعدی قرار دارند. کمیسیون نظارت و حقوقی و کمیسیون فرهنگی و اجتماعی به ترتیب با ۱۵ و ۲۰ لایحه مصوب کمترین زمان را صرف بررسی لوایح کرده اند (جدول شماره ۴).

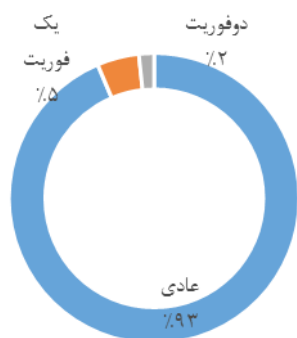
جدول شماره ۴: تعداد لوایح مصوب بتفکیک کمیسیون های تخصصی

نوع مصوبه	موضوع	اجتماعی-فرهنگی	عمران و حمل و نقل	معماری و شهرسازی	سلامت و محیط زیست	برنامه و بودجه	نظارت و حقوقی	صحن شورا
لایحه	تعداد	۲۰	۴۷	۳۸۱	۵۳	۸۴	۱۵	۰
	درصد	۳,۳٪	۷,۸٪	۶۳,۰٪	۸,۸٪	۱۳,۹٪	۲,۵٪	۰,۰

۴,۴. تحلیل مصوبات به تفکیک فوریت

تعداد فوریت های ارسالی برای تصویب به صحن شورا، در کنار نشان دادن فقدان و خلأهای قانونی و حقوقی برای انجام امور، نشان از پویایی آن سازمان دارد. در دوره هایی که پروژه های اجرایی و ملموس در بخش های مختلف شهرداری در سطح شهر قابل توجه است، به همان نسبت تعداد مصوبات بیشتری با قید فوریت به صحن ارسال می شوند. این وضعیت در دوره های رکود برعکس خواهد شد. تحلیل مصوبات شورای دوره پنجم شهر تهران از منظر فوریت ها نشان می دهد که از مجموع کل مصوبات شورای شهر، ۹۳,۶ درصد (۸۲۲ مصوبه) را مصوبات عادی، ۴,۶ درصد (۴۱ مصوبه) را مصوبات با قید یک فوریت و تنها ۱,۷ درصد (۱۵ مصوبه) را مصوبات دو فوریتی تشکیل می دهند (جدول شماره ۵ و تصویر شماره ۲).

در میان کمیسیون های تخصصی تنها یک کمیسیون (کمیسیون فرهنگی و اجتماعی) حداکثر زمان خود را صرف تهیه طرح ها نموده و کمیسیون نظارت و حقوقی نیز حدود ۴۸ درصد از زمان خود را صرف تدوین طرح ها نموده و سایر کمیسیون ها بیشترین زمان خود را مصروف لوایح ارسالی از سمت شهرداری و زیرمجموعه های آن کرده اند. این موضوع به سادگی نشان می دهد که بوروکراسی اداری پیچیده و گسترده حاکم بر سازمان شهرداری باعث شده تا هر اقدامی مستلزم اخذ مجوز از شورا و نهادهای بالاسری شود. در صورتی که این موانع بر چیده شود، سرعت خدمات رسانی مجموعه شهرداری بالاتر رفته و زمان شورا نیز مصروف موضوعات اساسی شهر و پیگیری متصویرات شهروندان خواهد شد.



تصویر شماره ۲: کل مصوبات به تفکیک فوریت

جدول شماره ۵: تعداد مصوبات کمیسیون های تخصصی به تفکیک نوع فوریت

	درصد		
	دو فوریت	یک فوریت	عادی
کل مصوبات	۱,۷۱	۴,۶۷	۹۳,۶
طرح	۵,۴۳	۹,۷۸	۸۳,۷
لایحه	۰	۲,۳۳	۹۸,۳

مصوبات عادی تشکیل می دهند. ۶۶,۷ درصد مصوبات صحن علنی شورا را مصوبات عادی و ۳۳ درصد را مصوبات یک و دو فوریتی تشکیل می دهند.

۴,۶. تحلیل مصوبات بر اساس موضوع

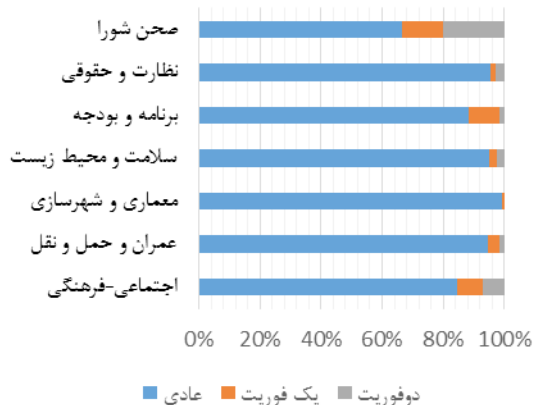
تحلیل موضوعات موجود در مصوبات شورای شهر نشان از اولویت های مدیریت شهری از نظر اعضای شورا و نمایندگان مردم است. جدول شماره ۷ وزن موضوعات مورد توجه مدیریت شهری را در مصوبات دوره مورد بررسی نشان می دهد:

۴,۵. تحلیل مصوبات کمیسیون های تخصصی به تفکیک فوریت

تحلیل مصوبات کمیسیون های تخصصی به تفکیک فوریت (جدول شماره ۶ و تصویر شماره ۳) نشان می دهد که ۱۰۹ مصوبه (۸۴,۵ درصد) کمیسیون فرهنگی و اجتماعی را مصوبات عادی، ۱۱ مورد (۸,۵ درصد) را مصوبات دارای یک فوریت و نه مورد (هفت درصد) را مصوبات دو فوریتی تشکیل می دهند. ۵۲ مصوبه (۹۴,۵ درصد) کمیسیون عمران و حمل و نقل را مصوبات عادی، دو مورد (۳,۶ درصد) را مصوبات دارای یک فوریت و یک مورد (۱,۸ درصد) را مصوبات دو فوریتی تشکیل می دهند. ۴۳۱ مصوبه (۹۹ درصد) کمیسیون معماری و شهرسازی را

جدول شماره ۶: تعداد مصوبات کمیسیون های تخصصی به تفکیک نوع فوریت

کمیسیون ها	درصد		
	دوفوریت	یک فوریت	عادی
اجتماعی-فرهنگی	۷,۰	۸,۵	۸۴,۵
عمران و حمل و نقل	۱,۸	۳,۶	۹۴,۵
معماری و شهرسازی	۰,۰	۰,۷	۹۹,۳
سلامت و محیط زیست	۲,۵	۲,۵	۹۴,۹
برنامه و بودجه	۱,۸	۹,۹	۸۸,۳
نظارت و حقوقی	۲,۸	۱,۹	۹۵,۳
صحن شورا	۲۰,۰	۱۳,۳	۶۶,۷



تصویر شماره ۳: درصد تجمعی مصوبات کمیسیون ها به تفکیک نوع فوریت

جدول شماره ۷: تعداد کل مصوبات به تفکیک موضوع در دوره پنجم

موضوع	تعداد	درصد	موضوع	تعداد	درصد
موضوعات اجتماعی-فرهنگی	۱۵	۱,۷۱	بررسی املاک شهرداری	۵	۰,۵۷
نامگذاری خیابان ها و معابر و میدانی شهری	۵۴	۶,۱۵	مسائل و موضوعات حمل و نقل و ترافیک	۱۰	۱,۱۴
تعیین و انتخاب افراد برای حضور در مجامع و ستادها	۱۸۱	۲۰,۶۲	مسائل و پروژه های عمرانی	۲	۰,۲۳
برنامه ریزی امور شهری	۶	۰,۶۸	بررسی و ارزیابی طرح جامع و تفصیلی	۳	۰,۳۴
بهای خدمات و عوارض	۷۸	۸,۸۸	کاهش آسیب های اجتماعی	۲	۰,۲۳
حسابرسی صورت های مالی	۱۱	۱,۲۵	میراث فرهنگی و گردشگری	۱۲	۱,۳۷
بررسی مسائل و مجوزهای مالی	۱۸	۲,۰۵	تحقیق و تفحص از شهرداری	۳	۰,۳۴
مسائل و متصوبات محیط زیست شهری	۵	۰,۵۷	توسعه فعالیت های مشارکتی	۲	۰,۲۳
توسعه و بررسی فعالیت های خدمات شهری	۵	۰,۵۷	بررسی موضوعات هنری	۲	۰,۲۳
مدیریت بحران و ایمنی	۹	۱,۰۳	بررسی بودجه سالیانه شهرداری	۳۹	۴,۴۴
مجوز ساخت و ساز در باغات	۳	۰,۳۴	بررسی موضوعات مرتبط با معماری	۱	۰,۱۱
موضوع آلودگی هوا	۲	۰,۲۳	موضوعات اداری شهرداری	۳	۰,۳۴
تبلیقات تجاری و محیطی	۲	۰,۲۳	موضوعات مرتبط با سیمای بصری و نمای شهری	۳	۰,۳۴
رسیدگی به پلاک ثبتی	۳۵۰	۳۹,۸۶	سایر موضوعات شهری	۴۸	۵,۴۷
ساخت و ساز و موارد عمرانی	۴	۰,۴۶	مجموع موضوعات	۸۷۸	۱۰۰,۰۰

تحلیل آمارهای موجود در جدول فوق نشان می دهند که:

۱) بیشترین تعداد مصوبات شورای پنجم شهر تهران مربوط به حوزه های زیر است:

الف) تعیین تکلیف پلاک های ثبتی، ب) تعیین و انتخاب افراد برای حضور در نهادها و کمیته ها و سایر مراجع شهری،

ج) تعیین بهای خدمات ارائه شده توسط شهرداری و تعیین عوارض شهری و د) نامگذاری خیابان ها و معابر شهری.

۲) حدود ۴۰ درصد (۳۵۰ مورد) از کل مصوبات شورای پنجم به موضوع پلاک های ثبتی پرداخته که این موضوع در طول تمام ادوار بی سابقه است.

۳) نزدیک به ۸۰ درصد از کل مصوبات شورای پنجم در خصوص موضوعات پلاک های ثبتی، معرفی و انتخاب افراد، تعیین بهای خدمات و نرخ عوارض و نامگذاری معابر اختصاص پیدا کرده است.

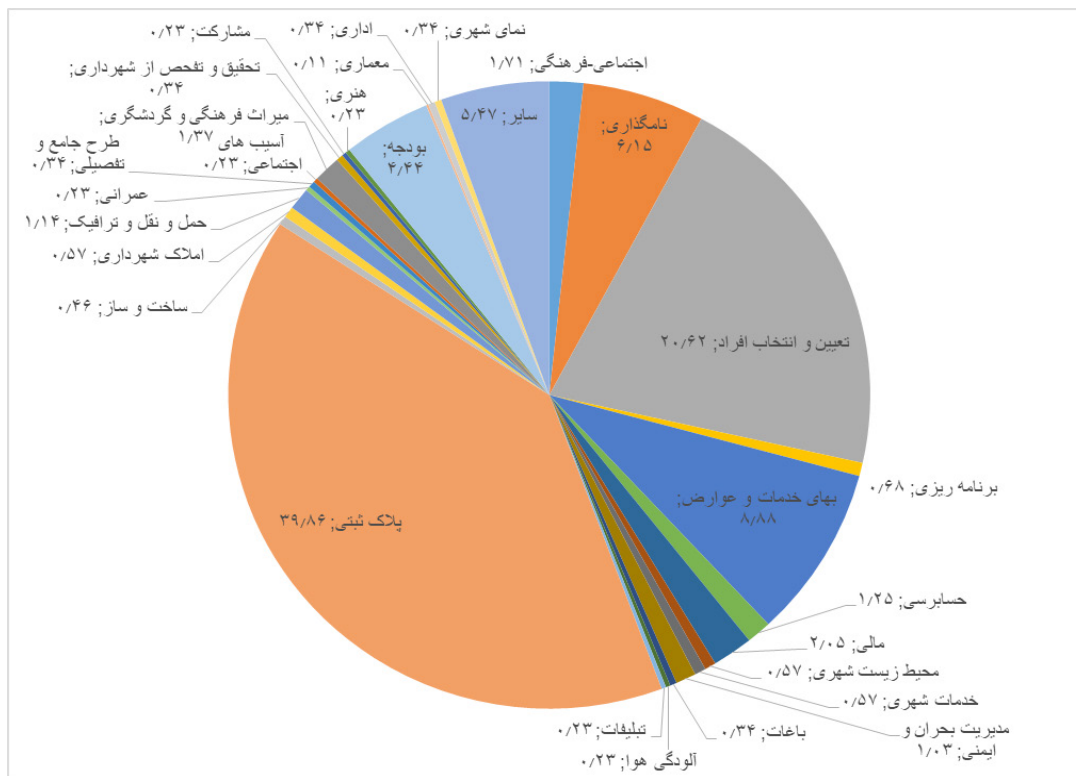
۴) موضوع نامگذاری خیابان ها و معابر شهری در دوره پنجم از توجه بسیار زیادی برخوردار بوده، به طوری که در طی این دوره در طی ۵۴ مصوبه مربوط به نامگذاری خیابان ها و معابر بیش از ۵۸۰ معبر در تهران تغییر نام پیدا کرده اند.

۵) در میان موضوعات مورد توجه و مهم شهری در دوره پنجم کمترین اقبال و توجه و کمترین مصوبات مربوط به موارد زیر است:

الف) معماری شهری، ب) نمای شهری، ج) عمران شهری، د) مسائل هنری،

ه) آسیب های اجتماعی و ز) آلودگی هوا.

۶) در مجموع موضوعاتی چون مسائل اداری شهرداری تهران، معماری شهری، نمای شهری، آسیب های اجتماعی، آلودگی هوا، عمران شهری، محیط زیست و مانند آن کمتر از پنج درصد از کل مصوبات دوره پنجم را به خود اختصاص داده است (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: درصد موضوعات مورد پوشش در مصوبات شورا در دوره پنجم

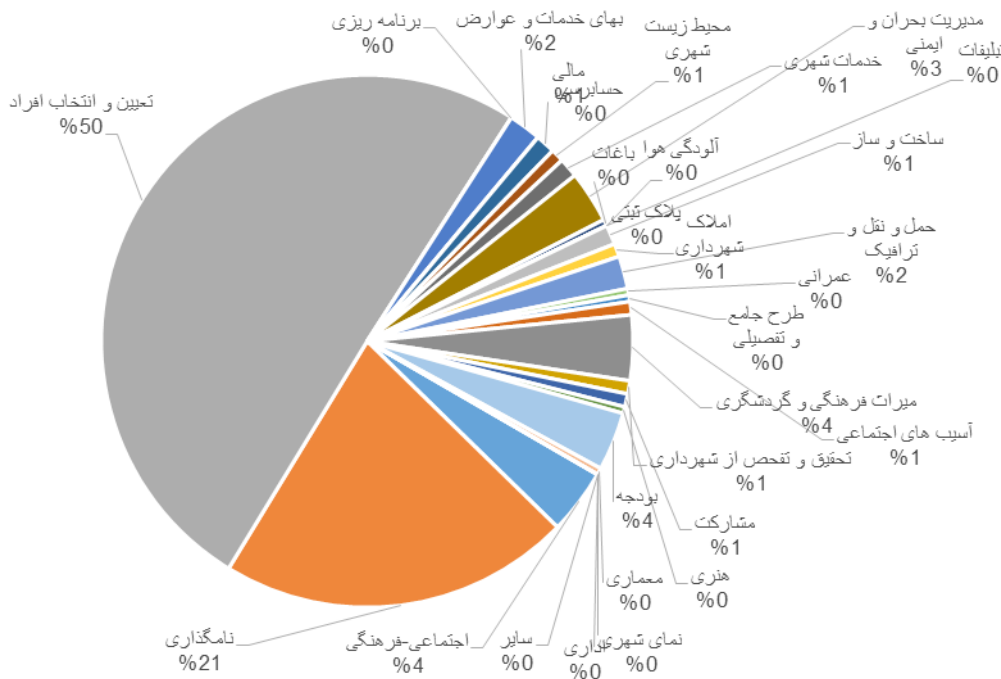
تحلیل لویایح مصوب نشان می دهد که موضوع تعیین تکلیف پلاک های ثبتی به تنهایی ۵۶ درصد از کل لویایح را به خود اختصاص داده است. تعیین بهای خدمات و نرخ عوارض ۱۲ درصد از کل لویایح ارسالی از شهرداری به شورا را که به تصویب رسیده در بر می گیرد و تعیین و تأیید ذی حساب ها در بخش های مختلف شهرداری و سازمان ها و ادارت و مناطق شهرداری بخش قابل توجهی از لویایح را به خود اختصاص داده است. همچنین کمترین موضوعات مورد پوشش در لویایح مصوب را موضوعات عمران شهری، ساختار اداری شهرداری تهران، معماری شهری، موضوعات هنری، باغات و مدیریت بحران و ایمنی شهری تشکیل می دهند. این موضوعات کمتر از چهار درصد از کل لویایح مصوب را به خود اختصاص داده است (تصویر شماره ۵).

۴٫۷. تحلیل طرح ها و لویایح مصوب بر اساس موضوع

تحلیل طرح های مصوب شورای پنجم به تفکیک موضوع (جدول شماره ۸) نشان می دهد که از مجموع ۲۷۳ طرح مصوب توسط شورای پنجم شهر تهران بیشترین موضوع مورد توجه مربوط به سه موضوع تعیین و انتخاب و معرفی افراد برای حضور در مجامع و کمیته ها و ستادهای مختلف (۱۲۷ مورد)، نامگذاری خیابان ها و معابر شهری (۵۴ مورد) و حفظ هویت و نگهداشت میراث فرهنگی و شهری (۱۰ مورد) است. همچنین کمترین موضوعات مورد توجه در میان موضوع های اصلی مربوط به موضوعات عمرانی، هنرهای شهری، حسابرسی های شهرداری، برنامه ریزی شهری، مسائل مربوط به منابع نیروی انسانی و اداری شهرداری تهران و موضوع حفظ باغات است.

جدول شماره ۸: تعداد طرح ها و لویایح به تفکیک موضوع

موضوع	طرح	لایحه	موضوع	طرح	لایحه
اجتماعی-فرهنگی	۱۰	۵	املاک شهرداری	۲	۳
نامگذاری	۵۴	۰	حمل و نقل و ترافیک	۵	۵
تعیین و انتخاب افراد	۱۲۷	۵۴	عمرانی	۱	۱
برنامه ریزی	۰	۶	طرح جامع و تفصیلی	۱	۲
بهای خدمات و عوارض	۵	۷۳	آسیب های اجتماعی	۲	۰
حسابرسی	۰	۱۱	میراث فرهنگی و گردشگری	۱۰	۲
مالی	۳	۱۵	تحقیق و تفحص از شهرداری	۲	۱
محیط زیست شهری	۲	۳	مشارکت	۲	۰
خدمات شهری	۳	۲	هنری	۱	۱
مدیریت بحران و ایمنی	۸	۱	بودجه	۹	۳۰
باغات	۱	۲	معماری	۱	۰
آلودگی هوا	۰	۲	اداری	۰	۳
تبلیغات	۰	۲	نمای شهری	۰	۳
پلاک ثبتی	۰	۳۵۰	سایر	۰	۴۸
ساخت و ساز	۳	۱			



تصویر شماره ۵: درصد موضوعات مورد پوشش در طرح های مصوب

دارد. در مجموع حدود ۱۵ درصد از مصوبات شورای پنجم به این دو بند اختصاص پیدا کرده است. بندهای نامگذاری معابر و خیابان ها و بند تعیین بهای خدمات از نظر فراوانی در رتبه های بعدی قرار دارند. این دو بند از قانون اختیارات شوراها به تنهایی نزدیک به پنج درصد از کل مصوبات شهری را شامل می شود. قابل ذکر آن که در زمینه وظایف پیش بینی شده برای شوراها در حوزه های مورد اشاره زیر هیچ مصوبه ای به تصویب نرسیده است:

- ۱) نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا،
- ۲) انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع آرزاق عمومی،
- ۳) نظارت بر امور تماشاخانه ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی که توسط بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می شود،
- ۴) تأسیس تعاونی های تولید و توزیع و مصرف،
- ۵) وضع مقررات و نظارت بر حفر مجاری و مسیرهای تأسیسات شهری،
- ۶) وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدان های عمومی توسط شهرداری و
- ۷) همکاری با شورای تأمین شهرستان.

۴.۹.۲. بررسی تطابق مصوبات شورای اسلامی شهر تهران با

مسائل، نیازها و اولویت های شهروندان

یکی از مهم ترین نظرسنجی های صورت گرفته را مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در سال ۱۳۹۷ انجام داده و طی آن مهمترین مسائل و متصورات شهر تهران از نظر شهروندان تهرانی طبقه بندی و اولویت سنجی شده است. بر اساس نتایج این نظرسنجی از مهمترین مسائلی که از نظر مردم کیفیت زندگی شهری را تحت تأثیر قرار داده عبارتند از:

ررسی و مقایسه موضوعات مهم شهری از نظر شهروندان در

۴.۸. تحلیل میزان پوشش موضوعات توسط طرح و لایحه

در این بخش از بررسی آنچه که مورد توجه است، پاسخ به این سؤال است که میزان توجه طرح ها و لوایح به موضوعات به چه میزان است؟ به عبارتی به طور مثال موضوعات فرهنگی بیشتر توسط طرح ها پوشش داده شده یا لوایح ارسالی از سوی شهرداری؟ تحلیل آمارها نشان می دهد که:

- ۱) در موضوع برنامه ریزی، حسابداری، آلودگی هوا، تبلیغات محیطی و نمای شهری، طرح ها اقبال خاصی نشان نداده اند و تماماً توسط لوایح مورد پوشش قرار داده شده اند.
- ۲) برعکس این موضوع در خصوص موضوعاتی چون آسیب های اجتماعی و مسئله مشارکت شهروندان هیچ لایحه ای به شورای شهر ارسال و مصوب نشده است.
- ۳) موضوعاتی که تعداد طرح ها و لوایح برابری نسبی دارند را موضوعاتی چون حمل و نقل و ترافیک، مسائل عمرانی، محیط زیست شهری و غیره تشکیل می دهند.

۴.۹. تحلیل مصوبات شورا بر اساس میزان انطباق با اسناد فرادست

۴.۹.۱. تحلیل انطباق مصوبات شورای پنجم شهر تهران با قانون

تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی

مهمترین سند بالادستی شوراهای شهری را این قانون تشکیل می دهد و از این رو از اهمیت بالایی برخوردار است. تحلیل انطباق مصوبات شورای پنجم شهر تهران با قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی نشان دهنده موارد زیر است:

بیشترین تعداد مصوبات شورای پنجم مربوط به بند تعیین نرخ عوارض شهری است که تعداد ۳۹۳ مصوبه به صورت مستقیم و غیر مستقیم به آن ارتباط دارند. بعد از آن بند تهیه طرح ها و پیشنهادات اصلاحی با فراوانی ۱۷۳ مورد از نظر میزان انطباق بیشترین انطباق را با قانون مزبور

بیشترین مصوبه در زمینه خدمات شهری و محیط زیست ارائه شده که مجموعاً حدود یک درصد از کل مصوبات شهری را شامل می شود. در زمینه آلودگی هوا تعداد دو مصوبه و در زمینه اشتغال هم دو مصوبه ارائه شده است. قابل توجه آن که هر دو مصوبه مرتبط با اشتغال یک موضوع واحد را نشان می دهد که آنهم موضوع به کارگیری جوانان در پست های مدیریتی شهرداری تهران بوده و اساساً در زمینه تأمین اشتغال شهری و نیز از بین بردن بیکاری و تسهیل اشتغال شهروندان مصوبه ای ارائه نشده است (جدول شماره ۹ و تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶: تطابق مصوبات با نظرسنجی های صورت گرفته از شهر تهران

در بر می گیرد. (جدول شماره ۱۰) مجموع مصوبات مورد اعتراض شامل ۳۹ طرح (۷۴ درصد) و ۱۴ لایحه (۲۶ درصد) است (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۷: کل مصوبات مورد اعتراض به تفکیک نوع

و کمیسیون نظارت و حقوقی هر کدام تعداد ۵ مصوبه مورد اعتراض داشته اند.

۴.۱۲. تحلیل مصوبات مورد اعتراض فرمانداری به تفکیک موضوع
از مجموع کل مصوبات مورد اعتراض در دوره پنجم شورای شهر تهران، بیشترین مصوبات مورد اعتراض از منظر موضوعی مربوط به مصوبات فرهنگی و پس از آن مصوبات نرخ بهای خدمات شهرداری به ویژه در حوزه حمل و نقل شهری بوده است. پس از نام گذاری مصوبات مربوط به تعیین بها و نرخ خدمات ارائه شده از سوی شهرداری به ویژه در حوزه حمل و نقل بیشترین اعتراض را (۱۵ درصد) به خود اختصاص

نظرسنجی های مختلف نشان می دهد که ماهیت موضوعات عمدتاً مشابه هستند اما در توالی های زمانی، اولویت ها و ترتیب آنها متفاوت است. به طور مثال در سال ۱۳۹۷ آلودگی هوا و ترافیک در اولویت بوده و در نظرسنجی جدید اسیا در سال ۱۴۰۰ موضوعات تورم و گرانی، تهیه مسکن، اجاره بها و بیکاری و اشتغال دارای اولویت بوده است. بررسی ها نشان می دهد که از میان ۸ مسئله اصلی مطرح شده توسط شهروندان در چهار حوزه ترافیک، بیکاری، تأمین مسکن و اجاره بها هیچ مصوبه ای از سوی اعضای دوره پنجم ارائه نشده است.

جدول شماره ۹: نسبت مصوبات منطبق با مسائل و چالش های شهر تهران

اولویت های شهروندان	تعداد مصوبه	درصد از کل مصوبات
آلودگی هوا	۲	۰٫۲
ترافیک	۰	۰٫۰
محیط زیست	۵	۰٫۶
گرانای و تورم	۰	۰٫۰
بیکاری	۰	۰٫۰
اشتغال	۲	۰٫۲
تأمین مسکن	۰	۰٫۰
اجاره بها	۰	۰٫۰
خدمات شهری	۵	۰٫۶
مجموع	۱۵	۱٫۷

۴.۱۰. تحلیل مصوبات مورد اعتراض فرمانداری شهر تهران

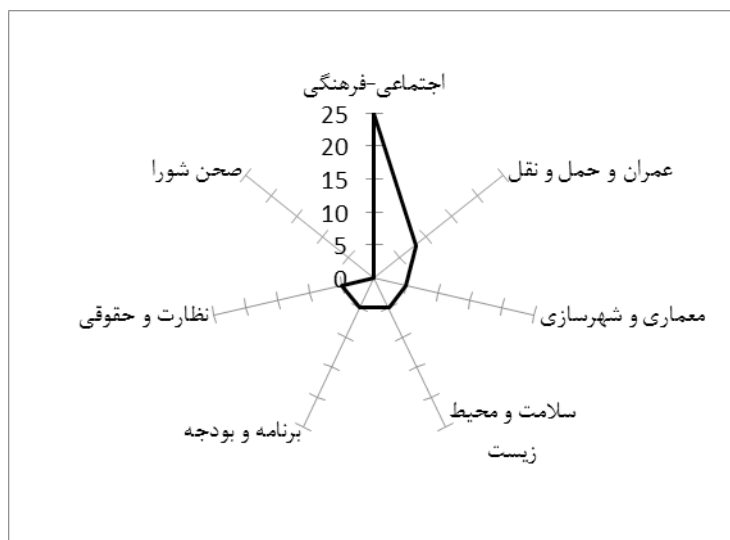
مطابق آمارهای در دسترس، در مجموع در طول دوره پنجم شورای شهر تهران، تعداد ۵۳ مصوبه مورد اعتراض فرمانداری شهر تهران قرار گرفته است که این تعداد تنها شش درصد از کل مصوبات این شورا را

جدول شماره ۱۰: تعداد کل مصوبات مورد اعتراض فرمانداری به تفکیک دوره های مختلف

ردیف	دوره	تعداد	درصد از کل
۱	کل مصوبات	۵۳	۱۰۰
۲	طرح	۳۹	۷۴
۳	لایحه	۱۴	۲۶

۴.۱۱. تحلیل مصوبات مورد اعتراض فرمانداری به تفکیک کمیسیون های تخصصی شورا

همان طور که در تصویر شماره ۸ نمایش داده شده، بیشترین اعتراض های فرمانداری در میان کمیسیون های تخصصی شورا به کمیسیون فرهنگی و اجتماعی اختصاص دارد. تعداد ۲۵ مصوبه این کمیسیون در طی دوره پنجم مورد اعتراض قرار گرفته که این تعداد شامل ۲۴ طرح و تنها یک لایحه است. تعداد ۸ اعتراض از مجموع اعتراضات ثبت شده به مصوبات زیر نظر کمیسیون عمران و حمل و نقل بوده که این تعداد شامل ۷ لایحه و یک طرح بوده است. کمیسیون های معماری و شهرسازی، سلامت، محیط زیست و خدمات شهری، برنامه و بودجه

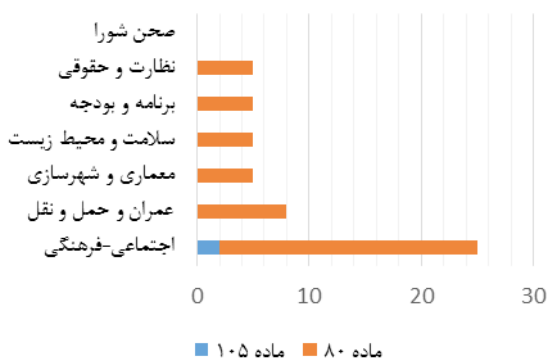


تصویر شماره ۸: تعداد مصوبه های مورد اعتراض فرمانداری به تفکیک کمیسیون های تخصصی شورا

۴.۱۳. تحلیل مصوبات مورد اعتراض بر اساس دلیل اعتراض

مصوبات شورای اسلامی شهرها با استناد به دو اصل بالاسری مورد اعتراض فرمانداری و یا سایر دستگاه های ناظر قرار می گیرد که عبارتند از: اصل ۱۰۵ قانون اساسی - تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد - و ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور مبنی بر عدم مغایرت با اختیارات قانونی آنها و با قوانین عمومی کشور (جدول شماره ۱۱).

داده و نزدیک شش درصد از اعتراضات فرمانداری تهران به مصوبات در خصوص بودجه شهرداری اختصاص دارد. اعتراض های صورت گرفته در خصوص موضوعات اداری شهرداری و شورا، مدیریت بحران و ایمنی شهری و نمای شهری در میان مصوبات دارای اعتراض کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. در میان مصوبات مورد اعتراض دو مورد اعتراض نسبت به مصوبات کمک رسانی به شهرهای زلزله زده اختصاص دارد که خارج از حوزه کاری شهرداری تهران است.



تصویر شماره ۹: مصوبات مورد اعتراض به تفکیک دلایل

جدول شماره ۱۱: مصوبات مورد اعتراض به تفکیک دلایل

کمیسیون	تعداد		درصد	
	ماده ۱۰۵	ماده ۸۰	ماده ۱۰۵	ماده ۸۰
اجتماعی-فرهنگی	۲	۲۳	۳,۷۷	۴۳,۴۰
عمران و حمل و نقل	۰	۸	۰,۰۰	۱۵,۰۹
معماری و شهرسازی	۰	۵	۰,۰۰	۹,۴۳
سلامت و محیط زیست	۰	۵	۰,۰۰	۹,۴۳
برنامه و بودجه	۰	۵	۰,۰۰	۹,۴۳
نظارت و حقوقی	۰	۵	۰,۰۰	۹,۴۳
صحن شورا	۰	۰	۰,۰۰	۰,۰۰
مجموع	۲	۵۱	۳,۷۷	۹۶,۲۳

۵. بحث و نتیجه گیری

در مجموع و با اتکا به آمارهای موجود در این پژوهش شاید به جرأت بتوان دوره پنجم شورای شهر تهران را یکی از ضعیف ترین دوره های فعالیت این نهاد مردمی بر شمرد. این موضوع از آن نظر قابل توجه است که در این دوره برای نخستین بار اگرچه تعداد مصوبات بیشتری به تصویب شورا رسیده و شاید بتوان از منظر کمی و بر اساس شاخص تعداد مصوبات آن را نشانه پرکاری آن مجموعه فرض کرد که در طول تصویر گیری این نهاد بی مانند است اما بررسی محتوایی و تحلیل موضوعی مصوبات و نیز تجزیه اولویت های کمیسیون های موجود در این شورا نشان می دهد که:

از مجموع مصوبات مورد اعتراض فرمانداری تنها دو مصوبه با استناد به اصل ۱۰۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رد شده و ۵۱ مصوبه (۹۶ درصد) با استناد به ماده ۸۰ قانون اختیارات، وظایف و تشکیلات شوراها مورد اعتراض قرار گرفته است. مصوبات مورد اعتراض به استناد ماده ۱۰۵ تماماً مربوط به کمیسیون فرهنگی و اجتماعی بوده است. ۴۳ درصد از مصوبات کمیسیون فرهنگی با استناد به ماده ۸۰ قانون تشکیلات شوراها و تمامی مصوبات کمیسیون های شورا غیر از کمیسیون فرهنگی و اجتماعی با استناد به اصل ۸۰ قانون شوراهای مورد اعتراض قرار گرفته اند (تصویر شماره ۹).

۱۳) برخی از طرح‌های ارزشمند دوره‌های پیشین که نیاز به پیگیری داشت، در این دوره مورد کم توجهی قرار گرفته است. این موضوع به ویژه در حوزه مدیریت بحران و در خصوص به سرانجام رسانیدن طرح‌هایی چون طرح تأمین آب اضطراری و مدیریت یکپارچه و مردمی، بحران و مانند آن قابل توجه است.

۱۴) حوزه بهداشت و سلامت شهری به رغم همه‌گیری و شیوع بیماری کرونا در این دوره به طور کامل مورد غفلت قرار گرفته و هیچ مصوبه‌ای در حوزه سالم سازی و کاهش شیوع مشاهده نمی‌شود. این در حالیست که شهرداری امکانات و تجهیزات سلامت و پرتصویر عیدیه‌ای را در اختیار دارد که می‌تواند از آنها به نفع شهر و شهرداری سود ببرد.

۱۵) تعداد طرح‌های کاربردی در حوزه مسائل اصلی شهر تهران بسیار کم است و این موضوع را می‌توان به ضعف کمیسیون‌های تخصصی شورا و ضعف دانش شهری شورا مرتبط دانست.

۱۶) موضوع بخش عمده لوایح ارسالی و مصوب شورای شهر تهران را مسائل مالی و وظایف مستمر و نگهداشت شهر تشکیل می‌دهد؛ این موضوع باعث صرف انرژی و زمان بسیار از شورا برای مسائلی است که بدون حضور شورا نیز قابل انجام است. از این رو ضروری است تا شورای شهر تهران وظایف مستمر و حوزه نگهداشت شهر را در چارچوب دستورالعمل‌های مشخص مورد نظارت قرار دهد و از ارائه چندباره موضوعات در هر سال در صحن شورا و صرف زمان و انرژی شورا برای موضوعات گفته شده خودداری نماید.

۱۷) کمیسیون‌های تخصصی شورای شهر تهران، با ضعف بینشی و دانشی مواجه هستند و این موضوع را می‌توان از فقدان موضوعات نوآورانه و عدم پرداختن به مسائل روز جهان در شهر تهران و نیز عدم توجه به ابرمسائل و ابرچالش‌های شهر تهران درک کرد.

۱۸) ضروریست تا شورای شهر تهران به مسائل و موضوعات آینده پژوهی و آینده‌نگرانه در خصوص مسائل و چالش‌های شهر تهران ورود جدی نماید. زیرا تحلیل مصوبات این شورا در دوره مورد بررسی و ادوار قبلی نشان‌دهنده عدم توجه به این موضوع اساسی است.

با توجه به آنچه گفته شد، موضوعات زیر برای تحلیل و تفسیر بهتر مصوبات شورای شهر تهران برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

- ۱) سنجش و ارزیابی جایگاه برنامه‌های پنج ساله توسعه شهری در مصوبات شورای شهر تهران،
- ۲) ارزیابی میزان اجرایی شدن مصوبات شورای شهر تهران،
- ۳) تحلیل محتوای مصوبات به تفکیک موضوعات مختلف مورد بررسی در شورای شهر تهران،
- ۴) آسیب‌شناسی رویه‌ها و رویکردهای شورای شهر تهران و
- ۵) آسیب‌شناسی روش‌شناسی نظارت در شورای شهر تهران.

“نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.”

۱) بخش عمده تلاش شورای دوره پنجم مصروف موضوعات داخلی شورا چون تصویردهی به ساختارهای شورا و معرفی و تعیین افراد برای حضور در مجتمع و کمیته‌ها و ستادها و مانند آن بوده است.

۲) بخش زیادی از زمان شورای پنجم مصروف مسائل داخلی شهرداری بوده و تعداد مصوباتی که به موضوعات شهری و شهروندان و مسائل و متصویرات جاری شهر تهران پردازد، بسیار انگشت شمار است. به دیگر سخن شهروندان و شهر اساساً اولویت این دوره از شورا نبوده است.

۳) آنجایی که به موضوعات شهری پرداخته شده اساساً موضوع جدیدی مطرح نشده و مسائل پیش‌مانده از سایر دوره‌های پیشین را مورد بازنگری قرار داده‌اند.

۴) بخش قابل توجهی از مصوبات شورای دوره پنجم را آن دسته از مصوباتی تشکیل می‌دهند که صرف یک یا دو بند از مصوبات قبلی را تغییر داده و یا اضافه کرده‌اند.

۵) تعداد مصوباتی که به پروژه‌های توسعه‌ای و آبادانی شهر کمک رسانی نماید، اساساً انگشت شمار است.

۶) در مجموع رویکرد حاکم بر دوره پنجم را موضوعات تئوریک و نرم افزاری تشکیل می‌دهد و آنچه که فعالیت‌های اجرایی و سخت‌افزاری باشد، در محتوای مصوبات به ندرت مشاهده می‌شود.

۷) یکی از مهمترین ضعف‌های حاکم بر مصوبات دوره پنجم فقدان مصوبات مرتبط با کیفیت اجرایی شدن مصوبات پیشین این شورا است؛ به طوری که هیچ مصوبه‌ای در این خصوص وجود ندارد. به عبارتی اعضای شورای دوره پنجم تمایلی نشان نداده‌اند که آیا مصوبات قبلی خود و یا دوره‌های پیشین توسط شهرداری و زیرمجموعه آن به مرحله اجرا درآمده است یا خیر؟ و اگر به مرحله اجرا رسیده با چه کیفیتی این کار انجام گردیده است تا از این طریق اقدام به برطرف نمودن موانع احتمالی پیش روی در سطح اجرای مصوبات خود نمایند.

۸) همانند دوره‌های پیشین بخش‌های قابل توجهی از بندهای موجود در قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراها مورد غفلت قرار گرفته است.

۹) یکی از گم شده‌های شورای پنجم در مصوبات آن را شاید بتوان مسئله بایستی شهری عنوان کرد؛ به طوری که تحلیل موضوعات و مصوبات مورد بررسی نشان می‌دهد که هیچ مسئله جدید شهری و یا موضوع نو شهری در این دوره در داخل مصوبات یافت نمی‌شود.

۱۰) نکته دیگر کم توجهی به برنامه‌های فرادست به ویژه برنامه توسعه پنج ساله سوم است. به رغم تصویب این برنامه در داخل شورای پنجم مصوبه دیگری که دال بر پیگیری کیفیت اجرا و پیاده‌سازی آن توسط شهرداری باشد، مشاهده نمی‌شود.

۱۱) با وجود آن که مصوبات متعددی به بحث در خصوص حسابرسی سازمان‌ها و شرکت‌ها و عملکرد مالی شهرداری پرداخته، هیچ مصوبه‌ای در خصوص اصلاح رویه‌های مالی و اقتصاد شهری مشاهده نمی‌شود.

۱۲) همانند دوره‌های پیشین هیچ مصوبه‌ای در خصوص تسهیل ورود و جذب سرمایه به داخل شهر و شهرداری مشاهده نمی‌شود.

References:

- Ahadanejad, M., Ahazeri, S., Meshghini, A., & Piri, I. (2016). identifying key factors affecting urban prosperity with a foresight approach; A case study of Tabriz metropolis, *Journal of Urban Planning and Research*, Year 9. Number 32, 15-30. 20.1001.1.22285229.1397.9.32.2.9 [in Persian]
- Ali Akbari, I. (2001). The role of the government in urbanization. PhD thesis. University of Tehran. Faculty of Geography. [in Persian]
- Barron, J., Crawley, G., and Wood, T. (2010). *Councilors in crisis: the public and private world of local councilors*. London. Macmillan education LTD.
- Cochran, Alan. (2008). *Urban Policies*. translated by Aref Moghadam. Tehran. Azarakhsh Publications. [in Persian]
- Fatahi, H., Charejoo, F. (2021). evaluation of city council performance in urban management (case study: Baneh). *Urban Management Studies Quarterly*. 13th year. number 47. 10.30495/UMS.2021.19377
- Gao, Z., Wang, S., & Gu, J. (2020). Public participation in smart-city governance: a qualitative content analysis of public comments in urban China. *Sustainability*, 12(20), 8605. <https://doi.org/10.3390/su12208605>
- Gharib Khajeh, S. (2016). analysis of the content of the approvals of the Islamic Council of Cities in West Azarbaijan Province. Governorate of A.G. [in Persian]
- Islamic Council of Iran Research Center. (1996). Constitution of the Islamic Republic of Iran at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/> [in Persian]
- Landry, L. D. (1977). City councils as policy makers: Myths that destroy effectiveness. *Nat'l Civic Rev.*, 66, 553.
- Lombard, M. (2013). Citizen Participation in Urban Governance in the Context of Democratization: Evidence from Low Income Neighbourhoods in Mexico. *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(1), 135-150.
- Mellis, M. J. (2007). citizen participation in neighborhood context, the university of Utah.
- Mousavi, M., Sarvar, R., & Bagheri Kashkoli, A. (2013). an analysis of the role of influencing factors on the performance of municipalities and measuring the level of satisfaction of citizens (case study: Yazd Municipality). period 5. number 4 (series 16), 15-25. [in Persian]
- Nikpour, A., Mahmoudi, F., & Safaei Reine, M. (2015). Spatial analysis of the pattern of political participation of citizens in the fourth election cycle of the Islamic Council of Amol. Volume 4. Number 3. Page 322-299. 10.22059/JURBANGEO.2016.60636 [in Persian]
- Norouzi, C. (1999). an introduction to the fundamental rights of the Islamic councils of the country, scientific research and educational monthly of municipalities. first year. number 1. [in Persian]
- Parizadi, T., Hossein Khani, H. (2022). strategic planning of regional development with urban prosperity approach, *Urban Management Quarterly*. year 14. number 49. 4-17. 10.30495/UMS.2022.20249 [in Persian]
- Roberts, N. (2004). Public deliberation in an age of direct citizen participation. *The American review of public administration*, 34(4), 315-353.
- Rostamalizadeh, V. (2022). the developments of urban studies in the city of Tehran in the last century; With an emphasis on social studies and management and planning, *Quarterly Journal of Economics and Urban Planning*. Volume 3. Number 2. 54-69. 10.22034 / UEP.2022.318857.1150 [in Persian]
- Salehi Amiri, S. R., Mohammad, S. (2010). investigating and determining the damage of relations between the Islamic City Council and the Municipality, a case study of the Islamic City Council and the Municipality of Tehran, *Urban Management Studies Quarterly*. 2nd year. 2nd issue. pp. 21-42. [in Persian]
- Saneinejad, G. (2002). Social Capital and Major Challenges of Tehran Management, *shahrvand Madari Magazine*, No. 12. First Half of March. Tehran Municipality Urban Management Development Deputy. Jahan Ketab Publisher. [in Persian]
- Sarafi, M. (1998). The necessity of transformation in the theory of development planning in Iran, *Proceedings of the conference of 50 years of development planning in Iran*, Tehran. [in Persian]
- Schwab, B., Kubler, D., & Walti, S. (2001, April). Metropolitan Governance and democracy in Switzerland. In *Governance and Democratic Legitimacy*. The 29th ECPR Joint Session of Workshops. Grenoble.
- Stewart, J. (1990). The role of councillors in the management of the authority. *Local Government Studies*, 16(4), 25-37. Svara, J. H. (2006). The search for meaning in political-administrative relations in local government. *Intl Journal of Public*

Administration, 29(12), 1065-1090..

- Tavasoli, G. A. (2012). Social participation in the conditions of an anomic society. Tehran University Press. p. 63. [in Persian]
- Yari Hesar, A. (2015). evaluation of the approvals of the Islamic Council of Tehran from the beginning to 2015. Center for Studies and Planning of Tehran. [in Persian].

نحوه ارجاع به مقاله:

یاری حصار، ارسطو؛ دشتی، علی (۱۴۰۲)، تحلیل و ارزیابی مصوبات (دوره پنجم) شورای اسلامی شهر تهران، مطالعات شهری، ۱۳ (۵۰)، ۳۳-۴۶.
<https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62702>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



جایگاه خدمات اکوسیستم در برنامه‌های توسعه شهری اراک: واقعیت‌ها و ضرورت‌ها

نجمه سادات مصطفوی^۲ - عضو گروه پژوهشی توسعه کالبدی شهر، جهاد دانشگاهی، ایران؛ دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
پروین پرتوی - استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.
زهرا اسدالهی - استادیار، گروه شیلات و محیط‌زیست، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۱ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

مناطق شهری به عنوان سیستم‌های انسانی - محیطی، برای پایداری و رفاه به اکوسیستم (بوم‌نظام)‌های طبیعی متکی هستند. از این رو گنجاندن خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی برای ارتقای توسعه پایدار شهری ضروری است. اراک شهری صنعتی با تعدد بحران‌های محیط‌زیستی همچنان براساس سیستم برنامه‌ریزی جامع در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی مدیریت می‌شود که نیازمند رویکردی مبتنی بر بوم‌شناسی در زمینه توسعه شهری است. با وجود علاقه فزاینده به مفهوم خدمات بوم‌نظام در تحقیقات، شکاف‌های دانش قابل توجهی در مورد ادغام آن در برنامه‌ریزی وجود دارد. این مقاله به دنبال پرکردن این شکاف از طریق بررسی کاربرد فعلی و بالقوه خدمات بوم‌نظام در برنامه‌های توسعه شهری است. برای پاسخگویی به این هدف، از روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار (روش قیاسی متکی بر نظریه) استفاده و میزان پرداختن به ۱۹ خدمت بوم‌نظام، در سه مؤلفه طرح (پایگاه اطلاعات، چشم‌انداز/اهداف و اقدامات) در طرح توسعه و عمران شهر اراک بررسی شد. نتایج حاکی از پذیرش مفهوم خدمات بوم‌نظام در بخش‌هایی از سند توسعه مورد مطالعه بود. با این حال، سند گفته شده فاقد دیدگاه کل‌نگرد در مورد بوم‌شناسی شهری و مزایای آن است. در سه مؤلفه مورد بررسی، ۶۰۷ بار به صورت ضمنی (۳۱۲ بار - ۵۱/۴ درصد) و صریح (۲۹۵ بار - ۴۸/۶ درصد) به این خدمات اشاره شده که بیشترین توجه در مؤلفه پایگاه داده (۳۵۸ بار - ۵۹ درصد) صورت گرفته است. اختلاف امتیاز خدمات فرهنگی (۴۰۰) با خدمات تأمین (۲۷۴)، تنظیمی (۱۹۸) و حمایتی (۳۰) در این تحلیل می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که خدمات فرهنگی از شمول بیشتری در مقایسه با سایر خدمات در طرح جامع کلانشهر اراک برخوردار است. عدم پیوستگی در پرداختن به هر یک از خدمات و یا مفاهیم بیان شده در سه مؤلفه نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین مطالعات در بخش شناخت و تحلیل، هدف‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز و در آخر ارائه طرح‌های پیشنهادی و نگارش ضوابط و مقررات وجود ندارد.

واژگان کلیدی: اراک، تحلیل محتوا، تأمین، تنظیمی، حمایتی، فرهنگی، طرح جامع شهر.

نکات برجسته

- برنامه‌های توسعه شهری، فرصت‌های بسیاری را برای گنجاندن مفهوم خدمات بوم‌نظام در فرآیند توسعه شهری ارائه می‌دهند.
- مصاحبه با ذی‌نفعان و تحلیل محتوای برنامه‌ها رویکردهای غالب برای ارزیابی میزان فهم و عملیاتی‌سازی مفهوم خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری است.
- تحلیل برنامه‌های توسعه شهری به درک گسترده‌تری از پتانسیل‌ها، شکاف‌ها و محدودیت‌های گنجاندن خدمات بوم‌نظام می‌انجامد.
- خدمات بوم‌نظام فرهنگی و سپس خدمات تأمین و تعدادی از خدمات تنظیمی در این طرح‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- بیشترین توجه به خدمات بوم‌نظام در مرحله بررسی و تحلیل بوده که تحت تأثیر مقیاس مطالعه خدمات است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان "یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌های توسعه شهری اراک به منظور پایداری اکولوژیکی شهر" است که به وسیله نجمه سادات مصطفوی و با راهنمایی پروین پرتوی و مشاوره زهرا اسدالهی در دانشگاه هنر تهران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: Mostafavi@acecr.ac.ir

۱. مقدمه

شهرنشینی همراه با تمرکز عوامل اقتصادی-اجتماعی منطقه‌ای، گسترش سریع زمین شهری و تغییرات مستمر در ساختار کاربری زمین شهری (Zhang, et al., 2023, p. 1)، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ارتقای کیفیت زندگی انسان و مدیریت گذار به سوی پایداری فراهم نموده است (Luederitz, et al., 2015, p. 98). به طوری که در کنار بهبود اشتغال، نوآوری و سطح خدمات عمومی، تغییرات عمیقی را در محیط اکولوژیکی و انسانی ایجاد می‌کند (Holt et al., 2015, p. 33). مجموعه‌ای از بحران‌های اکولوژیکی ناشی از شهرنشینی، مانند فرسایش خاک و بیابان‌زایی (Jenks & Jones, 2010)، کاهش کیفیت آب، کاهش نفوذپذیری آب و تشکیل جزایر حرارتی (Burton, Jenks, & Williams, 2013)، آلودگی هوا (Mage, et al., 1996)، بیماری‌ها و آلرژی‌ها (Varol, Ercoskun, & Gurer, 2011) و ... منجر به خسارات قابل توجهی در خدمات بوم‌نظام شده است.

خدمات بوم‌نظام شامل منافعی است که افراد از بوم‌نظام‌ها به دست می‌آورند و گستره وسیعی از خدمات مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط با بهزیستی انسان را در برمی‌گیرد (MEA, 2005, p. 40). اگرچه این منافع از طریق فرایندهای بیوفیزیکی حاصل می‌شوند اما تولید و توزیع آنها به شدت تحت تأثیر مدیریت سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیکی شهر است (Ernstson, et al., 2008, p. 20). از این رو هماهنگ کردن تبادلات احتمالی بین تخصیص زمین شهری و حفاظت از بوم‌نظام برای تحقق شهرنشینی پایدار ضروری است. ترکیب خدمات بوم‌نظام در اجرای مدیریت آینده زمین شهری برای تخصیص منطقی زمین و مدیریت مؤثر محیط اکولوژیکی در مناطق شهری بسیار مهم است (Yang, 2020, p. 1444). برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری، این مفهوم باید از دانش به عمل گسترش یابد؛ همچنان که اخیراً به عنوان مفهومی برای کمک به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری مورد بحث قرار گرفته است (Hansen, et al., 2015, p. 228). با این حال یکپارچگی خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی توسعه به سبب وجود موانع و چالش‌های متعدد، هنوز در مراحل ابتدایی است (Cortinovis & Geneletti, 2020, p. 2). ضعف محتوا و فرایند برنامه‌های توسعه شهری، ناکافی بودن ابزار برنامه‌ریزی، ضعف دانش در حوزه خدمات بوم‌نظام، فقدان نهادها و تشکیلات اجرایی مربوطه، ضعف کاربست دانش خدمات بوم‌نظام در حوزه عمل و سیاست، فقدان چارچوب حقوقی و قانونی مورد نیاز و ... از مهمترین موانع در این حوزه به شمار می‌آیند (Mostafavi, et al., 2023, p. 1). به استثنای این موانع، به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی شهری برای اتخاذ رویکرد خدمات بوم‌نظام پتانسیل خوبی داشته باشد، زیرا در نظر گرفتن خواسته‌های متناقض متعدد در استفاده از زمین و منابع طبیعی، هدف اصلی این رشته از زمان ظهور آن بوده است (Wilkinson, et al., 2013, p. 2).

دو رویکرد غالب علمی در بخش روش‌شناسی برای ارزیابی میزان فهم و عملیاتی‌سازی مفهوم خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری شامل مصاحبه با ذی‌نفعان و تحلیل محتوای برنامه‌ها و سیاست‌ها است. اسناد برنامه‌ریزی را می‌توان به عنوان پارادایم‌ها و اصول برنامه‌ریزی مورد توافق در نظر گرفت. آنها گفتمان‌های برنامه‌ریزی شهری هر

کشور را در یک برهه زمانی معین به تصویر می‌کشند و بازنمایی می‌کنند (Faludi, 2000, p. 301). در حال حاضر مطالعات متعددی در پی پرداختن به ارزیابی تجربی برنامه‌ها و سیاست‌های شهری (فهم و عملیاتی‌سازی مفهوم خدمات بوم‌نظام) است. این مقاله به دنبال کمک به این تلاش‌ها با ارائه یک مطالعه موردی از شهر اراک است. بررسی محتوای برنامه جامع شهر اراک برای پاسخ به سئوالات زیر انجام می‌شود: (۱) تا چه حد خدمات بوم‌نظام و سایر مفاهیم مرتبط با آن در سیاست‌های برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری اراک گنجانده شده است، (۲) کدام خدمات بوم‌نظام در این برنامه نشان داده شده‌اند و (۳) در کدام بخش این برنامه بیشتر به این خدمات پرداخته شده است؟

۲. مبانی نظری

شهرها سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی پیچیده‌ای هستند که در آن فرآیندهای اکولوژیکی و تأثیرات انسانی در هم تنیده می‌شوند (Gómez-Baggethun & Barton, 2013, p. 235). از آنجا که جمعیت شهری جهان به طور فزاینده‌ای در حال رشد است، مزایای حیاتی فراهم شده توسط بوم‌نظام‌های شهری برای رفاه انسان، اهمیت بیشتری می‌یابد. این مزایا که از عملکردها و فرآیندهای اکولوژیکی ناشی می‌شوند، به عنوان خدمات بوم‌نظام شناخته می‌شوند (Bolund & Hunhammar, 1999, p. 295). آنها گستره وسیعی از خدمات مستقیم و یا غیرمستقیم مرتبط با بهزیستی انسان همچون مواد غذایی، آب، فیبرها، تجزیه کربن، تصفیه هوا، کاهش آلودگی صوتی، مواد خام برای صنایع، زیبایی و تفریح را ارائه می‌دهند (Gashaw, et al., 2018, p. 219). هر بوم‌نظامی بسته به ساختار فضایی خود (نوع و وضعیت) خدمات مشخصی را ارائه داده و قابلیت جایگزینی ندارد (Tolessa, et al., 2017, p. 47).

خدمات بوم‌نظام از مفاهیم مرتبط با ارتباط بین انسان و طبیعت است که در سال‌های اخیر در حوزه بوم‌شناسی به کار می‌رود (Graça, et al., 2017). این مفهوم در ابتدا به وسیله ویلسون و متیوز با عنوان «خدمات محیط‌زیستی^۲» ارائه شد و سپس وستم‌آن را «خدمات طبیعت^۳» نامید. در نهایت اریچ و مونی آن را به «خدمات بوم‌نظام» تغییر نام دادند (Lele, et al., 2013, p. 343). از دهه ۱۹۹۰ نیز تحولات مداوم تعاریف خدمات بوم‌نظام و طبقه‌بندی آن به طور دقیق مستند شده است. در ابتدای قرن بیستم، مفهوم خدمات بوم‌نظام پس از انجام چندین پروژه مهم علمی-سیاسی مانند ارزیابی بوم‌نظام هزاره، اقتصاد بوم‌نظام‌ها و تنوع زیستی و ایجاد هیأت بین‌دولتی در زمینه تنوع زیستی و خدمات بوم‌نظام، در برنامه سیاست‌گذاری قرار گرفت (Bouwma, et al., 2018, p. 213).

با وجود تعدد پژوهش‌ها در حوزه شهر و مسائل محیط‌زیستی مرتبط با رشد شهری، تغییرات کاربری زمین، آلودگی‌ها و ... در سده بیستم، هیچ یک به صورت صریح از واژه خدمات بوم‌نظام استفاده نکرده‌اند؛ از این رو شاید بتوان پژوهش بولوند و هونامار با عنوان «خدمات بوم‌نظام در نواحی شهری» (Bolund & Hunhammar, 1999) را نطفه اصلی

2 Environmental Services

3 Nature's services

اثرات محیط‌زیستی، گزارش‌ها و دستورالعمل‌های ارزیابی راهبردی محیط‌زیستی، قوانین محیط‌زیستی و اخیراً نقشه‌های شهری) جاداد. برنامه‌های توسعه شهری به واسطه تعیین کجایی و چگونگی توسعه، به عنوان مهم‌ترین ابزار برای برنامه‌ریزی کاربری زمین، فرصت‌های بسیاری را برای گنجاندن مفهوم خدمات بوم‌نظام در فرآیند توسعه شهری ارائه می‌دهند که می‌تواند بر سلامت، تنوع و توزیع فضایی خدمات بوم‌نظام تأثیر بگذارد (Albert, et al., 2014, p. 1280). پوشش جغرافیایی و ادغام چندین سیستم در این برنامه‌ها، آنها را به وسیله‌ای مهم برای اهداف پایدار تبدیل کرده و فرصتی برای حفاظت از خدمات بوم‌نظام است (Godschalk & Rouse, 2015, p. 7). به طور خاص با ادغام خدمات بوم‌نظام در محتوا و همچنین فرآیند تهیه و تصویب برنامه‌های توسعه می‌توان از تأثیرات منفی بر واحدهای ارائه‌دهنده این خدمات جلوگیری کرده، ارائه خدمات بوم‌نظام را افزایش داده و مزایا و معایب گزینه‌های مختلف توسعه را ارزیابی نمود (Woodruff & BenDor, 2016, p. 97). استفاده از چارچوب بوم‌نظام در برنامه‌های توسعه می‌تواند رویکردی قوی برای تسهیل توسعه پایدار شهری ارائه دهد (Grêt-Regamey, et al., 2013, p. 108). این اسناد، پارادایم غالب را در یک مکان خاص در یک مقطع زمانی مشخص منعکس می‌کنند و از این رو مطالعه آنها برای پیگیری توسعه مفاهیم و ایده‌ها مفید است (Howlett & Cashore, 2009, p. 37). گنجاندن صریح خدمات بوم‌نظام خاص در برنامه‌های توسعه شهری، ضمن تسهیل ترکیب اطلاعات محیطی و ارزش‌های جامعه، این اطمینان را ایجاد می‌کند که خدمات مورد نظر در طول توسعه شهری محافظت می‌شوند (Albert, et al., 2016, p. 113). (نمودار شماره ۱)

برنامه‌ریزی شهری پس از پایان جنگ جهانی دوم و به ویژه در پنجاه سال اخیر تحولات عمیقی را تجربه کرده است. سیر تحول رویکردها، نظریات و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری حاکی از تغییر نگرش برنامه‌ریزی به عنوان روشی صرفاً طراحی و یا پس از آن منطقی به روشی مشارکتی و مدیریتی است. در ایران، سیستم برنامه‌ریزی شهری سیستمی مبتنی بر برنامه است و از آغاز (دهه ۱۳۳۰) تا اواسط دهه ۱۳۷۰ برنامه‌ریزی جامع در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی در جریان بوده و پس از آن

تحقیقات پیرامون خدمات بوم‌نظام شهری^۱ قلمداد کرد (Gómez-Baggethun & Barton, 2013, p. 235). نسبت دادن مقادیر به خدمات بوم‌نظام یکی از ارکان اساسی رویکرد خدمات بوم‌نظام است. ارزیابی خدمات بوم‌نظام می‌تواند به روش‌های مختلفی از جمله ارزش پولی، واحدهای فیزیکی یا شاخص‌ها بیان شود (Costanza, et al., 2011, p. 2). تغییرات پارادایمی در برنامه‌ریزی و ورود مباحث مرتبط با مشارکت فعال ذی‌نفعان به آن بر این حوزه نیز اثرگذار بوده که در توسعه روش‌های اجتماعی- فرهنگی و کاربرد روش‌های مربوطه در ارزیابی خدمات بوم‌نظام قابل مشاهده است. با وجود تلاش‌های قابل توجه در زمینه مکانی‌سازی، کمی‌سازی و ارزیابی خدمات بوم‌نظام، تعداد محدودی از آنها توصیه‌هایی عملیاتی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ارائه داده‌اند و یکپارچگی خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی توسعه، هنوز در مراحل ابتدایی است (Cortinovis & Geneletti, 2020, p. 2). مطالعات نشان می‌دهد، تعدادی از تجارب روشی گام به گام برای تسهیل یکپارچه‌سازی خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی اتخاذ کرده‌اند (برای مثال، Kosmus, et al., 2012; Ahern, et al., 2014; Mascarenhas, 2017; Rozas-Vásquez, et al., 2019; Sousa & Alves, 2020; Renner et al., 2019; Cortinovis & Geneletti, 2020; Atumane & Cabral, 2021). در این چارچوب‌های پیشنهادی، برنامه‌ریزی فضایی و ارزیابی محیطی راهبردی نقش کلیدی دارند. مطالعات دیگر با تمرکز بر درک مفهوم خدمات بوم‌نظام انجام گرفته و به طور قطعی به یکپارچه‌سازی خدمات بوم‌نظام در برنامه‌های توسعه شهری نپرداخته‌اند. به عبارتی دیگر تنها یکپارچه‌سازی رویکرد خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری (وضعیت موجود) را بررسی و تحلیل نموده و پتانسیل‌ها، فرصت‌ها، پیچیدگی‌ها، عدم قطعیت‌ها و موانع آنها را نیز استخراج کرده‌اند. این مطالعات بر اساس روش مورد استفاده می‌توان در دو دسته تحلیل ذی‌نفعان (چگونگی درک مفهوم خدمات بوم‌نظام توسط متخصصان، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان از طریق مصاحبه با آگاهان کلیدی) و تحلیل محتوا (بررسی محتوای اسناد، از جمله برنامه‌های سیاست‌های محیط‌زیستی، ارزیابی

1 Urban Ecosystem Services (UES)

برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری
قرن بیست و یک دهه ۱۳۷۰	قرن بیست و یک دهه ۱۳۷۰	قرن بیست و یک دهه ۱۳۵۰	قرن بیست و یک دهه ۱۳۶۰	قرن بیست و یک دهه ۱۳۴۰	قرن بیست و یک دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ (شروع ۱۳۱۶)
ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری	ادغام و یکپارچه‌سازی خدمات اکوسیستم در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری
خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری	خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری	خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری	خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری	خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری	خدمات اکوسیستم در تصمیم‌گیری
برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری	برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری
برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997	برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997	برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997	برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997	برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997	برنامه‌ریزی مشارکتی نظریه توسعه پایدار نوشهرگرایی برنامه‌ریزی طراحی محور سرمایه طبیعی و توسعه پایدار Costanza & Daly, 1992 خدمات طبیعت Daily, 1997 ارزش خدمات اکوسیستم Costanza, et al., 1997

نمودار شماره ۱: پارادایم‌ها و نظریات برنامه‌ریزی شهری در جهان و ایران همراه با فرآیند توسعه مفهوم و رویدادهای مرجع در خدمات بوم‌نظام

متن مورد نظر را به صورت کیفی تحلیل می‌کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در کل متن می‌گردد - (Momeni rad, 2013, p. 211 - 212).

شهر اراک در دهه‌های گذشته به واسطه فرآیند صنعتی شدن و به دنبال آن مهاجرت و افزایش جمعیت، توسعه فیزیکی سریعی داشته و تأثیرات عمیق در سیستم‌های طبیعی پیرامون خود به جا گذاشته است. براساس ارزیابی‌های انجام شده در سند برنامه ارتقای شاخص‌های محیط زیستی استان مرکزی، آلودگی هوا، آب، خاک و مدیریت نامطلوب پسماندهای شهری و صنعتی، پراکندگی صنایع و بخش‌های آلاینده، وجود ۱۱ صنعت بزرگ در داخل شهر، مدیریت نامطلوب فضلاب‌ها، عدم تأمین حقایق و تخریب تالاب میقان، کمبود فضای سبز و فعالیت‌های مخرب معدنی از مهمترین تهدیدهای محیط زیستی اراک به شمار می‌روند که تأیید کننده ضعف در در نظرگیری رویکرد بوم‌نظام و حفاظت از خدمات بوم‌نظام (تأمینی، تنظیمی، فرهنگی و حمایتی) در نظام برنامه‌ریزی شهری اراک است.

از این رو، مقاله بر برنامه‌های توسعه شهری اراک متمرکز شده است. تاکنون چهار طرح جامع (به ترتیب مصوب سال‌های ۱۳۵۲، ۱۳۶۷، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۸) و سه طرح تفصیلی (به ترتیب مصوب سال‌های ۱۳۵۹، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۳) برای این شهر تهیه شده است. آخرین برنامه شهری مصوب شهر اراک طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهر اراک است که از سال ۱۳۹۹ ملاک عمل برنامه‌ریزی در شهر اراک قرار گرفته و به عنوان نمونه موردی در این تحقیق در نظر گرفته شده است.

در تحلیل‌های پیشین برنامه‌های شهری (Baynham and Stevens, 2013; Heidrich et al., 2013; Woodruff and BenDor, 2016; Geneletti and Zardo, 2016) سه مؤلفه اصلی برنامه قابل شناسایی است: پایگاه اطلاعات، چشم‌انداز/اهداف و اقدامات. مؤلفه پایگاه اطلاعات، دانش پیشینه را نشان می‌دهد که از تصمیمات برنامه‌ریزی پشتیبانی می‌کند و براساس آن شناخت و تحلیل وضع موجود صورت می‌پذیرد. مؤلفه چشم‌انداز و اهداف، چشم‌انداز بلندمدت برنامه و اهداف (کیفی یا کمی) را که برنامه دنبال می‌کند، توضیح می‌دهد. مؤلفه اقدامات تصمیمات گرفته شده توسط این برنامه را نشان می‌دهد، از جمله راهبردها و سیاست‌ها (پروژه‌ها، مقررات و...) که برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده اند. خدمات بوم‌نظام بیان شده در بالا در این سه مؤلفه ردیابی خواهند شد (نمودار شماره ۲).

به دنبال رویکردی رایج در ادبیات موجود در مورد ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه (Baker, et al., 2012; Berke & Conroy, 2000; Kumar & Geneletti, 2015; Geneletti & Zardo, 2016)، یک پروتکل امتیازدهی برای ارزیابی کیفیت گنجاندن خدمات بوم‌نظام پیشنهاد می‌شود. بر اساس این پروتکل امتیازدهی، مقیاسی سه درجه‌ای را با امتیاز صفر (فاقد شمول)، یک (اشاره ضمنی به مفهوم) و دو (اشاره صریح به مفهوم) اتخاذ گردید. برنامه‌ریزی سابقه طولانی در شناخت مزایای بوم‌نظام‌ها و مناطق طبیعی بدون استفاده از اصطلاح «خدمات بوم‌نظام» دارد (Colding, 2011; Wilkinson, et al., 2013; Salzman, et al., 2014) از این رو هم اشارات ضمنی و هم صریح مدنظر است.

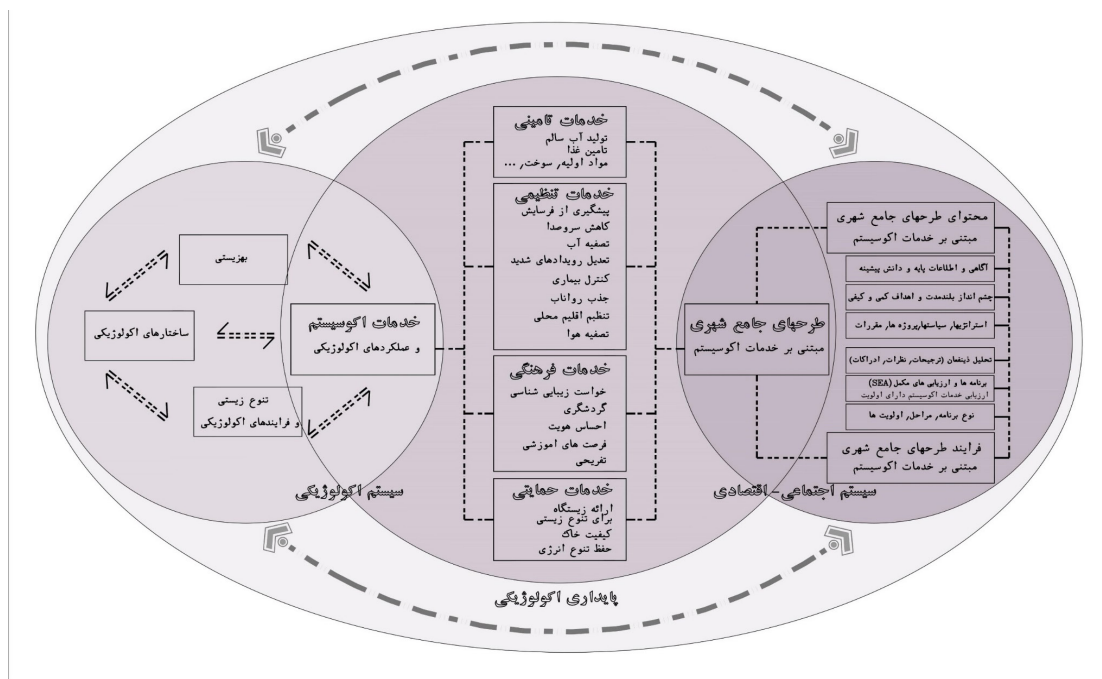
برای تعدیل شرایط ایستایی این برنامه‌ها، برنامه‌های راهبردی پنج ساله تهیه و اجرا می‌شوند. به منظور تغییر از طرح‌های توسعه کالبدی به طرح‌های یکپارچه توسعه فضایی و تهیه طرح‌های پاسخگو به لحاظ مسئله محوری، ظرفیت محوری و زمینه‌گرایی همراه با مشارکت ذی نفعان و عاملان کلیدی، بازنگری در نگرش و روش تهیه طرح‌های جامع شهری در انطباق با الزامات و ملاحظات نوین برنامه‌ریزی شهری به عمل آمده و در حال حاضر گزارش و چارچوب شرح خدمات آن در ۱۴۰۰ (برای شهرهای با جمعیت بالای ۵۰ هزار نفر) تصویب شده است. توجه به معنا، ارتباط متقابل انسان-محیط، نظریه‌پردازی، فرایند تولید و بازتولید دانش و نظام مدیریت شهری از مهمترین چالش‌های پیش‌روی شهرسازی در ایران در قرن بیست و یک به شمار می‌روند (Barati, 2006, p. 6) (نمودار شماره ۱).

در میان پژوهش‌های انجام شده در حوزه خدمات بوم‌نظام، عبادی قاجاری (۱۳۹۷)، مثنوی و دبیری (۱۳۹۶)، حیدری و چهارراهی (۱۳۹۹) و مصطفوی و همکاران (۱۴۰۲) از معدود پژوهش‌های داخلی در خصوص یکپارچه‌سازی خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری هستند که تنها به صورت نظری به آن پرداخته و در دو مورد آخر از روش تحلیل ذی نفعان میزان پذیرش این مفهوم در گفتمان حاکم بر برنامه‌ریزی شهری را مورد سنجش قرار داده‌اند. با این حال در دهه اخیر در سطح بین‌الملل موارد متعددی از بررسی فهم و پذیرش مفهوم خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری با استفاده از تحلیل محتوای برنامه‌ها، طرح‌ها، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه (Hansen, et al., 2015; Mascarenhas, et al., 2015; Woodruff & BenDor, 2016; Lam & Conway, 2018; Cortinovis & Geneletti, 2018; Schneider, et al., 2021) صورت گرفته است.

۳. روش پژوهش

در این مقاله به منظور ارزیابی میزان فهم و عملیاتی‌سازی مفهوم خدمات بوم‌نظام در برنامه‌ریزی شهری از روش تحلیل محتوا استفاده شد. از میان سه رکن برنامه‌ریزی شهری وینیک (چارچوب حقوقی و قانونی، نهادها و تشکیلات اجرایی و برنامه‌های توسعه شهری) این مقاله بر برنامه‌های توسعه شهری متمرکز گردید. تحلیل اسناد برنامه‌های توسعه شهری به درک گسترده‌تری از پتانسیل‌ها، شکاف‌ها و محدودیت‌های مربوط به گنجاندن خدمات بوم‌نظام در شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری کمک می‌کند (Ronchi, 2021, p. 4).

بر اساس نظریه شی‌یه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته عرفی/قراردادی، جهت‌دار، تلخیصی/تجمعی تقسیم کرد. از آنجا که تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد بوم‌نظام بوده و بر خدمات بوم‌نظام در شهرها متمرکز است، از این رو تحلیل محتوای جهت‌دار به حساب می‌آید. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. این روش در مقایسه با سایر روش‌ها، از فرایند ساختارمندتری برخوردار است (Iman & Noshadi, 2011, p. 24-25). در رویکرد قیاسی، مقولات در آخر پژوهش به دست نمی‌آیند، بلکه محقق با فرض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم‌ها به عنوان طبقات،



نمودار شماره ۲: چارچوب مفهومی خدمات بوم‌نظام (۱۹ خدمت) و برنامه‌های توسعه شهری

۴. یافته‌ها و بحث
- طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهر اراک در سه جلد با ۱۰۵۵ صفحه به شرح زیر تدوین شده است: (نمودار شماره ۳)
- مطالعات وضع موجود (گزارشات منطقه، حوزه نفوذ و شناخت شهر)،
 - مطالعات تجزیه و تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها و تهیه طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی شهر و
 - اساس طرح جامع، ضوابط و مقررات طرح جامع، سند پهنه‌بندی حریم شهر و مدیریت بحران و پدافند غیرعامل.



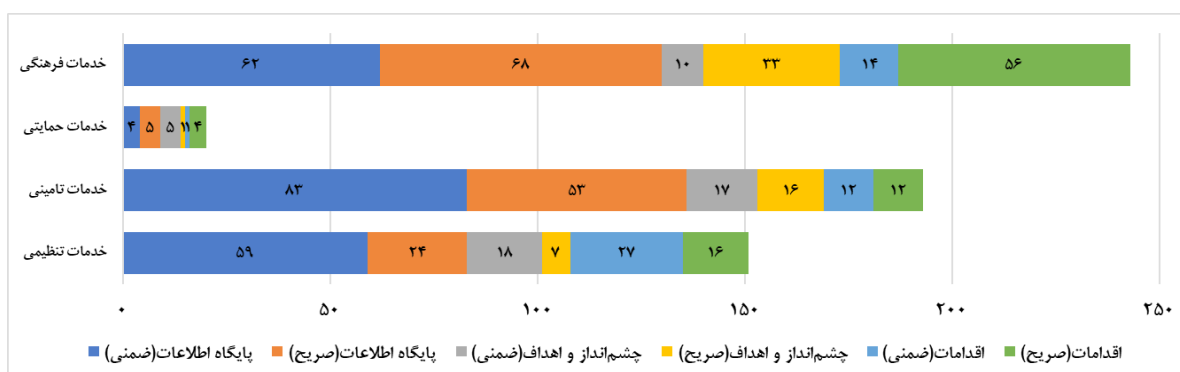
نمودار شماره ۳: دسته‌بندی محتوای شرح خدمات طرح جامع کلانشهر اراک بر اساس سه مؤلفه مورد نظر در تحلیل محتوا - منبع: (نویسندگان)

شدند^(۱) و یا در بخش مرتبط با مؤلفه پایگاه اطلاعات (جلد اول، صفحه ۳۱۰) به صورت ضمنی به خدمت تصفیه هوا و تهویه محلی اشاره شده است^(۲). نتایج نشان می‌دهد که بیشترین اشارات به خدمات فرهنگی (۲۴۳) و پس از آن خدمات تأمین (۱۹۳) و تنظیمی (۱۵۱) بوده و خدمات حمایتی (۲۰) با اختلاف فاحش در آخرین رتبه قرار گرفته است. در این میان بخش پایگاه اطلاعات طرح جامع بخش مطالعه وضع موجود و بخش اعظمی از تحلیل وضع موجود را در بر می‌گیرد؛ با تعداد ۳۵۸ اشاره (۲۰۸ اشاره ضمنی و ۱۵۰ اشاره صریح) (جدول شماره ۱ / نمودار شماره ۴).

محتوای این سه جلد در قالب سه مؤلفه (پایگاه اطلاعات، چشم‌انداز/اهداف و اقدامات) طبقه‌بندی شده و مورد تحلیل قرار گرفت. پس از تحلیل سند توسعه، فراوانی ارجاعات به خدمات منتخب براساس نوع اشاره (به طور صریح، ضمنی یا فاقد ارجاع) ثبت شد (جدول شماره ۱). به طور کلی در بررسی سه مؤلفه طرح مورد نظر، تعداد ۶۰۷ اشاره به خدمات بوم‌نظام استخراج گردید که ۳۱۲ مورد آن ضمنی و ۲۹۵ مورد آن به صورت صریح به کار رفته بود. برای مثال در بخش مرتبط با مؤلفه چشم‌انداز/اهداف (جلد دوم، صفحه ۲۰۲) به صراحت به خدمات بوم‌نظام اشاره کرده و انواع خدمات بوم‌نظام چون خدمات آب سالم، تعدیل اقلیم، کنترل سیلاب، تفریحی و ... به صورت موردی بیان

جدول شماره ۱: نتایج توصیفی کدگذاری خدمات بوم‌نظام در طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهر اراک

عنوان	خدمات تنظیمی	خدمات تأمینی	خدمات حمایتی	خدمات فرهنگی	جمع	طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهر اراک	
						صریح	ضمنی
پایگاه اطلاعات	صریح	۲۴	۵۳	۵	۶۸	۱۵۰	
	ضمنی	۵۹	۸۳	۴	۶۶	۲۰۸	
	جمع	۸۳	۱۳۶	۹	۱۳۰	۳۵۸	
چشم‌انداز و اهداف	صریح	۷	۱۶	۱	۳۳	۵۷	
	ضمنی	۱۸	۱۷	۵	۴۰	۵۰	
	جمع	۲۵	۳۳	۶	۴۳	۱۰۷	
اقدامات	صریح	۱۶	۱۲	۴	۳۲	۸۸	
	ضمنی	۲۷	۱۲	۱	۴۰	۵۴	
	جمع	۴۳	۲۴	۵	۷۰	۱۴۲	
جمع	صریح	۴۷	۸۱	۱۰	۱۳۸	۲۹۵	
	ضمنی	۱۰۴	۱۱۲	۱۰	۱۲۶	۳۱۲	
	جمع	۱۵۱	۱۹۳	۲۰	۲۶۴	۶۰۷	



نمودار شماره ۴: توزیع فراوانی اشارات صریح و ضمنی به خدمات بوم‌نظام منتخب در طرح جامع کلانشهر اراک به تفکیک سه مؤلفه پایگاه اطلاعات، چشم‌انداز/اهداف و اقدامات - منبع: (نویسندگان)

۴٫۱ خدمات تنظیمی

از میان انواع خدمات تنظیمی در مجموع ۱۰۹ بار به خدمت تصفیه هوا و تهویه محلی اشاره شده که در بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها (پایگاه داده) بیشترین تعداد (۳۴) را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر خدمات کاهش سروصدا (۳) و کنترل بیماری (۱) کمترین تعداد بیان شده را در بر گرفته‌اند. بیشترین اشارات (ضمنی و صریح) به این خدمات در بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها (۵۲) است (جدول شماره ۲).

۴٫۲ خدمات تأمینی

یافته‌های تحلیل محتوای طرح موردنظر نشان داد که در مجموع ۹۹ بار به خدمت تولید آب سالم، ۸۲ بار به خدمت تولید غذا و تنها ۱۲ بار به خدمت مواد اولیه / سوخت / چوب و فیبر / منابع دارویی اشاره شده است. بیشترین اشارات (ضمنی و صریح) به این خدمات در بخش بررسی و شناخت شهر (۸۸) است (جدول شماره ۲).

۴٫۳ خدمات حمایتی

از میان انواع خدمات حمایتی در مجموع ۹ بار به خدمت کیفیت خاک اشاره شده که در بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها (پایگاه داده) بیشترین تعداد (۴) را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر خدمت ارائه زیستگاه برای تنوع زیستی (۳) کمترین تعداد بیان شده را در بر گرفته است. بیشترین اشارات (ضمنی و صریح) به این خدمات در بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها (۸) و تعیین چشم‌اندازها و اهداف کلان توسعه شهر (۶) است (جدول شماره ۲).

۴٫۴ خدمات فرهنگی

از انواع خدمات فرهنگی ۹۴ بار به خدمت تفریحی و تجارب ذهنی اشاره شده که در بخش بررسی و شناخت شهر (پایگاه داده) بیشترین تعداد (۲۶) را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر خدمت آموزشی (۴) کمترین تعداد بیان شده را در بر گرفته است. بیشترین اشارات به این خدمات در بخش بررسی و شناخت شهر (۷۰) است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: نتایج توصیفی کدگذاری خدمات بوم‌نظام در طرح توسعه و عمران (جامع) کلاتشهر اراک

عنوان		پایگاه اطلاعات		چشم‌انداز و اهداف		اقدامات		جمع	
ضمنی	صریح	ضمنی	صریح	ضمنی	صریح	ضمنی	صریح	ضمنی	صریح
۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	پیشگیری از فرسایش، حفظ حاصلخیزی خاک
۰	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۳	کاهش سروصدا
۷	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۷	تصفیه آب
۵	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۵	تعدیل رویدادهای شدید
۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	کنترل بیماری
۳	۴	۱	۰	۰	۰	۲	۴	۶	جذب رواناب
۳	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۳	۵	تنظیم اقلیم محلی
۳۹	۱۲	۱۶	۳	۱	۱۲	۸۱	۲۷	۲۷	تصفیه هوا و تهویه محلی
۵۹	۲۴	۱۸	۷	۲۶	۱۶	۱۰۴	۴۷	۴۷	جمع
۲۱	۴۷	۶	۱۱	۱۱	۲۷	۳۰	۶۹	۶۹	تولید آب سالم
۵۶	۴	۱۰	۳	۳	۳	۷۵	۷	۷	تولید غذا
۶	۲	۱	۲	۹	۱	۷	۵	۵	مواد اولیه / سوخت / چوب و فیبر / منابع دارویی
۸۳	۵۳	۱۷	۱۶	۰	۱۲	۱۱۲	۸۱	۸۱	جمع
۲	۲	۱	۱	۱۲	۴	۳	۷	۷	کیفیت خاک
۲	۰	۴	۰	۰	۰	۷	۰	۰	حفظ تنوع انرژی
۰	۳	۰	۰	۱	۰	۰	۳	۳	ارائه زیستگاه برای تنوع زیستی
۴	۵	۵	۱	۰	۴	۱۰	۱۰	۱۰	جمع
۲۸	۱۰	۹	۴	۱	۸	۴۳	۲۲	۲۲	خواص زیبایی شناسی و میراث فرهنگی
۱۰	۲۰	۰	۱۶	۶	۱۱	۱۰	۴۷	۴۷	توریسم / گردشگری
۸	۷	۱	۱	۰	۵	۱۰	۱۳	۱۳	احساس هویت، حس مکان و انسجام اجتماعی
۰	۰	۰	۱	۱	۰	۳	۱	۱	فرصت‌های آموزشی
۱۶	۳۱	۰	۱۱	۳	۳۲	۲۰	۷۴	۷۴	تفریحی، تجارب ذهنی
۶۲	۶۸	۱۰	۳۳	۴	۵۶	۸۶	۱۵۷	۱۵۷	جمع

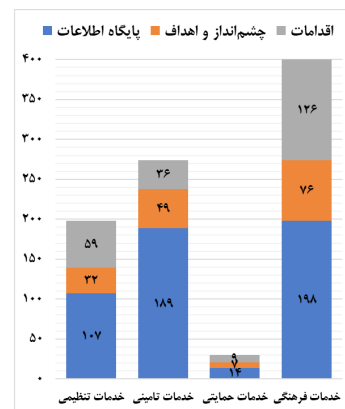
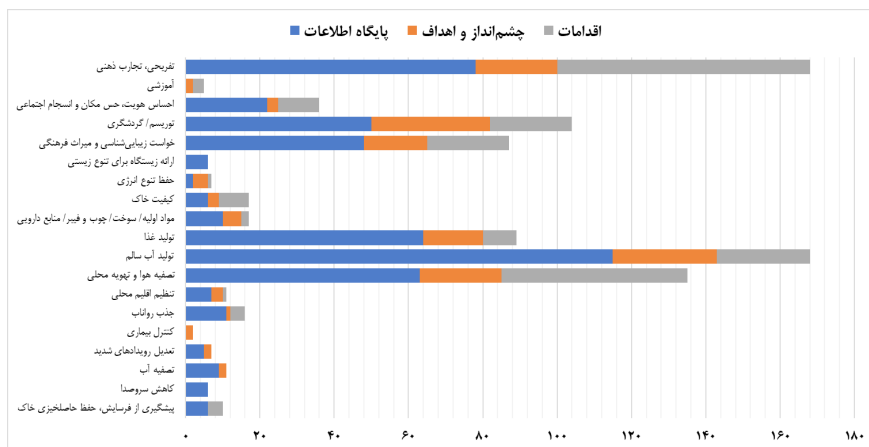
۴.۵. خدمات اکوسیستم (بوم‌نظام)

به استناد محاسبه امتیاز هر مؤلفه براساس پروتکل امتیازدهی، در مجموع طرح گفته شده ۳۱۲ امتیاز از اشاره ضمنی و ۵۹۰ امتیاز از اشاره صریح به انواع مختلف خدمات بوم‌نظام به خود اختصاص داده است. در بررسی کل منطقه‌ای هیچ اشاره‌ای به خدمات تنظیمی نشده، در بررسی حوزه نفوذ تنها یک مورد اشاره ضمنی به خدمت تصفیه هوا بود. تولید آب سالم (۱۶۸)، تفریحی و تجارب ذهنی (۱۶۸)، تصفیه هوا و تهویه محلی (۱۳۵) و توریسم/گردشگری (۱۰۴) از جمله خدماتی هستند که بیشتر از سایرین در این طرح به آنها پرداخته شده است. نتایج به تفصیل در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است (جدول شماره ۳). مؤلفه پایگاه اطلاعات در این برنامه توسعه بیشترین تعداد خدمات بوم‌نظام (۱۷) خدمت از خدمات ۶۹ گانه منتخب را در خود گنجانده است. بخش بررسی منطقه‌ای و بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها به ترتیب با شمول ۵ و ۱۶ خدمت پایین‌ترین و بالاترین وسعت گنجانند

خدمات بوم‌نظام در این مؤلفه را به خود اختصاص داده‌اند. از سویی دیگر مؤلفه چشم‌انداز/ اهداف نیز با پرداختن به ۱۶ خدمت در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. مؤلفه اقدامات با دربرگیری ۱۴ خدمت فاصله اندکی با دو مؤلفه دیگر دارد. بخش تنظیم و مقایسه راه‌حل‌های توسعه شهر و انتخاب الگوی پیشنهادی در این مؤلفه تنها به پنج خدمت پرداخته است. خدمات کنترل بیماری و فرصت‌های آموزشی در مؤلفه پایگاه اطلاعات، خدمات پیشگیری از فرسایش، حفظ حاصلخیزی خاک، کاهش سروصدا و ارائه زیستگاه برای تنوع زیستی در مؤلفه چشم‌انداز و اهداف و در نهایت خدمات کاهش سروصدا، تصفیه آب، تعدیل رویدادهای شدید، کنترل بیماری و ارائه زیستگاه برای تنوع زیستی در مؤلفه اقدامات به عنوان خدماتی هستند که این مؤلفه‌ها بیان نشده‌اند و به عبارتی دیگر در این مؤلفه‌ها گنجانده نشده‌اند (نمودار شماره ۵ و ۶).

جدول شماره ۳: امتیازدهی به فراوانی اشارات ضمنی و صریح براساس پروتکل امتیازدهی سه درجه‌ای

جمع	طرح توسعه و عمران (جامع) کلانشهراراک										عنوان
	اقدامات					پایگاه اطلاعات					
	جمع	اساس طرح، ضوابط و مقررات، سند بهینه‌بندی حریم ...	تهیه برنامه‌های توسعه و عمران شهر	تنظیم و مقایسه راه‌حل‌های توسعه و الگوی پیشنهادی	چشم‌انداز و اهداف	جمع	تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها	بررسی و شناخت شهر	بررسی حوزه نفوذ	بررسی کل منطقه‌ای	
۱	۴	۴	۰	۰	۰	۶	۲	۴	۰	۰	پیشگیری از فرسایش، حفظ حاصلخیزی خاک
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۴	۲	۰	۰	کاهش سروصدا
۱۱	۰	۰	۰	۰	۲	۹	۷	۲	۰	۰	تصفیه آب
۷	۰	۰	۰	۰	۲	۵	۰	۵	۰	۰	تعدیل رویدادهای شدید
۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	کنترل بیماری
۱۶	۴	۰	۴	۰	۱	۱۱	۸	۳	۰	۰	جذب رواناب
۱۱	۱	۱	۰	۰	۳	۷	۳	۴	۰	۰	تنظیم اقلیم محلی
۱۳۵	۵۰	۲۲	۱۸	۱۰	۲۲	۶۳	۴۲	۲۰	۱	۰	تصفیه هوا و تهویه محلی
۱۹۸	۵۹	۲۷	۲۲	۱۰	۳۲	۱۰۷	۶۶	۴۰	۱	۰	جمع
۱۶۸	۲۵	۴	۲۱	۰	۲۸	۱۱۵	۴۱	۶۹	۳	۲	تولید آب سالم
۸۹	۹	۸	۰	۱	۱۶	۶۴	۱۳	۴۳	۵	۳	تولید غذا
۱۷	۲	۲	۰	۰	۵	۱۰	۳	۷	۰	۰	مواد اولیه / سوخت / چوب و فیبر ...
۲۷۴	۳۶	۱۴	۲۱	۱	۴۹	۱۸۹	۵۷	۱۱۹	۸	۵	جمع
۱۷	۸	۶	۲	۰	۳	۶	۶	۰	۰	۰	کیفیت خاک
۷	۱	۰	۱	۰	۴	۲	۱	۰	۰	۱	حفظ تنوع انرژی
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۶	۰	۰	۰	ارائه زیستگاه برای تنوع زیستی
۳۰	۹	۶	۳	۰	۷	۱۴	۱۳	۰	۰	۱	جمع
۸۷	۲۲	۷	۱۱	۴	۱۷	۴۸	۲۶	۲۰	۰	۲	زیبایی‌شناسی و میراث فرهنگی
۱۰۴	۲۲	۸	۸	۶	۳۲	۵۰	۱۱	۳۰	۵	۴	توریسم / گردشگری
۳۶	۱۱	۶	۵	۰	۳	۲۲	۱۲	۱۰	۰	۰	هویت، حس مکان و انسجام اجتماعی
۵	۳	۳	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	فرصت‌های آموزشی
۱۶۸	۶۸	۴۳	۱۵	۱۰	۲۲	۷۸	۳۷	۴۱	۰	۰	تفریحی، تجارب ذهنی
۴۰۰	۱۲۶	۶۷	۳۹	۲۰	۷۶	۱۹۸	۸۶	۱۰۱	۵	۶	جمع
۹۰۲	۲۳۰	۱۱۴	۸۵	۳۱	۱۶۴	۵۰۸	۲۲۲	۲۶۰	۱۴	۱۲	جمع



نمودار شماره ۵: امتیاز به خدمات بوم‌نظام در طرح جامع کلانشهر اراک به تفکیک مؤلفه‌های سه‌گانه مورد بررسی - منبع: (نویسنندگان)

نمودار شماره ۶: امتیاز حاصل از فراوانی اشارات به تفکیک خدمات ۹ گانه بوم‌نظام منتخب در طرح جامع کلانشهر اراک به تفکیک مؤلفه‌های سه‌گانه مورد بررسی - منبع: (نویسنندگان)

نسبت داد. برای گنجاندن مفاهیم جدیدی چون خدمات بوم‌نظام در برنامه‌های توسعه شهری علاوه بر ضعف محتوا و فرایند، ناکافی بودن ابزار برنامه‌ریزی نیز مورد تأکید است. برخی کشورها برای پر کردن این شکاف از ابزارهایی چون ارزیابی راهبردی اثرات محیط زیستی استفاده می‌کنند. در این طرح (برنامه) به صورت مکرر واژه ارزیابی راهبردی اثرات محیط زیستی در مؤلفه چشم‌انداز / اهداف آمده، ولی در مؤلفه پایگاه داده و در بخش تحلیل از آن برای ارزیابی وضع موجود استفاده نشده و در مؤلفه اقدامات نیز برای کاربرد آن در آینده سیاست‌گذاری صورت نگرفته است.

در مجموع نتایج تحلیل انجام شده بر محتوای طرح (برنامه) توسعه و عمران کلانشهر اراک بیانگر آن است که بیشترین توجه به خدمات بوم‌نظام در بخش شناخت و تحلیل وضع موجود است که می‌تواند متأثر از تناسب مقیاس بررسی خدمات باشد. از سویی دیگر میزان توجه به خدمات بوم‌نظام فرهنگی و پس از آن خدمات تأمینی و تعدادی از خدمات تنظیمی (چون تصفیه هوا و تهویه محلی) به سبب نوع خدمات (مقیاس بررسی، حساسیت و نیاز، گروه‌های ذی نفعان و ...) نشان می‌دهد که از درجه اهمیت و قابلیت بیشتری برای پرداختن در این طرح‌ها برخوردارند. عدم تطبیق حوزه حاکمیتی، تولید و توزیع خدمات حمایتی و برخی از خدمات تنظیمی با محدوده مورد بررسی در طرح‌های توسعه می‌تواند یکی از مهمترین عوامل در عدم پرداختن به این خدمات باشد. با توجه به تمرکز ادبیات علمی بر گنجاندن دانش خدمات بوم‌نظام در مقیاس منطقه‌ای (Jaligot & Chenal, 2019, p. 12)، وفق ماهیت شرح خدمات طرح‌های یادشده، انتظاری دور از واقع نیست که به این خدمات در بخش‌هایی چون بررسی منطقه‌ای و یا بررسی طرح‌های فرادست پرداخته شود. این موضوع را می‌توان تا حدی متوجه شکاف‌های موجود در ادبیات علمی دانست که روش‌ها و دستورالعمل را که متناسب با رویه‌های شهرسازی باشد، تولید نکرده است. ضعف روش‌ها و ابزارهای ارزیابی و فقدان نیروی متخصص در کنار کمبود زمان، داده و منابع مالی به عنوان اصلی‌ترین چالش‌ها در این حوزه بیان می‌شوند. استفاده از نتایج مطالعات مرتبط و اولویت‌بندی خدمات بوم‌نظام از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی در

مسئله قابل توجه دیگر استفاده از واژه‌هایی چون توسعه پایدار و سه بعد اصلی آن (اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی) به ویژه در مؤلفه چشم‌انداز / اهداف است. از طرفی دیگر تعدد اشاره به تأثیرات فعالیت‌های انسانی بر محیط‌زیست (که عموماً به صورت ضمنی کاهش و تخریب خدمات بوم‌نظام از جمله تصفیه هوا و تهویه محلی، تولید غذا، تولید آب سالم، خواست زیبایی‌شناسی و ... را در خود دارد) در مؤلفه پایگاه اطلاعات و چشم‌انداز / اهداف قابل توجه است. در این مطالعه بیشترین پیوستگی در پرداختن به مقوله اقدامات مرتبط با حفاظت و مدیریت محیط‌زیست در هر سه مؤلفه مورد بررسی است که در اکثر موارد در قالب تأکید بر رعایت ضوابط و مقررات محیط‌زیستی و یا تدوین دستورالعمل‌های مربوطه به ویژه در حوزه صنایع آلاینده (با توجه به تعدد واحدهای صنعتی در شهر اراک) و یا حفاظت از ساختارهای اکولوژیک و زیستگاه‌های طبیعی (تالاب میقان و مناطق حفاظت‌شده هفتاد قله) عنوان شده است. موارد بیان شده و نیز کاربرد واژگانی چون توان اکولوژیکی، ظرفیت قابل تحمل زیستی، تنوع زیستی، حفظ تعادل اکوسیستم‌های طبیعی، ارزیابی اثرات محیط زیستی، ارزیابی راهبردی اثرات محیط‌زیستی و ... را می‌توان ناشی از آگاهی نسبی تهیه‌کنندگان این طرح (برنامه) از وابستگی رفاه انسان به بوم‌نظام‌های طبیعی شهری دانست. البته نباید فراموش کرد که عدم پیوستگی در پرداختن به هر یک از خدمات و یا مفاهیم بیان شده در سه مؤلفه، کارایی مطالعه آنها را یک یا دو مؤلفه کاهش داده و یا بی‌اثر می‌سازد. برای مثال در بخش تحلیل و استنتاج از بررسی‌ها (مؤلفه پایگاه اطلاعات) بر نیاز به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) محیط‌زیستی و نقش آنها در پایداری بوم‌نظام (جلد دوم، صفحه ۱۰) تأکید دارد؛ در حالی که در مؤلفه‌های چشم‌انداز / اهداف و اقدامات به آن توجهی نشده و تنها در یک مورد به فعال نمودن نهادهای مردمی (جلد سوم، صفحه ۱۹۹) بدون پرداختن به سازوکار اجرایی آن در این مراحل مغفول مانده است. می‌توان گفت که این طرح (برنامه) فاقد دیدگاه کل‌نگر در مورد طبیعت شهری و مزایای آنست که علت اصلی آن را می‌توان به عدم انطباق فرایند و محتوای این نوع طرح (برنامه) ها با مفاهیم جدید و ضعف فرایند جامع‌عقلانی در یکپارچگی با آنها

مهندسان مشاور تهیه کننده طرح (برنامه) های توسعه شهری و هم در نهادهای عمومی مسئول تدوین و تصویب طرح ضروری است. استفاده از ابزاری چون ارزیابی راهبردی تأثیرات محیط زیستی برای ارزیابی گزینه های پیشنهادی و انتخاب گزینه نهایی پیشنهاد می گردد. این اقدامات به منظور ترویج یک بحث اساسی و پرداختن به وظیفه انتقال برنامه ریزی از پارادایم شهری سنتی به یک الگوی متمرکز بر توسعه پایدار شهرها توصیه می شود. براساس یافته های این تحقیق پیشنهاداتی برای یکپارچه سازی خدمات بوم نظام در طرح توسعه و عمران شهرهای ایران ارائه شده است (نمودار شماره ۷).

منابع متعدد است. گنجاندن مفهوم خدمات بوم نظام در پیش نویس قوانین و دستورالعمل های جدید و یا بازنگری برنامه ها و طرح های فرادست براساس رویکرد گفته شده می تواند در ادغام این مفهوم در نظام برنامه ریزی مؤثر باشد. هر چند اصلاحات عمده برای گنجاندن خدمات بوم نظام در بدنه قانون گذاری عمومی منابع طبیعی و محیط زیست در کوتاه مدت ممکن نخواهد بود. از این رو محققان این تحقیق بر اهمیت وجود ذی نفعان آگاه که خواستار یکپارچه سازی خدمات بوم نظام از طریق فرآیند برنامه ریزی و تصمیم گیری از پایین به بالا هستند و همچنین تصمیم گیرندگان و کارشناسان عمومی آماده و آگاه، تأکید دارند. همچنین تشکیل تیم های بین رشته ای هم در شرکت های



نمودار شماره ۷: یکپارچه سازی مفهوم خدمات بوم نظام در مراحل مختلف فرآیند برنامه برای نتایج تحلیل محتوا

۵. نتیجه‌گیری

شناخت اهمیت خدمات بوم‌نظام برای زندگی شهری و در نظرگیری آنها در برنامه‌ریزی ضروری است. شناسایی، ارزیابی و مدیریت خدمات بوم‌نظام شهری و اثرات بالقوه آنها بر رفاه و کیفیت زندگی شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی شهری اجتناب‌ناپذیر است (Shao, et al., 2023, p. 20). با توجه به ابعاد مختلف بازنمایی گفتمانی و پذیرش خدمات در برنامه‌ریزی شهری، این مطالعه موردی تلاش کرد تصویری چندوجهی از شکاف‌ها و پیوندهای بین مفهوم خدمات بوم‌نظام و اجرای آن در برنامه توسعه شهر به عنوان یکی از مهمترین ارکان نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران ارائه دهد. طرح (برنامه) توسعه و عمران شهر اراک به عنوان یکی از متأخرترین برنامه‌های توسعه شهری در کشور در سه مؤلفه پایگاه اطلاعات (شناخت و تحلیل)، چشم‌انداز و اهداف (چشم‌انداز و اهداف کلان) و اقدامات (طرح‌ها، برنامه‌ها و ضوابط) مورد تحلیل قرار گرفت. با وجود این که طرح (برنامه) یادشده براساس شرح خدمات مصوب و براساس رهیافت عقلانی جامع تهیه شده، با این حال شواهدی از پذیرش مفهوم خدمات بوم‌نظام در بخش‌هایی از سند توسعه مورد مطالعه، مشاهده شد. علاوه بر این بیان روشنی از وابستگی رفاه انسان به بوم‌نظام‌های طبیعی شهری در گفتمان برنامه‌ریزی این شهر قابل توجه است. با این حال سند گفته شده فاقد دیدگاه کل‌نگر در مورد طبیعت شهری و مزایای آن بود.

در سه مؤلفه مورد بررسی، ۶۰۷ بار به صورت ضمنی (۳۱۲ بار- ۵۱/۴ درصد) و صریح (۲۹۵ بار- ۴۸/۶ درصد) به این خدمات اشاره شده است. در این میان بیشترین توجه به خدمات بوم‌نظام ۱۹ گانه مورد بررسی در مؤلفه پایگاه (۳۵۸ بار- ۵۹ درصد) صورت گرفته است که خدمات فرهنگی و تأمین به ترتیب با ۱۳۶ (۳۸ درصد) و ۱۳۰ (۳۶ درصد) مورد ذکر، بیشترین ارجاعات را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که خدمات حمایتی در این مؤلفه تنها با سه درصد توجه، مغفول مانده است. اشارات به خدمات فرهنگی از صراحت بیشتری در این مؤلفه برخوردار بوده است. مؤلفه اقدامات با ۱۴۲ بار (۲۳ درصد) ذکر انواع خدمات بوم‌نظام در رتبه بعدی قرار گرفت. این مؤلفه در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، در به کارگیری مفهوم خدمات بوم‌نظام (۶۲ درصد) به ویژه خدمات بوم‌نظام فرهنگی (۸۰ درصد) از درصد صراحت بیشتری برخوردار بود. بیشترین توجه در این مؤلفه به خدمات فرهنگی (۴۹ درصد) و پس از آن خدمات تنظیمی (۳۰ درصد) بوده است. پایین‌ترین تعداد اشارات (۱۰۷ بار) در مؤلفه چشم‌انداز و اهداف بود. البته لازم به یادآوری است که این مؤلفه تنها حدود شش درصد حجم سند گفته شده را شامل شده و در حدود ۱۸ درصد ذکر انواع خدمات را به خود اختصاص داده است. در این مؤلفه بیشترین توجه به خدمات فرهنگی (۴۰ درصد) و پس از آن خدمات تأمین (۳۱ درصد) تعلق گرفته است.

همسو با نتایج تحلیل محتوای اسناد توسعه شهری همچون ماسکرینها (۲۰۱۷)، نتایج این تحلیل نیز متفاوت با نتایج فرامطالعات منتشر شده در نشریات علمی در مورد خدمات بوم‌نظام شهری (توزیع نابرابر مطالعات در بین خدمات بوم‌نظام به ویژه خدمات فرهنگی) است. (de Groot, et al., 2010; Haase, et al., 2014; Luederitz, et al., 2015; Nordin, Hanson, & Olsson, 2017; Cortinovis & Geneletti,

(2021; Russo & Cirella, 2018). اختلاف امتیاز خدمات فرهنگی (۴۰۰) با خدمات تأمین (۲۷۴)، تنظیمی (۱۹۸) و حمایتی (۳۰) در این تحلیل می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که از شمول بیشتری در مقایسه با سایر خدمات در طرح جامع کلانشهر اراک برخوردار است.

استفاده صریح از واژه خدمات بوم‌نظام در این طرح (برنامه) ضمن برخورداری از ارزش قابل توجه، می‌تواند بیانگر اشراف نسبی برنامه‌ریزان بر مفهوم خدمات بوم‌نظام نقطه عطف در گفتمان برنامه‌ریزی شهری به حساب آید؛ اما با آن که در ترسیم یکی از سناریوهای پیشنهادی این طرح بیان شده که از رویکرد خدمات بوم‌نظام بهره گرفته‌اند و توضیحاتی مختصر نیز در خصوص رویکرد مذکور و خدمات بوم‌نظام آمده، با این حال همچنان که گفته شد طرح یادشده براساس شرح خدمات مصوب طرح‌های مربوطه تهیه شده و فقدان مؤلفه‌ها و مراحل اصلی این رویکرد همچون مشارکت ذی‌نفعان، اولویت‌بندی خدمات بوم‌نظام کلیدی، ارزیابی خدمات کلیدی براساس مقیاس اثرگذاری و تحلیل تأثیرات سناریوها بر هر یک از خدمات کلیدی (Sousa & Alves, 2020, p. 5) کاملاً مشهود است.

نکته قابل توجه دیگر در این میان، عدم پیوند بین سه مؤلفه در ارجاع به هر یک از خدمات بوم‌نظام است. برای مثال خدمت تولید آب سالم در مؤلفه پایگاه اطلاعات از توجه زیادی برخوردار بوده در حالی که در مؤلفه چشم‌انداز/اهداف و پس از آن اقدامات از درجه تمرکز بر آن کاسته شده تا جایی که حتی در تنظیم و مقایسه راه‌حل‌های توسعه شهر و الگوی پیشنهادی کاملاً مغفول مانده است. این گسستگی پرداختن به خدمات در سه مؤلفه مورد اشاره نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین مطالعات در بخش شناخت و تحلیل، هدف‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز و در آخر ارائه طرح‌های پیشنهادی و نگارش ضوابط و مقررات وجود ندارد. عدم پیوستگی در پرداختن به هر یک از خدمات و یا مفاهیم بیان شده در سه مؤلفه، کارایی مطالعه آنها را یک یا دو مؤلفه کاهش داده و یا بی‌اثر می‌سازد.

پی‌نوشت:

(۱) عوامل پشتیبان در سناریو شماره ۵ عمدتاً مبتنی بر ایجاد نظم و همزیستی با چرخه طبیعی، جنس خاک و محصولات اولیه برای ارائه خدمات اکوسیستم در راستای توسعه پایدار است که عبارتند از:

- فراهم کردن تدارکات لازم (غذا، آب سالم، چوب و فیبر، سوخت و غیره)،
- تنظیم و کنترل عواملی نظیر (تعدیل اقلیم و آب و هوا، کنترل سیلاب و خلوص آب، کنترل بیماری) و
- خصایص فرهنگی (زیباشناسی، ابعاد معنوی و روحانی، ابعاد آموزشی، ابعاد سرگرمی و تفریحی).

(۲) به دنبال رشد سریع جمعیت شهرنشین در جهان، سیاست‌های مختلفی برای حفاظت از محیط‌زیست و ممانعت از گسترش بی‌رویه فضای کالبدی شهرها اتخاذ شده است که ایجاد و حفظ کمربندهای سبز پیرامون شهرها یکی از مؤثرترین آنهاست. از این رو در کلانشهر اراک سیاست‌های حفظ و پایداری محیط‌زیست و کاهش آلودگی هوای این شهر، احداث ۵۵ کیلومتر فضای سبز حفاظتی را در شرق شهر حداقل

- Achieving sustainable urban form. London: Routledge.
- Colding, J. (2011). The Role of Ecosystem Services in Contemporary Urban Planning. In J. Niemelä, Urban Ecology: Patterns, Processes, and Applications (pp. 228–237). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199563562.003.0028>
 - Cortinovis, C., & Geneletti, D. (2018). Ecosystem services in urban plans: What is there, and what is still needed for better decisions. *Land Use Policy* 70, 298–312. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.10.017>
 - Cortinovis, C., & Geneletti, D. (2020). A performance-based planning approach integrating supply and demand of urban ecosystem services. *Landscape and Urban Planning* 201, 103842, 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2020.103842>
 - Costanza, R., Kubiszewski, I., Ervin, D., Bluffstone, R., Brown, D., Chang, H., & Dujon, V. (2011). Valuing Ecological Systems and Services. *F1000 Biology Reports*, 3-14. <https://doi.org/10.3410/B3-14>
 - de Groot, R., Fisher, B., Christie, M., Aronson, J., Braat, L., Haines-Young, R., ... Ring, I. (2010). Integrating the ecological and economic dimensions in biodiversity and ecosystem service valuation. Draft Chapter 1 of The Economics of Ecosystems and Biodiversity (TEEB) Study. London, Washington DC.
 - de Groot, R., Wilson, M., & Boumans, R. (2002). A typology for the classification, description and valuation of ecosystem functions, goods and services. *Ecological Economics* 41, 393–408. [https://doi.org/10.1016/S0921-8009\(02\)00089-7](https://doi.org/10.1016/S0921-8009(02)00089-7)
 - Ernstson, H., Sorlin, S., & Elmqvist, T. (2008). Social management and ecosystem services – the role of social network structure in protecting and managing urban green areas in Stockholm. *Ecol.Soc.*13(2),39. <https://doi.org/10.5751/ES-02589-130239>
 - Faludi, A. (2000). The performance of spatial planning. *Planning Practice and Research*15, 299–318. <https://doi.org/10.1080/713691907>
 - Gashaw, T., Tulu, T., Argaw, M., Worqlul, A., Tolessa, T., & Kindu, M. (2018). Estimating the impacts of land use/land cover changes on Ecosystem Service Values: The case of the Andassa watershed in the Upper Blue Nile basin of Ethiopia. *Ecosystem Services*, Volume 31, Part A, 219-228. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2018.05.001>
 - Godschalk, D., & Rouse, D. (2015). Sustaining places: best practices for comprehensive plans. no. 578. Chicago, IL: American Planning Association:
- صنایع بزرگ و بافت سکونتی شهر پیشنهاد داده است.
- (۳) ایجاد تشکل‌های مردمی (NGO) به خصوص گروه‌های حافظ محیط زیست در راستای برقراری گفت‌وگویی سازنده که در نهایت موجب توجه بیشتر صنایع به مسائل زیست محیطی و اختصاص بودجه بیشتر این صنایع به منظور کاهش آلودگی (از جمله احداث سازه‌هایی چون فضای سبز) می‌شود. این امر از یک سو به پایداری اکوسیستم کمک نموده و از سوی دیگر جایگاه صنعت را در میان مردم تقویت می‌کند و در نهایت موجب افزایش اشتغال و درآمد در صنایع خواهد شد.
- (۴) فعال نمودن نهادهای مردمی نظیر NGOها به منظور فعال نمودن همکاری‌های منسجم و مدیریت محلی.

References:

- Albert, C., Aronson, J., Fürst, C. et al. Integrating ecosystem services in landscape planning: requirements, approaches, and impacts. *Landscape Ecology* 29, 1277–1285 (2014). <https://doi.org/10.1007/s10980-014-0085-0>
- Albert, C., Galler, C., Hermes, J., Neuendorf, F., Haaren, C., & Lovett, A. (2016). Applying ecosystem services indicators in landscape planning and management: The ES-in-Planning framework. *Ecological Indicators*, Volume 61, Part 1, 100-113. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2015.03.029>
- Atumane, A., & Cabral, P. (2021). Integration of Ecosystem Services into Land Use Planning in Mozambique. *Ecosystems and People*, 17:1, 165-177. <https://doi.org/10.1080/26395916.2021.1903081>
- Barati, N. (2006). Challenges have to be faced in the context of urbanism in Iran at the beginning of the 21th century. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 3(6), 5-29. [In Persian]
- Bolund, P., & Hunhammar, S. (1999). Ecosystem services in urban areas. *Ecological Economics* 29, 293–301. [https://doi.org/10.1016/S0921-8009\(99\)00013-0](https://doi.org/10.1016/S0921-8009(99)00013-0)
- Bouwma, I., Schleyer, C., Primmer, E., Winkler, K., Berry, P., Young, J., & Carmen, E. (2018). Adoption of the ecosystem services concept in EU policies. *Ecosystem Services* 29, 213-222. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2017.02.014>
- Boyd, J., & Banzhaf, S. (2007). What are ecosystem services? The need for standardized environmental accounting units. *Ecological Economics* Volume 63, Issues 2–3, 616-626. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2007.01.002>
- Burton, E., Jenks, M., & Williams, K. (2013).

- Planning advisory service report
- Gómez-Baggethun, E., & Barton, D. (2013). Classifying and valuing ecosystem services for urban planning. *Ecological Economics* 86, 235–245. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2012.08.019>
 - Gómez-Baggethun, E., & Barton, D. (2013). Classifying and valuing ecosystem services for urban planning. *Ecological Economics* 86, 235–245. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2012.08.019>
 - Graça, M., Gonçalves, J., Alves, P., Nowak, D., Hoehn, R., Ellis, A., . . . Cunha, M. (2017). Assessing mismatches in ecosystem services proficiency across the urban fabric of Porto (Portugal): The influence of structural and socioeconomic variables. *Ecosystem Services* 23, 82-93. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2016.11.015>
 - Grêt-Regamey, A., Celio, E., Klein, T., & Hayek, U. (2013). Understanding ecosystem services trade-offs with interactive procedural modeling for sustainable urban planning. *Landscape and Urban Planning* 109, 1, 107-116. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2012.10.011>
 - Haase, D., Larondelle, N., Andersson, E., Artmann, M., Borgstrom, S., Breuste, J., . . . Hamstead, Z. (2014b). A Quantitative Review of Urban Ecosystem Service Assessments: Concepts, Models, and Implementation. *AMBIO* 43, 413–433. <http://dx.doi.org/10.1007/s13280-014-0504-0>
 - Hansen, R., Frantzeskaki, N., McPhearson, T., Rall, E., Kabisch, N., Kaczorowska, A., & Kain, J.-H. (2015). The uptake of the ecosystem services concept in planning discourses of European and American cities. *Ecosystem Services* 12, 228–246. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2014.11.013>
 - Holt, A., Mears, M., Maltby, L., & Warren, P. (2015). Understanding spatial patterns in the production of multiple urban ecosystem services. *Ecosystem Services* 16, 33-46. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2015.08.007>
 - Howlett, M., & Cashore, B. (2009). The Dependent Variable Problem in the Study of Policy Change: Understanding Policy Change as a Methodological Problem. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice* Volume 11, Issue 1, 33–46.
 - Iman, M., & Noshadi, M. (2011). Qualitative content analysis. *research* 3(2), 15-44. [In Persian]
 - Jaligot, R., & Chenal, J. (2019). Integration of Ecosystem Services in Regional Spatial Plans in Western Switzerland. *Sustainability*, 11, 313, 1-16. <https://doi.org/10.3390/su11020313>
 - Jenks, M., & Jones, C. (2010). *Dimensions of the sustainable*. New York: Springer.
 - La Notte, A., D'Amato, D., Mäkinen, H., Paracchini, M., Luisa, M., Egoh, B., . . . Crossman, N. (2017). Ecosystem services classification: A systems ecology perspective of the cascade framework. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2016.11.030>
 - Lam, S., & Conway, T. (2018). Ecosystem services in urban land use planning policies: A case study of Ontario municipalities. *Land Use Policy*, Volume 77, 641-651. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.06.020>
 - Luederitz, C., Brink, E., Gralla, F., Hermelingmeier, V., Meyer, M., Niven, L., . . . Wehrden, H. (2015). A review of urban ecosystem services: six key challenges for future research. *Ecosystem Services* 14, 98-112. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2015.05.001>
 - Mascarenhas, A., Ramos, T., Haase, D., & Santos, R. (2015). Ecosystem services in spatial planning and strategic environmental assessment—A European and Portuguese profile. *Land Use Policy*, Volume 48, 158-169. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2015.05.012>
 - MEA. (2005). *Ecosystems and Human Well-Being (Synthesis)*. Washington, DC: International and Pan-American Copyright Conventions, Island Press.
 - Momeni rad, A. (2013). Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results. *Quarterly of Educational Measurement* 4(14), 187-222. [In Persian]
 - Mostafavi, N. S., Partovi, P., & Asadolahi, Z. (2023). Identification and analysis of key stakeholders to prioritize ecosystem services for integration into Arak urban development plans. *Journal of Natural Environment*, 76(1), 61-80. <https://doi.org/10.22059/jne.2022.348501.2468>. [In Persian]
 - Nordin, A., Hanson, H., & Olsson, J. (2017). Integration of the ecosystem services concept in planning documents from six municipalities in southwestern Sweden. *Ecology and Society* 22(3):26, 1-18. <https://doi.org/10.5751/ES-09420-220326>
 - Ronchi, S. (2021). Ecosystem Services for Planning: A Generic Recommendation or a Real Framework? Insights from a Literature Review. *Sustainability*, 13, 6595, 1-17. <https://doi.org/10.3390/su13126595>
 - Russo, A., & Cirella, G. (2021). Urban Ecosystem Services: Current Knowledge, Gaps, and Future

- Research. Socio-Ecological Practice Research volume 1, 83–91. <https://doi.org/10.3390/land10080811>
- Salzman, J., Arnold, T., Garcia, R., Hirokawa, K., Jowers, K., LeJava, J., ... Olander, L. (2014). The Most Important Current Research Questions in Urban Ecosystem Services. SSRN scholarly paper ID 2483455. Rochester, NY: Social Science Research Network.
 - Shao, Q., Peng, L., Liu, Y., & Li, Y. (2023). A Bibliometric Analysis of Urban Ecosystem Services: Structure, Evolution, and Prospects. *Land* 12, 337. <https://doi.org/10.3390/land12020337>
 - Sousa, L., & Alves, F. (2020). A model to integrate ecosystem services into spatial planning: Ria de Aveiro coastal lagoon study. *Ocean and Coastal Management* 195, 105280, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2020.105280>
 - Therivel, R., & González, A. (2020). Is SEA worth it? Short-term costs v. long-term benefits of strategic environmental assessment. *Environmental Impact Assessment Review*, Volume 83, 106411. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2020.106411>
 - Tolessa, T., Senbeta, F., & Kidane, M. (2017). The impact of land use/land cover change on ecosystem services in the central highlands of Ethiopia. *Ecosystem Services* Volume 23, 47-54. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2016.11.010>
 - Varol, C., Ercoskun, I., & Gurer, N. (2011). Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey. *Habitat International*, 35(1), 9-16. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2010.02.002>
 - Westman, W. (1977). How Much Are Nature's Services Worth. *Science* 197(4307), 960-964. <https://doi.org/10.1126/science.197.4307.960>
 - Wilkinson, C., Saarne, T., Peterson, G., & Colding, J. (2013). Strategic Spatial Planning and the Ecosystem Services Concept – an Historical Exploration. *Ecology and Society* 18(1): 37, 1-19. <https://www.jstor.org/stable/26269278>
 - Woodruff, S., & BenDor, T. (2016). Ecosystem services in urban planning: Comparative paradigms and guidelines for high quality plans. *Landscape and Urban Planning* 152, 90–100. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2016.04.003>
 - Wu, J. (2014). Urban ecology and sustainability: The state-of-the-science and future directions. *Landscape and Urban Planning* 125, 209–221. <https://doi.org/10.1002/oby.21487>
 - Yang, J. (2020). Big data and the future of urban ecology: From the concept to results. *Science China Earth Sciences* volume 63, 1443–1456. <https://doi.org/10.1007/s11430-020-9666-3>
 - Zhang, Z., Shen, Z., Liu, L., Zhang, Y., Yu, C., Cui, L., & Gao, Y. (2023). Integrating ecosystem services conservation into the optimization of urban planning policies in eco-fragile areas: A scenario-based case study. *Cities*, Volume 134, 104200. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104200>

نحوه ارجاع به مقاله:

مصطفوی، نجمه سادات؛ پرتوی، پروین و اسدالهی، زهرا (۱۴۰۳)، جایگاه خدمات اکوسیستم در برنامه‌های توسعه شهری اراک: واقعیت‌ها و ضرورت‌ها، *مطالعات شهری*، 13 (50)، 47-60. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62837>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



سنجش تاب‌آوری شهری در برابر مخاطره سیل با استفاده از شاخص‌های ترکیبی نمونه مورد مطالعه: شهر خرم‌آباد

یعقوب ابدالی - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
حسین حاتمی‌نژاد^۲ - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
سعید زنگنه شهرکی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
احمد پورا احمد - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
محمد سلمانی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۷ آبان ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۱ دی ۱۴۰۱

چکیده

عملیاتی کردن مفهوم تاب‌آوری در برابر بلایای شهری نقطه عطفی به منظور درک ویژگی‌هایی است که به تاب‌آوری شهرها در برابر مخاطرات طبیعی و تعاملات مورد نیاز برای ساخت و حفظ آن کمک می‌کند. در حالی که سنجش تاب‌آوری در برابر بلایای شهری اخیراً توجه زیادی را به خود جلب کرده، تاکنون رویکرد بهینه‌ای برای عملیاتی کردن این مفهوم به وجود نیامده است. بنابراین نیاز به انجام مطالعات تجربی بیشتری وجود دارد که چه چیزی تاب‌آوری در برابر بلایا را تشکیل می‌دهد و نحوه سنجش آن چگونه است. شهر خرم‌آباد به دلیل قرار گرفتن در معرض رواناب‌های سطحی جاری شده از کوه‌های اطراف، آب‌گرفتگی‌ها، طغیان رودخانه‌هایی که از مرکز شهر می‌گذرند و ویژگی ذاتی مکان قرارگیری در دره‌ای منحصربه‌فرد، مستعد ریسک‌های زیادی است. محققان پیش‌بینی می‌کنند که رویدادهای مرتبط با آب‌وهوا در آینده به دلیل تغییرات آب و هوایی، فراوانی و شدت آنها را افزایش می‌دهد. عواقب این رویدادها (یعنی خسارات به زیرساخت‌ها و اموال) و همچنین صدمات شخصی و تلفات جانی، احتمالاً افزایش خواهد یافت. در این پژوهش، سنجش تاب‌آوری برویژگی‌ها و ظرفیت‌های ذاتی شهر خرم‌آباد در زمینه وقوع سیلاب‌های ناگهانی از آب‌های سطحی یا ناشی از طغیان رودخانه‌ها متمرکز است. رویکرد اندازه‌گیری مبتنی بر ایجاد یک شاخص ترکیبی بر اساس شش بعد اجتماعی، اقتصادی، نهادی، زیرساختی، سرمایه اجتماعی و محیطی تاب‌آوری جامعه در برابر سیل است. این پژوهش با توسعه یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره ترکیبی انجام گرفته است؛ مدل ترکیبی DANP برای اولویت‌بندی شاخص‌های انتخابی و مدل TOPSIS به منظور رتبه‌بندی نواحی شهری خرم‌آباد بر اساس سطوح تاب‌آوری آنها استفاده شده است. بیشتر داده‌های ارائه شده برای شاخص‌ها عمدتاً از مرکز آمار ایران به عنوان مرجع منحصربه‌فرد آمار رسمی کشور به دست آمده است. سایر داده‌های مورد نیاز از منابع اطلاعاتی در دسترس عموم شهرداری خرم‌آباد، سازمان مدیریت و پیشگیری از بلایای طبیعی، نوسازی و تجهیز مدارس ایران و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران بازیابی شده است. نتایج نشان می‌دهد که ناحیه ۲۳ تاب‌آورترین ناحیه در شهر خرم‌آباد است، در حالی که نواحی ۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۷ دارای کمترین سطح تاب‌آوری هستند. چنین ارزیابی‌هایی مبتنی بر مکان فرصت و ابزاری برای ردیابی عملکرد جامعه در طول زمان را در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌دهند تا تفکر تاب‌آوری را در توسعه شهری و برنامه‌ریزی شهری تاب‌آور ادغام نمایند.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری سیل شهری، شاخص ترکیبی، DANP، TOPSIS، خرم‌آباد.

نکات برجسته

- بلایای سیل یکی از شایع‌ترین، گسترده‌ترین و فاجعه‌آمیزترین بلایای طبیعی است.
- یکی از راه‌های مقابله با افزایش خطر رویدادهای خطرناک طبیعی، تقویت ظرفیت‌هایی است که به جوامع آسیب‌دیده اجازه می‌دهد تا بهتر در برابر اثرات نامطلوب آماده شوند، مقابله کنند و خود را بازیابی نمایند.
- این مقاله یک چارچوب برای تاب‌آوری شهر خرم‌آباد ایجاد می‌کند.

۱ برگرفته از رساله دکتری یعقوب ابدالی با عنوان «ارائه الگوی تاب‌آوری شهری در برابر مخاطرات محیطی (سیل) با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)»، با راهنمایی مشترک حسین حاتمی‌نژاد و سعید زنگنه شهرکی و مشاوره مشترک احمد پورا احمد و محمد سلمانی در دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

تغییرات آب و هوایی جهانی که در درجه نخست با گرم شدن کره زمین و توسعه سریع شهرنشینی نمایانگر می‌شود، رویدادهای شدید آب و هوایی را تشدید می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که بلایای سیل یکی از شایع‌ترین، گسترده‌ترین و فاجعه‌آمیزترین بلایای طبیعی است (Safiah Yusmah, et al., 2020: 552; Abdali, et al., 2023: 156). سیلاب‌های شهری ناشی از بارندگی شدید از تجمع تدریجی تا موج ناگهانی، توسعه یافته‌اند (Hallegatte, et al., 2007: 299; Masozera, et al., 2013: 802). بنابراین تاب‌آوری در برابر سیل که در کنترل سیلاب شهری و کاهش بلایا از اهمیت بالایی برخوردار است، به تدریج در کانون پژوهش‌های کنونی قرار گرفته است (Xu, et al., 2010: 284; Obrist, et al., 2018: 5298). چارچوب کاهش بلایا ۲۰۳۰-۲۰۱۵ سندای^۱ که توسط کنفرانس جهانی کاهش خطر بلایا^۲ در سال ۲۰۱۵ صادر شد و تحقیق در مورد طرح کلی برنامه‌ریزی شهر تاب‌آور پکن که توسط چین در سال ۲۰۱۸ منتشر شد، همگی بر افزایش توانایی شهرها در واکنش به بلایا از طریق بهبود تاب‌آوری تأکید داشته‌اند که نشان می‌دهد توجه بین‌المللی بیش از پیش به تاب‌آوری شهری در برابر سیل معطوف شده است (Sun, et al., 2022: 1).

یکی از راه‌های مقابله با افزایش خطر رویدادهای خطرناک طبیعی، تقویت ظرفیت‌هایی است که به جوامع آسیب‌دیده اجازه می‌دهد تا بهتر در برابر اثرات نامطلوب آماده شوند، مقابله کنند و خود را بازیابی نمایند. در ادبیات مدیریت بلایا، این راهبرد در حال حاضر معمولاً به‌عنوان تاب‌آوری‌سازی نامیده می‌شود. تاب‌آوری زمانی که برای جوامع به کار می‌رود، می‌تواند به‌عنوان «توانایی یک جامعه برای آماده‌سازی و برنامه‌ریزی، جذب، بازیابی و انطباق موفقیت‌آمیزتر با رویدادهای نامطلوب واقعی یا بالقوه به‌موقع و کارآمد، از جمله بازسازی و بهبود عملکردها و ساختارهای اساسی» تعریف شود. تاب‌آوری به‌طور کلی یک ویژگی مثبت و مطلوب در نظر گرفته می‌شود. زیرا جامعه‌ای که تاب‌آور است، ضررهای کمتری متحمل می‌شود و در صورت مواجهه با یک رویداد خطرناک سریع‌تر بهبود می‌یابد (Cutter, et al., 2014: 65; Abdali, et al., 2022: 6; Abdali, et al., 2023: 157).

با این حال برای تقویت تاب‌آوری یک جامعه ابتدا باید یک خط مبنا ایجاد کرد؛ یک معیار اولیه که امکان مقایسه ظرفیت‌های تاب‌آوری جوامع را بر اساس معیارهای معین فراهم می‌کند. هنگامی که خط مبنا ایجاد شد، شاخص‌های شناسایی شده می‌توانند برای ردیابی تغییرات در طول زمان و برنامه‌ریزی بالقوه برای مداخلات هدفمند قبل، حین یا پس از یک رویداد شدید مورد استفاده قرار گیرند. درحالی‌که قابلیت اندازه‌گیری مفهوم مبهمی مانند تاب‌آوری توسط محققان زیادی به چالش کشیده شده است (Cumming, et al., 2005: 979; Weichselgartner & Kelman, 2015: 254). متخصصان نیز به سودمندی اقدامات تاب‌آوری در کاهش خطر بلایا استدلال کرده و تأکید می‌کنند که بدون ارزیابی کمی تاب‌آوری برای مقایسه بین نهادها، نظارت بر پیشرفت، شناسایی مناطق برای بهبود یا مناطقی که نیاز به کمک بیشتری دارند، امکان‌پذیر نیست (Béné, et al., 2021: 5).

- 1 Sendai
- 2 World Conference on Disaster Risk Reduction

(Burton, 2015: 2; Cutter, 2016: 743; IFRC, 2016: 6). به گفته طرفداران سنجش تاب‌آوری، شاخص‌های عددی می‌توانند به ابزارهای مهم برنامه‌ریزی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی تبدیل شوند. در ایران، تحقیقات تاب‌آوری هنوز در مراحل اولیه است. کارهای کمی که انجام گرفته مبتنی بر شاخص‌های محدود و مطالعه موردی است. با توجه به دانش نویسندگان، هنوز هیچ تلاشی برای شناسایی شاخص‌های قابل اندازه‌گیری تاب‌آوری در شهرهای کشور صورت نگرفته است. شهر خرم‌آباد به دلیل قرار گرفتن در معرض رواناب‌های سطحی جاری شده از کوه‌های اطراف، آب‌گرفتگی‌ها، طغیان رودخانه‌هایی که از مرکز شهر می‌گذرند و ویژگی ذاتی مکان قرارگیری در دره‌ای منحصربه‌فرد، مستعد ریسک‌های زیادی است. محققان پیش‌بینی می‌کنند که رویدادهای مرتبط با آب‌وهوا در آینده به دلیل تغییرات آب و هوایی، فراوانی و شدت آنها را افزایش می‌دهد. عواقب این رویدادها (یعنی خسارات به زیرساخت‌ها و اموال) و همچنین صدمات شخصی و تلفات جانی، احتمالاً افزایش خواهد یافت. این مقاله یک شاخص تاب‌آوری برای شهر خرم‌آباد ایجاد می‌کند. این شاخص از شش معیار و ۲۴ مؤلفه تشکیل شده که از شاخص تاب‌آوری پایه برای جوامع الهام گرفته شده است. شاخص تاب‌آوری پایه برای جوامع در ابتدا به وسیله کاتر و همکارانش در مؤسسه تحقیقاتی خطر و آسیب‌پذیری در دانشگاه کارولینای جنوبی توسعه یافت (Cutter, et al., 2010: 14; Cutter et al., 2014: 65).

۲. مبانی نظری

ریشه‌های مفهوم تاب‌آوری اغلب به کار اصلی هالینگ برمی‌گردد که به منظور کشف ناپایداری‌ها و پویایی‌های طبیعت، مفهوم تاب‌آوری را در اکولوژی معرفی کرد. به گفته او تاب‌آوری «معیار تداوم سیستم‌ها و توانایی آنها برای جذب تغییر و اختلال و همچنان حفظ همان روابط بین جمعیت‌ها یا متغیرهای حالت است». با این حال تاب‌آوری «توانایی یک سیستم برای بازگشت به حالت تعادل پس از یک اختلال موقت» نیست (Holling, 1973: 14-17). این همان چیزی است که هالینگ به ثبات سکه‌ها می‌پردازد. با این وجود در ادبیات اکولوژیکی، دو تعریف از تاب‌آوری پدیدار شد؛ نخستین مورد تداوم، تغییر و غیرقابل پیش‌بینی بودن را در یک سیستم غیرخطی و غیرتعادلی در بر می‌گیرد و دومی بر کارایی، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در یک سیستم تک‌تعادلی که همیشه نزدیک به یک حالت پایدار است، تمرکز دارد. مورد نخست، مطابق با مکتب فکری هالینگ، اکنون تاب‌آوری اکولوژیکی نامیده می‌شود. درحالی‌که دومی تاب‌آوری مهندسی نامیده می‌شود (Holling, 1996: 25). تاب‌آوری مهندسی بر بازگشت سریع و کارآمد به حالت عادی پس از یک اختلال تمرکز دارد (Folke, 2006: 256). از سوی دیگر تاب‌آوری اکولوژیکی در مورد جذب تغییرات و تداوم، در مورد «ماندن در بازی» است (Pickett, et al., 2004: 373).

از آنجایی که تاب‌آوری شهری مفهومی پیچیده است و عملیاتی کردن آن دشوار است، توسعه تکنیک یا روشی برای به‌فعلیت رساندن این مفهوم نقطه عطف بزرگی در جهت درک عوامل و تعاملاتی است که به ایجاد و حفظ تاب‌آوری کمک می‌کنند (Kwak, et al., 2021: 5). چارچوب‌های نظری و مفروضات تاب‌آوری در برابر بلایا فراوان است؛

شاخص‌های انتخاب شده در نهایت باید برای بافت شهر خرم‌آباد معقول و قابل توجیه باشند. به همین دلیل است که فهرست شاخص‌های پیشنهادی کاتر و همکاران، تنها به‌عنوان راهنمای تقریبی برای جمع‌آوری داده‌ها عمل می‌کند و با سایر مطالعات سنجش تاب‌آوری تکمیل می‌گردد. آنچه برای شاخص تاب‌آوری جامعه در خرم‌آباد یکسان باقی مانده، چارچوب مفهومی با شش معیار تاب‌آوری و رویکرد سلسله مراتبی به ساخت شاخص است (مراجعه شود به جدول شماره ۱).

۳. طرح و روش تحقیق

شاخص‌های پایه تاب‌آوری اجتماع به‌عنوان چارچوب پایه نظری برای ایجاد شاخص‌های اولیه جهت سنجش تاب‌آوری شهر خرم‌آباد انتخاب شد. اگرچه این تحقیق شاخص‌های تاب‌آوری پایه را برای جامعه به‌عنوان مبنایی برای ساخت شاخص ترکیبی اتخاذ می‌کند، اما به شاخص‌های فردی ارائه شده به وسیله کاتر و همکارانش محدود نمی‌شود. برای این منظور، بر اساس ادبیات موجود، مانند چارچوب «مردم»، چارچوب «شاخص تاب‌آوری شهر»، چارچوب «MISR»، شاخص‌های مرتبط، قوی و معرف شناسایی شدند (Cutter, et al., 2010: 15). علاوه بر این در دسترس بودن و مقیاس‌پذیری داده‌ها در سطح ناحیه شهری به‌دقت بررسی شد و در نهایت مجموعه نهایی کاندیدای شاخص‌های فردی تعریف شدند. در این پژوهش طرح سنجش تاب‌آوری با تمرکز بر ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ذاتی مکان (نواحی ۲۴ گانه شهر خرم‌آباد) و با رویکرد شاخص محور مورد استفاده قرار گرفت. شاخص‌های پژوهش بر اساس یک مجموعه مشترک از شاخص‌های معتبر و خاص، یک خط مبنا بر ویژگی‌های موجود ۲۴ ناحیه شهری با توجه به شش بعد تاب‌آوری ارائه شد (جدول شماره ۱). مجموعه داده‌های ارائه شده برای شاخص‌ها عمدتاً از مرکز آمار ایران به‌عنوان مرجع منحصربه‌فرد آمار رسمی کشور به‌دست آمده است (Statistical Centre of Iran, 2016). سایر داده‌های موردنیاز از منابع اطلاعاتی شهرداری خرم‌آباد، سازمان مدیریت و پیشگیری از بلایای طبیعی، نوسازی و تجهیز مدارس ایران و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران بازیابی شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه، یک رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیاره ترکیبی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه^۲، تکنیک دیمتل^۳ و تکنیک ترجیح سفارش با شباهت به یک راه‌حل ایده‌آل^۴ است. درحالی‌که مدل ترکیبی دیمتل-تحلیل شبکه^۵ شناسایی روابط درونی شاخص‌ها و امکان ارزیابی مؤلفه‌ها را با مقایسه زوجی و به دست آوردن وزن‌ها فراهم می‌کند، تاپسیس راه‌حل‌ها را بر اساس ایده به حداکثر رساندن فاصله از راه‌حل ایده‌آل منفی (کمترین تاب‌آوری) و به حداقل رساندن فاصله از راه‌حل ایده‌آل مثبت (بیشترین تاب‌آوری) سفارش می‌دهد. بنابراین بهترین راه‌حل، نزدیک‌ترین راه‌حل به نقطه ایده‌آل است (Chen, et al., 2011: 909; Chiu, et al., 2015: 348-349; Thor, et al., 2013: 27; Ju, et al., 2013: 49).

از جمله رویکردهای متنوعی که برای عملیاتی کردن تاب‌آوری شهری در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف و زمینه‌های مخاطره ایجاد شده است (Movahed & Tabibian, 2020: 110). با وجود این واقعیت که هیچ رویکرد استاندارد برای اندازه‌گیری تاب‌آوری در برابر بلایا وجود ندارد، مدل تاب‌آوری مکانی در برابر بلایا^۱ به وسیله کاتر و همکاران (۲۰۰۸) برای بهبود ارزیابی‌های مقایسه‌ای تاب‌آوری در برابر بلایا در سطح محلی یا جامعه ایجاد شده و نیاز به تحقیقات تجربی و مبتنی بر شواهد بیشتر در مورد ارزیابی تاب‌آوری شهری را برجسته کرد. مدل تاب‌آوری مکانی در برابر بلایا اغلب به‌عنوان یکی از چارچوب‌های مفهومی شناخته شده در نظر گرفته می‌شود که بر شرایط پیشین و ذاتی در جوامع تمرکز می‌کند و بر نقش ظرفیت‌های جذبی و مقابله‌ای برای ایجاد و افزایش تاب‌آوری در برابر بلایا تأکید می‌کند (Moghadas, et al., 2019: 1). نسخه عملیاتی شده مدل به نام چارچوب «شاخص‌های پایه تاب‌آوری اجتماع» نخستین تلاش این مدل برای عبور از یک چارچوب نظری به یک عمل عملیاتی شده بود. شاخص‌های تاب‌آوری پایه برای چارچوب جامعه، مفهوم تاب‌آوری جامعه را هم به‌عنوان تاب‌آوری ذاتی قبل از رویداد (استقامت) و هم تاب‌آوری انطباقی پس از رویداد (تحول) در نظر می‌گیرد (Cutter, 2010: 1; Cutter, 2014: 68; Spett, 2021: 1). به گفته اسدزاده و همکاران (۲۰۱۷) و شریفی (۲۰۱۶)، شاخص‌های تاب‌آوری پایه برای جامعه شامل پوشش گسترده‌ای از ابعاد تاب‌آوری جامعه در مقایسه با سایرین است؛ با رویکردی اجتماعی-اکولوژیکی در واحدهای فضایی برای بافت چند مخاطره. علاوه بر این یکی از کاربردی‌ترین چارچوب‌ها در ادبیات موجود در مورد کمی سازی تاب‌آوری جامعه در برابر بلایا از طریق ایجاد شاخص است (Frazier, et al., 2013: 95; Singh-Peterson, et al., 2014: 117; Cutter, et al., 2016: 4; Sharifi, 2016: 631-633; Asadzadeh, et al., 2017: 2; Moghadas, et al., 2019: 1).

شاخص‌های تاب‌آوری پایه اجتماع، یک شاخص سلسله‌مراتبی جامع است که از ۴۹ شاخص و شش معیار تاب‌آوری (اجتماعی، اقتصادی، نهادی، زیرساختی، سرمایه اجتماعی و محیطی) تشکیل شده است (Cutter, et al., 2014: 67). شاخص‌های پایه تاب‌آوری اجتماع مبتنی بر چارچوب نظری مدل تاب‌آوری مکانی در برابر بلایا است (Cutter, et al., 2008: 9). یکی از جنبه‌های مدل تاب‌آوری مکانی در برابر بلایا به شرایط قبلی ایجاد شده از طریق تعامل سیستم‌های اجتماعی، طبیعی و محیطی ساخته شده می‌پردازد. فرض بر این است که شرایط پیشین (که شامل آسیب‌پذیری‌های ذاتی و تاب‌آوری ذاتی است) قبل از وقوع یک رویداد خطرناک وجود دارد. شاخص‌های پایه تاب‌آوری اجتماعات، کمیت مؤلفه تاب‌آوری ذاتی مدل تاب‌آوری مکانی در برابر بلایا است (Scherzer, et al., 2019: 6). شاخص‌های ارائه شده در این مقاله، اقتباسی از شاخص‌های پایه تاب‌آوری اجتماع است (Cutter, et al., 2014: 69). با این حال ترجمه مستقیم شاخص‌های تاب‌آوری ایالات متحده برای بافت شهرهای ایرانی نیست، همان‌طور که سینگ‌پترسون و همکاران برای کوئینزلند، استرالیا انجام دادند (Singh-Peterson, et al., 2014: 119). از آنجایی‌که شاخص تاب‌آوری جامعه برای خرم‌آباد باید مختص کشور ایران باشد،

1 Disaster Resilience Of Place (DROP)

2 Analytical Network Process (ANP)

3 Decision Making Trial and Evaluation (DEMATEL)

4 Technique for Order Preference by Similarity to an Ideal Solution (TOPSIS)

5 DEMATEL ANP (DANP)

جدول شماره ۱۵: مجموع شاخص های منتخب برای شش بعد تاب آوری

ابعاد	شاخص	توصیف گر	جهت اثرگذاری
اجتماعی	جنسیت	نسبت مردان به زنان	+
	جمعیت مستقل	درصد جمعیت بین ۵۹-۱۵ سال	+
	امکانات تفریحی عمومی	پارک ها، سینماها، سالن های ورزشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
اقتصادی	عدالت آموزشی	درصد جمعیت باسواد	+
	مالکیت خانه	درصد مالکیت واحدهای مسکونی	+
	نرخ بیکاری	درصد بیکاری	-
نهادی	نیروی کارزن	درصد نیروی کارزن	+
	زیرساخت های تجاری در معرض خطر	تراکم زیرساخت های تجاری در هر ناحیه	-
	فرآیند نهادی	تعداد نهادهای موازی در هر ناحیه	-
زیرساختی	ویژگی های فیزیکی نهادی	تعداد سازمان ها و نهادهای دولتی، خصوصی و مردم نهاد در هر ناحیه	+
	نوع استحکام مسکن	درصد مساکن دارای مصالح ساختمانی بادوام	+
	یافت فرسوده	درصد یافت فرسوده شهری در هر ناحیه	-
	پتانسیل دسترسی/ تخلیه	شریان اصولی در هر کیلومتر مربع	+
	پتانسیل مرمت مدارس	تعداد مدارس به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
	ظرفیت مراقبت های پزشکی	تعداد تخت های بیمارستانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
	دسترسی به سرپناه موقت	مجموع تعداد هتل ها، متل ها و پناهگاه های موقت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
سرمایه اجتماعی	فراوانی خدمات اضطراری برای پاسخ و بازیابی	تعداد ایستگاه های آتش نشانی، پلیس و مراکز عملیات اضطراری به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
	تعلق مکانی	درصد جمعیت مهاجر	-
	مراکز مذهبی	تعداد مراکز مذهبی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
محیطی	خدمات فرهنگی و تاریخی	تعداد اماکن هنری، تاریخی، موزه ها و کتابخانه ها به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
	سازمان های ذی نفوذ مدنی و اجتماعی	تعداد سازمان های ذی نفوذ مدنی و اجتماعی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر	+
	تعداد انشعابات رودخانه	طول رودخانه ها در هر کیلومتر مربع در هر ناحیه	-
محیطی	شکل ظاهری زمین	نسبت فضای ساخته شده و ساخت نشده در هر ناحیه	-
	پارک ها و فضاهای سبز شهری	نسبت مساحت پارک ها و فضاهای سبز شهری نسبت به مساحت ناحیه	+

Source: Cutter, et al., 2008; Mayunga, 2009; Cutter, et al., 2010; Renschler, et al., 2010; Burton, 2012; PWC, 2013; Cutter, et al., 2014; Asadzadeh, et al., 2015; Moghadas, et al., 2019; Abdali, et al., 2023.

۳.۱. تعیین وزن نسبی معیارها با روش DANP

مورد برهمکنش عوامل i^{th} و j^{th} به شکل اعداد غیر منفی صحیح در ماتریس رتبه $\mathbb{N} \times \mathbb{N}$ نشان می دهد.

$$B = [b_{ij}]_{n \times n} = \frac{1}{H} \sum_{k=1}^H [p_{ij}^k]; 1 \leq i, j \leq n; 1 \leq K \leq H$$

در این مرحله برای این که بتوانیم بر اساس نظر کارشناسی وزن دهی انجام دهیم، از نظرات کارشناسان که دانش عمیقی از مدیریت ریسک سیل در شهر خرم آباد داشتند، در مورد روابط درونی متغیرها و اهمیت نسبی شاخص های فردی برای تاب آوری سیل استفاده شد. پس از آن میانگین وزن های داده شده توسط دوازده خبره را به عنوان وزن نهایی هر شاخص با استفاده از روش DANP محاسبه کردیم. آمار توصیفی کارشناسان و متخصصان نشان می دهد که اغلب پاسخ دهندگان (۵۸ درصد) بین ۳۶-۴۵ سال سن دارند. اکثر پاسخ دهندگان را مردان (۶۷ درصد) تشکیل می دهند. ۵۸ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک دکتری هستند؛ همچنین بیشتر کارشناسان بیش از پنج سال سابقه اجرایی دارند.

DANP برای تعیین شدت وابستگی های متقابل معیارهای مربوطه و همچنین برای محاسبه اهمیت معیار برای دستیابی به هدف اصلی تاب آوری شهر خرم آباد استفاده شد. مزایای استفاده از روش DANP به خوبی به وسیله پای توضیح داده شده است. DANP اثرات متقابل معیارها را به عنوان مقادیر غیر متقابل نشان می دهد و سوپر ماتریس های غیر وزنی را با اعمال مقایسه های زوجی (مقایسه اثرات زوجی) با اثرات کل ماتریس در کل سیستم محاسبه می کند که سیستم واقعی را بهتر توصیف می کند. مراحل اساسی DANP عبارتند از: (Chiu, et al., 2013; 50-52; Pai, 2014: 3071; Büyükožkan & Gülleryüz, 2016: 437)

مرحله ۱: تعریف معیارها (عوامل) و جنبه ها (ابعاد). برای تعیین معیارها و جنبه های مربوطه، بررسی ادبیات علمی در حوزه مورد نظر و انجام بررسی ضروری است.

مرحله ۲: محاسبه ماتریس رابطه مستقیم B. ماتریس B ماتریس میانگین پاسخ های همه متخصصان H را به صورت رابطه شماره ۱۵ نشان می دهد که در آن $P^k = [p_{ij}^k]_{n \times n}$ پاسخ های k متخصص را در

جدول شماره ۲: مشخصات کارشناسان و متخصصان ریسک و تاب آوری

سن	فراوانی	درصد	جنس	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	سابقه اجرایی (سال)	فراوانی	درصد
۲۵-۳۵	۳	۲۵	مرد	۸	۶۷	فوق لیسانس	۵	۴۲	۵-۱	۳	۲۵
۳۶-۴۵	۷	۵۸		۷	۳۳	دکتری	۷	۵۸	۱۰-۶	۵	۴۲
+۴۶	۲	۱۷	زن	۴	۳۳				+۱۰	۴	۳۳

q را می توان به منظور نادیده گرفتن روابط معیارها با تأثیرات کوچک در ماتریس T تنظیم کرد.

مرحله ۶: محاسبه تأثیر معیارها و ساخت نقشه رابطه تأثیر بر اساس مقدار آستانه پذیرفته شده q، مقادیر مجموع ردیف و ستون ماتریس T به شرح رابطه شماره ۵ محاسبه می شود که در آن مقادیر مجموع ردیف r تأثیر کلی یک معیار معین را بر سایر معیارها نشان می دهد و مقادیر مجموع ستون s تأثیر کلی معیارهای دیگر را بر یک معیار مشخص نشان می دهد. علامت (') یک ماتریس انتقال یافته را نشان می دهد. عبارت (r+s) اهمیت معیارها را نشان می دهد. عبارت (r-s) معیارها و جنبه ها را در گروه های علت و معلول مرتب می کند. با مقدار مثبت (r-s)، یک معیار (یا عنصر) در گروه علت (تأثیرگذار) قرار می گیرد. در غیر این صورت، معیار (یا خوشه) در گروه معلول (تأثیرپذیر) قرار می گیرد.

$$r = [r_i]_{n \times 1} = \sum_{j=1}^n t_{ij}; 1 \leq i \leq n; s = [s_j]_{1 \times n} = \left[\sum_{i=1}^n t_{ij} \right]_{1 \times n}; 1 \leq j \leq n$$

مرحله ۷: به دست آوردن سوپر ماتریس غیر وزنی W. برای این منظور از ماتریس تأثیر کل T استفاده می شود. ماتریس T در واقع نمایانگر ماتریس تأثیر کل معیار T_c^a است. ماتریس تأثیر کل نرمال شده برای معیارهای T_c^a بر اساس رابطه شماره ۶ محاسبه می شود، که در آن

$$T_c^a = \begin{matrix} & D_1 & D_2 & \dots & D_m \\ \begin{matrix} D_1 \\ \vdots \\ D_2 \\ \vdots \\ D_m \end{matrix} & \begin{bmatrix} c_{11} & \dots & c_{1n_1} \\ c_{12} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{21} & \dots & \vdots \\ c_{22} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{m1} & \dots & \vdots \\ c_{m2} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{mn_1} & \dots & c_{mn_m} \end{bmatrix} & \begin{bmatrix} T_c^{\alpha_{11}} & T_c^{\alpha_{12}} & \dots & T_c^{\alpha_{1m}} \\ T_c^{\alpha_{21}} & T_c^{\alpha_{22}} & \dots & T_c^{\alpha_{2m}} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ T_c^{\alpha_{m1}} & T_c^{\alpha_{m2}} & \dots & T_c^{\alpha_{mm}} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

برای معیارهای T_c^a است، درحالی که $i = 1, 2, \dots, m$ و $j = 1, 2, \dots, m$ است.

$$W = (T_c^a)' = \begin{matrix} & D_1 & D_2 & \dots & D_m \\ \begin{matrix} D_1 \\ \vdots \\ D_2 \\ \vdots \\ D_m \end{matrix} & \begin{bmatrix} c_{11} & \dots & c_{1n_1} \\ c_{12} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{21} & \dots & \vdots \\ c_{22} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{m1} & \dots & \vdots \\ c_{m2} & \dots & \vdots \\ \vdots & \vdots & \vdots \\ c_{mn_1} & \dots & c_{mn_m} \end{bmatrix} & \begin{bmatrix} W^{11} & W^{12} & \dots & W^{1m} \\ W^{21} & W^{22} & \dots & W^{2m} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ W^{m1} & W^{m2} & \dots & W^{mm} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

مرحله ۳: محاسبه ماتریس رابطه مستقیم نرمال شده X. ماتریس X به صورت رابطه شماره ۲ محاسبه می شود، که در آن g ضریب نرمال سازی است که به صورت رابطه شماره ۳ محاسبه می شود:

$$X = [x_{ij}]_{n \times n} = g \cdot B; 0 \leq x_{ij} \leq 1; 1 \leq i, j \leq n$$

$$g = \min \left(\frac{1}{\max_{1 \leq i \leq n} \sum_{j=1}^n b_{ij}}, \frac{1}{\min_{1 \leq j \leq n} \sum_{i=1}^n b_{ij}} \right)$$

مرحله ۴: تعیین ماتریس تأثیر کل T. برای تعیین ماتریس تأثیر کل T، از ماتریس همانی I در رتبه n x n به شرح رابطه شماره ۴ استفاده می شود:

$$T = [t_{ij}]_{n \times n} = X(I-X)^{-1}; 1 \leq i, j \leq n; \lim_{k \rightarrow \infty} X^k = [0]_{n \times n}$$

مرحله ۵: تنظیم مقدار آستانه q. طبق نظر کارشناسان، مقدار آستانه

ماتریس W محاسبه می شود که در آن $W^{ij} = (T_c^a)^{ji}$ نشان دهنده جابه جایی ماتریس فرعی T_c^a در ماتریس تأثیر کلی نرمال شده

در رابطه شماره ۸ نشان داده شده، ماتریس تأثیر کل نرمال شده برای جنبه های T_D^a محاسبه می شود.

$$t_D^a = \begin{bmatrix} t_D^{11}/d_1 & \dots & t_D^{1j}/d_1 & \dots & t_D^{1m}/d_1 \\ \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ t_D^{i1}/d_i & \dots & t_D^{ij}/d_i & \dots & t_D^{im}/d_i \\ \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ t_D^{m1}/d_m & \dots & t_D^{mj}/d_m & \dots & t_D^{mm}/d_m \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} t_D^{a11} & \dots & t_D^{a1j} & \dots & t_D^{a1m} \\ \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ t_D^{ai1} & \dots & t_D^{aij} & \dots & t_D^{aim} \\ \vdots & \ddots & \vdots & \ddots & \vdots \\ t_D^{am1} & \dots & t_D^{amj} & \dots & t_D^{amm} \end{bmatrix}$$

مرحله ۹: محاسبه ابرماتریس وزنی W_a . برای این منظور از ماتریس تأثیر کل برای جنبه های T_D استفاده می شود. ماتریس T_D مجموع تمام تأثیرات هر جنبه در ماتریس T_c را نشان می دهد. همان طور که

$i = 1, 2, \dots, m$ سوپر ماتریس W_a بر اساس رابطه شماره ۹ محاسبه می شود:

جایی که t_D^{ij} مجموع همه تأثیرات زیرماتریس t_c^{ij} از کل ماتریس تأثیر را برای معیارها نشان می دهد و جایی که d_j نشان دهنده مجموع ردیف i^{th} در سوپر ماتریس برای عناصر T_D است، درحالی که

$$W_a = t_D^a \cdot W = \begin{bmatrix} t_D^{a11} \cdot W^{11} & t_D^{a21} \cdot W^{12} & \dots & \dots & t_D^{am1} \cdot W^{1m} \\ t_D^{a12} \cdot W^{21} & t_D^{a22} \cdot W^{22} & \vdots & \ddots & \vdots \\ \vdots & \vdots & t_D^{aji} \cdot W^{ij} & \dots & t_D^{ami} \cdot W^{im} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ t_D^{a1m} \cdot W^{m1} & t_D^{a2m} \cdot W^{m2} & \dots & \dots & t_D^{amm} \cdot W^{mm} \end{bmatrix}$$

ابزار TOPSIS استخراج وزن را ارائه نمی دهد (Ju, et al., 2015: 359; Chen & Chen, 2010: 1985; Moghadas, et al., 2019: 3) با توجه به این محدودیت، اوزان از روش DANP به دست آمدند. تصویر شماره ۱ نمودار شماتیک روش ترکیبی اعمال شده را نشان می دهد. به گفته یون و هوانگ، (۱۹۸۱)، روش TOPSIS را می توان در یک سری مراحل زیر بیان کرد (Hwang & Yoon, 1981: 60; Ju, et al., 2015: 359-361; Chen & Chen, 2010: 1985-1987; Moghadas, et al., 2019: 3-4):

مرحله ۱۰: به دست آوردن وزن نسبی معیارها. لازم است سوپر ماتریس W_a^k در خودش چندین بار ضرب شود تا سوپر ماتریس وزن محدود W_a^k با یک مقدار همگرایی پایدار محاسبه شود. همان طور که در رابطه شماره ۱۰ نشان داده شده که در آن عدد k نشان دهنده یک عدد صحیح مثبت است که به سمت بی نهایت میل می کند. هر بردار سوپر ماتریس محدود W_a^k وزن نسبی هر معیار را در رابطه با هدف تعریف شده نشان می دهد.

$$\lim_{k \rightarrow \infty} W_a^k = (W_\infty)^k = W_a^k$$

مرحله ۱: ساخت ماتریس تصمیم^۱، عناصر (X_{ij}) ماتریس با مقدار شاخص i ($i = 1, \dots, m$) نسبت به منطقه شهری I_j ($j = 1, \dots, m$) مرتبط است. عناصر I_1, I_2, \dots, I_n به شاخص ها اشاره دارد درحالی که D_1, D_2, \dots, D_n به مناطق شهری اشاره دارد (رابطه شماره ۱).

$$I_1 \quad I_2 \quad \dots \quad I_n$$

$$DM = \begin{matrix} D_1 \\ D_2 \\ M \\ D_m \end{matrix} \begin{bmatrix} X_{11} & X_{12} & \dots & X_{1n} \\ X_{21} & X_{22} & \dots & X_{2n} \\ M & M & O & M \\ X_{m1} & X_{m2} & \dots & X_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله ۲: محاسبه ماتریس تصمیم گیری نرمال شده وزنی، این مرحله از

۳.۲. رتبه بندی نواحی شهری با استفاده از روش TOPSIS

هدف دوم و نهایی، مقایسه و رتبه بندی نواحی شهری خرم آباد بر اساس سطح تاب آوری آنهاست. برای این منظور از تکنیک TOPSIS استفاده شد. تاپسیس به دلیل سادگی و توانایی آن در نظر گرفتن تعداد نامحدودی از گزینه ها و معیارها، تکنیکی است که به طور گسترده برای فرآیندهای تصمیم گیری چندمعیاره استفاده می شود. این تکنیک چندین جایگزین را در یک رویکرد جبرانی بر اساس این مفهوم مقایسه می کند که «جایگزین ایده آل بهترین سطح را برای همه ویژگی ها دارد، درحالی که ایده آل منفی، جایگزینی است که بدترین مقادیر همه ویژگی ها را دارد». منطق آن بیانگر منطق انتخاب انسان است که نسبت به روش های غیر جبرانی واقع بینانه تر است و به همین ترتیب، در نظر گرفتن همزمان راه حل های ایده آل و غیر ایده آل آن را به یک تکنیک بسیار مفید در فرآیند MCDM تبدیل کرده است. باین حال

1 Decision Matrix (DM)

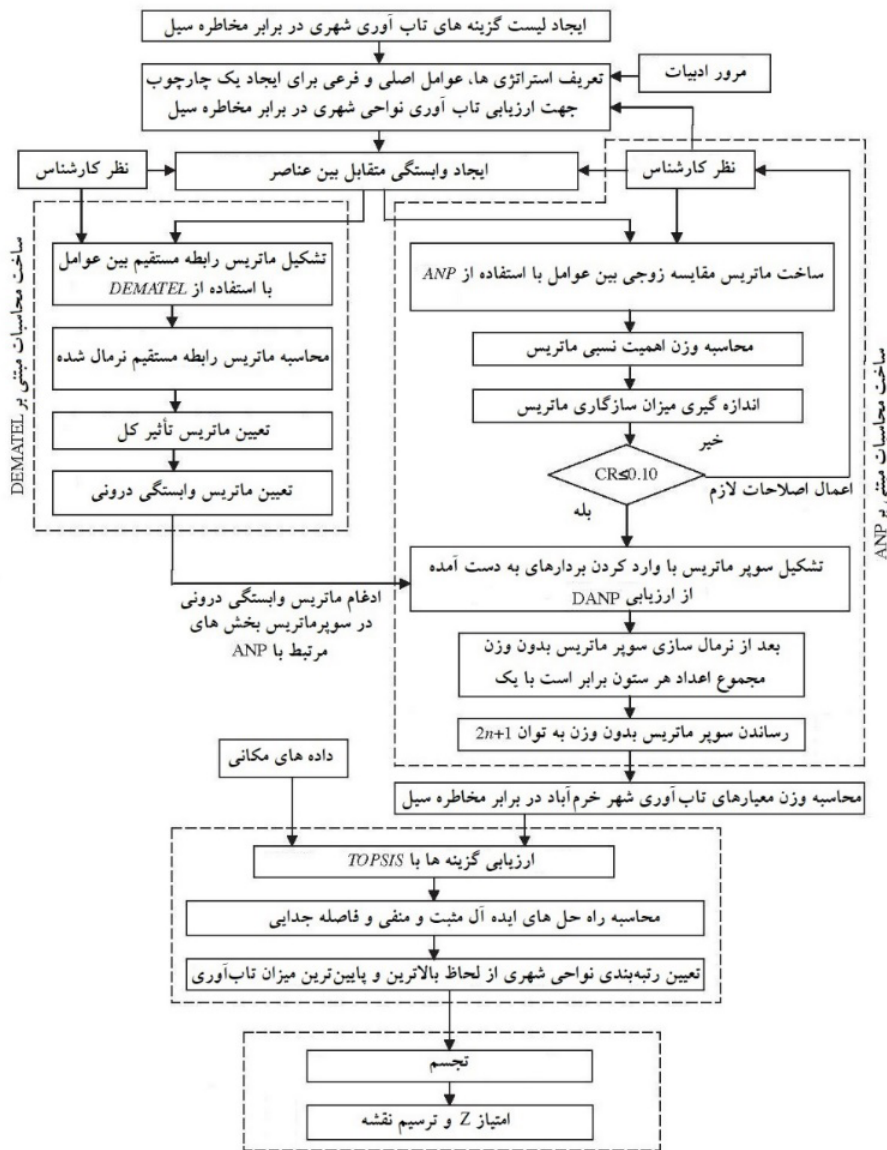
ماتریس تصمیم‌گیری وزنی با ضرب هر عنصر از هر ستون از ماتریس تصمیم‌گیری نرمال شده در وزن‌های به‌دست‌آمده از روش DANP ساخته شد (رابطه شماره ۱۳) که در W_j آن وزن معیار زاست،

$$\sum_{j=1}^n W_j = 1$$

$$V = v_{ij} = w_{ij} r_{ij} \text{ for } (i = 1, \dots, m); (j = 1, \dots, n)$$

طریق معادله رابطه شماره ۱۲، ابعاد مختلف ویژگی را به ویژگی‌های غیر بعدی تبدیل می‌کند. ماتریس تصمیم نرمال شده امکان مقایسه بین شاخص‌ها با واحدهای مختلف را فراهم می‌کند.

$$MDM = r_{ij} \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^n X_{ij}^2}}$$



تصویر شماره ۱: نمودار شماتیک روش ترکیبی MCDM

وزنی از طریق معادلات زیر تعریف می‌شوند (رابطه شماره ۱۴) که در آن J با شاخص‌های سودمند و J' با شاخص‌های غیرسودمند مرتبط است.

$$A^+ = \{v_1^+, v_2^+, \dots, v_n^+\}, \text{ where: } V_j^+ (\max_i (v_{ij}) \text{ if } j \in J), (\min_i v_{ij} \text{ if } j \in J')$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}, \text{ where: } V_j^- (\min_i (v_{ij}) \text{ if } j \in J), (\max_i v_{ij} \text{ if } j \in J')$$

مرحله ۳: تعیین راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی، راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت (A^+) و ایده‌آل منفی (A^-) با توجه به ماتریس تصمیم‌گیری

شش نقشه حوزه تاب‌آوری و همچنین نقشه نهایی شاخص تاب‌آوری در بلایا تهیه شد.

۳.۴. محدوده مورد مطالعه

شهر خرم‌آباد مرکز استان لرستان در جنوب غربی کشور ایران واقع شده است. خرم‌آباد شهری کوهستانی - دره‌ای است که شهر در دو طرف بستر رودخانه خرم رود که شمالی - جنوبی است و شهر را به دو قسمت نابرابر شرقی - غربی تقسیم می‌کند، ساخته شده است. قسمت شمالی شهر منظره‌ای کوهستانی و ناهموار و جنوب آن چشم‌اندازی تقریباً جلگه‌ای دارد. شکل‌گیری کالبد شهر خرم‌آباد متأثر از طبیعت آن است. هرکجا دره اندکی باز شده و شیب‌های کناری ملایم‌تر گشته و اجازه زیست به انسان داده، شهر بدان سو گسترش یافته و هرکجا دره تنگ‌تر شده، شهر باریک و کشیده شده است. بنابراین گسترش شهر به تبع دره‌ها و دشت‌های پایکوهی در قطاع‌های مختلفی توسعه یافته است (Afzali, et al., 2021: 39-40; Abdali, et al., 2022: 8-9). این شهر یکی از شهرهای دره‌ای شکل منحصربه‌فرد در ایران است که در رودخانه پر آب از میان این شهر عبور می‌کنند که در صورت وقوع سیلاب، شهر دچار اختلالات گسترده‌ای می‌شود و به‌نوعی تمامی فعالیت‌های شهر فلج می‌گردد. علاوه بر این، این شهر توسط کوه‌های اطرافش احاطه گردیده و رواناب‌های حاصل از کوه‌ها به درون شهر جاری می‌شوند و این عامل قدرت تخریبی سیل را در شهر خرم‌آباد دوچندان می‌کند (Abdali, et al., 2022: 9; Abdali, et al., 2023: 160). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ شهرستان خرم‌آباد یک میلیون و ۷۶۰ هزار و ۶۴۹ نفر و شهر خرم‌آباد ۵۰۶ هزار و ۴۷۱ نفر جمعیت دارد (Statistical Centre of Iran, 2016; Abdali, et al., 2023: 160).

مرحله ۴: محاسبه فاصله جدایی هر ناحیه از راه‌حل ایده‌آل و راه‌حل غیرایده‌آل، این مرحله به کمک مرحله چهارم فاصله اقلیدسی هر یک از گزینه‌ها، از جواب‌های ایده‌آل مثبت و منفی هر شاخص مسئله محاسبه می‌گردد. جداسازی هر جایگزین از راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و منفی از طریق معادلات زیر محاسبه می‌شوند (رابطه شماره ۱۵).

$$S_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_j^+ - v_{ij})^2} \quad (i = 1, 2, \dots, m)$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_j^- - v_{ij})^2} \quad (i = 1, 2, \dots, m)$$

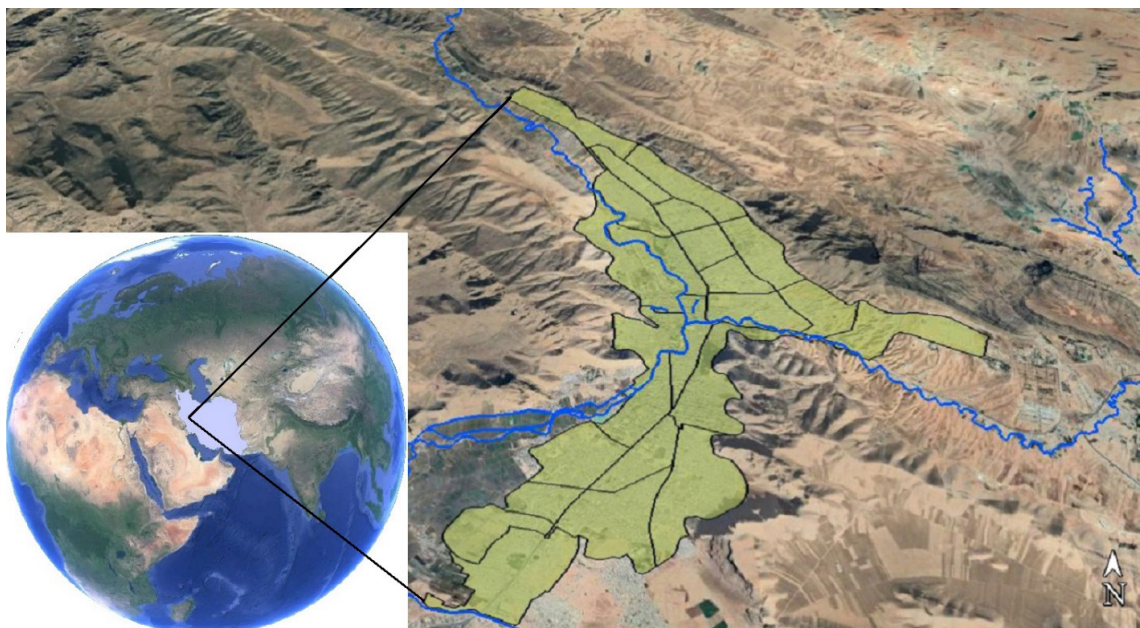
مرحله ۵: محاسبه نزدیکی نسبی هر منطقه شهری به راه‌حل ایده‌آل مثبت، که به معنای بالاترین سطح تاب‌آوری در برابر سیل است (رابطه شماره ۱۶).

$$C_i = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^+} \quad 0 \leq C_i \leq 1$$

مرحله ۶: رتبه‌بندی ترتیب اولویت‌ها، مقدار بالاتر C_i نشان‌دهنده ناحیه تاب‌آور بالاتر است. به این ترتیب، ۲۴ ناحیه شهری با هم مقایسه و براساس آن مرتب شدند.

۳.۳. تجسم و ترسیم نقشه

گام بعدی پس از ساخت شاخص‌های ترکیبی تاب‌آوری سیل، تجسم نتایج است. قبل از تجسم، نمرات شش بعد و شاخص کلی تاب‌آوری در برابر بلایا در پنج خوشه اصلی با استفاده از روش Z-score برای شناسایی الگوهای فضایی تاب‌آوری سیل طبقه‌بندی شدند. این روش نمرات را به انحراف استاندارد از میانگین تبدیل می‌کند. سپس



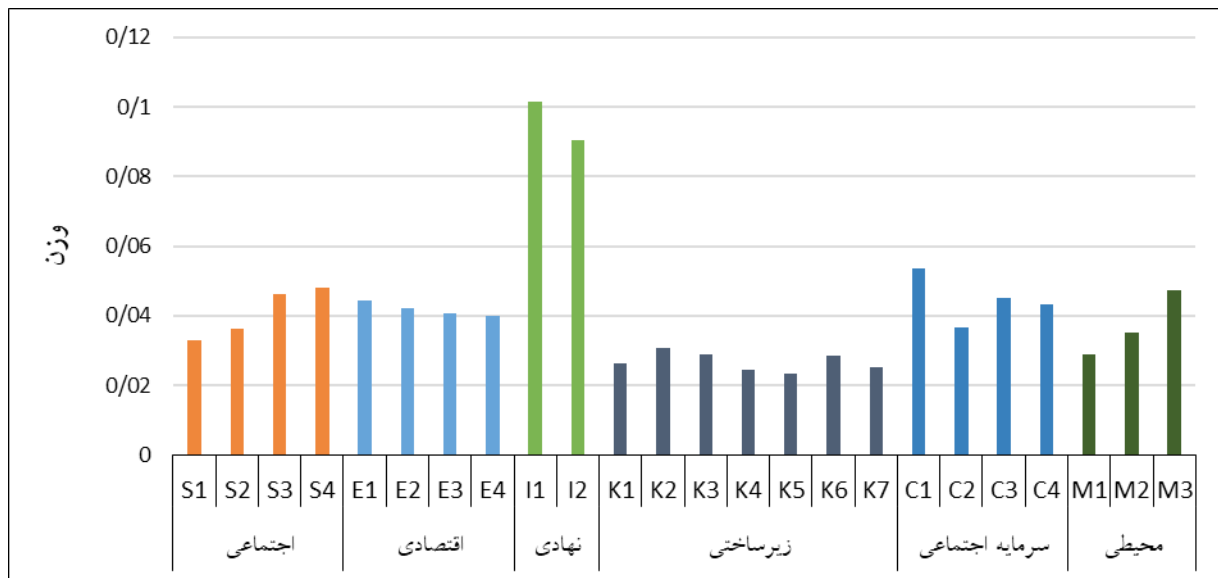
تصویر شماره ۲: نواحی ۲۴ گانه شهر خرم‌آباد و موقعیت رودخانه‌های اصلی

۴. نتایج و بحث

۴.۱. استفاده از روش ترکیبی DANP-TOPSIS برای وزن دهی به شاخص‌ها و رتبه‌بندی نواحی شهری

در مرحله نخست، روش DANP برای به دست آوردن نظرات کارشناسان در مورد اهمیت نسبی شاخص‌های فردی برای تاب‌آوری سیل انجام شد. ما کارشناسانی را انتخاب کردیم که دانش عمیقی از مدیریت ریسک سیل در شهر خرم‌آباد داشتند تا بتوانیم براساس نظر کارشناسی، وزن دهی انجام دهیم. پس از آن، میانگین وزن‌های داده شده توسط دوازده خبره را به‌عنوان وزن نهایی هر شاخص محاسبه کردیم. همان‌طور که نمودار شماره ۱۵ نشان می‌دهد، شاخص‌های ابعاد نهادی و سرمایه اجتماعی بیشترین اهمیت را دارند. این نشان‌دهنده میزان مشارکت این دو بعد در تاب‌آوری نواحی در برابر سیل است. بیشترین اوزان مربوط به چهار شاخص فرآیند نهادی، ویژگی‌های فیزیکی نهادها، تعلق مکانی و عدالت آموزشی است. در مقابل، کمترین اوزان مربوط به چهار شاخص نوع استحکام مسکن، بافت فرسوده، پتانسیل دسترسی و پتانسیل مرمت مدارس است.

در مرحله دوم، پس از تعیین وزن‌های جداگانه هر شاخص، از تکنیک TOPSIS برای ارزیابی مقایسه‌ای سطح تاب‌آوری نواحی استفاده شد. از آنجایی که TOPSIS بر اساس فاصله است، فرض بر این است که یک راه‌حل ایده‌آل و غیر ایده‌آل وجود دارد. بنابراین ناحیه‌ای با بالاترین سطح تاب‌آوری، کمترین فاصله را تا راه‌حل ایده‌آل مثبت (S^+) و دورترین فاصله را تا راه‌حل منفی ایده‌آل (S^-) دارد. نمودار شماره ۲ فاصله هر ناحیه از S^+ و S^- را در شش بعد تاب‌آوری و همچنین تاب‌آوری کلی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، ناحیه ۲۳ و ۱ بیشترین فاصله را از S^- و کمترین فاصله را از S^+ در تاب‌آوری اجتماعی دارند. یعنی این دو ناحیه بالاترین سطح تاب‌آوری اجتماعی را دارند. برعکس در تاب‌آوری محیطی، ناحیه ۴ بیشترین فاصله را از S^+ و کوتاه‌ترین فاصله را از S^- دارد که باعث می‌شود کمترین تاب‌آوری را در این بعد داشته باشد. به همین ترتیب، در تاب‌آوری کلی در برابر سیل، تفکیک هر ناحیه از راه‌حل‌های ایده‌آل و غیر ایده‌آل را می‌توان در نمودار شماره ۲ مشاهده کرد. به این ترتیب ناحیه ۱ و ناحیه ۲۳ به‌عنوان کمترین و بیشترین تاب‌آوری نواحی قابل تشخیص هستند.



نمودار شماره ۱۵: وزن شاخص‌های منفرد نهایی به‌دست‌آمده از DANP

محاسبه شد. جدول شماره ۳ نتایج نهایی به‌دست‌آمده از فرآیند ترکیبی DANP-TOPSIS را برای شش بعد تاب‌آوری نشان می‌دهد.

در نهایت نزدیکی نسبی (C_i) به راه‌حل ایده‌آل مثبت برای نشان دادن نمرات نهایی نواحی شهری و رتبه‌بندی آنها بر اساس سطح تاب‌آوری

جدول شماره ۳: امتیازات تاب‌آوری و رتبه‌بندی نواحی در شش بعد تاب‌آوری ←

رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه
تاب‌آوری محیطی	تاب‌آوری اجتماعی	تاب‌آوری اقتصادی	تاب‌آوری نهادی	تاب‌آوری زیرساختی	تاب‌آوری اجتماعی	تاب‌آوری اقتصادی	تاب‌آوری نهادی	تاب‌آوری زیرساختی	تاب‌آوری اجتماعی	تاب‌آوری اقتصادی	تاب‌آوری نهادی	تاب‌آوری زیرساختی
۱۴	۰/۰۳۸۱	۲۴	۰/۰۰۰۶	۹	۰/۰۴۷۳	۹	۰/۰۴۱۴	۶	۰/۰۵۵۶	۲	۰/۰۷۰۰	۱
۱۲	۰/۰۳۹۴	۱۸	۰/۰۱۹۷	۱۴	۰/۰۳۰۲	۱۲	۰/۰۴۱۴	۱۱	۰/۰۴۵۴	۷	۰/۰۵۰۴	۲
۲۰	۰/۰۲۴۴	۱۹	۰/۰۱۷۰	۷	۰/۰۵۱۸	۴	۰/۰۴۹۳	۳	۰/۰۶۰۵	۱۳	۰/۰۳۲۳	۳
۲۴	۰/۰۰۱۶	۴	۰/۰۳۲۰۴	۲۰	۰/۰۲۲۸	۲	۰/۰۷۳۶	۱۶	۰/۰۳۲۶	۲۲	۰/۰۱۳۸	۴
۱	۰/۰۱۶۸۷	۲	۰/۰۱۰۳۸	۲۴	۰/۰۰۰۲	۱	۰/۰۸۴۵	۱۸	۰/۰۳۰۳	۱۹	۰/۰۲۲۴	۵
۲۱	۰/۰۲۱۰	۱۰	۰/۰۳۶۹	۶	۰/۰۵۵۵	۶	۰/۰۴۶۴	۱۲	۰/۰۴۵۴	۱۷	۰/۰۲۶۵	۶
۲۲	۰/۰۱۴۱	۱۳	۰/۰۲۸۸	۱۳	۰/۰۳۳۶	۳	۰/۰۵۳۳	۲۱	۰/۰۲۷۰	۲۴	۰/۰۱۱۸	۷
۱۹	۰/۰۲۷۶	۸	۰/۰۳۸۳	۱۵	۰/۰۳۰۱	۱۷	۰/۰۳۴۶	۱۷	۰/۰۳۲۶	۲۱	۰/۰۱۹۶	۸
۴	۰/۰۵۲۰	۶	۰/۰۴۱۱	۸	۰/۰۵۱۶	۱۳	۰/۰۴۱۴	۵	۰/۰۵۶۰	۱۰	۰/۰۴۲۸	۹

← ادامه جدول شماره ۳: امتیازات تاب آوری و رتبه بندی نواحی در شش بعد تاب آوری

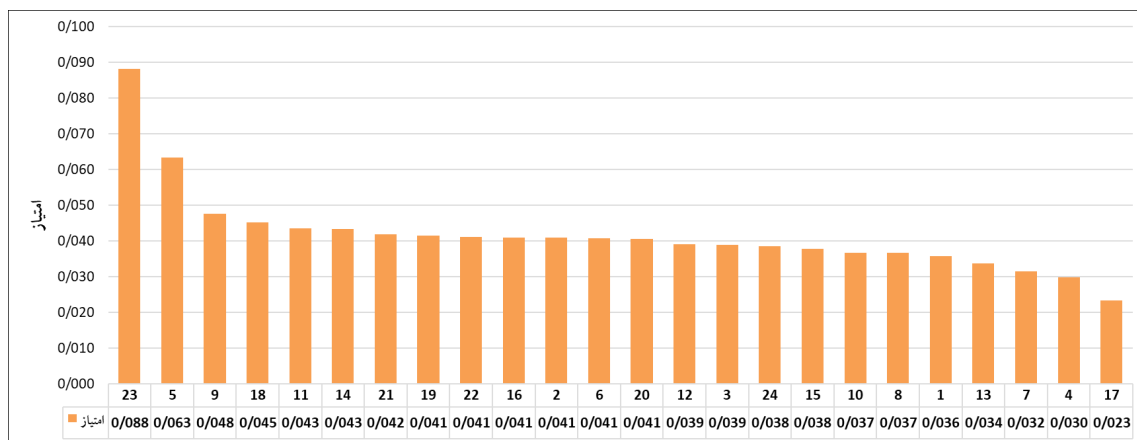
رتبه	تاب آوری محیطی	رتبه	تاب آوری سرمایه اجتماعی	رتبه	تاب آوری زیرساختی	رتبه	تاب آوری نهادی	رتبه	تاب آوری اقتصادی	رتبه	تاب آوری اجتماعی	رتبه
۱۵	۰/۰۳۳۶	۹	۰/۰۳۷۶	۱۱	۰/۰۴۰۱	۱۰	۰/۰۴۱۴	۱۹	۰/۰۲۹۵	۱۲	۰/۰۳۲۵	۱۰
۸	۰/۰۴۲۰	۱۴	۰/۰۲۷۷	۴	۰/۰۶۵۹	۲۲	۰/۰۲۵۸	۱۰	۰/۰۵۰۰	۹	۰/۰۴۴۷	۱۱
۱۶	۰/۰۳۳۰	۱۷	۰/۰۲۱۵	۱۰	۰/۰۴۶۵	۱۹	۰/۰۳۲۲	۸	۰/۰۵۱۱	۶	۰/۰۵۷۸	۱۲
۱۸	۰/۰۳۱۹	۱۱	۰/۰۳۱۱	۲۱	۰/۰۲۱۴	۸	۰/۰۴۱۹	۱۴	۰/۰۳۸۰	۱۸	۰/۰۲۲۸	۱۳
۹	۰/۰۴۱۲	۲۱	۰/۰۱۴۴	۵	۰/۰۶۰۷	۵	۰/۰۴۸۲	۱	۰/۰۶۳۲	۳	۰/۰۶۸۶	۱۴
۱۷	۰/۰۳۲۳	۱۵	۰/۰۲۵۹	۳	۰/۰۶۶۹	۲۰	۰/۰۳۰۰	۴	۰/۰۵۷۴	۴	۰/۰۶۶۸	۱۵
۶	۰/۰۵۱۲	۲۲	۰/۰۱۳۹	۲	۰/۰۸۸۶	۱۴	۰/۰۴۱۴	۲	۰/۰۶۱۴	۸	۰/۰۴۷۰	۱۶
۲۳	۰/۰۱۰۵	۳	۰/۰۴۶۳	۱۷	۰/۰۲۴۸	۲۴	۰/۰۲۲۰	۲۴	۰/۰۱۴۰	۲۳	۰/۰۱۲۵	۱۷
۵	۰/۰۵۱۲	۷	۰/۰۳۸۳	۲۲	۰/۰۱۵۳	۲۳	۰/۰۲۵۶	۲۲	۰/۰۲۵۹	۲۰	۰/۰۲۰۷	۱۸
۱۱	۰/۰۳۹۹	۵	۰/۰۴۱۴	۲۳	۰/۰۱۳۸	۲۱	۰/۰۲۶۰	۲۰	۰/۰۲۸۷	۱۶	۰/۰۲۷۰	۱۹
۱۳	۰/۰۳۹۰	۱۶	۰/۰۲۵۱	۱۲	۰/۰۳۴۰	۷	۰/۰۴۲۱	۱۵	۰/۰۳۷۳	۱۱	۰/۰۴۱۵	۲۰
۷	۰/۰۵۰۸	۲۰	۰/۰۱۵۳	۱۶	۰/۰۲۹۵	۱۱	۰/۰۴۱۴	۷	۰/۰۵۲۲	۵	۰/۰۶۰۵	۲۱
۲	۰/۰۵۹۷	۲۳	۰/۰۱۲۳	۱۸	۰/۰۲۴۳	۱۵	۰/۰۴۱۳	۱۳	۰/۰۳۹۰	۱۴	۰/۰۲۷۷	۲۲
۳	۰/۰۵۵۸	۱	۰/۰۲۸۹۶	۱	۰/۱۲۱۵	۱۶	۰/۰۴۱۳	۹	۰/۰۵۰۶	۱	۰/۱۵۳۱	۲۳
۱۰	۰/۰۴۰۸	۱۲	۰/۰۲۹۹	۱۹	۰/۰۲۳۷	۱۸	۰/۰۳۳۸	۲۳	۰/۰۱۶۲	۱۵	۰/۰۲۷۱	۲۴



نمودار شماره ۲: تفکیک هر ناحیه شهری از راه حل های ایده آل مثبت و منفی

کرده و مؤسسات با موفقیت، خود را با فشارهای خارجی تطبیق دادند. با کمال تعجب، ناحیه ۱۷ به عنوان فقیرترین ناحیه از نظر تاب‌آوری در برابر سیل رتبه‌بندی شده است. اگرچه از تاب‌آوری سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است، اما این نتیجه پیامد ویژگی‌های محیطی و نهادی است. در ناحیه ۱۷ نسبت مساحت ساخته شده به مساحت ساخته نشده بسیار زیاد است و در نتیجه سطوح وسیع و غیرقابل نفوذ ایجاد می‌شود. بنابراین در صورت وقوع سیل، رواناب جذب سطحی نمی‌شود و جریان آب تشدید می‌شود. برای تشدید این موضوع، یکی از رودخانه‌های اصلی شهر خرم‌آباد در این ناحیه قرار دارد که در نتیجه بیشتر در معرض سیلاب قرار می‌گیرد. نتایج در بخش بعدی به منظور مشاهده الگوی جغرافیایی تاب‌آوری سیل در خرم‌آباد به تصویر کشیده شده است.

نمودار شماره ۳ رتبه‌بندی تاب‌آوری نواحی شهر خرم‌آباد در برابر سیل را به ترتیب نزولی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که نواحی ۲۳ و ۵ نسبتاً تاب‌آورترین نواحی در منطقه مورد مطالعه هستند. طبق جدول شماره ۳، ناحیه ۲۳ در همه ابعاد به جز بعد نهادی رتبه خوبی دارد. این امر به دلیل سطح بالای برابری تحصیلی، درصد بالای جمعیت مستقل، دسترسی به امکانات تفریحی عمومی، نرخ اشتغال، مؤسسات تجاری و زیرساخت‌ها، دسترسی به خدمات اورژانس و مراقبت‌های پزشکی و درصد پایین بافت فرسوده است. عوامل اشتقاقی اساسی که به این نتیجه برای ناحیه ۲۳ کمک می‌کنند، ویژگی‌های نهادی، زیرساختی و اجتماعی هستند. به عنوان مثال، از آنجایی که این ناحیه دارای آخرین برنامه‌ریزی توسعه شهری است، زیرساخت‌ها به گونه‌ای مقاوم‌تر برنامه‌ریزی شده و کفایت زیرساختی در این بخش از شهر وجود دارد. علاوه بر این جمعیت پایدارتر است. زیرا از رونق ساخت‌وساز اجتناب



نمودار شماره ۳: امتیازات شاخص تاب‌آوری در برابر سیل برای ۲۴ ناحیه شهری خرم‌آباد و رتبه‌بندی آنها

با تمرکز بر طراحی دستورالعمل‌هایی برای دسترسی عادلانه به منابع حیاتی و همچنین افزایش ظرفیت‌های جمعیت برای کاهش بلایا و انطباق با آنها تأکید می‌کند. در مؤلفه تاب‌آوری اقتصادی، مرکز اقتصادی شهر به شکل شگفت‌آوری از تاب‌آوری پایین‌تری برخوردار است. این به دلیل تمرکز بافت فرسوده و سکونت قشر پایین جامعه در پیرامون مرکز اقتصادی است. بعد نهادی نشان می‌دهد که نواحی مرکزی دارای تاب‌آوری بالایی هستند. با این حال، بخش مرکز اقتصادی شهر به طور مشخص در وضعیت بهتری قرار دارد. زیرا این نواحی مرکز تمرکز نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد، دولتی و خصوصی هستند، بنابراین نهادها در مرکز اقتصادی شهر باید خود را سازگار نمایند. همان‌طور که گفته می‌شود، نواحی حاشیه‌ای از امکانات زیرساختی مناسبی برخوردار نیستند و این مورد نیز در شهر خرم‌آباد صدق می‌کند. بنابراین اکثر نواحی حاشیه‌ای دارای سطح پایینی از تاب‌آوری زیرساختی به عنوان یکی از عوامل مهم در تاب‌آوری شهر هستند. از این رو، این نتیجه نیاز به افزایش زیرساخت‌های فیزیکی در نواحی حاشیه‌ای و اسکان غیررسمی شهر را آشکار می‌کند. در مقابل تاب‌آوری اجتماعی، هیچ الگوی فضایی مشخصی در تاب‌آوری سرمایه اجتماعی وجود ندارد. علاوه بر این، اکثر نواحی در این بعد از تاب‌آوری متوسط تا کم طبقه‌بندی می‌شوند که توضیح می‌دهد که ارتباط بین افراد و محله‌شان ضعیف است.

۴.۲. ترسیم نقشه نمرات شاخص تاب‌آوری در برابر بلایا

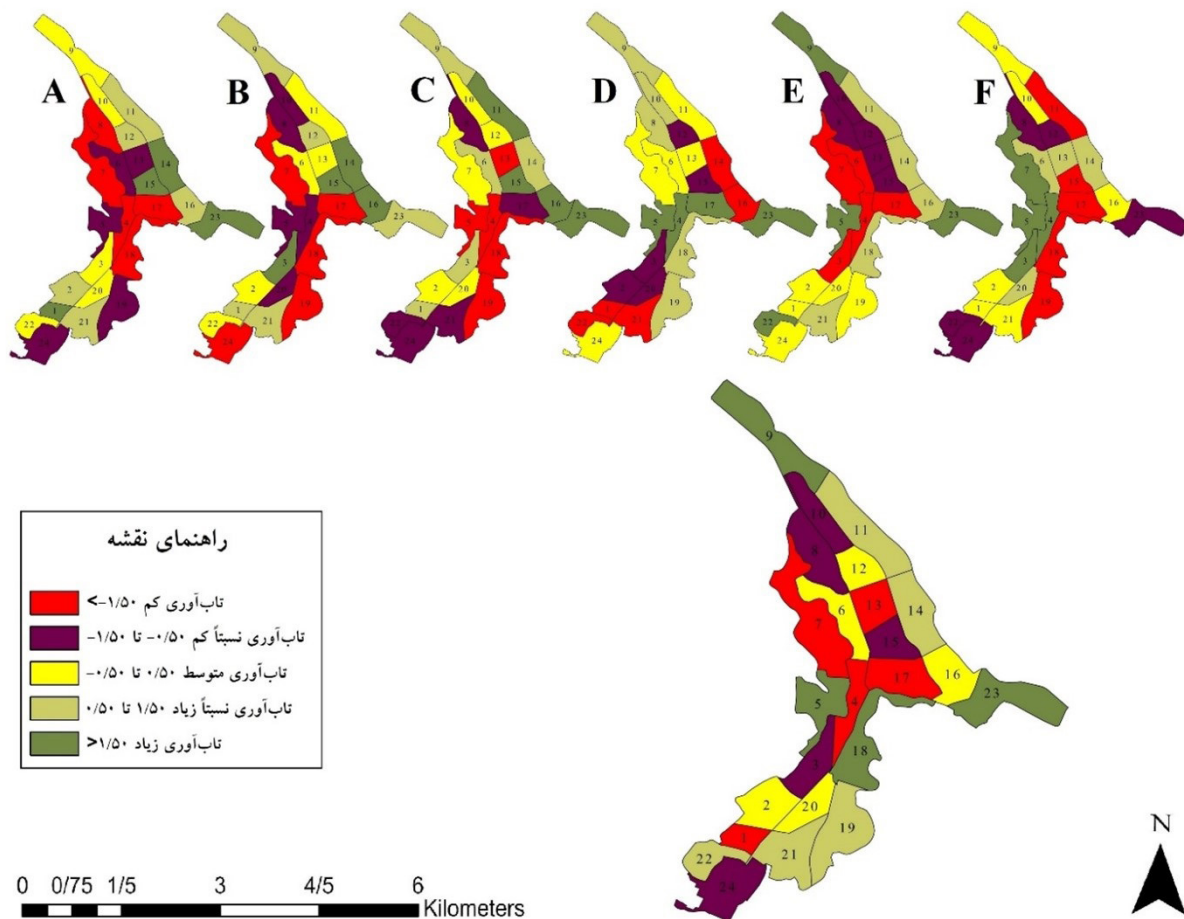
در این بخش، نتایج به دست آمده به منظور درک بهتر سطوح مقایسه‌ای تاب‌آوری در ابعاد شش‌گانه تاب‌آوری در برابر سیل و همچنین توزیع فضایی شاخص تاب‌آوری بلایا برای ۲۴ ناحیه شهری خرم‌آباد ترسیم شد. برای انجام این کار، از انحراف معیار از میانگین (نمرات Z) برای طبقه‌بندی سطح تاب‌آوری نواحی زیر پنج کلاس استفاده شد. نواحی با امتیاز بیشتر از ۱/۵ به عنوان تاب‌آوری بالا در نظر گرفته شد و به رنگ سبز سرخسی ترسیم شد. به طور مشابه، نواحی با امتیاز بین ۰/۵ تا ۱/۵ به عنوان تاب‌آوری نسبتاً بالا (زیتونی روشن)، بین ۰/۵- تا ۰/۵ به عنوان تاب‌آوری متوسط (زرد خورشیدی)، بین ۱/۵- تا ۰/۵- به عنوان تاب‌آوری نسبتاً کم (قرمز توسکایی) و در نهایت، نواحی با امتیاز کمتر از ۱/۵- به عنوان تاب‌آوری کم (قرمز مریخی) طبقه‌بندی شدند.

مطابق تصویر شماره ۳، تاب‌آوری اجتماعی دارای یک الگوی فضایی آشکار است که در آن سطح تاب‌آوری به تدریج از نواحی بالای شهر به قسمت پایین شهر کاهش یافته است. توضیح احتمالی برای این موضوع می‌تواند کیفیت بالاتر زندگی در نواحی بالای شهر باشد که نواحی مرفه‌تر خرم‌آباد هستند. این امر نشان می‌دهد که شهر بار توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات اولیه شهری را به دوش می‌کشد. همچنین بر نیاز شدید به پذیرش اصول فرآیند توسعه عادلانه و رفاه اجتماعی

نواحی ۴ و ۱۷ و تاب‌آوری اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی در ناحیه ۱ دارای تاب‌آوری متوسط و کم هستند. از سوی دیگر، ناحیه ۲۳ و ناحیه ۱۴ در تاب‌آوری سیل در رتبه بالایی قرار دارند. همه مؤلفه‌های فرعی تاب‌آوری در هر دو ناحیه بالا و نسبتاً بالا هستند، به‌استثنای تاب‌آوری نهادی برای ناحیه ۲۳ و تاب‌آوری سرمایه اجتماعی برای ناحیه ۱۴ که از سطح پایینی قرار دارند. با توجه به الگوی فضایی تاب‌آوری سیل، ۱۰ ناحیه به‌عنوان تاب‌آوری نسبتاً کم و متوسط و تنها ۵ ناحیه به‌عنوان تاب‌آوری نسبتاً بالا دسته‌بندی می‌شوند. نتایج به‌دست‌آمده نمای کلی بهتری از سطوح تاب‌آوری در مقیاس شهر ارائه می‌دهد و مواردی را که مداخلات بیشتر مورد نیاز است را برجسته می‌کند.

تاب‌آوری محیطی نشان می‌دهد که نواحی که در مرکز شهر واقع‌اند، بیشتر مستعد سیل هستند، در حالی که تاب‌آوری محیطی بالا و نسبتاً بالا در قسمت‌های مختلف شهر یافت می‌شود. این امر می‌تواند به موقعیت رودخانه‌ها در داخل شهر و همچنین میزان مساحت زمین نفوذپذیر و نفوذناپذیر مربوط باشد.

در نهایت بررسی مقایسه‌ای تاب‌آوری در برابر سیل در شهر خرم‌آباد نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۷، ۱۳ و ۱۷ نواحی هستند که کمترین سطح تاب‌آوری را دارند. در این نواحی تمامی ابعاد تاب‌آوری به جز تاب‌آوری نهادی در نواحی ۷، ۱۳ و تاب‌آوری سرمایه اجتماعی در



تصویر شماره ۳: شاخص تاب‌آوری در برابر سیل برای ۲۴ ناحیه شهری خرم‌آباد به همراه ابعاد شش‌گانه (A تاب‌آوری اجتماعی، B تاب‌آوری اقتصادی، C تاب‌آوری نهادی، D تاب‌آوری زیرساختی، E تاب‌آوری سرمایه اجتماعی، F تاب‌آوری محیطی)

اساسی تشکیل شده است. با استفاده از شاخص‌های تاب‌آوری پایه برای جامعه، مجموعه‌ای از ۲۴ شاخص را به منظور کمی کردن مفهوم چندوجهی تاب‌آوری در برابر سیل شهری که شامل شش بعد اساسی است، شناسایی کردیم. در حالی که روش توسعه‌یافته یک دستورالعمل روشن برای عملیاتی کردن مفهوم تاب‌آوری ارائه می‌دهد، بر وزن دهی شاخص‌های فردی و رتبه‌بندی تاب‌آوری با استفاده از روش ترکیبی DANP-TOPSIS تأکید می‌کند. این رویکرد ترکیبی ابزاری برای ادغام ارزیابی کیفی در تجزیه و تحلیل کمیته‌ها فراهم می‌کند. در توسعه یک ارزیابی مبتنی بر مکان از تاب‌آوری در برابر بلایا، هر شاخص تأثیر

۵. نتایج

اندازه‌گیری تاب‌آوری شهری می‌تواند به توسعه راهبردها و سیاست‌های مناسب برای شهرهایی که با شوک‌های غیرمنتظره و پیامدهای آن روبه‌رو هستند، کمک کند. اندازه‌گیری تاب‌آوری در برابر بلایای شهری برای خرم‌آباد به دلیل ویژگی‌های ذاتی آن و تغییرات مکانی - زمانی سیلاب‌ها در منطقه حائز اهمیت است. علاوه بر این در غیاب مطالعات سیل محور، این مطالعه با هدف افزایش درک ما از عوامل و فرآیندهای تاب‌آوری در برابر سیل شهری در شهر خرم‌آباد انجام شد. برای انجام این کار، یک شاخص ترکیبی ایجاد کردیم که از پنج مرحله

باین حال روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) به جلب نظر کارشناسان کمک می‌کند و ذی نفعان با پیشینه‌های مختلف را درگیر می‌کند. برای انجام چنین مطالعاتی برای بررسی پایداری نتایج و افزایش اعتبار تصمیم‌ها، نیاز به تحلیل حساسیت است. این تحلیل را می‌توان برای تحقیقات آتی انجام داد. در نهایت از آنجایی که اعتبارسنجی مطالعات تاب‌آوری در برابر بلایا اغلب به دلیل عدم وجود اطلاعات در مورد اثرات ثبت شده بلایای طبیعی گذشته مشکل ساز است، اعتبارسنجی بر اساس پیامدهای واقعی سیل در خرم‌آباد امکان‌پذیر نبود. علاوه بر این جدول زمانی مطالعه نقش مهمی برای اعتبارسنجی قوی ایفا می‌کند؛ زیرا تغییرات قابل توجهی به طور خاص در کاربری‌ها و پوشش‌های زمین در بین دو تاریخ مطالعه و داده‌های واقعی ثبت شده یا حتی مطالعه دیگری وجود دارد.

باین حال توسعه شاخص‌های ترکیبی و اندازه‌گیری تاب‌آوری با چالش‌هایی در این مطالعه همراه بود. مهم‌ترین آنها به دسترسی و کیفیت داده‌ها به طور عام و به طور خاص برای بعد نهادی اشاره دارد. چالش دیگر عدم وجود یک رویکرد سیستماتیک برای مستندسازی اثرات نامطلوب ناشی از حوادث سیل و همچنین فقدان مطالعات سیل محور در خرم‌آباد بود.

به طور خلاصه سنجش تاب‌آوری مبتنی بر شاخص برای افزایش درک ما از آنچه که به تاب‌آوری سیل در خرم‌آباد کمک می‌کند، انجام می‌شود. این به طرح نواحی کمک می‌کند که نیاز به مداخله بیشتری از نظر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مبتنی بر خطر بلایا دارند. در واقع این امر می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را راهنمایی کند که پروژه‌هایی را که جوامع تاب‌آور را پیش می‌برند، اولویت بندی کنند. باین حال این سؤال که آیا چنین اندازه‌گیری‌هایی می‌توانند به اندازه کافی نیازهای جاری یا در حال ظهور ذی نفعان محلی و متخصصان برنامه‌ریزی را برطرف کنند، نیاز به تمرکز بر اندازه‌گیری‌های مشارکتی و پایین به بالا برای دستیابی به چشم‌انداز مشترک و مأموریت‌های مشترک برجسته می‌کند.

References:

- Abdali, Y., Hataminejad, H., Zanganeh Shahraki, S., Pourahmad, A., & Salmani, M. (2023). Providing future scenarios of urban resilience against flood hazard (Case study: Khorramabad city). *Journal of Geographical Studies of Mountainous Areas*, 4(16), 153-174. doi: 10.5254/gasma.4.4.153 [in Persian]
- Abdali, Y., Hataminejad, H., Zanganeh Shahraki, S., Pourahmad, A., & Salmani, M. (2022). Analysis of Urban Resilience Indicators against Flood Risk with a Futuristic Approach (A Case Study of Khorramabad). *Journal of Iran Futures Studies*, 7(1), 1-26. doi: 10.30479/jfs.2022.16142.1327 [in Persian]
- Afzali, M., Abdali, Y., & Heydari, A. (2021). Physical-Spatial Analysis of Khorramabad City Using Urban Intelligence Growth Indices. *Research and Urban Planning*, 11(43), 35-50. Doi: 20.1001.1.22285229.1399.11.43.3.6 [in Persian]

متفاوتی بر سطح تاب‌آوری دارد. از آنجایی که دانش قابل توجهی در مورد اهمیت نسبی شاخص‌ها وجود دارد، یک رویکرد دانش محور برای تعیین اهمیت نابرابر بین آنها انجام شد. به طوری که نخست استفاده از تکنیک DANP ما را مستعد کرد تا دانش متخصصان داخلی را در تجزیه و تحلیل ادغام کنیم و پس از ترکیب قضاوت کارشناسان، مبادلات بین شاخص‌ها را به دست آوریم. دوم در غیاب یک استاندارد مطلق برای اندازه‌گیری سطح تاب‌آوری، TOPSIS فرض می‌کند که ناحیه شهری ایده‌آل بهترین سطح را برای همه ویژگی‌ها دارد. به عبارت دیگر، هدف این تکنیک رتبه‌بندی نسبی نواحی شهری بر اساس کوتاه‌ترین فاصله تا راه حل ایده‌آل و دورترین فاصله تا راه حل غیر ایده‌آل است.

ترسیم نقشه نتایج به دست آمده، الگوهای فضایی متمایز محرک‌های تاب‌آوری را نشان می‌دهد و نقاط داغ تاب‌آوری در برابر سیل را در منطقه مورد مطالعه شناسایی می‌کند که نیاز به مداخلات بیشتری دارند. به عنوان مثال، نواحی مرکزی و غربی تاب‌آوری و مقاومت کمتری دارند، بنابراین نیاز به توجه بیشتری دارند. عوامل اساسی عمدتاً ویژگی‌های محیطی و زیرساختی هستند که مستقیماً با کاربری اراضی و برنامه‌ریزی زیرساختی مرتبط هستند. در این زمینه یافته‌ها می‌تواند به سازمان‌های برنامه‌ریزی شهری شهر خرم‌آباد کمک کند تا تاب‌آوری در برابر بلایا را در برنامه‌ریزی شهری ادغام کنند و از برنامه‌های واکنشی به راهبردهای انطباقی شهری پیشگیرانه مانند برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری حساس به ریسک تبدیل شوند. این یافته‌ها همچنین به شناسایی نقاط داغ احتمالی شهر که می‌توانند توسط نهادهای مدیریت اضطراری مانند سازمان کاهش بلایا برای مدیریت مؤثر ریسک بلایا در نظر گرفته شوند، کمک می‌کند. در بین نقشه‌های ابعاد تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی از الگوی متمایزی برخوردار است. کاهش تدریجی سطح تاب‌آوری اجتماعی از نواحی مرفه بالای شهر به نواحی پایین شهر را نشان می‌دهد. تاب‌آوری اجتماعی یک ضرورت اساسی در ایجاد ظرفیت برای جوامع و افراد برای آماده شدن، پاسخگویی، بهبودی و سازگاری با اثرات تغییرات آب و هوایی است. بنابراین ذی نفعان محلی می‌توانند به منظور ارتقای فرآیند توسعه عادلانه و دسترسی عادلانه به منابع حیاتی شهری، این موضوع را در نظر بگیرند.

۶. محدودیت‌ها و تحقیقات آتی

نخست اگرچه ساختن شاخص ترکیبی اغلب برای عملیاتی کردن مفهوم تاب‌آوری در برابر بلایای اجتماعی در ادبیات موجود استفاده شده، در دسترس بودن داده‌ها و دسترسی به شاخص‌های منحصر به فرد شناسایی شده یک محدودیت رایج در این رویکرد است. در نتیجه برخی از متغیرها به دلیل در دسترس نبودن یا غیرقابل دسترس بودن باید حذف شوند و این ممکن است نتایج به دست آمده از مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد؛ به عنوان مثال در این مطالعه، تاب‌آوری نهادی که نقش مهمی در مرحله آمادگی و برنامه‌ریزی برای تاب‌آوری در بلایا دارد، با توجه به این محدودیت فقط با دو متغیر کمی سازی می‌شود. در مرحله بعد، تنها تعداد محدودی از متغیرها را می‌توان با استفاده از مقایسه زوجی در نظر گرفت، زیرا از نظر شناختی سخت است، اگرچه روشی آسان برای استخراج وزن معیار توسط متخصصان این مطالعه یافت شد. بنابراین این امر باید برای مطالعات آینده در نظر گرفته شود.

- Asadzadeh, A., Kötter, T., & Zebardast, E. (2015). An augmented approach for measurement of disaster resilience using connective factor analysis and analytic network process (F'ANP) model. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 14, 504-518. doi.org/10.1016/j.ijdr.2015.10.002
- Asadzadeh, A., Kötter, T., Salehi, P., & Birkmann, J. (2017). Operationalizing a concept: The systematic review of composite indicator building for measuring community disaster resilience. *International journal of disaster risk reduction*, 25, 147-162. doi.org/10.1016/j.ijdr.2017.09.015.
- Béné, C. (2013). Towards a quantifiable measure of resilience. *IDS Working Papers*, 2013(434), 1-27. doi.org/10.1111/j.2040-0209.2013.00434.x
- Burton, C. G. (2012). *The Development of Metrics for Community Resilience to Natural Disasters*. Diss. University of South Carolina. doi.org/10.1007/s13398-014-0173-7.2
- Burton, C. G. (2015). A validation of metrics for community resilience to natural hazards and disasters using the recovery from Hurricane Katrina as a case study. *Annals of the Association of American Geographers*, 105(1), 67-86. doi.org/10.1080/00045608.2014.960039
- Büyüközkan, G., & Güleriyüz, S. (2016). An integrated DEMATEL-ANP approach for renewable energy resources selection in Turkey. *International journal of production economics*, 182, 435-448. doi.org/10.1016/j.ijpe.2016.09.015
- Chen, F. H., Hsu, T. S., & Tzeng, G. H. (2011). A balanced scorecard approach to establish a performance evaluation and relationship model for hot spring hotels based on a hybrid MCDM model combining DEMATEL and ANP. *International Journal of Hospitality Management*, 30(4), 908-932. doi.org/10.1016/j.ijhm.2011.02.001
- Chen, J. K., & Chen, I. S. (2010). Using a novel conjunctive MCDM approach based on DEMATEL, fuzzy ANP, and TOPSIS as an innovation support system for Taiwanese higher education. *Expert Systems with Applications*, 37(3), 1981-1990. doi.org/10.1016/j.eswa.2009.06.079
- Chiu, W. Y., Tzeng, G. H., & Li, H. L. (2013). A new hybrid MCDM model combining DANP with VIKOR to improve e-store business. *Knowledge-Based Systems*, 37, 48-61. doi.org/10.1016/j.knosys.2012.06.017
- Cumming, G. S., Barnes, G., Perz, S., Schmink, M., Sieving, K. E., Southworth, J., ... & Van Holt, T. (2005). An exploratory framework for the empirical measurement of resilience. *Ecosystems*, 8(8), 975-987. doi.org/10.1007/s10021-005-0129-z
- Cutter, S. L. (2016). The landscape of disaster resilience indicators in the USA. *Natural hazards*, 80(2), 741-758. doi.org/10.1007/s11069-015-1993-2
- Cutter, S. L., Ash, K. D., & Emrich, C. T. (2014). The geographies of community disaster resilience. *Global environmental change*, 29, 65-77. doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2014.08.005
- Cutter, S. L., Ash, K. D., & Emrich, C. T. (2016). Urban-rural differences in disaster resilience. *Annals of the American Association of Geographers*, 106(6), 1236-1252. doi.org/10.1080/24694452.2016.1194740
- Cutter, S. L., Barnes, L., Berry, M., Burton, C., Evans, E., Tate, E., & Webb, J. (2008). A place-based model for understanding community resilience to natural disasters. *Global Environmental Change*, 18(4), 598-606. doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2008.07.013
- Cutter, S. L., Burton, C. G., & Emrich, C. T. (2010). Disaster resilience indicators for benchmarking baseline conditions. *Journal of homeland security and emergency management*, 7(1). doi.org/10.2202/1547-7355.1732
- Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses. *Global environmental change*, 16(3), 253-267. doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2006.04.002
- Frazier, T. G., Thompson, C. M., Dezzani, R. J., & Butsick, D. (2013). Spatial and temporal quantification of resilience at the community scale. *Applied Geography*, 42, 95-107. doi.org/10.1016/j.apgeog.2013.05.004
- Hallegatte, S., Green, C., Nicholls, R. J., & Corfee-Morlot, J. (2013). Future flood losses in major coastal cities. *Nature climate change*, 3(9), 802-806. doi.org/10.1038/nclimate1979
- Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual review of ecology and systematics*, 1-23. doi.org/10.1146/annurev.es.04.110173.000245
- Holling, C. S. (1996). Engineering resilience versus ecological resilience. *Engineering within ecological constraints*, 31(1996), 32.
- Hwang, C. L., Yoon, K., Hwang, C. L., & Yoon,

- K. (1981). Methods for multiple attribute decision making. *Multiple attribute decision making: methods and applications a state-of-the-art survey*, 58-191. doi.org/10.1007/978-3-642-48318-9_3
- International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies. (2016). *World disasters report 2016–Resilience: Saving lives today, investing for tomorrow*.
 - Ju, Y., Wang, A., & You, T. (2015). Emergency alternative evaluation and selection based on ANP, DEMATEL, and TL-TOPSIS. *Natural Hazards*, 75(2), 347-379. doi.org/10.1007/s11069-014-1077-8
 - Kwak, Y., Deal, B., & Mosey, G. (2021). Landscape design toward urban resilience: Bridging science and physical design coupling sociohydrological modeling and design process. *Sustainability*, 13(9), 4666. doi.org/10.3390/su13094666
 - Masozera, M., Bailey, M., & Kerchner, C. (2007). Distribution of impacts of natural disasters across income groups: A case study of New Orleans. *Ecological economics*, 63(2-3), 299-306. doi.org/10.1016/j.ecolecon.2006.06.013
 - Mayunga, J. S. (2009). *Measuring the measure: A multi-dimensional scale model to measure community disaster resilience in the US Gulf Coast region*. Texas A&M University.
 - Moghadas, M., Asadzadeh, A., Vafeidis, A., Fekete, A., & Kötter, T. (2019). A multi-criteria approach for assessing urban flood resilience in Tehran, Iran. *International journal of disaster risk reduction*, 35, 101069. doi.org/10.1016/j.ijdr.2019.101069
 - Movahed, S., & Tabibian, M. (2020). Proposing a framework for city's ecological resilience pattern. *Motaleate Shahri*, 9(33), 109-126. doi: 10.34785/J011.2019.865 [in Persian]
 - Obrist, B., Pfeiffer, C., & Henley, R. (2010). Multi-layered social resilience: a new approach in mitigation research. *Progress in Development Studies*, 10(4), 283-293. doi.org/10.1177/146499340901000402
 - Pai, F. Y. (2014). Analyzing consumers' decisions to select micro-invasive aesthetic service providers using a hybrid method. *Applied Mathematics & Information Sciences*, 8(6), 3071-3083. doi.org/10.12785/amis/080648
 - Pickett, S. T., Cadenasso, M. L., & Grove, J. M. (2004). Resilient cities: meaning, models, and metaphor for integrating the ecological, socio-economic, and planning realms. *Landscape and urban planning*, 69(4), 369-384. doi.org/10.1016/j.landurbplan.2003.10.035
 - PWC. (2013). *World in 2050. Long-Term Growth Projections*. PWC.
 - Renschler, C. S., Frazier, A. E., Arendt, L. A., Cimellaro, G. P., Reinhorn, A. M., & Bruneau, M. (2010). Developing the 'PEOPLES' resilience framework for defining and measuring disaster resilience at the community scale. In *Proceedings of the 9th US national and 10th Canadian conference on earthquake engineering* (pp. 25-29). Canada Toronto. doi. 10.13140/RG.2.1.1563.4323
 - Safiah Yusmah, M. Y., Bracken, L. J., Sahdan, Z., Norhaslina, H., Melasutra, M. D., Ghaffarianhoseini, A., ... & Shereen Farisha, A. S. (2020). Understanding urban flood vulnerability and resilience: a case study of Kuantan, Pahang, Malaysia. *Natural Hazards*, 101(2), 551-571. doi.org/10.1007/s11069-020-03885-1
 - Scherzer, S., Lujala, P., & Rød, J. K. (2019). A community resilience index for Norway: An adaptation of the Baseline Resilience Indicators for Communities (BRIC). *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 36, 101107. doi.org/10.1016/j.ijdr.2019.101107
 - Sharifi, A. (2016). A critical review of selected tools for assessing community resilience. *Ecological indicators*, 69, 629-647. doi.org/10.1016/j.ecolind.2016.05.023
 - Singh-Peterson, L., Salmon, P., Goode, N., & Gallina, J. (2014). Translation and evaluation of the baseline resilience indicators for communities on the Sunshine Coast, Queensland Australia. *International journal of disaster risk reduction*, 10, 116-126. doi.org/10.1016/j.ijdr.2014.07.004
 - Spett, E. J. (2021). *After the Flood: Exploring the Influence of Risk Perception and Decision Criteria Preference on Flood Mitigation in the Lake Champlain Richelieu River Basin*. The University of Vermont and State Agricultural College.
 - Statistical Centre of Iran. (2016). *Selected Findings of the 2016 National Population and Housing Census (NPHC)* [in Persian]
 - Sun, R., Shi, S., Rehehan, Y., & Li, S. (2022). Measurement of urban flood resilience using a quantitative model based on the correlation of vulnerability and resilience. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 82, 103344. doi.org/10.1016/j.ijdr.2022.103344
 - Thor, J., Ding, S. H., & Kamaruddin, S. (2013).

Comparison of multi criteria decision making methods from the maintenance alternative selection perspective. *The International Journal of Engineering and Science*, 2(6), 27-34.

- Weichselgartner, J., & Kelman, I. (2015). Geographies of resilience: Challenges and opportunities of a descriptive concept. *Progress in human geography*, 39(3), 249-267. doi.org/10.1177/0309132513518834
- Xu, Y. Y., Li, G., Cui, S. H., Xu, Y., Pan, J., Tong, N., & Zhu, Y. (2018). Review and perspective on resilience science: From ecological theory to urban practice. *Acta Ecologica Sinica*, 38(15), 5297-5304.

نحوه ارجاع به مقاله:

ابدالی، یعقوب؛ حاتمی نژاد، حسین، زنگنه شهرکی، سعید؛ پوراحمد، احمد و سلمانی، محمد (۱۴۰۳)، سنجش تاب‌آوری شهری در برابر مخاطره سیل با استفاده از شاخص‌های ترکیبی؛ نمونه مورد مطالعه: شهر خرم‌آباد، مطالعات شهری، 13 (50)، 61-76. <https://doi.org/10.34785/61-76>، J011.2022.021

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تحلیل جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در شهر بجنورد

محمد رضا ضمیری - دانش آموخته دکتری تخصصی شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران.

مهین نسترن^۲ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران.

محمود قلعه‌نویی - استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۵ آبان ۱۴۰۲

چکیده

سنجش و ارزیابی جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی با ارتقای ابزارهای محاسباتی، جایگاهی برجسته در مطالعات شهری و اجتماعی پیدا کرده است. بجنورد پس از تقسیم استان خراسان در سال ۱۳۸۳ به عنوان مرکز استان خراسان شمالی برگزیده شد و در سال‌های اخیر رشد و گسترش سریع و پیش‌بینی نشده‌ای را تجربه کرده و جمعیت و مساحت آن به ترتیب دو و سه برابر شده‌اند. بدین ترتیب شکل و شیوه توزیع جمعیت به‌ویژه خانواده‌هایی که در پی مهاجرت گسترده در این سال‌ها به فضای شهری بجنورد وارد شده‌اند، در ارتباط با تنوع و تکثر قومی و فرهنگی موجود در سطح شهر بجنورد، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و مبتنی بر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با هدف ارزیابی و تبیین وضعیت و روند جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهر بجنورد انجام شده است. در این پژوهش با بهره‌گرفتن از داده‌های آماری جمعیت محله‌های بجنورد، به محاسبه و اندازه‌گیری شاخص‌های نشانگر ابعاد مختلف جدایی‌گزینی سکونتی میان گروه‌های قومی در سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی می‌پردازد. به این منظور داده‌های گردآوری شده به کمک نرم‌افزارهای Geo-Segregation Analyzer و ArcGIS با شاخص‌های دوگروهی، چندگروهی، شاخص‌های تمرکز و خوشه‌بندی تحلیل شده و نتیجه در قالب نقشه و جدول ارائه شد. تحلیل و تبیین یافته‌ها نمایانگر آنست که پس از ارتقای بجنورد به مرکزیت استان، شاخص‌های جدایی‌گزینی سکونتی میان قومیت‌های بجنورد رو به رشد و شدت گرفتن بوده است. به‌ویژه در خصوص قومیت ترکمن، روند رشد و تشدید شاخص‌های یادشده به اندازه‌ای است که ادامه آن می‌تواند به بروز بحران جدایی‌گزینی کامل در محله‌های ترکمن‌نشین بجنورد بینجامد. با توجه به اهمیت حفظ یکپارچگی و انسجام شهری، هرگونه طرح‌ریزی (بازنگری طرح جامع) به منظور توسعه شهری و بازآفرینی بافت ناکارآمد و سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند توجه به موضوع جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی شهر بجنورد خواهد بود.

واژگان کلیدی: جدایی‌گزینی سکونتی، ابعاد اجتماعی فضایی، شاخص جدایی‌گزینی، بجنورد.

نکات برجسته

- جدایی‌گزینی فضایی-اجتماعی در مقیاس محله‌های شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اشکال و نمودهای نابرابری و بی‌عدالتی در زندگی شهری شناخته می‌شود.
- هدف اصلی و بنیادین این پژوهش سنجش جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهری بجنورد بوده است.
- درجه خوشه‌بندی در توزیع جمعیت گروه قومی ترکمن در سطح محله‌های شهری بجنورد در ده سال و در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به شکلی فزاینده رو به رشد بوده است.
- بررسی و مطالعه پیامدهای این روند دگرگونی و تغییر در جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های قومی در کیفیت زندگی در محله‌های شهری به انجام رسیده است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی رشته شهرسازی با عنوان «تحلیل ابعاد اجتماعی فضایی مسکن شهری با تأکید بر جدایی‌گزینی برخی جوامع محلی؛ مورد پژوهشی: شهر بجنورد» است که توسط نویسنده اول، به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم، در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.nastaran@au.ac.ir

۱. مقدمه

اگرچه مطالعه و بررسی جنبه‌های اجتماعی فضایی جوامع شهری سابقه‌ای به نسبت طولانی دارد، در دهه‌های پایانی سده بیستم میلادی و با گسترش و تقویت روش‌های محاسبات آماری و ابداع ابزارهای اندازه‌گیری و نرم‌افزارهای مرتبط، علاقمندی و توجه بیشتری از سوی پژوهشگران به ابعاد فضایی در مطالعات مربوط به توسعه شهری و جمعیت‌شناسی نشان داده شده است. فضا نمایشی از الگوی استقرار شناخته می‌شود. ترتیب و نحوه قرار گرفتن عناصر فضایی و شکل و شیوه ارتباط و برهم‌کنش آنها در یک حوزه جغرافیایی مشخص، ساختار فضایی یا نظام محیطی یک مکان را تشکیل می‌دهد (Farash Khayalu, 2020: 3). مفهوم فضا رابطه‌ای چندجانبه و به نسبت پیچیده با نابرابری‌ها و تفاوت‌های اجتماعی دارد. این نابرابری و تفاوت می‌تواند جزئی و در میان گروه‌های اجتماعی (قومی، زبانی، نژادی، درآمدی و مانند اینها) و یا کلی بوده و حتی منجر به شکل‌گیری «گتو» شده باشد. در این حالت، فضای اجتماعی در قالب یک فضای جغرافیایی مانند منطقه یا محله‌های شهری تعریف خواهد شد.

به طور کلی جدایی‌گزینی‌های اجتماعی فضایی در سطح محله‌های شهری یکی از اشکال و نمودهای اصلی و مهم نابرابری و بی‌عدالتی فضایی در زندگی شهری شناخته می‌شود و می‌تواند با فراهم آوردن ابزارهایی کارآمد برای سنجش و اندازه‌گیری، امکان ارزیابی و تحلیل دقیق وضعیت و شدت نابرابری‌های یاد شده را پدید آورد. همچنین به پژوهشگران امکان می‌دهد سیر تحول و دگرگونی پدیده جدایی‌گزینی را در یک فضای جغرافیایی مشخص پیگیری کند و شکل و شیوه دسترسی شهروندان به خدمات یا فرصت‌های مختلف موجود در فضای مورد پژوهش را نشان دهد.

حوزه مورد مطالعه حاضر، محله‌های شهر بجنورد هستند. شهر بجنورد پس از ارتقا یافتن به مرکزیت استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۳ رشد و گسترش سریع و پیش‌بینی نشده‌ای را تجربه کرده است. به طوری که در فاصله زمانی ۱۸ سال (۱۳۸۳ تا ۱۴۰۱) جمعیت آن نزدیک به دو برابر و گستره آن نزدیک به سه برابر بیشتر و بزرگ‌تر شده است (Statistical Centre of Iran, 2021).

بررسی روند رشد طبیعی جمعیت بجنورد (۰/۷ درصد) (Statistical Centre of Iran, 2021) در دو دهه گذشته با روند رشد مطلق جمعیت (۱/۹ درصد) (Statistical Centre of Iran, 2021) نشان می‌دهد که بخش زیادی از رشد و گسترش شهر بجنورد، پیامد مهاجرت‌های گسترده‌ای به شمار می‌رود که در دو دهه گذشته از روستاها و شهرهای همجوار و حتی خارج از محدوده استان خراسان شمالی به شهر بجنورد وارد شده‌اند (Part Consulting Engineers, 2022).

چنانکه اشاره شد، مهاجرت یکی از عوامل مهم در بازپخش جمعیت در فضای جغرافیایی و یک عامل برجسته در پدید آمدن جدایی‌گزینی

۱. گتو (Ghetto) برگرفته از عنوان اردوگاه‌های بسته پیرامون شهر ورشو در لهستان است که در دوره جنگ جهانی دوم به منظور سکونت اجباری یهودیان و جدا کردن آنها از سایر بخش‌های شهر برپا شده بود. به همین سبب به هرنوع جدایی کامل یک اجتماع شهری از بافت شهر، گتو اطلاق می‌گردد.

اجتماعی فضایی در شهرها شناخته می‌شود. همچنین با توجه به ترکیب و تنوع قومی ساکنان بجنورد که به دلیل رویدادهای تاریخی و مهاجرت‌های اجباری در دوره صفوی روی داده‌اند (Seyedizadeh 1993: 55)، پدیده جدایی‌گزینی ابعاد اجتماعی فضایی ویژه‌ای پیدا کرده است.

بر اساس جدیدترین آمار موجود، جمعیت شهر بجنورد در سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۳۴۰ هزار تن بوده است (Statistical Centre of Iran, 2021) و به لحاظ ترکیب قومیتی، پنج گروه مشخص در آن دیده می‌شوند که عبارتند از: ترک، کرمانج، فارس، ترکمن و تات (Seyedizadeh & Abbasian, 1993: 18). تنوع قومی موجود در شهر بجنورد به همراه الگوی نامتوازن مهاجرت‌های دهه‌های گذشته، اهمیت و ضرورت مطالعه شدت و چگونگی جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی در شهر بجنورد را توجیه می‌کند. به ویژه آن که جدایی‌گزینی سکونتی خود را به صورت حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در شهر نشان می‌دهد و موجب شکل گرفتن محله‌های کم‌برخوردار و ناکارآمد به لحاظ سکونت و فعالیت در فضای جغرافیایی شهر بجنورد شده است.

هدف اصلی و بنیادین این پژوهش سنجش وضعیت جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهر بجنورد و تحلیل چگونگی تغییر و روند تحول آنهاست. به این منظور پرسش اصلی پژوهش به این شکل صورت بندی می‌شود که ابعاد اجتماعی فضایی پدیده جدایی‌گزینی سکونتی قومیت‌های ساکن در محله‌های شهر بجنورد در چه وضعی است و چگونه تغییر می‌کند؟

۲. مبانی نظری

بررسی، ارزیابی و اندازه‌گیری پدیده جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی در جوامع مختلف شهری و به ویژه در سطح محله‌های شهری به لحاظ جنبه‌ها و ویژگی‌هایی که موجب پدید آمدن نابرابری‌های فضایی شده‌اند، در سال‌های گذشته توجه زیادی به سوی خود جلب کرده است. با این همه و با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن مفهوم جدایی‌گزینی، تعریف واحد و یکسانی از آن ارائه نشده است (Afrough, 1999). جدایی‌گزینی را به صورت تمایل ارادی و یا اجباری اقشار و گروه‌های گوناگون اجتماعی به جدایی فیزیکی از یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی تعریف کرده است. بدین ترتیب جدایی‌گزینی مفهومی نسبی و متغیر به نظر می‌رسد که ممکن است نسبت به بخشی از جامعه و یا تمامی آن اتفاق بیفتد. همچنین با توجه به تنوع عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی که می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، کالبدی یا اجتماعی باشد، نظریه‌پردازان و پژوهشگران با رویکرد و هدف متفاوتی موضوع جدایی‌گزینی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

فاهی و فانینگ با بررسی روند جدایی‌گزینی سکونتی میان مهاجران در شهر دوبلین (ایرلند) در بازه سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ وضعیت اقلیت‌های مذهبی مهاجر را رو به تمرکز و تشدید جدایی‌گزینی سکونتی ارزیابی کردند (Fahey, & Fanning, 2010). گرژنگورسیک و جازسکوا پژوهش مشابهی را در مناطق کلانشهری پاریس، برلین و ورشو (لهستان) انجام داده‌اند. در این مطالعه با استفاده از روش‌های کمی و آمار توصیفی، روند مهاجرت‌ها به عنوان عامل اصلی بروز جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی شناخته شده است (Grzegorzczak & Jaczewska, 2015).

را برای سکونت انتخاب می‌کنند که با توجه به خاستگاه اقتصادی و اجتماعی‌شان برای آنها قابل استطاعت است. به همین دلیل با خاستگاه ضعیف‌تر در مناطقی سکونت می‌کنند که از نظر کالبدی-سکونتی در شرایط مساعدی قرار ندارد. در نتیجه این عوامل ضمن جدا کردن مهاجران از بافت اصلی شهر و از یکدیگر، جدایی‌گزینی و شکاف فضایی را در مشهد تشدید می‌کند و مانع از تحقق انگاره توسعه پایدار می‌شود (Rafieian, et al., 2018).

نگاهی به پیشینه پژوهشی موضوع جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های اجتماعی در ایران و جهان نشان می‌دهد که در نگاه پژوهشگران این حوزه، پدیده جدایی‌گزینی امری اجتناب‌ناپذیر و بخشی از روند طبیعی اجتماعات انسانی است و از سویی دیگر پدیده‌ای منفی ارزیابی می‌شود که رویکرد کلی برنامه‌ریزی‌ها را به سوی کاهش شدت آن سوق داده است. بنابراین با توجه به اهمیت حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه شهری، رشد و تشدید پدیده جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی در شهر بجنورد نیز پدیده‌ای ناخوشایند ارزیابی می‌شود و لازم است در پژوهش‌ها و به‌ویژه طرح‌ریزی‌های آینده (بازنگری طرح جامع شهر بجنورد و برنامه بازآفرینی بافت ناکارآمد و سکونتگاه‌های غیررسمی شهر بجنورد) مورد نظر قرار گیرد.

از سویی دیگر مرور پیشینه پژوهشی این حوزه نشان می‌دهد که در تعیین نوع و اندازه‌گیری شدت جدایی‌گزینی سکونتی، شاخص‌های اقتصادی و به‌طور ویژه، درآمد و مسکن بیشترین توجه را به خود جلب کرده‌اند و جدایی‌گزینی سکونتی در شهرهای مختلف بر اساس تفاوت و عدم تعادل در شاخص درآمد و نحوه مالکیت مسکن سنجیده و تحلیل شده‌اند و وضعیت اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در این پژوهش‌ها مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته است. با توجه به ویژگی خاص شهر بجنورد، در تنوع قومیت‌های ساکن در آن، نگاهی ویژه به جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی و سنجش، ارزیابی و تحلیل وضعیت و روند تغییرات آن در سال‌های گذشته، ضروری به نظر می‌رسد.

۲.۱ ادبیات موضوع

اندیشمندان و نظریه‌پردازان اجتماعی در مطالعه و تحلیل پدیده جدایی‌گزینی به عوامل و ابعاد مختلفی اشاره و تأکید کرده‌اند و با توجه به رویکرد نظری خود، به ارزیابی و سنجش این پدیده پرداخته‌اند. توجه به ابعاد اجتماعی فضایی جدایی‌گزینی سکونتی ریشه در اندیشه و نظر ماکس وبر دارد که قشریندی اجتماعی را بر اساس مفهوم «منزلت» تحلیل و تبیین کرده است (Maffini, & Maraschin, 2018). از دید او، محل اقامت و سکونت، یکی از مهم‌ترین نمادهای منزلتی گروه‌های مختلف در یک نظام اجتماعی است. بنابراین فضای شهری توسط گروه‌های مختلف منزلتی به شکلی نابرابر تقسیم می‌شود که با درجه مختلف نسبت به یکدیگر متمایز شده‌اند.

داگلاس مسی در تبیین جدایی‌گزینی سکونتی بر مبنای عوامل اجتماعی، دو فرضیه را ارائه داده است. نخست فرضیه «جذب» که بیان می‌کند هرچه طبقه اجتماعی و پایگاه اجتماعی بالاتر رود، ادغام فضایی گروه اقلیت در اکثریت بیشتر خواهد شد؛ و دوم فرضیه «فاصله اجتماعی» که بیان می‌کند فاصله فیزیکی در فضای جغرافیای شهری

لین و گاباتز با بررسی تجربه زندگی روزمره مهاجران در شهر ونزو (چین) وضعیت جدایی‌گزینی سکونتی ایشان را در روندی روبه تشدید و تقویت تشخیص داده‌اند (Lin, & Gaubatz, 2016). استفاده از روش‌های کمی و شاخص‌های اندازه‌گیری جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی در آتن (Panori, et al., 2019)، شهرهای مهم آلمان در سال‌های پس از اتحاد (Buch, 2021) و ماریسی (Grzegorzczak, 2021) به منظور سنجش و تبیین جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های اجتماعی به ویژه مهاجران به انجام رسیده است.

شواهد با بررسی وضعیت جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های مختلف اجتماعی در شهرهای فرانسه، عوامل مؤثر بر پدید آمدن و تقویت روند جدایی میان گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه مهاجران افریقایی تبار را در ابعاد اقتصادی و فرهنگی تشخیص داده است (Schwabe, 2021). بناسی و همکاران موضوع نابرابری‌های اجتماعی فضایی در شهرهایی که تنوع قومیتی بالایی دارند را تحلیل و تبیین کرده و روش‌های اندازه‌گیری پیشنهادی را برای شناسایی چالش‌ها و مخاطرات اجتماعی مورد استفاده قرار دادند. مطالعه و بررسی جمعیت‌شناسانه محور و مبنای سنجش و تحلیل در این پژوهش بوده است (Benassi, et al., 2022).

ازدوری و همکاران الگوهای جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های اجتماعی کلانشهر شیراز را در سال ۱۳۹۰ با روش توصیفی-تحلیلی بررسی کردند. آنها علاوه بر بیان کمی تفرق‌های اجتماعی موجود، توزیع فضایی گروه‌های مختلف را نیز نشان دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از جدایی‌گزینی گروه‌های تحصیل‌کرده، طبقات بالا و طبقات متوسط از گروه‌ها و اقشار کم‌برخوردار جامعه شهری شیراز است (Azhdari, et al., 2016).

جلیلی صدآباد و همکاران پژوهشی با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی و بررسی آنها در محله‌های فدک و کرمان در منطقه هشت شهرداری تهران انجام دادند. در این پژوهش برای سنجش وضعیت جدایی‌گزینی از تحلیل عاملی استفاده شده است. نتیجه بررسی و تحلیل عوامل مؤثر نشان داد که این دو محله به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و در آنها جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی پدید نیامده است (Jalilisadrabad, et al., 2018). میرآبادی و همکاران نقش عواملی همچون شاخص‌های جمعیتی-اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در عدم تعادل، تمرکز و جدایی‌گزینی فضایی در شهر مهاباد را تبیین و تحلیل کردند. نتیجه این پژوهش آشکار ساخت که عامل قابل توجه و دارای اولویت در ساختار فضایی شهر مهاباد که موجب ایجاد شکاف، جدایی‌گزینی و تمرکز فضایی و همچنین دارای بیشترین اثر بر عدم تعادل فضایی شهر مهاباد است، عامل کالبدی و در رأس آنها تأسیسات و خدمات شهری است (Mirabadi, et al., 2018).

رفعیان و همکاران چگونگی سکونت مهاجران در شهر مشهد و ترجیحات آنها را در انتخاب محل سکونتشان بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد با توجه به شاخص جدایی‌گزینی چندگروهی، مهاجران به صورت خوشه‌ای و جدا افتاده در شهر مشهد زندگی می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ترجیحات آنها برای انتخاب محل سکونت، حضور هموعانشان در همسایگی آنهاست. مهاجران مشهد مکان‌هایی

با توجه به مسئله پژوهش در خصوص وضعیت و روند پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهری بجنورد که بر اساس مقایسه آمار نرخ رشد طبیعی و مطلق، ناشی از مهاجرت‌های گسترده سال‌های گذشته بوده است، بر پایه رقابت گروه‌های اجتماعی مختلف برای دستیابی به فضای شهری تبیین می‌گردد. چنانکه نظریه‌پردازان بوم‌شناسی انسانی بیان کرده‌اند، روند ورود مهاجران به فضای شهری و انتخاب محل سکونت و نحوه اشغال فضاهای شهری و در دسترس بودن این فضاها برای گروه‌های مختلف اجتماعی، موجب پخشایش جمعیت در سطح محله‌های شهری می‌شود که با توجه به تنوع قومی موجود، بر اساس دلایل و عوامل گزینش محل سکونت، به شکل گرفتن یا تقویت پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌گروه‌های اجتماعی در سطح محله‌های شهری می‌شود. به دلیل رقابت نابرابر گروه‌های اجتماعی قومی برای دست پیدا کردن به فضای سکونتی مناسب و گرایش عمومی مردم تازه‌وارد برای زندگی در نزدیکی گروه اجتماعی قومی همگون، عدم تعادل در توزیع جمعیت گروه‌های قومی در سطح محله‌های مختلف شهر بجنورد، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۳. روش تحقیق و یافته‌های پژوهش

شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، با جمعیتی نزدیک به ۳۴۰ هزار نفر در شمال شرقی ایران و در فاصله ۷۰۰ کیلومتری تهران قرار دارد. بجنورد به لحاظ تنوع قومی و فرهنگی، در میان شهرهای ایران کم‌نظیر است؛ به طوری که پنج قومیت مختلف با دو مذهب متفاوت در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. با این همه و در پی رشد سریع جمعیت شهر پس از مهاجرت‌های گسترده‌ای که در دو دهه گذشته و پس از تأسیس استان جدید رخ داد، به نظر می‌رسد توازن و تعادل توزیع فضایی جمعیت قومیتی در سطح محله‌های شهری دستخوش تغییر و تحول شده است. لازم به یادآوری است که گروه‌های قومی مورد اشاره در شهر بجنورد، زبان و گویش مخصوص به خود را داشته و به زبان‌های ترکی (لهجه بجنوردی)، کردی (گویش کرمانجی)، ترکمنی و تاتی سخن می‌گویند و زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و زبان گروهی از ساکنان بجنورد، نقش زبان میانجی برای قومیت‌های دیگر را ایفا می‌کند. به بیان دیگر مبنای تفکیک قومی در میان ساکنان شهر بجنورد، تفاوت زبان و گویش ایشان در خانواده و درون گروه اجتماعی خود بوده است. با توجه به هدف اصلی پژوهش، روش پژوهشی مورد نظر، توصیفی تحلیلی است. بدین منظور با بهره گرفتن از جدیدترین آمار جمعیتی و ترکیب قومی آن در سطح محله‌های شهر بجنورد که به عنوان واحد فضایی پژوهش تعیین شده‌اند، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. همچنین با توجه به آن که روند تغییر وضعیت جدایی‌گزینی سکونتی در سال‌های گذشته و با تأکید بر دوره زمانی پس از ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان خراسان شمالی مورد نظر بوده، آمار جمعیتی و ترکیب آن در دوره‌های سرشماری پیشین نیز به دست آمده است. در ادامه با استفاده از شاخص‌هایی که ابعاد اجتماعی فضایی جدایی‌گزینی سکونتی و وضعیت تراکم و تمرکز توزیع سکونت‌گروه‌های قومی را اندازه‌گیری می‌کنند، در نرم‌افزار Geo-Segregation Analyzer ارزیابی و سنجیده به صورت نقشه‌های متناسب نمایش داده شدند.

رابطه مستقیم با فاصله اجتماعی گروه‌های مختلف قومی و مذهبی دارد که به معنای جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی بر اساس فاصله اجتماعی آنها (و نه پایگاه اقتصادی آنها) خواهد بود (Jalilisadrabad & Hashemi, 2018: 7).

دو رهیافت نظری در حوزه بوم‌شناسی برای توضیح الگوهای جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی وجود دارد که عبارتند از:

الف- رهیافت بوم‌شناسی انسانی (اکولوژی انسانی)^۱ که تغییر شهر را بر پایه رقابت گروه‌های مختلف اجتماعی برای دستیابی به فضا تبیین می‌کند.

ب- رهیافت تحلیل ناحیه اجتماعی (اکولوژی عاملی)^۲ که الگوی فضایی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و عناصر شهری را به کمک نقشه نمایش می‌دهد (Meshkini & Rahimi, 2011).

در دیدگاه بوم‌شناسی انسانی، جدایی‌گزینی بر اساس مرحله‌های بوم‌شناسانه هجوم و توالی اتفاق می‌افتد که در چند گام مشخص روی می‌دهد: «نفوذ» که به ورود گروه اجتماعی متفاوت از اکثریت ساکنان به یک فضای جغرافیایی معین گفته می‌شود؛ «هجوم» که به ورود گسترده گروه اجتماعی متفاوت به یک فضای جغرافیایی معین گفته می‌شود که بیشتر تعداد کمی از این گروه اجتماعی در آن فضا سکونت پیدا کرده‌اند؛ «تثبیت» که سکونت گروه اجتماعی تازه‌وارد در فضای جغرافیایی یاد شده را استوار می‌سازد و «توالی» که به ورود گروه اجتماعی دیگر به فضای جغرافیایی گفته می‌شود (Benassi et al. 2020: 4-5).

در مرحله‌ای که سکونت یک گروه اجتماعی در فضای جغرافیایی جدید استوار و تثبیت می‌شود، با ورود تعداد بیشتری از خانوارهای گروه اجتماعی یاد شده، تراکم و نسبت جمعیتی آنها بیشتر شده و با توجه به محدودیت فضای سکونتی در آن فضای جغرافیایی، عواملی مانند درآمد، جایگاه اجتماعی، قومیت و مانند اینها تعیین‌کننده محل سکونت خانوادگی تازه‌وارد خواهد شد. بدین ترتیب توزیع نابرابر جمعیت و بی‌عدالتی در دسترسی آنها به خدمات و فرصت‌های موجود در جامعه می‌انجامد. بنابراین بر اساس دیدگاه بوم‌شناسی مکتب شیکاگو، جدایی‌گزینی فضایی به جدایی‌گزینی اجتماعی منجر می‌شود (Grzegorzcyk & Jaczewska, 2015: 5). زیرا جدایی‌گزینی فضایی نقشی اساسی و مؤثر در روابط اجتماعی بر عهده دارد. به طور کلی این دیدگاه به رقابت گروه‌های مختلف اجتماعی برای دستیابی به فضای شهری را عامل جدایی‌گزینی می‌داند.

امروزه با ورود فناوری‌های جدید و تغییر عمده سبک زندگی و شکل قشربندی اجتماعی و تکثر گروه‌های اجتماعی در فضای جغرافیایی، شدت نابرابری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده جدایی‌گزینی سکونتی متفاوت از دوران گذشته شده و اندازه بیشتری پیدا کرده است (Farash Khayalu, 2020: 6). در دیدگاه‌های جدیدتر بوم‌شناسی شهری وابستگی میان ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مبنای کار قرار می‌گیرد و قشربندی اجتماعی در شهرها با همه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مطالعه و تحلیل می‌شود (Jalilisadrabad & Hashemi, 2018: 6).

- 1 Human ecology
- 2 Factor ecology

۳٫۱. یافته‌اندوزی

سرشماری‌های عمومی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ و جدیدترین سالنامه آماری مربوط به شهر بجنورد که در سال ۱۴۰۱ منتشر شده و جمعیت آن را تا پایان سال ۱۴۰۰ به دست می‌دهد، گردآوری و تنظیم شدند. بدین ترتیب مواد و داده‌های مورد نیاز به منظور سنجش و اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف جدایی‌گزینی سکونت و وضعیت توزیع فضایی جمعیت به لحاظ قومی در سطح محله‌های شهر بجنورد فراهم آمد.

براساس طرح تفصیلی مصوب شهر بجنورد که در سال ۱۴۰۱ ابلاغ شده، شهر بجنورد به ۲۶ محله تقسیم شده است که در سه منطقه شهرداری توزیع شده‌اند. محله‌های یاد شده به عنوان بلوک‌های آماری در نظر گرفته شده و واحدهای فضایی مورد نظر این پژوهش را شکل دادند. وضعیت توزیع جمعیت در محله‌های شهر بجنورد از لحاظ قومیت ساکنان در آن در بازه زمانی پس از تأسیس استان خراسان شمالی، در

جدول شماره ۱: ترکیب جمعیتی محله‌های مورد مطالعه (درصد)

قوم ناحیه	فارس			ترک			کرد			ترکمن			تات		
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰
۱-۱	۲۰/۲	۲۵/۶	۲۶/۵	۴۱/۶	۳۸/۵	۳۷/۹	۳۲/۳	۳۱/۰	۲۹/۷	۲/۰	۲/۴	۲/۶	۱/۹	۲/۲	۲/۳
۲-۱	۱۷/۴	۱۸/۹	۲۰/۰	۳۶/۳	۳۳/۲	۳۳/۰	۲۹/۷	۲۹/۱	۲۸/۸	۲/۹	۳/۲	۳/۶	۲/۷	۲/۴	۲/۹
۱-۲	۱۴/۶	۱۷/۲	۲۱/۱	۴۳/۹	۴۵/۰	۴۷/۶	۲۹/۲	۲۴/۸	۲۰/۱	۷/۳	۹/۰	۹/۸	۳/۱	۳/۳	۳/۵
۲-۲	۱۰/۵	۹/۱	۸/۷	۲۶/۲	۲۶/۱	۲۵/۹	۲۷/۱	۲۸/۳	۲۹/۱	۱۷/۴	۲۱/۶	۲۵/۲	۹/۴	۹/۹	۱۰/۲
۳-۲	۲۰/۲	۲۲/۱	۲۳/۳	۳۲/۸	۳۳/۴	۳۴/۵	۲۱/۲	۲۱/۰	۱۹/۶	۹/۳	۱۰/۱	۱۰/۵	۸/۸	۸/۹	۸/۸
۴-۲	۱۱/۳	۱۲/۰	۱۱/۹	۲۹/۵	۲۹/۴	۲۹/۱	۲۴/۳	۲۵/۰	۲۵/۱	۱۰/۱	۱۰/۲	۱۰/۰	۵/۵	۴/۹	۵/۱
۱-۳	۱۸/۵	۱۷/۴	۱۷/۸	۲۲/۷	۲۳/۱	۲۳/۸	۲۳/۸	۴۰/۱	۴۰/۵	۲۰/۲	۲۰/۸	۲۲/۴	۸/۶	۸/۴	۸/۶
۲-۳	۲۰/۴	۲۱/۳	۲۱/۲	۳۹/۶	۳۹/۰	۴۰/۳	۲۷/۴	۲۷/۱	۲۶/۶	۶/۳	۵/۹	۵/۱	۳/۳	۳/۲	۳/۲
۳-۳	۲۴/۴	۲۵/۲	۲۶/۲	۳۴/۳	۳۵/۱	۳۸/۶	۳۰/۲	۲۹/۷	۲۹/۱	۳/۵	۳/۱	۳/۱	۱/۲	۱/۱	۱/۱
۱-۴	۲۸/۱	۲۹/۰	۲۹/۲	۳۸/۴	۳۹/۵	۴۱/۰	۲۳/۲	۲۲/۶	۲۲/۱	۱/۳	۱/۲	۱/۳	۰/۹	۰/۸	۰/۸
۲-۴	۱۴/۵	۱۴/۶	۱۵/۱	۲۴/۶	۲۴/۰	۲۴/۱	۳۴/۷	۳۵/۵	۳۶/۸	۱۰/۴	۱۱/۰	۱۱/۳	۴/۵	۴/۹	۴/۷
۱-۵	۲۹/۹	۳۰/۱	۳۰/۵	۳۶/۴	۳۷/۸	۳۷/۹	۲۳/۶	۲۳/۵	۲۳/۰	۷/۵	۷/۷	۷/۸	۳/۴	۳/۵	۳/۵
۲-۵	۲۶/۷	۲۸/۰	۲۸/۲	۳۳/۰	۳۳/۵	۳۳/۹	۲۵/۵	۲۵/۲	۲۵/۳	۶/۰	۵/۵	۵/۶	۸/۶	۸/۸	۸/۸
۳-۵	۱۲/۴	۱۱/۳	۱۰/۸	۲۶/۹	۲۶/۳	۲۶/۲	۲۰/۱	۲۲/۳	۲۴/۵	۳/۲	۳/۲	۸/۷	۲/۷	۲/۶	۲/۷
۱ح	۹/۷	۶/۶	۶/۰	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۲/۰	۵۵/۲	۵۵/۲	۵۲/۲	۱۱/۵	۱۲/۶	۱۲/۸	۱/۰	۰/۹	۰/۸
۲ح	۸/۵	۹/۰	۹/۴	۱۲/۶	۱۲/۹	۱۲/۹	۵۰/۱	۵۲/۳	۵۲/۹	۲۰/۴	۲۰/۵	۲۱/۱	۲/۰	۲/۰	۲/۰
۳ح	۷/۶	۷/۷	۷/۷	۱۱/۵	۱۱/۶	۱۱/۸	۵۹/۲	۶۰/۰	۵۹/۹	۱۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۲	۱/۵	۱/۶	۱/۸
۴ح	۱۱/۰	۱۰/۵	۱۰/۱	۹/۲	۱۰/۰	۹/۹	۶۷/۴	۶۶/۵	۶۶/۱	۱۲/۳	۱۲/۱	۱۲/۲	۱/۰	۱/۱	۱/۲
۵ح	۵/۵	۶/۴	۵/۸	۱۳/۱	۱۳/۰	۱۵/۰	۴۴/۶	۴۳/۳	۴۶/۱	۲/۹	۲/۵	۲/۵	۳/۰	۲/۹	۳/۳
۶ح	۸/۸	۱۰/۱	۹/۰	۴۸/۳	۴۹/۵	۵۰/۳	۱۴/۲	۱۵/۲	۱۴/۸	۲۵/۳	۲۵/۵	۲۷/۰	۰/۹	۰/۸	۱/۰
۷ح	۱۰/۴	۱۰/۲	۹/۹	۱۷/۲	۱۷/۸	۱۷/۵	۴۹/۹	۵۰/۳	۵۰/۳	۱۴/۵	۱۴/۳	۱۴/۴	۴/۳	۴/۵	۴/۶
۸ح	۱۵/۶	۱۸/۳	۲۰/۱	۱۶/۴	۱۵/۸	۱۵/۰	۴۰/۲	۴۰/۶	۴۱/۱	۱۲/۸	۱۱/۰	۱۰/۵	۹/۱	۹/۵	۹/۴
۹ح	۱۹/۳	۲۰/۶	۲۱/۰	۲۰/۸	۲۰/۹	۲۰/۹	۲۹/۱	۲۸/۷	۲۸/۸	۱۵/۵	۱۴/۲	۱۳/۲	۶/۵	۶/۴	۶/۰
۱۰ح	۱۲/۳	۱۱/۵	۱۱/۱	۳۱/۷	۳۴/۷	۳۵/۴	۴۱/۷	۴۲/۶	۴۲/۶	۱۲/۶	۱۳/۰	۱۳/۱	۷/۰	۶/۹	۷/۰
۱۱ح	۹/۰	۹/۲	۹/۳	۱۵/۳	۱۶/۷	۱۶/۸	۵۴/۷	۵۵/۶	۵۵/۷	۲۱/۰	۲۰/۹	۲۱/۲	۱/۴	۱/۲	۱/۱
۱۲ح	۱۰/۵	۱۰/۲	۱۰/۳	۲۱/۳	۲۲/۴	۲۲/۲	۳۴/۶	۳۶/۸	۳۷/۰	۱۵/۲	۱۶/۵	۱۶/۶	۲/۳	۲/۵	۲/۵

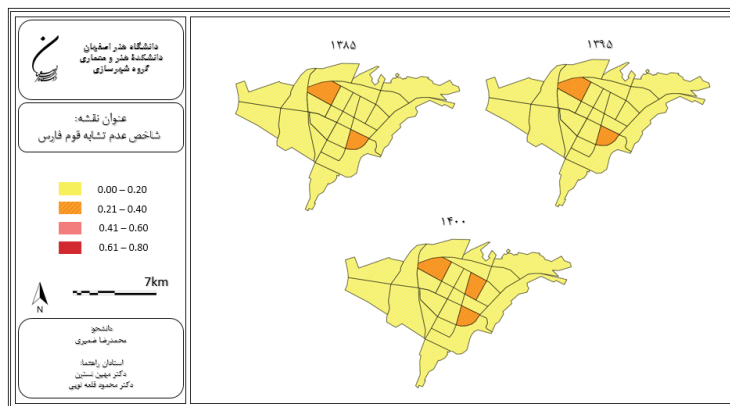
گرفته می‌شود. شاخص‌هایی که با استفاده از نرم‌افزار GSA شده برای محدوده مورد مطالعه اندازه‌گیری شده‌اند، عبارتند از: شاخص عدم تشابه دو گروهی، شاخص جدایی‌گزینی (یا جدایی) و شاخص‌هایی که با بهره گرفتن از نرم‌افزار GIS اندازه‌گیری و تحلیل شده‌اند عبارتند از: شاخص آنتروپی و شاخص I محلی موران.

شاخص عدم تشابه (D) متداول‌ترین روش برای اندازه‌گیری تفکیک است و مقایسه می‌کند که چگونه یک زیرگروه جمعیتی از نظر جغرافیایی به طور مساوی در مقایسه با زیرگروه جمعیتی دیگر پراکنده شده است (Massey et al. 1996: 4). با توجه به آن که مطالعه پدیده جدایی‌گزینی در سطح محله‌ها در شهر بجنورد مورد نظر است، شاخص عدم تشابه دوگروهی را می‌توان در این محله‌ها و براساس جمعیت هر یک از قومیت‌های ساکن در آنها و به شکل دو به دو بررسی و مطالعه نمود. شاخص مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار Geo-Segregation Analyzer قابل محاسبه است.

جدول شماره ۱ وضعیت ترکیب قومی مردم ساکن در محله‌های مختلف شهر بجنورد را در سه دوره سرشماری (سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰) نشان می‌دهد. این داده‌ها بیان‌کننده آن هستند که در سطح محله‌های ۲۶ گانه شهر بجنورد، در بازه زمانی پانزده ساله مورد مطالعه، سهم هر یک از قومیت‌ها از جمعیت ساکن در هر محله، به چه ترتیبی تغییر کرده و کدام یک از قومیت‌ها کاهش یا افزایش سهم در جمعیت هر یک از محله‌های شهری بجنورد داشته‌اند.

۳٫۲. اندازه‌گیری شاخص عدم تشابه

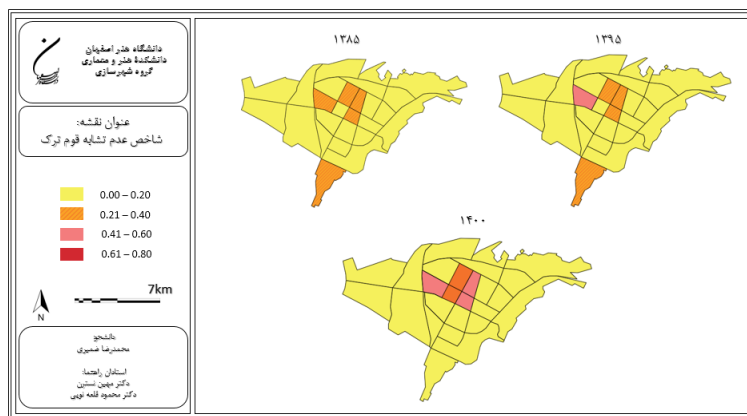
با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن مفهوم جدایی‌گزینی سکونت و با در نظر داشتن تأکیدی که در این پژوهش بر ابعاد اجتماعی فضایی آن گذاشته شده، شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری و سنجش ابعاد جدایی‌گزینی سکونت گروه‌های قومی در سطح شهر بجنورد به کار



نقشه شماره ۱: روند تغییر شاخص عدم تشابه قومیت فارس در شهر بجنورد

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که به جز در سه واحد فضایی که در سال ۱۴۰۰ درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی بالاتر از ۰/۲ داشته‌اند، سایر محله‌های شهر بجنورد به طور مساوی محل سکونت فارس‌زبانان بوده و به این دلیل جدایی‌گزینی فضایی سکونتی برای این گروه اجتماعی وجود ندارد. وضعیتی مشابه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نیز حاکم بوده است.

نقشه شماره ۱ وضعیت تغییر درجه شاخص عدم تشابه را برای قومیت فارس در سطح محله‌های ۲۶ گانه تعریف شده در طرح تفصیلی شهر بجنورد نشان می‌دهد. این شاخص با استفاده از آمار ترکیب جمعیتی در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ محاسبه شده است. چنانکه در نقشه‌های مربوط دیده می‌شود، توزیع فضایی گروه فارس زبان در سطح شهر بجنورد در بازه مورد مطالعه به نسبت متعادل و کمتر از ۰/۴ بوده است.

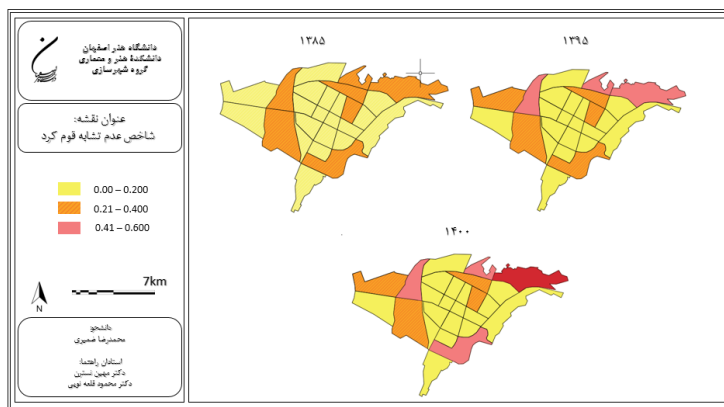


نقشه شماره ۲: روند تغییر شاخص عدم تشابه قومیت ترک در شهر بجنورد

جدایی‌گزینی سکونتی و فضایی در سطح محله‌های شهری افزایش پیدا کند.

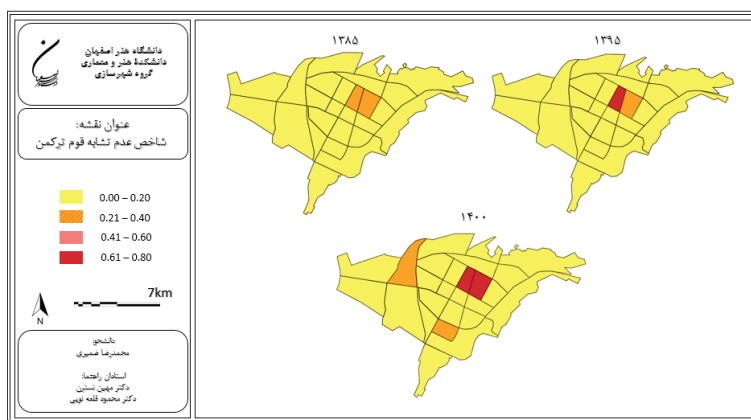
نقشه شماره ۳ نشانگر وضعیت تغییر درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی برای قومیت کرد است. در این نقشه‌ها مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۸۵ که آغاز پدیدار شدن پیامدهای ناشی از ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان خراسان شمالی بوده، شش محله از واحدهای فضایی ۲۶ گانه طرح تفصیلی بجنورد، درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی بالاتر از ۰/۲ داشته است. به این معنی که زمینه تمرکز و تجمع قوم کردزبان در برخی محله‌های شهر بجنورد وجود داشته و نسبت به مردم ترک و فارس زبان که به همراه کردزبان‌ها اکثریت جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند، توزیع فضایی نابرابر و نامتعادل‌تری داشته است. در سال‌های بعد این وضعیت تشدید شده است. در سال ۱۳۹۵ هشت محله درجه شاخص بالاتر از ۰/۲ داشته‌اند که سه محله از آنها درجه شاخص بالاتر از ۰/۴ داشته‌اند. بدین ترتیب وضعیت جدایی‌گزینی قوم

چنانکه در نقشه شماره ۲ دیده می‌شود، پنج محله در سطح شهر بجنورد در هر یک از دوره‌های سرشماری درجه شاخص عدم تشابه بزرگ‌تر از ۰/۲ داشته‌اند. در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ درجه این شاخص در هیچ یک از محله‌های مورد اشاره بالاتر از ۰/۴ نبوده و در نتیجه در این بازه زمانی می‌توان گفت که قوم ترک‌زبان در سطح محله‌های شهر بجنورد (واحدهای فضایی ۲۶ گانه طرح تفصیلی) دچار پدیده جدایی‌گزینی سکونتی نبوده‌اند. این وضعیت در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ تغییر کرده است. در این فاصله تعداد محله‌هایی که درجه شاخص عدم تشابه بالاتر از ۰/۲ داشته‌اند، تغییری نکرده است. با این حال یکی از محله‌های با درجه شاخص بالاتر از ۰/۲ به کمتر از حد آستانه رسیده و یک محله دیگر از این حد گذر کرده است. همچنین سه محله در این سال درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی بالاتر از ۰/۴ داشته‌اند. بنابراین در این فاصله تمرکز و تجمع قوم ترک‌زبان در این سه محله رشد کرده و سبب شده است که این شاخص و این بعد از



نقشه شماره ۳: روند تغییر شاخص عدم تشابه قومیت کرد در شهر بجنورد

کردزبان در این محله‌ها رشد کرده و افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۰ شاخص بالاتر از ۵/۵ داشته است که حد جدایی‌گزینی بالایی را نشان می‌دهد. این روند افزایش ادامه داشته و تعداد محله‌هایی که درجه شاخص بالاتر از ۴/۴ داشته‌اند، به چهار محله رسیده که یک محله از آنها درجه

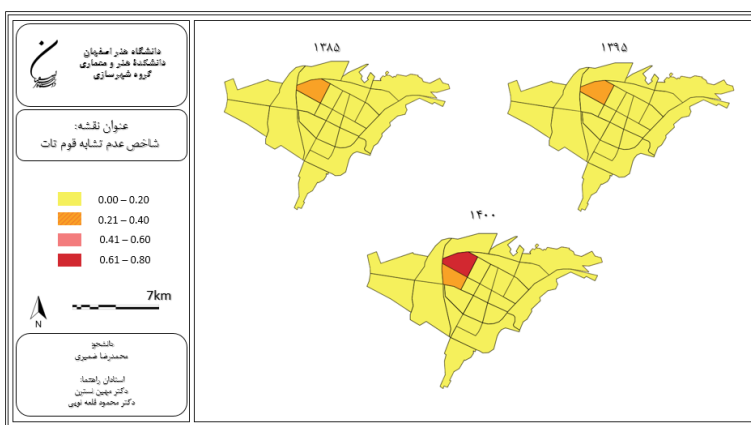


نقشه شماره ۴: روند تغییر شاخص عدم تشابه قومیت ترکمن در شهر بجنورد

بیشتر از ۲/۵ بوده، از دو محله به چهار محله رسیده است. با این همه درجه شاخص محاسبه شده در محله‌هایی که پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی برای قومیت ترکمن در آنها دیده می‌شود، در فاصله سال‌های مورد مطالعه از ۲/۵ به بیشتر از ۶/۵ رسیده است که درجه بالایی از تمرکز و تجمع را نشان می‌دهد. بدین ترتیب در دو محله از شهر بجنورد در سال ۱۴۰۰ تمرکز بالایی از قومیت ترکمن زندگی می‌کنند که با درجه به نسبت بالایی از سایر گروه‌های اجتماعی ساکن در شهر جدا شده‌اند.

نقشه شماره ۴ روند تغییرات شاخص عدم تشابه دوگروهی را برای قومیت ترکمن در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که دوره زمانی پس از تأسیس استان خراسان شمالی و ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان جدید را در برمی‌گیرد.

همچنانکه در نقشه‌های مربوط دیده می‌شود، روند تغییر درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی در این بازه زمانی سرعت رشد به نسبت بالایی داشته است. در حالی که محله‌هایی که این شاخص در آنها



نقشه شماره ۵: روند تغییر شاخص عدم تشابه قومیت تات در شهر بجنورد

این شاخص به صورت عددی بین صفر و یک نمایش درمی آید. هنگامی که اندازه شاخص جدایی‌گزینی برابر با صفر باشد، به معنای توزیع مساوی و عادلانه خواهد بود. در مقابل، اندازه یک به معنای جدایی کامل در فضای مورد مطالعه است (Massey et al. 1996:6).

شاخص جدایی‌گزینی براساس روش محاسبه، ممکن است نسخه‌های متعددی داشته باشد که در پژوهش‌های مختلف و بر پایه هدف و روش پژوهش‌های مورد اشاره، انتخاب می‌شود (Feitosa, 2007:5). در این مطالعه و به منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش که شناسایی وضعیت پدیده جدایی‌گزینی میان گروه‌های قومیتی در سطح محله‌های شهر بجنورد بوده، از شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی استفاده شده است.

با استفاده از داده‌های مربوط به ترکیب جمعیت در واحدهای فضایی ۲۶ گانه معرفی شده در بخش پیشین، به لحاظ قومی، وضعیت شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی میان گروه‌های اجتماعی یاد شده در سطح محله‌های شهر بجنورد، به شرح جدول زیر محاسبه و اندازه‌گیری شده است. این شاخص نیز با استفاده از ابزار مربوط در نرم‌افزار Geo-Segregation Analyzer محاسبه و ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۲: شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی در سطح محله‌های شهر بجنورد

IS	فارس			ترک			کرد			ترکمن			تات		
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰
	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۸	۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۵۶	۰/۶۱	۰/۶۶

فضایی و جدایی‌گزینی گروه‌های قومی ترک و فارس‌زبان در این شهر بدون تغییر مانده است.

ت- وضعیت شاخص مورد محاسبه برای گروه‌های قومی کرد و ترکمن و تات، با درجه شدت متفاوت، در فاصله زمانی دو دهه گذشته، رو به افزایش بوده است. بنابراین در پی رشد جمعیت (ناشی از رشد طبیعی و مهاجرت) و گسترش فضای شهری در این دوره زمانی، توزیع فضایی اقوام کرد، ترکمن و تات‌زبان تحت تأثیر قرار گرفته و تجمع و تمرکز بیشتری پیدا کرده است.

۳.۴. اندازه‌گیری شاخص آنتروپی

شاخص آنتروپی به طور کلی برای اندازه‌گیری و سنجش میزان تنوع و توزیع فضایی پدیده‌های مورد مطالعه در محدوده جغرافیایی تعریف شده برای پژوهش به کار می‌رود (Zamiri et al. 2013:9). این شاخص که بر اساس تعریف، بر پایه هدف و نوع پژوهش می‌تواند به اشکال مختلف و به شکل نسخه‌های متعدد تعریف شود (Yao et al. 2018:3)، کاربرد و کارایی زیادی در سنجش و ارزیابی وضعیت جدایی‌گزینی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در پژوهش‌های مرتبط با موضوع جدایی‌گزینی سکونت و فضایی در شهرهای مختلف ایران و جهان داشته است.

برای سنجیدن وضعیت تنوع قومیتی و شناسایی بعد مهمی از جدایی‌گزینی در سطح محله‌های شهر بجنورد، شاخص آنتروپی (شانون) برای اندازه‌گیری توزیع جمعیت‌های مختلف در سطح محله‌های مورد مطالعه در شهر بجنورد به کار گرفته شده و به طور جداگانه برای هر یک از قومیت‌های فارس، ترک، کرد، ترکمن و

نقشه شماره ۵ وضعیت توزیع جمعیت تات‌زبان را در فاصله زمانی پانزده ساله پس از تأسیس استان خراسان شمالی را نشان می‌دهد که در آن مشخص است که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در یک محله درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی بالاتر از ۰/۲ بوده که این شاخص در همان محله در سال ۱۴۰۰ به بیشتر از ۰/۴ افزایش پیدا کرده، ضمن آن که یک محله دیگر نیز شاخص بالاتر از ۰/۲ پیدا کرده است.

با آن که درجه شاخص عدم تشابه دوگروهی در محله مورد مطالعه به نسبت بالاست، اما در تفسیر آن می‌بایست احتیاط کرد. زیرا جمعیت تات‌زبان در اقلیت بوده و سهم بسیار پایینی از جمعیت ساکن در بجنورد را تشکیل می‌دهند و بدین سبب تغییری هرچند اندک در تعداد افراد این گروه که در یک محله خاص ساکن هستند، درجه تمرکز و تجمع آنها را به شدت جابه‌جا می‌کند.

۳.۳. اندازه‌گیری شاخص جدایی‌گزینی

شاخص جدایی‌گزینی که یکی از پرکاربردترین شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش‌های مرتبط با جدایی‌گزینی سکونت و فضایی بوده، روش محاسبه و تفسیر و تبیین به نسبت ساده‌ای دارد و به همین دلیل در اندازه‌گیری ابعاد مختلف جدایی‌گزینی کارایی زیادی نشان داده است.

داده‌های حاصل از محاسبه شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی که در جدول شماره ۲ ارائه شده‌اند، نتایج قابل توجهی به دست می‌دهند. چنانکه اشاره شد، این شاخص وضعیت جدایی‌گزینی فضایی میان گروه‌های قومی مختلف را در سطح محله‌های شهر بجنورد اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین با توجه به جدول بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که: الف- مقدار شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی برای گروه‌های قومی در سطح شهر بجنورد، مؤید بروز پدیده جدایی‌گزینی فضایی و سکونت میان گروه‌های یاد شده است. به طور خاص درباره گروه‌های قومی ترکمن و تات، مقدار به دست آمده برای این شاخص، به نسبت بالاست که نشان دهنده شدت بیشتر جدایی میان گروه‌های یاد شده از سایر گروه‌های اجتماعی قومی بوده است.

ب- وضعیت شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی برای قومیت تات می‌بایست با احتیاط بیشتری تحلیل شود. زیرا تعداد اعضای این گروه قومی در سطح شهر بجنورد زیاد نیست و در واقع یک اقلیت کوچک در جمعیت شهری به شمار می‌روند. بنابراین قابل پیش‌بینی است که اعضای خانواده‌های تات‌زبان که وابستگی نسبی به یکدیگر دارند، نزدیک به یکدیگر و در همسایگی هم زندگی کنند.

پ- بررسی روند تغییر شاخص جدایی‌گزینی با دسترسی مرزی در سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی نشانگر افزایش شدت جدایی‌گزینی میان قومیت‌های کرد، ترکمن و تات‌زبان است، در حالی که وضعیت این شاخص برای اقوام ترک و فارس به طور نسبی، بدون تغییر مانده است. به بیان دیگر، در حالی که در دو دهه گذشته، پیامدهای ناشی از تغییر وضعیت و جایگاه سیاسی و اداری شهر بجنورد در ترکیب و توزیع جمعیت در سطح شهر نمایان شده، وضعیت توزیع

تات مورد اندازه‌گیری و ارزیابی بوده است. در محاسبه شاخص آنتروپی شانون، تعداد واحدهای فضایی برابر با ۲۶ است. بنابراین بیشینه ممکن برای این شاخص برابر با ۳/۲۵۸ خواهد بود.

جدول شماره ۳: مقدار آنتروپی شانون برای قومیت‌های مختلف در سطح محله‌های شهر بجنورد

H	فارس			ترک			کرد			ترکمن			تات		
	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۰
	۱/۰۰۵	۱/۰۱۰	۰/۹۸۴	۱/۳۰۹	۱/۴۱۱	۱/۵۹۰	۱/۴۳۸	۱/۲۹۸	۱/۱۲۵	۱/۸۳۵	۲/۲۸۶	۲/۶۴۵	۱/۳۲۶	۱/۲۹۰	۱/۰۴۴

زمانی، بعد تنوع و مرکزگرایی از جدایی‌گزینی سکونت و فضایی قومیت ترکمن در سطح محله‌های بجنورد با شدت زیادی رشد نشان می‌دهد. بنابراین درباره وضعیت جدایی‌گزینی قومیتی ترکمن‌ها در بجنورد و در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی، نگرانی بیشتری وجود دارد. در مورد قوم تات روند شاخص آنتروپی شانون در فاصله زمانی مورد بررسی، روند ثابت و یک سویه نبوده است. بر این اساس، تنوع و مرکزگرایی پدیده جدایی‌گزینی فضایی و سکونت قومیت تات در سطح محله‌های بجنورد در فاصله زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ کاهش یافته، اما در فاصله پنج ساله بعد، بار دیگر رو به افزایش می‌رود. با این حال، درجه جدایی‌گزینی در سال ۱۴۰۰ همچنان پایین‌تر از سال ۱۳۸۵ بوده است. اما باید توجه داشت که سهم قوم تات از کل جمعیت شهر بجنورد کمتر از پنج درصد است و بالا بودن شاخص آنتروپی شانون نشانه بروز پدیده جدایی‌گزینی فضایی و سکونت به عنوان یک مسئله و معضل اجتماعی نخواهد بود، بلکه نشانگر زندگی خانواده‌های تات زبان در کنار یکدیگر در محله‌های مختلف شهر بجنورد است.

۳.۵. اندازه‌گیری شاخص موران I محلی

شاخص موران که ابزاری کاربردی در بررسی توزیع فضایی پدیده‌هایی با ویژگی جغرافیایی است، در اندازه‌گیری جدایی‌گزینی و بعد خوشه‌بندی گروه‌های اجتماعی در محدوده مورد مطالعه استفاده می‌شود (Zamiri et al. 2013: 10).

با توجه به داده‌های مربوط به ترکیب قومی محله‌های شهر بجنورد که بر اساس ۲۶ واحد فضایی بر اساس طرح تفصیلی شهر بجنورد گردآوری و مرتب شده، شاخص محلی موران برای قومیت‌های مختلف و مذهب متفاوت در شهر بجنورد با استفاده از ابزار محاسبه خودهمبستگی فضایی در نسخه ۱۰/۲ از نرم‌افزار ArcGIS استفاده شده است.

چنانکه نتیجه محاسبه شاخص آنتروپی شانون در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، وضعیت این شاخص درباره توزیع فضایی گروه‌های قومیتی ترکمن، تات، ترک و کرد به طور نسبی وضعیتی با حد بالایی از تنوع را نشان می‌دهد. به بیان دیگر (به ویژه درباره قومیت ترکمن) توزیع فضایی جمعیت در سراسر فضای شهری به شکلی نابرابر اتفاق افتاده است. به طور مشابه و با شدتی کمتر درباره توزیع فضایی قومیت‌های کرد و تات نیز چنین نتیجه‌ای می‌توان گرفت؛ اگرچه فاصله اندازه شاخص آنتروپی شانون برای این دو قومیت، تا اندازه بیشینه این شاخص، بزرگ‌تر است. در سوی مقابل، وضعیت توزیع فضایی قومیت فارس در واحدهای فضایی به طور نسبی، برابر و یکنواخت بوده و ویژگی تنوع و مرکزگرایی درباره این گروه اجتماعی ضعیف ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر، بررسی روند تغییر اندازه شاخص آنتروپی شانون برای گروه‌های قومیتی مختلف در سطح شهر بجنورد نیز اطلاعات بیشتری در خصوص وضعیت پدیده جدایی‌گزینی سکونت و فضایی اقوام یاد شده در سطح محله‌های شهر بجنورد به دست می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول شماره ۴، وضعیت توزیع فضایی (شاخص آنتروپی شانون که بیانگر بعد تنوع و مرکزگرایی است) برای قومیت فارس در همه دوره مورد مطالعه بدون تغییری مهم، در حد متعادل و توزیع فضایی به نسبت یکنواخت قرار دارد. این در حالیست که این شاخص برای قومیت کرد با شیب ملایم در بازه پانزده ساله، نزدیک به ۳۱ درصد نسبت به ابتدای دوره مطالعه کاهش یافته است. به این معنا که شدت تنوع قومیت کرد در سطح محله‌های شهری کاهش پیدا کرده، یعنی توزیع فضایی این قومیت در این سال‌ها مرکزگرایی کمتری داشته و از شدت جدایی‌گزینی در این بعد کاسته شده است. اما روند تغییر شاخص آنتروپی شانون درباره قومیت ترکمن در این فاصله حدود ۸۱ درصد نسبت به ابتدای دوره مطالعه رشد کرده است. یعنی در این بازه

جدول شماره ۴: شاخص موران محلی برای قومیت‌های ساکن در شهر بجنورد

قومیت	سال	شاخص موران محلی	Z score
فارس	۱۳۸۵	۰/۰۶	۴/۵۵
	۱۳۹۵	۰/۱۲	۲۰/۱۲
	۱۴۰۰	۰/۰۹	۳۲/۴۰
ترک	۱۳۸۵	۰/۲۳	-۴/۶۷
	۱۳۹۵	۰/۱۵	۱/۴۴
	۱۴۰۰	۰/۱۰	-۳/۲۱
کرد	۱۳۸۵	۰/۳۳	۱۲/۷۵
	۱۳۹۵	۰/۲۴	۱۰/۰۲
	۱۴۰۰	۰/۲۰	۸/۳۵
ترکمن	۱۳۸۵	۰/۲۶	۲/۴۴
	۱۳۹۵	۰/۴۹	۲۷/۹۳
	۱۴۰۰	۰/۶۵	۴۵/۲۰
تات	۱۳۸۵	۰/۳۹	۰/۲۸
	۱۳۹۵	۰/۴۹	۳/۷۸
	۱۴۰۰	۰/۷۲	۱/۳۳

۴.۱. عدم تشابه

بعد عدم تشابه، نخستین و مهم‌ترین بعد از جدایی‌گزینی است که در مطالعات مربوط و در سطح محدوده‌های مورد پژوهش اندازه‌گیری و سنجیده می‌شود (Massey et al. 1996: 3). مقادیر محاسبه شده برای شاخص عدم تشابه که با در نظر گرفتن اثر جمعیت‌های مرزی در سطح محله‌های مختلف و برای سنجش وضعیت جدایی‌گزینی میان گروه‌های اجتماعی به صورت دو به دو به دست آمده، بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش، به سادگی و با وضوح بالا قابل تفسیر و تبیین هستند.

(۱) بالاترین مقدار شاخص عدم تشابه در سطح محله‌های ۲۶ گانه شهر بجنورد در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، برای قومیت‌های ترکمن و تات و برای پیروان مذهب سنی به دست آمده است. با توجه به آن که شاخص عدم تشابه دوگروهی وضعیت تمرکز و تجمع پدیده مورد مطالعه را در سطح محدوده مطالعه بررسی می‌کند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بعد تمرکز از پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی برای قومیت‌های ترکمن و تات در شهر بجنورد به نسبت بالاست. اگرچه با در نظر گرفتن شمار اندک اعضای گروه اجتماعی تات‌زبان، می‌توان این گروه را از این نظر فاقد ویژگی جداسازی فضایی نسبت به سایر گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهر بجنورد تفسیر کرد.

(۲) روند کلی تغییر شاخص عدم تشابه دوگروهی برای همه گروه‌های قومی در سطح محله‌های شهر بجنورد در فاصله زمانی پس از تأسیس استان خراسان شمالی، رو به افزایش بوده است. اگرچه شدت و سرعت رشد این شاخص برای گروه‌های اجتماعی مختلف، برابر نبوده و برای قومیت‌های ترکمن با سرعت بیشتری رشد کرده و افزایش یافته است.

(۳) علاوه بر افزایش اندازه شاخص عدم تشابه دوگروهی در فاصله دو دهه گذشته پس از ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان جدید، تعداد محله‌هایی که در آنها شاخص یاد شده بالاتر از ۰/۲ بوده است نیز در همه گروه‌های اجتماعی مورد مطالعه، افزایش داشته است. بدین جهت می‌توان گفت به لحاظ فضایی، جدایی‌گزینی سکونت‌ی میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سطح محله‌های شهر گسترش پیدا کرده است.

(۴) از آنجایی که بخش زیادی از افزایش جمعیت شهر بجنورد در دو دهه گذشته ناشی از مهاجرت‌پذیری آن و بالاتر از رشد طبیعی آن و میانگین بلندمدت بوده، گروه‌های اجتماعی جذب شده و مهاجرت کرده به بجنورد، محله‌هایی که افراد از گروه قومی مشابه و همسان بیشتری داشته‌اند را به عنوان مقصد مهاجرت و محل سکونت خود برگزیده‌اند و به این ترتیب بر شدت تجمع و تمرکز این گروه‌های اجتماعی در سطح محله‌های مختلف افزوده‌اند.

۴.۲. خوشه‌بندی

شاخص موران محلی که به منظور سنجیدن وضعیت بعد خوشه‌بندی در پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی در سطح محله‌های مورد مطالعه در شهر بجنورد محاسبه شده است، می‌تواند به طور کلی و بر اساس ادبیات موضوع و تجربه‌های موجود پیشین تفسیر و تحلیل گردد. نتیجه محاسبات و تحلیل‌های انجام شده به شرح زیر صورت‌بندی می‌شود.

داده‌های جدول شماره ۴ بیانگر آنست که در سال‌های مورد مطالعه، توزیع جمعیت ترک و فارس‌زبان فاقد هرگونه خوشه‌بندی بوده است. اما در همین بازه زمانی، درباره سایر قومیت‌ها به شکل و شدت مختلف، می‌توان نشانه‌های خوشه‌بندی در توزیع جمعیت را مشاهده کرد که می‌تواند نمایانگر یک بعد مهم از پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی و فضایی دانسته شود.

بررسی شاخص محلی موران برای قومیت کردزبان در فاصله سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی، نشان‌دهنده آنست که روندی کاهشی در شدت خوشه‌بندی جمعیت شکل گرفته است. به این معنا که در سال ۱۳۸۵ درجه شاخص محلی موران به نسبت بالا و در حوزه معناداری بوده است که نشانه شدت نسبی خوشه‌بندی در توزیع جمعیت کردزبان در سطح محله‌های شهر بجنورد ارزیابی می‌شود. اما این شاخص در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ به ترتیب نزدیک به ۳۷/۵ و ۶۵ درصد کاهش پیدا کرده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بعد خوشه‌بندی از پدیده جدایی‌گزینی برای قومیت کردزبان در سال‌های پس از ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان، کاهش پیدا کرده است. درباره قومیت ترکمن روندی معکوس دیده می‌شود. درجه شاخص محلی موران برای توزیع فضایی جمعیت ترکمن‌زبان در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ نزدیک به ۴۶/۹ درصد افزایش پیدا کرده و در فاصله پنج ساله تا سال ۱۴۰۰ با رشد ۳۲/۷ درصدی روبه رو شده و شاخص محلی موران به اندازه به نسبت بالای ۰/۶۵ رسیده است که با توجه به مقدار آماره Z همه این مقادیر را می‌توان معنادار تفسیر کرد. بنابراین در فاصله زمانی پس از تأسیس استان خراسان شمالی و در پی رشد جمعیت ترکمن‌زبان که بیشتر در نتیجه روند رو به افزایش مهاجرت در این گروه اجتماعی بوده، درجه خوشه‌بندی جمعیت در واحدهای فضایی شهر بجنورد با رشد سریع و افزایشی روبه رو شده و از این نظر، بعد خوشه‌بندی از جدایی‌گزینی سکونت‌ی و فضایی قوم ترکمن در این دوره، با رشد زیادی اتفاق افتاده است.

همچنین برای قوم تات‌زبان شاخص محلی موران درجه‌های به نسبت بالایی را در سال‌های مختلف مورد مطالعه نشان داده است؛ با این حال آماره Z محاسبه شده برای این مقادیر، بسیار نزدیک به صفر و در نتیجه در سطح پایینی از معناداری به دست آمده است. به بیان دیگر، با توجه به درجه بالای شاخص محلی موران برای قوم تات‌زبان در سال‌های مورد مطالعه، خوشه‌بندی جمعیتی و در نتیجه این بعد از پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی و فضایی برای قومیت تات در سطح محله‌های بجنورد دیده نمی‌شود.

۴. جمع‌بندی

نتایج به دست آمده در این بخش، می‌تواند برای ارزیابی، سنجش، تحلیل و تبیین وضعیت و شدت جدایی‌گزینی میان گروه‌های مختلف اجتماعی (قومی) در سطح محله‌های شهر بجنورد مورد استفاده قرار گیرد. همچنانکه اشاره شد، ابعاد مختلف پدیده جدایی‌گزینی سکونت‌ی را می‌توان با بهره گرفتن از شاخص‌های مختلفی که برای این منظور معرفی شده و پرورش یافته‌اند اندازه‌گیری کرده و مورد سنجش قرار داد.

به صورت متعادل پیش رفته و از تمرکز و تجمع این قومیت در سطح محله‌هایی به خصوص در شهر بجنورد کاسته شده است. همچنین به نظر می‌رسد در پی تغییر جایگاه اجتماعی و اقتصادی مهاجران تازه وارد به شهر بجنورد پس از مدتی از سکونت در آن، جابه جایی و تحرک جمعیت موجب پخشایش و توزیع بیشتر جمعیت کردزبان در سطح واحدهای فضایی در سطح شهر بجنورد شده و به همین سبب از بعد تجمع و تمرکز، جدایی‌گزینی سکونتی و فضایی برای قوم کرد کاهش پیدا کرده و رو به افول می‌رود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل نتیجه شاخص‌های جدایی‌گزینی سکونتی بر بنیاد چارچوب نظری پژوهش و با توجه به اندیشه بوم‌شناسی انسانی (شهری) نشان می‌دهد که مهاجران وارد شده به شهر بجنورد در سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی، با افزایش دادن نرخ رشد مطلق جمعیت و توزیع فضایی نابرابر ناشی از سکنی‌گزینی بر پایه قومیت و زبان، روند جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های اجتماعی در سطح محله‌های شهری بجنورد را تشدید کرده‌اند. به استثنای فارس‌زبان‌ها، چهار قومیت ترک، کرد، ترکمن و تات، با نسبت‌های مختلف، جدایی‌گزینی سکونتی بر اساس قومیت خود را تجربه می‌کنند. روند افزایشی شاخص‌های مختلف جدایی‌گزینی سکونتی نشان می‌دهد که در مرحله نخست که با توجه به بوم‌شناسی شهری مرحله هجوم خوانده می‌شود، مهاجران از گروه‌های قومی مختلف، تمایل دارند در محله‌های شهری ساکن شوند که همانندی قومی و زبانی بیشتری با ایشان دارد. ادامه روند و مرحله توالی، تطبیق و سازگاری مهاجران با فضای سکونتی جدید را در پی دارد و با ورود مهاجران جدید، روند یاد شده دوباره تکرار می‌شود. بدین ترتیب روند رشد و تشدید جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های اجتماعی بر مبنای قومیت و زبان در سطح محله‌های شهری بجنورد افزایش می‌یابد.

موقعیت و وضعیت شهر بجنورد به عنوان مرکز استان خراسان شمالی که عملکرد ناحیه‌ای در شمال شرق کشور دارد و همچنین تنوع و تکثر قومی ساکنان آن، اهمیت و تأثیر رشد ابعاد اجتماعی فضایی جدایی‌گزینی سکونتی میان گروه‌های اجتماعی (قومی) مختلف در سطح محله‌های شهری آن دوچندان نشان می‌دهد. ادامه روند جاری به طور قطع پیامدهای ناگزیر و ناخوشایندی در بروز تضاد و برخورد‌های اجتماعی قومی برجای خواهد گذاشت. به نظر می‌رسد بررسی و مطالعه پیامدهای روند دگرگونی و تغییر جدایی‌گزینی سکونتی گروه‌های قومی در کیفیت زندگی در محله‌های شهری و به ویژه مسکن شهری و دسترسی گروه‌های مختلف اجتماعی به خدمات پشتیبان سکونت و امکان استفاده عادلانه از امکانات و فرصت‌های شغلی، درآمدی، آموزشی، بهداشتی، سیاسی و مانند آن ضروری و پرفایده باشد. نتایج چنین مطالعاتی روشن خواهد ساخت که افزایش جدایی‌گزینی سکونتی اقوام مختلف در شهر بجنورد به ویژه در دو دهه گذشته و پس از تأسیس استان خراسان شمالی و ارتقای موقعیت اداری و سیاسی شهر بجنورد به عنوان مرکز استان جدید، چگونه و به چه شکل در نابرابری‌های اجتماعی اثر گذاشته و سایر ابعاد جدایی‌گزینی سکونتی میان گروه‌های مختلف اجتماعی (مذهبی، درآمدی و مانند

۱) در فاصله زمانی پانزده ساله در دوره پس از تأسیس استان خراسان شمالی، توزیع جمعیت برای گروه‌های قومیتی فارس و ترک‌زبان در سطح محله‌های شهر بجنورد روی نداده است.

۲) درجه خوشه‌بندی در توزیع جمعیت ترکمن در سطح محله‌های شهر بجنورد در فاصله ده ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ و در پی رشد بی‌سابقه مهاجرت قوم ترکمن، به سرعت و با شدت زیادی افزایش پیدا کرده است. روند افزایشی یاد شده در دوره پنج ساله پس از آن با شدت کمتری ادامه یافته است. به نظر می‌رسد با کاهش جمعیت مهاجر در سال‌های اخیر، شدت افزایش خوشه‌بندی جمعیت ترکمن در سطح محله‌های شهر نیز کاهش پیدا کرده است. بدین سبب می‌توان گفت بعد خوشه‌بندی از پدیده جدایی‌گزینی سکونتی برای قوم ترکمن در سطح شهر بجنورد بالاست و در سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی رشد و افزایشی غیرعادی نشان داده است.

۴.۳. تمرکز

شاخص آنتروپی شانون به طور کلی به منظور ارزیابی و سنجش وضعیت توزیع فضایی پدیده‌های مورد مطالعه در سطح واحدهای فضایی تعریف شده به کار می‌رود. بنابراین با استفاده از این شاخص برای سنجیدن وضعیت تمرکز یا پراکندگی قومیت‌ها و مذاهب مختلف در سطح محله‌های شهری، می‌توان بعد تمرکز از پدیده جدایی‌گزینی سکونتی در این محله‌ها را محاسبه، تفسیر و تبیین نمود. چنانکه از نتایج به دست آمده برای این شاخص در محدوده‌های مورد پژوهش فهمیده می‌شود:

۱) بالاترین حد تمرکز و تجمع جمعیت در واحدهای فضایی برای قومیت ترکمن و در رتبه بعد، برای قومیت تات اتفاق افتاده است. همچنین این موضوع درباره پیروان مذاهب سنی نیز صدق می‌کند. بنابراین در بازه زمانی مورد مطالعه، ترکمن‌ها بیشترین تجمع و تمرکز را در سطح محله‌های شهری داشته و بدین ترتیب از این بعد دچار جدایی‌گزینی سکونتی و فضایی شده‌اند.

۲) روند تغییر درجه شاخص آنتروپی شانون برای قومیت ترکمن در سال‌های پس از تأسیس استان خراسان شمالی، افزایشی و رو به رشد بوده و نزدیک به ۸۱ درصد بالاتر رفته است. بنابراین در این فاصله زمانی، رشد جمعیت ناشی از مهاجرت‌های روی داده، موجب تمرکز و تجمع گروه قومیتی ترکمن در سطح محله‌های خاصی از شهر بجنورد شده است.

۳) کمترین حد شاخص آنتروپی شانون برای قومیت فارس به دست آمده است که نشان از توزیع به نسبت برابر و عادلانه جمعیت فارس‌زبان در سطح واحدهای فضایی دارد. همچنین این توزیع فضایی در سال‌های پس از ارتقای شهر بجنورد به مرکزیت استان جدید نیز تغییری نداشته و به این دلیل از بعد تمرکز و تجمع، جدایی‌گزینی سکونتی و فضایی برای قومیت فارس در شهر بجنورد شکل نگرفته است.

۴) اندازه شاخص آنتروپی شانون برای قومیت کرد در سطح محله‌های شهر بجنورد در فاصله زمانی مورد مطالعه، روندی کاهشی طی کرده است. این موضوع می‌تواند به این صورت تفسیر شود که در پی رشد جمعیت ناشی از رشد طبیعی و مهاجرت‌های صورت گرفته در دو دهه گذشته، توزیع فضایی جمعیت کرد زبان در سطح شهر بجنورد

- Review. Barresihaye Amari Rasmi, 30(2): 429-460.
- <https://doi.org/20.1001.1.25385798.1398.30.2.8.7> [in Persian]
 - Feitosa, F. (2007). Global and local spatial indices of urban segregation (MASUS). *Computers, Environment and Urban Systems*, 35: 104-115. <https://doi.org/10.1080/13658810600911903>
 - Grzegorzczak, A. J aczewska, B. (2015). Measures of social segregation in the context of Warsaw, Berlin and Paris metropolitan areas. *Regional Studies on Development*, 19 (3): 22-35. DOI: <https://doi.org/10.1515/mgrsd-2015-0012>
 - Grzegorzczak, A. (2021). Residential segregation and socio-spatial processes in Marseille, urban social sustainability challenge. *Bullein of Georaphy, Socio-economic series*, 52: 25-38. DOI: <https://doi.org/10.2478/bog-2021-0011>
 - Jaliliasdrabad S., Shieh E., Behzadfar M. (2018). Identification of the Effective Factors on Socio-spatial Segregation; A Case Study of Fadak and Kerman Neighborhoods Located in District 8, Tehran Naqshejahan, 8 (1):17-23. <https://doi.org/20.1001.1.23224991.1397.8.1.2.4> [in Persian]
 - Jaliliasdrabad S., Hashemi, S.Z. (2020). The Evolution of the Concept of Segregation in the Thinkers' Opinions. *Armanshahr*, 32(13): 283-299. <https://doi.org/10.22034/aaud.2020.216432.2092>. [in Persian]
 - Lin, S. & Gaubatz, P. (2016). Socio-spatial segregation in China and migrant's everyday life experiences: The case of Wenzhu. *Urban Geography*, <https://doi.org/10.1080/02723638.2016.1182287>.
 - Maffini, A.L. & Maraschin, C. (2018). Urban segregation and socio spatial interactions: A configurational approach. *Urban Sciences*, 55 (2): 1-12. DOI: <https://doi.org/10.3390/urbansci2030055>
 - Massey, D. S., Denton, M. & Phuna, V. (1996). The dimensions of segregation revisited. *Sociological Methods and Research*, 25: 172-206. <https://doi.org/10.1177/0049124196025002002>
 - Meshkini, A., Rahimi, H. (2011). Spatial segregation in metropolis: an analysis of social geography of Tehran metropolis. *MJSP*, 15(4):87-107. [in Persian]
 - Mirabadi M., Rajabi A., Mahdavi hajiloei M. (2018). Explanation and Analysis of spatial imbalance and measuring the effective factors on spatial concentration and segregation in the city of Mahabad. *Geographical Space*, 62(18): 255-274. [in Persian]

آنها) به چه صورتی دگرگون شده و تحول یافته است. پیش‌بینی آینده چنین تحولاتی در تعامل با نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌تواند صورت‌بندی کامل و چندبعدی از وضعیت جدایی‌گزینی فضایی و سکونتی در میان گروه‌های اجتماعی ساکن در شهر بجنورد به دست داده و راهنمای جامع و کارآمدی برای هرگونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سال‌های آینده و برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای فراهم آورد.

با در نظر داشتن اهمیت پاسداری از یکپارچگی و انسجام اجتماع شهری، ویژگی بنیادین هرگونه برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی توسعه شهری و بازآفرینی بافت ناکارآمد و سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر بجنورد، می‌بایست توجه و تأکید بر تنوع و تکثر قومی و سازگاری بیشتر گروه‌های اجتماعی به منظور اختلاط و تعادل بخشی به توزیع جمعیت در سطح محله‌های شهری باشد. به طوری که سکنی‌گزینی جمعیت تنها بر اساس قومیت و همسانی زبانی در محله‌های شهری اتفاق نیفتد و مرحله نفوذ و تثبیت قومیت‌های مهاجر، موجب تشدید شاخص‌های جدایی‌گزینی سکونتی در سطح محله‌های شهری بجنورد نشود.

* نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

References:

- Afrough, A. (1999). Faza va Nabarabari Ejtetaee. University of Tarbiat Modarres, Tehran. [in Persian]
- Azhdari, A., Taghvaei, A. & Zahimezhad, A. (2016). Analyzing Socio-spatial Segregation of Educational and Occupational Groups in Shiraz Metropolitan Area. *Motaleate Shahri*, 4(16), 67-70. [in Persian]
- Benassi, F., Iglesias-Pascual, R. & Salvati, L. (2020). Residential segregation and social diversification: exploring spatial settlement patterns of foreign population in Southern European cities. *Habitat International*, 101, 102200. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102200>
- Benassi, F., Naccarato, A., Iglesias-Pascual, R., Salvati, L. & Strozza, S. (2022). Measuring residential segregation in multi-ethnic and unequal European cities. *International Migration*, 00: 1-21. <https://doi.org/10.1111/imig.13018>
- Buch, T., Meister, M. & Niebuhr, A. (2021). Ethnic diversity and segregation in German cities. *Cities*, 115: 103221. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103221>
- Fahey, T. & Fanning, B. (2010). Immigration and socio-spatial segregation in Dublin, 1996-2006. *Urban Studies*, 47 (3): 1625-1642. <https://doi.org/10.1177/0042098009353624>
- Farash Khayalu N., Rabiee Dastjerdi H., Sadeghi R. (2020). Spatial Segregation in Demography: A Short

- Panori, A., Psycharis, Y. & Ballas, D. (2019). Spatial segregation and migration in the city of Athens: Investigating the evolution of urban socio-spatial immigrant structures. *Population, Space and Place*, 25(5), e2209. DOI: <https://doi.org/10.1002/psp.2209>
- Rafieian, M., Ghazaie, M., Ghazi, R. (2018). Studying the Socio-Spatial Segregation of Migrants in Mashhad. *Motaleat v Tahghighat Ejtemaee dar Iran*, 7(1): 151-178.
- <https://doi.org/10.22059/jisr.2018.239125.547> [in Persian]
- Seyedizadeh, E., Abbasian, A. (1993). *Bojnord, Gozargah shomali Khorasan*. Quds Publications, Mashhad.
- Schwabe, M. (2021). Residential segregation in the largest French cities (1968-1999): in search of an urban model. <https://doi.org/10.4000/cybergeo.24601>.
- Statistical Centre of Iran, 2021, <https://amar.org.ir/statistical-information>
- Yao, J., Wong, D. W., Bailey, N. & Minton, J. (2018). Spatial segregation measures: A methodological review. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 00. <https://doi.org/10.1111/tesg.12305>
- Zamiri, M.R., Nastaran, M., Mohammadzade Titkanlou, H. (2013). Analysis of spatial physical development trends in Bojnord in 1990's. *Amayesh Mohit*, 23(6): 167-180. [in Persian]

نحوه ارجاع به مقاله:

ضمیری، محمدرضا؛ نسترن، مهین و قلعه‌نویی، محمود (۱۴۰۳)، تحلیل جدایی‌گزینی اجتماعی فضایی گروه‌های قومی در شهر بجنورد، مطالعات شهری، ۱۳ (۵۰)، ۷۷-۹۰. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.139221.4935>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Acknowledgment:

This article is derived from the doctoral thesis of the first author at Art University of Isfahan, under the supervision of the second and third authors, completed in 1402.

Citation: Zamiri, M.R., Nastaran, M. & Ghalehnoee, M. (2024). Analysis of Socio-spatial Segregation of Ethnic Groups in the City of Bojnurd, Iran, *Motaleate Shahri*, 13(50), 77– 90. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.139221.4935>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



waves of migration from nearby villages, other cities, and even regions beyond the provincial borders. These demographic changes have inevitably led to shifts in the social and spatial organization of the city, raising important questions about the nature and consequences of residential segregation in this context.

Methodology:

The research employs a descriptive and analytical approach, utilizing the latest population statistics, along with data on the ethnic and religious composition of Bojnord's neighborhoods. This data was collected and analyzed to gain a comprehensive understanding of the current state of residential segregation in the city. In addition, the study draws on population statistics and compositions from previous census periods, particularly those following Bojnord's designation as the provincial capital, to track changes in segregation patterns over time.

To measure the socio-spatial dimensions of residential segregation, the study utilizes the Geo-Segregation Analyzer software, which generates detailed maps to visualize the distribution and concentration of different ethnic and religious groups within the city. These maps provide a clear representation of how various social groups are spatially organized within Bojnord, highlighting areas of significant ethnic clustering and isolation.

Results and Discussion:

The analysis reveals that the distribution of populations, particularly those who have migrated to Bojnord in recent years, is heavily influenced by the city's ethnic and cultural diversity. Among the 26 districts of Bojnord, the highest dissimilarity index was observed between the Turkmen and Tat ethnicities, indicating a pronounced level of segregation between these two groups.

Despite the high concentration of Turkmen and Tat populations in certain neighborhoods, the Tat group does not exhibit significant spatial isolation compared to other ethnic groups. However, the clustering of the Turkmen population within Bojnord's neighborhoods increased markedly between 1385 and 1395, coinciding with a substantial influx of Turkmen immigrants during this period. This trend has continued in subsequent years, although at a slower pace, as immigration rates have declined recently.

The results of this study offer valuable insights into the extent and intensity of segregation among different social groups, both ethnic and religious, within Bojnord's neighborhoods. Various indicators were employed to measure the dimensions of residential segregation, revealing that much of the population growth in Bojnord over the past two decades has been driven by immigration rather than natural population growth. Immigrant groups, particularly those belonging to specific ethnic and religious communities, have tended to settle in neighborhoods where others of similar backgrounds are already concentrated, further reinforcing the spatial concentration of these groups in specific areas of the city.

Conclusion:

The findings of this research indicate that since Bojnord's designation as the capital of North Khorasan province, residential segregation among ethnic groups has intensified, with the Turkmen ethnic group showing the most significant growth in segregation indices. If this trend continues, it may lead to heightened social tensions and conflicts, as the spatial separation of ethnic groups can exacerbate existing inequalities and contribute to social fragmentation.

Given Bojnord's status as a provincial capital and its diverse ethnic composition, the social and spatial segregation of ethnic groups within urban neighborhoods poses significant challenges for urban planners and policymakers. Addressing these issues is crucial for improving the quality of life for all residents, ensuring equitable access to housing, support services, and opportunities in key areas such as employment, education, and healthcare. Policymakers must consider strategies to promote greater social integration and cohesion within the city, fostering a more inclusive and just urban environment for all its inhabitants.

Keywords:

Residential segregation, socio-spatial dimensions, segregation index, Bojnord.

Analysis of Socio-spatial Segregation of Ethnic Groups in the City of Bojnurd, Iran

Mohammad Reza Zamiri - Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning & Architecture, Art University of Isfahan.

Mahin Nastaran¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning & Architecture, Art University of Isfahan, Iran.

Mahmoud Ghalehnoee - Department of Urban Planning, Faculty of Urban Planning & Architecture, Art University of Isfahan, Iran.

Received: 06 June 2023 Accepted: 27 October 2023

Highlights

- Socio-spatial segregation at the urban neighborhood level is a significant manifestation of spatial inequality and injustice, affecting the overall quality of urban life and access to resources.
- The main objective of this research is to assess and quantify the social and spatial segregation of ethnic groups within the neighborhoods of Bojnurd, with a specific focus on understanding how these patterns have evolved over time.
- The research findings indicate that the clustering of the Turkmen population within Bojnurd's neighborhoods has notably intensified between the years 1385 and 1395, signaling a growing trend of ethnic concentration.
- This study further explores the broader implications of residential segregation, particularly how it influences the quality of life, access to services, and social cohesion in urban neighborhoods.

Extended abstract

Introduction:

In recent years, the study of socio-spatial segregation has gained increasing importance within the fields of urban and social sciences, especially with the advent of advanced computational tools that facilitate more precise measurements and analyses. Socio-spatial segregation at the neighborhood level represents one of the most visible and impactful forms of spatial inequality and social injustice within urban settings. By providing tools for effective measurement, researchers and policymakers can better evaluate and analyze the extent and severity of these inequalities, gaining insights into the distribution of resources and opportunities across different social groups.

Moreover, tracking the evolution of segregation over time within a specific geographical area allows for a deeper understanding of how urban development, migration patterns, and policy interventions influence the spatial organization of populations. This, in turn, sheds light on the degree to which citizens have equitable access to essential services, such as education, healthcare, and employment opportunities, as well as the overall quality of life in different urban neighborhoods.

Theoretical Framework:

The primary goal of this research is to measure the social and spatial segregation of ethnic groups within the neighborhoods of Bojnurd and to analyze how these patterns have evolved over time. The central research question that guides this study is: What are the socio-spatial dimensions of residential segregation among ethnic groups in Bojnurd, and how are these dimensions changing in response to broader social, economic, and political factors?

Since Bojnurd's designation as the capital of North Khorasan province in 2003, the city has undergone rapid growth and transformation. Its population has nearly doubled, and its physical area has tripled by 2021, largely due to significant

¹ Corresponding author: m.nastaran@aui.ac.ir

resilience emphasizes rapid and efficient recovery post-disturbance, while ecological resilience is about absorbing changes and ensuring continuity (Pickett et al., 2004: 373).

Methodology:

This study employs a combined multi-criteria decision-making approach using the Analytic Network Process (ANP), DEMATEL technique, and the Preference Ranking Organization Method for Enrichment Evaluation (PROMETHEE). The DEMATEL-ANP model identifies internal relationships between indicators, allowing for pairwise comparisons and weight evaluation, while PROMETHEE ranks solutions based on their proximity to the ideal solution, with the best solution being closest to the ideal point (Chen et al., 2011: 909; Chiu et al., 2013: 49; Thor et al., 2013: 27; Ju et al., 2015: 348-349).

Results and Discussion:

Resilience in Khorramabad exhibits a clear spatial pattern, with higher resilience in affluent upper city areas and lower resilience in less affluent lower city areas. This disparity highlights the inequitable distribution of urban facilities and services, emphasizing the need for equitable development and access to vital resources. Economic resilience is surprisingly lower in the city's economic center due to deteriorated infrastructure and the residence of lower socio-economic strata. Institutional resilience is higher in central areas, benefiting from the concentration of governmental, private, and grassroots organizations.

Peripheral areas suffer from inadequate infrastructure, resulting in lower overall resilience. Social capital resilience lacks a specific spatial pattern, with most areas rated as medium to low, indicating weak community connections. Environmental resilience shows that city center areas are more prone to flooding, while higher resilience is observed in different parts of the city, possibly due to land permeability and river positions.

Comparative analysis reveals that regions 1, 4, 7, 13, and 17 have the lowest resilience, while regions 23 and 14 rank high. This analysis provides a comprehensive understanding of resilience levels at the city scale, identifying areas requiring further intervention.

Conclusion:

Mapping the results reveals distinct spatial patterns of resilience and identifies hotspots needing more intervention. Central and western regions, with lower resilience, require more attention. Environmental and infrastructural factors are key, directly relating to land use and planning. The findings can assist Khorramabad's urban planning organizations in integrating disaster resilience into urban planning, transforming reactive plans into proactive adaptation strategies. Additionally, identifying potential hotspots can aid emergency management institutions in effective disaster risk management. Enhancing social resilience is crucial for community capacity building to prepare for, respond to, and adapt to climate change impacts, guiding local stakeholders in fostering fair development and equitable resource access.

Keywords:

Urban flood resilience, Composite indicator, DANP, TOPSIS, Khorramabad

Citation: Abdali, Y., Zanganeh Shahraki, S., hataminejad, H., Pourahmad, A., & Salmani, M. (2024). Measuring urban resilience against flood risk using composite indicators (Case Study: Khorramabad city), *Motaleate Shahri*, 13(50), 61–76. <https://doi.org/10.34785/J011.2022.021>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Measuring urban resilience against flood risk using composite indicators

(Case study: Khorramabad city)

Yaghub Abdali - Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran.

Hossein Hataminejad¹ - Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran.

Saeed Zanganeh Shahraki - Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran.

Ahmad Pourahmad - Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran.

Mohammad Salmani - Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran.

Received: 08 November 2022 Accepted: 22 December 2022

Highlights

- Flooding is one of the most common, widespread, and devastating natural disasters.
- Strengthening capacities to better prepare for, cope with, and recover from adverse effects is crucial for addressing increasing risks from natural events.
- This article establishes a framework for building resilience in Khorramabad city.

Extended abstract

Introduction:

Global climate changes, primarily manifested as global warming and rapid urbanization, exacerbate extreme weather events. Statistics indicate that floods are among the most prevalent and catastrophic natural disasters (Safiah Yusmah et al., 2020: 552). Urban floods caused by heavy rainfall have evolved from gradual accumulation to sudden surges (Masozera et al., 2007: 299; Hallegatte et al., 2013: 802). Therefore, urban flood resilience, crucial for flood control and disaster reduction, has garnered increasing research focus (Obrist et al., 2010: 284; Xu et al., 2018: 5298). The Sendai Framework for Disaster Risk Reduction (2015-2030), endorsed by the World Conference on Disaster Risk Reduction in 2015, and the 2018 Beijing Resilient City Development Plan, underscore the importance of enhancing urban resilience to disasters (Sun et al., 2022: 1).

To address the growing risk of natural events, it is essential to strengthen capacities that enable vulnerable communities to better prepare for, cope with, and recover from adverse effects. In disaster management literature, this strategy is commonly referred to as resilience. Resilience, when applied to communities, is defined as “the ability of a community to prepare for, plan, absorb, recover, and adapt to actual or potential adverse events in a timely and efficient manner, including rebuilding and improving essential functions and structures.” A resilient community incurs fewer losses and recovers more swiftly from hazardous events (Cutter et al., 2014: 65; Abdali et al., 2022: 6).

Theoretical Framework:

The concept of resilience originated from Holling’s seminal work in ecology, aimed at understanding the instability and dynamics of nature. According to Holling, resilience is “the measure of a system’s ability to absorb change and disturbance while maintaining the same relationships between populations or state variables.” However, resilience is not simply “the ability of a system to return to equilibrium after a temporary disturbance” (Holling, 1973: 14-17). In ecological literature, two definitions of resilience emerged: one that encompasses continuity, change, and unpredictability in a nonlinear and non-equilibrium system (ecological resilience), and another that focuses on efficiency, stability, and predictability in a single equilibrium system (engineering resilience) (Holling, 1996: 25; Folke, 2006: 256). Engineering

¹ Corresponding author: hataminejad@ut.ac.ir

19 ecosystem services were addressed within three components of the Arak development and construction plan: the information base, vision/objectives, and actions.

A scoring protocol was developed to assess the quality of ecosystem services inclusion in urban plans. This protocol used a 3-point scale, with scores ranging from zero (no inclusion), one (implicit inclusion), to two (explicit inclusion).

Results:

Among the regulating services, air purification and local ventilation services were mentioned 109 times, with the highest frequency (34 times) in the analysis section (database). The content analysis revealed that healthy water production was referenced 99 times, while food production was mentioned 82 times. Regarding supporting services, soil quality was noted nine times in total, with the highest mention (four times) in the analysis section. Among cultural services, recreational services and mental experiences were mentioned 94 times, with the highest frequency (26 times) in the city survey and knowledge section.

The results indicate that the ecosystem services concept is partially integrated into the mentioned development document. However, the document lacks a holistic view of urban ecology and its benefits. In the three examined components, ecosystem services were mentioned 607 times, both implicitly (312 times - 51.4%) and explicitly (295 times - 48.6%), with the most attention given to the information base component (358 times - 59%). The significant difference in the score for cultural services (400) compared to provisioning (274), regulating (198), and supporting (30) services suggests that cultural services are more comprehensively included in the Arak metropolis plan.

Discussion:

The inconsistency in addressing each service or concept across the three components highlights a lack of significant correlation between data collection, analysis, goal formulation, vision development, plan preparation, and the establishment of rules and regulations. Another critical issue is the misalignment between the process and content of these plans with new concepts, as well as the weakness of the comprehensive rational process in integrating these concepts. To incorporate new ideas like ecosystem services into urban development plans, not only is there a need to strengthen content and process, but also to improve planning tools. Empirical studies suggest that tools such as Strategic Environmental Assessment (SEA) can help bridge this gap.

Conclusion:

Incorporating the concept of ecosystem services into new laws, guidelines, or revisions of existing plans and programs is a complex process that cannot be accomplished in the short term. The presence of informed stakeholders, public decision-makers, and experts is essential. Additionally, it is crucial to form interdisciplinary teams within both consulting engineering firms that prepare urban development plans and public institutions responsible for drafting and approving these plans. Tools such as Strategic Impact Assessment (SIA) are recommended to evaluate proposed alternatives and select the final options.

Keywords:

Ecosystem services, integration, urban development plans, content analysis, Arak

Citation: Mostafavi, N., Partovi, P., & Asadolahi, Z. (2024). Ecosystem services in Arak's urban development plans: facts and needs, *Motaleate Shahri*, 13(50), 47– 60. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62837>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Ecosystem services in Arak's urban development plans: facts and needs

Najme Sadat Mostafavi¹ - Member of Urban Physical Development Department, ACECR, Iran; Department of Urban Planning, School of Architecture and Urban Studies, Iran Art University, Tehran, Iran.

Parvin Partovi - Department of Urban Planning, Iran Art University, Tehran, Iran.

Zahra Asadolahi - Department of Environment and Fisheries, Faculty of Agriculture and Natural Resources, Lorestan University, Khorram Abad, Iran.

Received: 08 June 2023 Accepted: 02 September 2023

Highlights

- Urban development plans offer numerous opportunities to incorporate the concept of ecosystem services into the urban planning process, yet their integration remains inconsistent.
- Scientific methods to evaluate the uptake and operationalization of ecosystem services in urban planning include stakeholder interviews and content analysis of plans.
- Analyzing these plans provides a broader understanding of the potential, gaps, and limitations regarding ecosystem services.
- Cultural ecosystem services, followed by provisioning and some regulating services, receive the most attention in these plans.
- The survey and analysis phase, influenced by the scale of service studies, is the primary focus.

Extended abstract

Introduction:

Urban areas, as human-environment systems, depend heavily on natural ecosystems for sustainability and well-being. Therefore, integrating ecosystem services into urban planning is essential for promoting sustainable urban development. Among the various decision-making processes impacting ecosystem services in cities, urban planning is arguably the most critical. Despite the increasing academic interest in ecosystem services, there are still significant knowledge gaps regarding their integration into urban planning. Incorporating ecosystem services into the management of urban land is crucial for the rational allocation of land and effective ecological management in urban areas.

However, several obstacles hinder this integration, including the inadequacies in the content and process of urban development plans, the limitations of current planning tools, the lack of knowledge about ecosystem services, the absence of relevant institutions and executive organizations, and the deficiency in the application of ecosystem services knowledge in practice and policy. Moreover, the necessary legal and regulatory frameworks are often lacking. This paper aims to examine both the current and potential utilization of ecosystem services in urban development plans, specifically focusing on the city of Arak.

Methods:

Two dominant scientific approaches are employed to evaluate the uptake and operationalization of ecosystem services in urban planning: interviewing stakeholders and analyzing the content of plans and policies. Content analysis of urban development plan documents provides a comprehensive understanding of the potential, gaps, and limitations related to the inclusion of ecosystem services in urban planning practices. To achieve this goal, a content analysis method with a directional approach (deductive method based on theory) was utilized. The study examined the extent to which

¹ Corresponding author: Mostafavi@acecr.ac.ir

Council from an evaluative perspective. Data and information were collected through a document-library method, utilizing sources such as the Tehran Islamic Council's approvals department and the comprehensive system of council resolutions. Given that many entries in the approval system contain flaws and omissions, a compliance method was employed to correct these issues by cross-referencing each resolution individually and extracting the missing information. Moreover, due to the nature of the research—which involves the critique and evaluation of the content of the council's resolutions in its fifth term—a content analysis approach was used.

Results and Discussion:

The findings reveal that 68.1% of the fifth term council's resolutions were bills, while only 31% were plans. This suggests that more than two-thirds of the council's legislative efforts were directed towards municipal bills, leaving limited time for council members to develop and propose reformative or developmental plans. Furthermore, 93.6% of the resolutions were categorized as standard, 4.6% as urgent, and only 1.7% as highly urgent.

Conclusion:

The results of this research indicate that the fifth term of the Tehran City Council may be considered one of the weakest in terms of its contributions to urban governance. The content and thematic analysis of the resolutions suggest that:

1. A significant portion of the council's time was consumed by internal municipal matters, with few resolutions addressing urban issues, citizen concerns, or current challenges facing Tehran.
2. Many of the council's resolutions involved minor amendments to existing legislation, rather than introducing new initiatives.
3. The number of resolutions aimed at facilitating urban development and growth was notably limited.
4. The fifth term of the Tehran council was characterized by a focus on theoretical and software-related issues, with minimal emphasis on practical, hardware-related activities.
5. Key provisions of the Law on Organizations, Duties, and Powers of Councils were frequently disregarded or invalidated.
6. The council failed to address urban problem-solving effectively, with no significant new urban issues or innovative solutions emerging during this term.

Keywords:

Regulation, Islamic Council of Tehran, Municipality, Bill, Plan.

Acknowledgment:

This article is derived from the research project titled "Evaluation of the Approvals of the Fifth Term of the Tehran Islamic Council," conducted by the Center for Studies and Planning of the City of Tehran.

Citation: Yarihesar, A., & Dashti, A. (2022). Analysis and Evaluation of the regulations of from the fifth periods of the Islamic Council of Tehran, *Motaleate Shahri*, 13(50), 33–46. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62702>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Analysis and Evaluation of the regulations of from the fifth periods of the Islamic Council of Tehran

Arastoo yari hesar¹ - Department of geography and urban and rural planning, Faculty of social science, University of Mohaghegh ardabili, Adabil, Iran.

Ali, Dashti - Department of public low, faculty of Low, Islamic Azad University, Central branch, Tehran, Iran.

Received: 15 November 2022 Accepted: 05 April 2023

Highlights

- A significant portion of the Fifth Council's tenure was devoted to internal municipal matters, resulting in a limited number of approvals directly addressing urban issues, citizen concerns, or current challenges facing Tehran. In essence, the priorities of this council did not align closely with the immediate needs of the city or its residents.
- Where urban issues were addressed in the council's resolutions, these primarily revisited unresolved matters from previous terms, with little to no introduction of new concerns or innovative solutions.
- The specialized commissions within the Tehran City Council appeared to lack vision and expertise, evident in the scarcity of innovative topics, the neglect of global issues pertinent to Tehran, and the absence of attention to the city's major challenges.

Extended abstract

Introduction:

Islamic councils and municipalities serve as the foundational pillars of urban governance in Iran. The Islamic Councils of Cities, as policy-making bodies, play a crucial role in shaping urban management processes and performance. The decisions and policies endorsed by these councils significantly influence urban management outcomes. Therefore, it is imperative to evaluate these councils' performance by scrutinizing their resolutions to identify strengths and areas needing improvement. The most effective tool for this evaluation is an analysis of their legislative outputs.

During its five terms, the Islamic Council of Tehran has reviewed numerous bills and plans, resulting in a substantial number of resolutions. In its fifth term, the Council passed 878 resolutions across 315 meetings. This research aims to:

1. Conduct a quantitative and qualitative evaluation of the resolutions passed by the Tehran Islamic Council in its fifth term.
2. Analyze and compare these resolutions with the Law on Organizations, Duties, and Powers of Councils.
3. Assess the alignment of these resolutions with the key priorities and issues facing Tehran, as well as the concerns of its citizens.

Theoretical Framework:

In a local management system that emphasizes genuine citizen participation, the primary goal is planning by the people, not merely for the people. Urban Islamic councils, as representatives of the populace, embody this participatory approach through their legislative activities. Over the past two decades, there has been a paradigm shift in urban planning and management from prescriptive to participatory approaches. This shift includes moving from a focus on results to an emphasis on processes, from reliance on existing resources to capacity building, and from government-centric solutions to problem-solving methods that leverage civil society initiatives and citizen participation. In this context, the resolutions passed by Islamic councils hold particular significance.

Methodology:

This research is classified as basic research with a developmental focus, analyzing the resolutions of the Tehran Islamic

¹ Corresponding author: A-yari@uma.ac.ir

The majority of studies emphasize collective memory, a shared memory among the people of a region or city, often detached from individual experiences.

In the context of place memory, the processes of memory formation, recording, transmission, continuity, and recall are distinct yet interconnected. Depending on the research's case study—whether it involves a city, village, single building, or urban space—these processes include various components. Generally, these components can be categorized into three main groups: spatial, social, and emotional.

Sociologists like Maurice Halbwachs and Pierre Nora have noted that the sociability of a space significantly influences collective memory. One result of sociability is face-to-face communication, which relies on the space's ability to accommodate people together—a crucial factor in memory studies. In essence, a space's potential to become memorable is closely tied to its capacity for social interaction and presence.

Interestingly, few articles explore the topic of memory in relation to homes that are not linked to childhood experiences. Another notable issue is the relationship between age and memory. From an early age, individuals develop positive and negative feelings toward their environment, which can be shaped by physical changes in residential areas. Such changes not only impact children's spatial behavior but also influence their psychological development.

When public spaces fail to consider children's needs, expectations, and desires, their design—crafted solely by adults—can negatively affect children's social, cultural, and mental development. Public spaces are often the only areas where children can play and socialize outside their homes and schools. This underscores the importance of creating environments that engage children constructively, making residential areas where significant childhood memories are formed more livable.

Conclusion:

The growing volume of studies in various fields necessitates summarizing and interpreting existing research, identifying frequently studied areas, and finding research gaps to inspire new topics for future exploration. This study addresses the critical issue of place memory within Persian language research through a systematic review.

The relatively small number of existing studies in this field suggests that place memory research is still in its infancy, with limited depth and focus. The concept of memory has not yet reached saturation in any of the discussed fields, presenting future research opportunities. The most critical factor in strengthening memory in a place—sustaining mental patterns—has been scarcely discussed in the literature. Topics related to memory, such as revival and reconstruction in historical contexts, identity, belonging, and attachment to place, have been repeatedly examined. The importance of understanding identity and the solutions some researchers offer by referencing the past, alongside the growing trend of memory studies, highlight the significance of further exploring this topic.

Keywords:

Memory, collective memory, place memory, systematic review

Citation: Ghaslani, N., Aghalatif, A., NematiMehr, M., & Nadimi, H. (2023). A Study on Place Memory in Persian language research (An overview of the years 2006-2022), *Motaleate Shahri*, 13(50), 19–32. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.139037.4924>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



A Study on Place Memory in Persian language research (An overview of the years 2006-2022)

Nina Ghaslani - faculty of architecture and urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Azadeh Aghalatifi¹ - Department of Architecture, faculty of architecture and urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Marjansadat Nemati Mehr - Department of Urban Planning, faculty of architecture and urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Hamid Nadimi - Department of Architecture, faculty of architecture and urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 22 April 2023 Accepted: 26 June 2023

Highlights

- A systematic classification of Persian language studies on place memory and an analysis of their structure and content using a systematic review.
- Research gaps in place memory studies are highlighted to guide future studies.
- Keywords related to the memory of place and frequently appearing components are identified and discussed.

Extended abstract

Introduction:

Architecture and urban planning are deeply intertwined with the environment, which serves as a vessel for individual and collective human experiences that form memory. Memory studies, a rapidly growing research field, span various disciplines, including social sciences, humanities, landscape studies, architecture, and urbanism. In Iran and worldwide, research has explored memory in built environments from diverse perspectives. This article seeks to analyze and interpret the body of work published in Iran, aiming to prevent redundancy in this field while identifying existing research gaps.

Methodology:

This research adheres to the PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses) statement list for information collection and document screening. The study sample was selected based on internet searches of related keywords (e.g., memory and place memory) across Mogiran, SID, and Ganj-Irandoc scientific databases. No time limits were set for the search, but the focus was on publications between 2006 and 2022. Initially, 206 articles were retrieved from the Mogiran site, 101 articles from SID, and 16 doctoral theses related to architecture and urban planning. Following a thorough screening process that involved reviewing titles, abstracts, and content relevance, a final selection of 38 articles from scientific research publications was made, rated from A to D in the Ministry of Science, Research, and Technology's scientific publications portal. Additionally, 4 doctoral theses were selected for in-depth review after similar screening.

To systematically extract and categorize information, a table was designed based on each article's publication year. The data analysis and interpretation were conducted through coding and grouping similar content. This systematic approach enabled the authors to interpret and describe various aspects of the phenomenon under study, ultimately contributing to a comprehensive understanding of place memory in Persian language research.

Results and Discussion:

This research focuses on the publication and evolution of scientific studies on place memory in Iran, examining both the structure and content of these studies. A central theme in the research is the concept of collective or individual memory.

¹ Corresponding author: A-Aghalatifi@sbu.ac.ir

compared to other zones.

By refining the analysis and focusing on the specific dimensions and criteria, the study provides a comprehensive understanding of how various factors contribute to the livability and empowerment of residents in informal zones. This nuanced approach highlights the importance of addressing both perceptual-semantic and material dimensions to enhance the overall quality of life in these areas.

Conclusion

The research results indicate that any factor enhancing the viability of residential spaces concurrently boosts the empowerment of their residents. The most influential aspect in empowering residents is the perceptual-semantic components of livability. This is because everyone's living environment contains elements that affect their activities, and a person's behavior is influenced not only by their inner needs and motivations but also by their living environment. Ignoring the livability capacities, especially the perceptual-semantic components, in planning and intervention measures will pose serious challenges in improving the quality of life and empowering residents.

Thus, in all marginalized areas, strategies should be adopted to realize and strengthen the sense of belonging, security, and attention to the residents' religious beliefs and way of life for their psychological empowerment, which has the most significant impact on their overall empowerment. Among the marginalized areas of Tabriz city, the northern regions exhibit the lowest level of realization of empowerment components due to the lowest level of viability, necessitating special attention.

Regarding economic empowerment, the material criteria of livability have the greatest impact. Additionally, the functional-activity measures of livability significantly influence two dimensions of empowerment: economic and social empowerment, respectively. The perceptual-semantic criteria predominantly affect the psychological empowerment of the residents.

Key words:

Housing, Informal settlements, empowerment, livability, Tabriz.

Acknowledgment

This research is supported by Iranian Urban Regeneration Company with contract number 16997 dated 2022 - 7 - 27.

Citation: Shahihagh, Z., Gharehbeglou, M., Beyti, H. (2024). Investigating the impact of livability of low-income residential spaces on the empowerment of their residents (Case Study: four informal areas in the city of Tabriz), *Motaleate Shahri*, 13(50), 3–18. <https://doi.org/10.22034/urbs.2023.62804>.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



elements of empowerment. Their theories stress the importance of awareness and the power of connections, interactions, and social partnerships in empowering individuals.

Additionally, the presence of elements such as welfare and access (Longwe), income (Sen, 1999), resources and possessions (Kabbeer), and economic ability (Stromquist, 1999) among the components related to empowerment underscores the significance of the economic dimension of empowerment. Therefore, the concept of empowerment encompasses three primary dimensions: economic, social, and psychological.

However, the most critical aspect of empowerment is gaining the power to control and master the forces that affect human life. By acquiring certain abilities, individuals can influence the determining factors of their lives. Life is one of the most fundamental aspects of human existence, and attention to it and the quality factors of residential space can enhance the quality of the environment and the satisfaction of residents.

Based on previous studies and in line with the research's purpose and its relationship with the dimensions of empowerment, the components of livability are categorized into three dimensions: material (economic, physical, environmental), functional-activity, and perceptual-meaning (cultural and psychological). The relationship between each of the three dimensions of empowerment and the dimensions of viability was examined.

Methodology

The research method is practical based on its objective. In terms of data collection and analysis, it employs a correlational approach and is founded on the structural equation model. The primary tool for data collection is a questionnaire. The statistical population of the study comprises residents from the following neighborhoods: Seilab in the northern zone, Abuzar in the northwestern zone, Zamzam in the southern zone, and Akhmakiyeh in the southwestern zone.

To determine the sample size, a simple random sampling method was utilized. Initially, a pre-test was conducted as a pilot among 35 residents of the aforementioned neighborhoods, and the Cronbach's alpha value was calculated to be 0.744. For estimating the sample size, the formula proposed by Tabachnick and Fidell ($M8 + 50 \geq N$) was applied, resulting in an estimated sample size of 150 individuals.

Results and Discussion

The research findings are divided into four parts:

1. Structural Model Analysis:

- The structural model reveals a positive and significant relationship between the variables of empowerment and viability.

2. Effective Dimensions in Livability:

- The most influential dimension in livability is the perceptual-semantic dimension. Within this dimension, the components of sense of belonging to the place and security are the most effective criteria for the livability of residential spaces. Following these are the components of the functional-activity and material dimensions.

- The most impactful dimension for empowering residents is the psychological (cognitive) dimension, where the components of meaningfulness and trust are the most significant criteria for empowerment.

3. Interrelation of Viability and Empowerment Dimensions:

- Each dimension and criterion of viability affects not just one, but all dimensions of empowerment. However, by comparing their factors, it becomes evident that each dimension and criterion of livability in residential spaces has a more pronounced effect on one or two dimensions of empowerment.

4. Comparative Analysis of Informal Zones in Tabriz City:

- The degree of fulfillment of the functional-activity dimension components of livability is consistent across all four informal zones of Tabriz city, with a range of 3.33-3.66. This indicates that in all areas, the access to public transportation, employment services, educational, health, sports, and leisure facilities, as well as the level of participation and sociability of the residents, are similar and face the same challenges.

- The differences in the vitality of the zones are attributed to variations in the components of the material and perceptual-semantic dimensions.

- The northern zone exhibits the lowest level of empowerment, while the southern zone shows the highest level

Investigating the impact of livability of low-income residential spaces on the empowerment of their residents

(Case study: four informal areas in the city of Tabriz)

Zahra Shahihagh - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran.

Minou gharehbaglou¹ - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran.

Hamed Beyti - Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran.

Received: 25 May 2023 Accepted: 09 August 2023

Highlights

- Any factor that makes residential spaces liveable, also increases the capabilities of its residents.
- The most important and influential dimension in the direction of empowering the residents is the components of the perceptual-meaning dimension of livability (sense of belonging, security, religious beliefs and way of life).
- In terms of economic empowerment, the material criteria of livability have the greatest impact; Also, the functional-activity criteria of livability, two dimensions of economic and social empowerment, and the perceptual-meaning criteria of livability mostly affect the psychological capability of the residents.
- The northern area among other marginal areas of Tabriz city, due to the lowest level of livability, has the lowest level of realization of empowerment components, which should be given special attention.

Extended abstract

Introduction:

Informal settlements, as a prominent manifestation of urban poverty, are typically formed within or adjacent to cities. These settlements often lack building permits and official urban development plans. The primary reason for their formation is the inability of people to secure housing in the formal market, compelling them to seek shelter through informal means. This leads to numerous problems. Consequently, various approaches have been proposed globally, particularly in third-world countries, to address the issue of informal settlements.

In contemporary discourse, empowerment is considered the most effective strategy. It aims to enhance the capabilities and improve the living standards of residents while upholding the principles of human dignity and social justice. However, neglecting the environmental qualities and the needs of the residents can cause this strategy to fail. Life unfolds within the context of the environment, and livability addresses the connection between housing and human life, along with its needs, by focusing on the quality of the environment in residential spaces.

Theoretical Framework

This research encompasses two key concepts and variables: viability and empowerment. Researchers have identified various dimensions of the concept of empowerment. Some scholars emphasize the psychological aspects of empowerment, considering elements such as the feeling of competence, the sense of being effective, and the perception of freedom of action as core components of empowerment. In contrast, the social dimension of empowerment has been prominently featured in the theories of many empowerment thinkers, including Sara Longwe (1991), Stromquist (1999), Naila Kabeer (2012), and Hoyt Oliver (2020). These theorists highlight awareness, interaction, and social participation as crucial

¹ Corresponding author: M.gharehbaglou@tabeiziau.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Investigating the impact of livability of low-income residential spaces on the empowerment of their residents**
Case study: four informal areas in the city of Tabriz | Zahra Shahihagh, Minou gharehbeiglou, Hamed Beyti
- **A Study on Place Memory in Persian language research (An overview of the years 2006-2022)**
Nina Ghaslani, Azadeh Aghalatifi, Marjansadat Nemati Mehr, Hamid Nadimi
- **Analysis and Evaluation of the regulations of from the fifth periods of the Islamic Council of Tehran**
Arastoo yari hesar, Barzin zarghami, Ali, Dashti
- **Ecosystem services in Arak's urban development plans: facts and needs**
Najme Sadat Mostafavi, Parvin Partovi, Zahra Asadolahi
- **Measuring urban resilience against flood risk using composite indicators**
Case study: Khorramabad city | Yaghob Abdali, Hossein Hataminejad, Saeed Zanganeh Shahraki, Ahmad Pourahmad, Mohammad Salmani
- **Analysis of Socio-spatial Segregation of Ethnic Groups in the City of Bojnurd, Iran**
Mohammad Reza Zamiri, Mahin Nastaran, Mahmoud Ghalehnoee

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Kayoumars Irandoost, Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

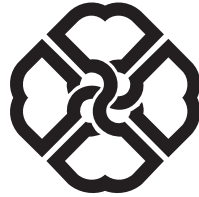
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.50, Spring 2024